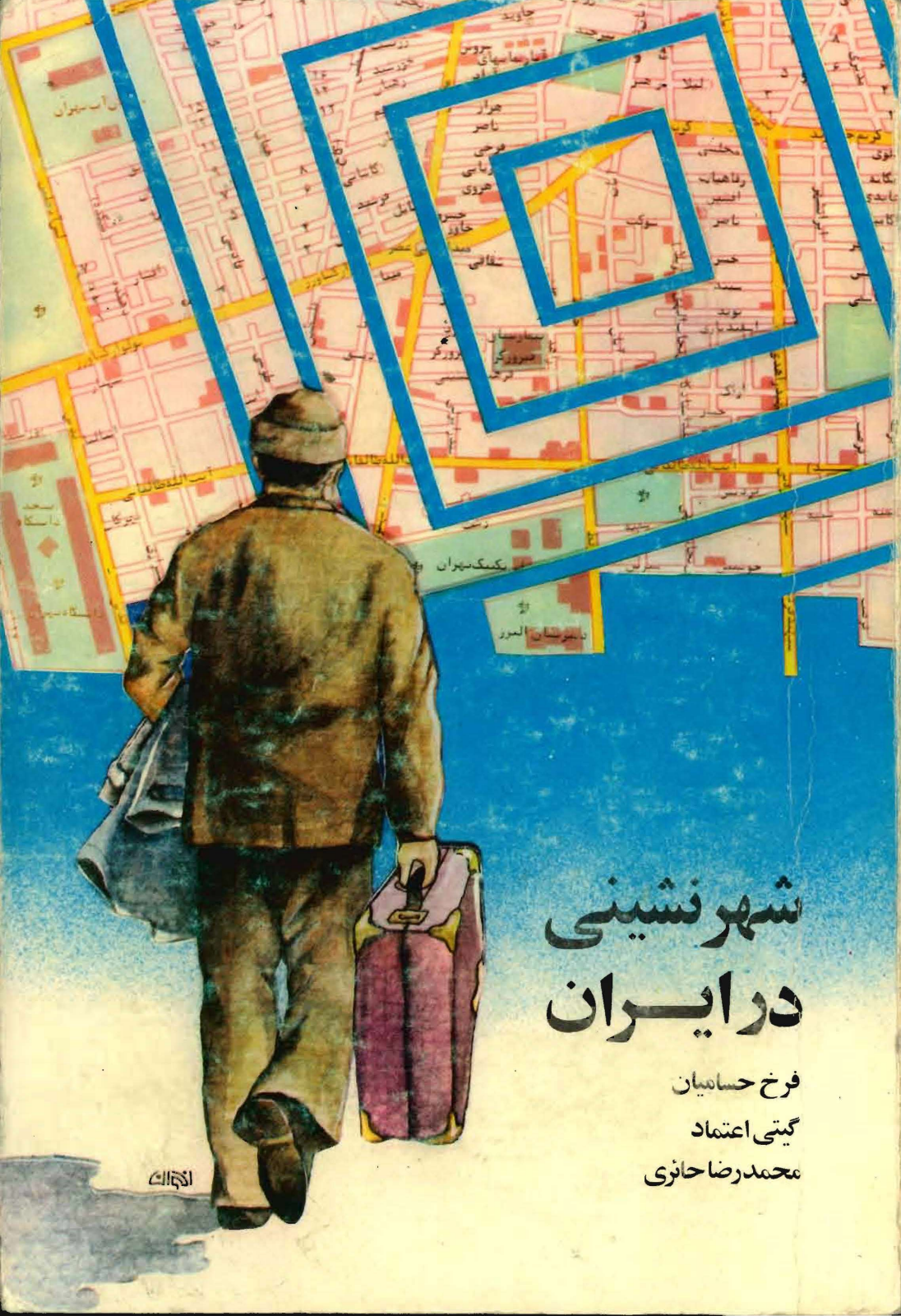




شهر نشینی در ایران

فرخ حسامیان

گیتی اعتماد

محمد رضا حاوی

شهرنشینی در ایران

نوشته

فرخ حسامیان، گیتی اعتماد، محمدرضا حائری



مؤسسه انتشارات آگاه

تهران، ۱۳۶۳



گروه تحقیق و مطالعات شهری و منطقه‌ای

شهرنشینی در ایران

فرخ حسامیان، محمدرضا حاقری، گیتی اعتماد

چاپ اول، زمستان ۱۳۶۳، حروفچینی پیشگام، شرکت چاپ گوته

تعداد: ۳۳۰۰ جلد

حق چاپ و انتشار برای مؤسسه انتشارات آگاه محفوظ است

فهرست

۷	مقدمه
۱۲	شهرنشینی مرحله گذار
۱۷	فرخ حسامیان
۲۲	مداخل
۲۵	مقدمه
۲۸	۱. شهرنشینی بطئی: مرحله گذار به سرمایه‌داری ۱۳۴۰-۱۳۰۰
۳۰	۱-۱. مدرنیزاسیون، یکپارچگی بازار داخلی، آغاز تحول شهری
۳۴	۱-۲. وقفه در روند مدرنیزاسیون ۱۳۳۲-۱۳۲۰
۳۷	۱-۳. کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و ادامه روند مدرنیزاسیون ۱۳۳۲-۴۵
۴۴	۲. خصلت‌یابی شهرنشینی بطئی ۱۳۴۰-۱۳۰۰
۴۹	۱-۲. رابطه شهر و روستا ۱۳۲۰-۱۳۰۰
۵۱	۲-۲. شهر و روستا ۳۲-۱۳۲۰
۵۶	۲-۳. شهر و روستا ۴۰-۱۳۳۲
۵۷	۲-۴. نتیجه‌گیری
۶۴	۳. شهرنشینی سریع: مرحله بسط سرمایه‌داری ۵۵-۱۳۴۰
۶۷	۱-۳. اصلاحات ارضی، برنامه‌های عمرانی، ..
۷۲	۲. شهر و روستا ۵۵-۱۳۴۰
	۳-۱. خصلت‌یابی شهرنشینی سریع
	۵. نتیجه‌گیری

مهاجرت در ایران در دهه‌های اخیر

گیتی اعتماد

- ۷۵ مقدمه
- ۷۹ تصویری کلی از ساخت جمعیت ایران در دو دهه اخیر
- ۹۰ ۱- مهاجرت قبل از اصلاحات ارضی
- ۹۱ الف- مهاجرت روستا به شهر
- ۹۷ ب- مهاجرت شهر به شهر قبل از اصلاحات ارضی
- ۱۰۰ مهاجرت روستا به شهر بعد از اصلاحات ارضی
- ۱۰۶ مهاجرت شهر به شهر بعد از اصلاحات ارضی
- ۱۰۸ ج- مکانیزم مهاجرت و قشربندی‌های مهاجرین
- ۱۱۲ اثرات و نتایج مهاجرت در ایران

شبکه شهرهای ایران

گیتی اعتماد

- ۱۲۰ شبکه شهری پیش از سرمایه‌داری
- ۱۳۱ ۱- مرکز خدمات یا مبادلات منطقه
- ۱۳۲ ۲- مراکز ارتباطات
- ۱۳۲ ۳- مراکز حکومتی-نظامی
- ۱۳۳ ۴- مراکز تولیدات پیشه‌وری
- ۱۳۳ ۵- شهرهای معدود مذهبی و زیارتی
- ۱۳۴ شبکه شهرهای ایران در حال حاضر
- الف- گسیختگی شبکه شهری در رابطه با تغییرات و تحولات

- ۱۳۸ عملکردهای شهری
- ۱۳۹ ۱- تغییرات در خدمات و مبادلات منطقه‌ای
- ۱۳۹ ۲- تغییرات در زمینه ارتباطات
- ۱۴۰ ۳- تغییر عملکرد حکومتی شهرها
- ۱۴۰ ۴- تغییر عملکرد تولیدی
- ۱۴۱ ۵- تغییر در عملکردهای شهرهای زیارتی
- ۱۴۲ ۱- حوزه خدمات
- ۱۴۳ ۲- حوزه تولید

ب- گسیختگی شبکه شهری در رابطه با گسیختگی شبکه محلی استخراج و تمرکز مازاد اقتصادی بر اثر عمده

- ۱۴۵ شدن صادرات نفت
- ج- گسیختگی شبکه شهری در رابطه با تغییرات و تحولات ساخت اشتغال
- ۱۴۷

۱۴۹	۱- بخش خدمات
۱۴۹	۱- بخش آموزشی، بهداشتی، اداری
۱۵۰	۲- حمل و نقل و ارتباطات
۱۵۱	۳- حوزه صنایع تفریحات و توریسم
۱۵۱	۲- بخش تولید
۱۵۲	۱- پیشه‌وری یا تولید سنتی
	پویش شهرنشینی در گاشان محمد رضا حائری
۱۶۳	مقدمه
۱۶۶	دوره‌ها و عوامل شهرنشینی
۱۶۹	دوره اول شهرنشینی - خلاصه تاریخی
۱۷۱	شهرنشینی و مهاجرت در دوره اول
۱۷۳	ساخت اشتغال شهر در دوره اول شهرنشینی
۱۷۴	کالبد شهر در دوره اول شهرنشینی
۱۷۸	شهرنشینی در دوره دوم (۱۳۵۵-۱۳۴۰)
۱۸۰	نقش اداری-خدماتی شهر
۱۸۳	ساخت اشتغال در دوره دوم شهرنشینی
۱۸۵	قالی‌بافی
۱۸۹	صنایع کارخانه‌ای
۱۹۲	پیدایش و نقش بانک‌ها
۱۹۳	شهرنشینی و مهاجرت در دوره دوم
۱۹۷	پیدایش شبکه و ناحیه شهری
۲۰۲	«تولید اراضی» شهری
۲۰۵	کالبد شهر در دوره دوم شهرنشینی
۲۰۸	همزیستی سازمان‌های تولیدی سنتی و مدرن در شهر
۲۱۰	مقایسه رشد مشاغل و رشد شهرنشینی
۲۱۲	توسعه کالبدی، تراکم، تأسیسات زیربنایی و مسکن
۲۱۵	نمودارها، نقشه‌ها و تصاویر

مقدمه

گروه تحقیق و مطالعات شهری و منطقه‌ای در سال ۱۳۵۴ عمدتاً از معماران و شهرسازان و بعضاً از سایر متخصصین علوم اجتماعی تشکیل شد. هدف این گروه دستیابی به مطالعه‌ای همه‌جانبه از مسائل شهر و شهرنشینی در جوامع توسعه نیافته و بالاخص ایران است. از آنجا که زمینه‌های تئوریک و بحث‌های مربوط به مسائل شهری در جامعه ما وجود نداشت، کار اصلی گروه برترجمه و انتشارکتاب و مقالاتی درباره شرایط اقتصادی و اجتماعی کشورهای توسعه نیافته و بازتاب این شرایط در شهرنشینی این جوامع متمرکز شد. در این زمینه تاکنون تعدادی کتاب و مجموعه مقالات درباره مفهوم شهر و تعاریف مختلف آن، ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع توسعه نیافته، و مهاجرت‌های داخلی در این کشورها از سوی گروه منتشر شده و منتشر نیز خواهد شد. مقالات گردآوری شده در این مجموعه اولین بخش از مطالعاتی است که گروه تحقیق و مطالعات شهری و منطقه‌ای درباره شهرنشینی در ایران انجام داده است.

مقالات این مجموعه بررسی وجوه مختلفی از شهرنشینی در ایران (از قبیل رابطه شهرنشینی و الگوی توسعه اقتصادی، مهاجرت از روستا به شهر و شبکه شهری در ایران) را شامل می‌شود. این مقالات به نحوی تنظیم شده‌اند که ابتدا تصویری کلی از شهرنشینی در ایران در نیم قرن اخیر به دست دهد و سپس وجوه مختلف شهرنشینی در ایران مورد بررسی قرار گیرد و در نهایت نمونه‌ای مشخص از شهرنشینی در ایران معرفی می‌شود. پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نه تنها از سرعت روند شهرنشینی در ایران کاسته نشد بلکه ضمن افزایش سرعت آن، مسائلی چون جنگ تحمیلی و جابجایی بیش از ۵ میلیون نفر جنگ‌زده و مهاجرت بیش از یک میلیون افغانی به ایران نیز مزید بر مشکلات و مسائل قبلی شهرنشینی شد، تا جایی که امروزه شاهد شکل‌گیری آشکار نظرات «ضد شهری» و «جلوگیری از مهاجرت» و امثال آن در نزد مسئولین امر هستیم. گذشته از اینکه جلوگیری از مهاجرت‌های داخلی تا چه حد مطلوب و اساساً مقدور باشد می‌توان به جرأت گفت بدون شناخت عوامل مکانیسم‌هایی که موجب مهاجرت و توسعه شهرنشینی در ایران در دهه‌های اخیر شده است، هرگونه برخورد جدی و خردمندانه با مسائل و مشکلات شهری در برهه حاضر نامیسر است. محدوده زمانی مقالات این مجموعه به پیش از انقلاب اسلامی مربوط می‌شود و کوششی است برای شناساندن عوامل مؤثر در شهرنشینی و خصلت‌یابی کیفیت‌های شهرنشینی در جامعه معاصر ایران. مطالعه

تحولاتی که پس از انقلاب اسلامی در روند شهرنشینی رخ داده است نیازمند فرصت و گذشت زمان بیشتری است که امید است بتوان در آینده به آن همت گمارد.

در مقاله اول این مجموعه «شهرنشینی مرحله گذار»، زمینه‌های رشد شهری در چشم‌انداز تاریخی نیم قرن گذشته بررسی شده است. گرایش به شهرنشینی و افزایش مهاجرت‌های داخلی و جابجایی‌های جمعیت را نمی‌توان بدون رجوع به الگوی توسعه اقتصادی بیان کرد، چرا که شهرنشینی به يك معنا بازتاب فضایی توسعه اقتصادی و اجتماعی است. در این مقاله نشان داده شده است چگونه تحولاتی که از دهه ۱۳۰۰ در ایران آغاز شد سبب آغاز و سپس توسعه روند شهرنشینی شد و ضمن گذار از مراحل مختلف، بالاخره به مرحله «شهرنشینی سریع» معاصر رسید. فروپاشی روابط سنتی در جامعه و جایگزینی هرچند ناقص روابط سرمایه‌داری از مهم‌ترین عوامل شهرنشینی در دهه‌های اخیر بوده است که عمدتاً سبب دگرگونی روابط شهر و روستا شده و جابجایی‌های جمعیتی از روستا به شهر و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ را باعث گشته است. در این مقاله همچنین نشان داده شده است تغییرات الگوی توسعه اقتصادی و اجتماعی در مراحل مختلف از سال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۵۵ باعث تغییراتی در مکانیسم‌ها و عوامل مؤثر در شهرنشینی شده است که بر حسب این تغییرات می‌توان بطور کلی دو دوره شهرنشینی بطئی (۱۳۴۰-۱۳۰۰) و شهرنشینی سریع

(۱۳۵۵-۱۳۴۰) هریک باخصلت‌ها و مکانیسم‌های خاص

خود در شهرنشینی ایران تشخیص داد.

مقاله «مهاجرت‌های داخلی در ایران» به علل و مکانیسم‌های مؤثر در مهاجرت از روستا به شهر و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ در همین دوره تاریخی می‌پردازد. در این زمینه دو دسته از علل اصلی در تشدید روندهای مهاجرتی از روستا به شهر، یکی علل ناشی از فقدان رونق شهری و دیگری علل حاصل از رونق شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد. این بررسی شناخت دقیق‌تری از علل مهاجرت در مراحل مختلف شهرنشینی که در مقاله اول بدان اشاره شده به دست می‌دهد و با تحلیل تحولات بخش کشاورزی میزان مهاجرت‌های داخلی در هر مرحله را مشخص می‌کند.

مقاله «شبکه شهری در ایران» در حقیقت بازتاب مهاجرت‌های داخلی را در تمرکز شهری بررسی می‌کند و نشان می‌دهد توزیع ناموزون مهاجرت‌های داخلی چگونه سبب گسیختگی شبکه شهری در ایران شده و برخی شهرها از جمله متروپل تهران با سرعت به مراتب بیشتری از برخی شهرهای دیگر رشد کرده‌اند. این ناموزونی رشد شهری باعث برهم خوردن سلسله مراتب شهری از حیث جمعیت و عملکردهای شهری شده است و شهرهای واسطه-ای نقش اندکی پیدا کرده‌اند. مسأله تمرکز شهری و گسیختگی شبکه شهری در این مقاله با مراجعه به الگوی توسعه اقتصادی و اجتماعی و تحولات آن بررسی شده است و نشان داده شده است نظام اقتصادی و اجتماعی

بدلیل تمرکزی که در بطن خود دارد سبب تمرکز شهری و فضایی نیز گشته است.

مقاله «پویش شهرنشینی در کاشان» بررسی نمونه‌ای مشخص از شهرنشینی در نیم قرن اخیر است. این مقاله زمینه‌ای عینی به دست می‌دهد تا تحلیل‌های قبلی درمورد شهرنشینی در ایران در آن به آزمون گذارده شود. در این مقاله ضمن ارائه تارپنجه مختصری از شهر کاشان، رشد این شهر از دهه ۱۳۰۰ به بعد بررسی می‌شود. دو دوره متمایز شهرنشینی در ایران در این شهر نیز بخوبی مشهود است و در هر دوره نشان‌داده می‌شود چگونه تحولاتی در زندگی اقتصادی شهر و تغییر رابطه شهر و روستا باعث همزیستی کالبدی فضاها و سنتی و مدرن در این شهر گشته است.

این مجموعه گامی اولیه در راه شناخت مسائل شهری جامعه ماست. نقد و بررسی مطالب آن می‌تواند با گشودن زمینه بحث و تبادل نظر به شناخت یکی از مهم‌ترین معضلات جامعه معاصر ایران کمک کند.

گروه تحقیق و مطالعات شهری و منطقه‌ای

شهرنشینی مرحله گذار

مدخل

در فرهنگ جامعه ما، که خود فرهنگ مراحل آغازین جامعه‌ای در حال شهرنشین شدن به سبک معاصر است، چنین باب شده است که شهرنشینی را نه چون پدیده‌ای ضروری در روند تکامل جامعه، بلکه به مثابه اتفاقی ناگوار و احیاناً قابل اجتناب در نظر آورند. این بینش در حقیقت بیان وارونه آن چیزی است که به «مشکلات» و «عوارض» شهرنشینی و زندگی شهری معروف شده است؛ وارونه، زیرا این بینش خود «شهرنشینی» را بانی تمامی «مشکلات» قلمداد می‌کند حال آنکه شهرنشینی محصول آن نظام اقتصادی/اجتماعی است که خود «مشکل» زاست. بنابراین در این نحوه نگرش که بصورت یک عقیده رایج در آمده است طبیعی است که راه حل «مشکلات» شهری همانا جلوگیری از شهرنشینی و باز-

گشت به روستا تلقی شود. بینش فوق درنهایت با وارونه کردن روابط علت و معلولی به دام طرز تفکری که تحت عنوان بینش ضدشهری^۱ می‌شناسیم می‌افتد و نه تنها ضرورت تاریخی شهرنشینی را نفی می‌کند بلکه در برخورد با «مشکلات» شهری نیز نمی‌تواند کار ساز و نتیجه‌بخش باشد.

برای ارزیابی نقش و مفهوم شهرنشینی معاصر در ایران باید آن تحولات اقتصادی - اجتماعی را که بر نحوه استقرار فضایی جمعیت اثر می‌گذارد بررسی کنیم و از این طریق معنای تاریخی جابجایی‌های جمعیت و مهاجرت را در متن این تحولات اقتصادی - اجتماعی در- یابیم. بطور کلی و به بیانی ساده می‌توان گفت مهاجرت جمعیت از جایی به جای دیگر نتیجه کاهش امکانات اشتغال و زندگی در يك نقطه و افزایش این امکانات در نقطه دیگری از فضا است^۲ (زندگی به معنی برآورده شدن نیازهای «مادی» و «غیرمادی»). افزایش یا کاهش

۱- ر. ک. به اقتصاد سیاسی شهرنشینی، پل سینجر، انتشارات گروه تحقیق و مطالعات شهری و منطقه‌ای، ص ۱۵۱.

۲- از آنجا که شهرنشینی به عنوان پدیده‌ای چندبعدی دارای تعریف واحد و نیز متدولوژی ثابتی برای تحلیل نیست و می‌توان آن را از جوانب مختلف تحلیل کرد، لذا در این مقاله از تمامی وجوه شهرنشینی بحث نخواهیم کرد، بلکه بطور مشخص آن وجوهی از شهرنشینی را که بازتاب مرحله گذار جامعه ایران به سرمایه‌داری است مورد توجه قرار می‌دهیم. برای تعریفی ابتدایی و مفید از شهرنشینی که در این مقاله نیز از آن استفاده شده است، ر. ک. به مقاله «مبانی تئوریک شهرنشینی در کشورهای تحت سلطه» در وابستگی و شهرنشینی انتشارات گروه تحقیق و مطالعات شهری و منطقه‌ای.

امکانات اشتغال و زندگی در نقطه‌ای از فضا خود محصول تغییر و تحول سازمانیابی تولید در آن نقطه است. این تغییر و تحولات در شرایط مشخص منتج از تأثیرات متقابل شیوه تولید سرمایه‌داری و شیوه‌های تولید ماقبل آن است.

از يك زاویه، شهرنشینی به گونه خاص ایران همانند بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته بازتاب فضایی تحول در سازمانیابی تولید و بطور مشخص بازتاب بسط سرمایه‌داری پیرامونی^۳ در ایران است. بسط امکانات اشتغال و زندگی در برخی نقاط (عمدتاً شهر) بر اثر توسعه مناسبات سرمایه‌داری از يك سو، کاهش این امکانات در نقاط دیگر (عمدتاً روستا) بر اثر فروپاشی مناسبات پیش سرمایه‌داری از سوی دیگر زمینه مهاجرت‌های داخلی و شهرنشینی در ایران را فراهم آورده است. در این معنا شهرنشینی در ایران بیان فضایی یا انعکاس فضایی گذار از مناسبات پیش سرمایه‌داری به مناسبات سرمایه‌داری است.

معذالك از زاویه‌ای دیگر گذار به سرمایه‌داری در ایران يك گذار کلاسیك (مشابه کشورهای اروپایی) نبوده بلکه دارای ویژگی‌های ساختی - تاریخی^۴ است که در الگوی شهرنشینی جامعه ما نیز تأثیر مستقیم دارد. در این مقاله ضمن بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی که

۳- ر. ک. به سرمایه‌داری پیرامونی لوئیز پورا، انتشارات تندر.

۴- برای تشریح مفهوم ساختی-تاریخی ر. ک. به «وابستگی و توسعه در آمریکای لاتین» کاردوزو و فالتو، انتشارات تندر.

شهرنشینی را در دهه‌های اخیر در ایران ضروری ساخت است، خواهیم دید که «مشکلات» و «عوارض» شهری در حقیقت بیان ویژگی‌های ساختی - تاریخی فوق در روند شهرنشینی هستند. مهمترین این ویژگی‌ها به بیان کلی عبارت است از پیشی گرفتن شهرنشینی از روند توسعه اقتصادی و اجتماعی. افزایش جمعیت شهرهای بزرگ اروپا طی بیست سال حدود بیست درصد و سالانه حدود یک و نیم درصد بوده است؛ حال آنکه افزایش جمعیت پایتخت تهران در بیست سال حدود دویست درصد و سالانه حدود ۵٫۶ درصد بوده است.^۵ این آهنگ شهرنشینی به مراتب سریع‌تر از آهنگ توسعه اقتصادی و رشد فرهنگ اجتماعی بوده است که خود باعث بروز و سپس تشدید «مشکلات» شهری گشته است. لیکن باز هم نادرست خواهد بود که «مشکلات» فوق را ناشی از خود پدیده شهرنشینی بدانیم؛ چرا که در این حالت از رابطه شهرنشینی و الگوی توسعه اقتصادی و اجتماعی و ناموزونی‌ها و گسیختگی‌ها و تنگناهای الگوی توسعه که در روند شهرنشینی متجلی می‌شدند غافل خواهیم ماند. به عبارت دیگر به عنوان مثال «مشکل» بیکاری و حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ ناشی از نفس شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهر

۵- گزارش تهیه طرح و نقشه پایتخت تهران، پتر گئورگ ارنس، ۱۳۳۷. در فاصله سال‌های ۱۳۱۷ (۱۹۳۸ میلادی) و ۱۳۴۵ (۱۹۶۶ میلادی) نرخ رشد متوسط جمعیت تهران در سال معادل ۷٫۸ درصد بوده است درحالی‌که در همین فاصله نرخ رشد سالانه شهر نیویورک معادل ۱٫۵ درصد بوده است. (نقل از مانوئل کاستلی، «مسأله شهر»، متن فرانسه، صفحه ۳۱).

نیست بلکه شهرنشینی در این میان نقش متمرکزکننده بیکاری حاصل از الگوی توسعه اقتصادی و اجتماعی در روستاها را دارد. به بیان دیگر شهر در این الگوی توسعه مکان تجلی متمرکز بیکاری ای است که بر اثر همین الگوی توسعه در روستا پدید آمده است.

در مقاله حاضر سعی کرده ایم اولاً ضرورت شهرنشینی را در الگوی توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران (تا پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷) نشان دهیم و ثانیاً زمینه بروز آنچه را که به «مشکلات» شهری معروف است تشریح کنیم. برای این منظور روند شهرنشینی را از سال ۱۳۰۰ مطالعه کرده ایم و اوج و حضيض و نقاط عطف آن را در ارتباط با الگوی توسعه هر مقطع، مورد بررسی قرار داده ایم.

مقدمه

شهرنشینی از میان تحولاتی که در دو دهه اخیر در ایران روی داده است پویایی برجسته تر و نمایانتر است. در دو دهه اخیر، شهر در ایران به محور زندگی اقتصادی و اجتماعی جامعه تبدیل شده است و آنچه که به «مشکلات» شهری معروف است هر روز بیشتر نمایان گشته است. معذالك زمینه های رشد شهرنشینی در دو دهه اخیر در حقیقت از دهه های قبل فراهم شد و یا بطور دقیقتر از دهه ۱۳۰۰ یعنی مقارن آغاز گسترش روابط اقتصادی و اجتماعی سرمایه داری در ایران، شهر به مثابه مکان تحقق روابط سرمایه داری (مبادله، کار دستمزدی، تقسیم

کار و) بتدریج جای خود را در حیات جامعه باز کرد. طی این دوره نقش شهر به تبعیت از الگوی توسعه اقتصادی دستخوش تحول و اوج و حضیض‌هایی بوده است. در مواردی توسعه روابط سرمایه‌داری در شهر اثر چندانی بر ساخت اقتصادی روستا نمی‌گذارد و شهر مستقل از روستا توسعه می‌یابد. در مقاطعی رکود اقتصاد شهرها به حرکت‌های مهاجرتی حتی به خارج از کشور می‌انجامد و زمانی دیگر رونق شهری جاذب جمعیت روستا می‌گردد. بنابراین در این قسمت ابتدا اوج و حضیض‌های شهر-نشینی را در ارتباط با الگوی توسعه اقتصادی در هر مقطع مطالعه می‌کنیم.

در برخورد اولیه با اطلاعات و ارقام مربوط به جمعیت شهرنشین در ایران به دو دوره متمایز برمی‌خوریم: دوره اول که از دهه ۱۳۰۰ آغاز می‌شود و به اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ ختم می‌گردد و دیگری شهرنشینی پس از اصلاحات که از دهه ۱۳۴۰ آغاز می‌گردد و تا به امروز ادامه می‌یابد. (در دوره اول رشد جمعیت شهری سالانه بطور متوسط ۲٫۶۵ درصد بوده است و در دوره دوم به ۴٫۴۲ درصد رسیده است). بدین ترتیب اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ به مثابه عامل نهایی فروپاشی شیوه‌های تولید سنتی در روستا به عنوان نقطه عطفی در روند شهرنشینی در ایران متجلی می‌شود. در این مقاله شهر-نشینی دوره اول را به دلیل کندی آهنگ آن «شهرنشینی بطئی» و شهرنشینی دوره دوم را به دلیل آهنگ تند و اثرات دامنه‌دارتر آن بر زندگی جامعه «شهرنشینی سریع»

جدول ۱: رشد شهرنشینی در ایران ۱۳۵۵-۱۳۰۰

شهرنشینی بطئی ۱۳۰۰-۱۳۴۰	شهرنشینی سریع ۱۳۴۰-۱۳۵۵	رشد متوسط سالانه
۲/۶۵	۴/۴۲	رشد جمعیت شهری
۲/۱۲	۲/۷۷	رشد طبیعی جمعیت
۰/۵۳	۱/۶۵	مهاجرت

مأخذ: ایران در آینه آمار، مرکز آمار ایران، ۱۳۶۲

شهرنشینی بطئی در حقیقت گویای شکل شهرنشینی در مرحله‌ای است که تازه رشد روابط سرمایه‌داری آغاز شده است. در این مرحله روابط سرمایه‌داری هنوز سبب دگرگونی گسترده ساخت اقتصادی سنتی و پیش سرمایه‌داری در روستا نشده است و دگرگونی‌های شهری نیز به کندی صورت می‌گیرد. در این حالت هرچند ساخت تولیدی و اجتماعی رو به تغییر می‌رود لیکن این تغییرات هنوز در فضا و خاصه استقرار جغرافیایی جمعیت، بازتاب نیافته است. بطور کلی انعکاس تحولات اقتصادی و اجتماعی در فضا همواره نیازمند زمان است. به عبارت دیگر تغییری که در روابط تولید در يك مقطع رخ می‌دهد برای تبدیل به تغییری فضایی نیازمند زمان است و هیچگاه به یکباره در فضا بازتاب نمی‌یابد. مثلاً فروپاشی نظام‌های کهن روستایی بلافاصله به جریان‌های مهاجرتی تبدیل نمی‌شود یا تحول حیات شهری به یکباره، در

سازمان یابی فضایی شهر منعکس نمی شود. بر همین منوال اگرچه تحول در نظام اقتصادی و اجتماعی ایران از دهه ۱۳۰۰ آغاز می شود، لیکن در مراحل آغازین هنوز نمی توان از بازتاب فضایی این تحولات به شکل شهرنشینی و مهاجرت وسیع به شهرها سخن گفت چرا که اولاً این تحولات برای دامن زدن به شهرنشینی نیازمند زمان است و ثانیاً خود این تحولات هم از اوج و حضيض هایی می گذرد که به آن اشاره خواهیم کرد.

شهرنشینی سریع از سوی دیگر بیان شکل شهرنشینی در مرحله ای است که روابط سرمایه داری بسط یافته و زمان کافی پیدا کرده است که شیوه های تولید سنتی در روستا را تا حد زیادی نابود سازد و شهر را به مکان تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه بدل کند.

شهر در این مرحله قوه محرکه خود را دیگر از روستا کسب نمی کند و خود به قوه محرکه تحول روستا بدل می گردد. در این مرحله تحولات شهری به کل جامعه تعمیم می یابد و شهر و روستا هر دو از آن متأثر می شوند. روندهای مهاجرتی گسترده از روستا به شهر و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ، تغییر تناسب جمعیت شهری و روستایی به نفع جمعیت شهری، رشد سریع شهرهای بزرگ و خاصه پایتخت، و پیچیدگی روزافزون زندگی شهری و بروز آنچه به «مشکلات» شهری معروف شده است همگی از ویژگی های دوره دوم شهرنشینی یا «شهرنشینی سریع» به شمار می آیند. (جدول ۲)

جدول ۲: تحول استقرار فضایی جمعیت در ایران ۱۳۶۰-۱۳۰۰

۱۳۶۰*	۱۳۵۰	۱۳۴۰	۱۳۳۰	۱۳۲۰	۱۳۱۰	۱۳۰۰
۳۸۷۸۴۰۰۰	۳۰۰۲۰۰۰۰	۲۲۳۷۲۰۰۰	۱۶۲۳۷۰۰۰	۱۲۸۳۳۰۰۰	۱۱۱۸۵۰۰۰	۹۷۰۷۰۰۰
۲۰۰۸۵۰۰۰	۱۲۳۹۸۰۰۰	۷۷۱۸۰۰۰	۴۹۳۶۰۰۰	۳۷۷۳۰۰۰	۳۲۱۰۰۰۰	۲۷۶۸۰۰۰
۱۸۹۹۹۰۰۰	۱۷۶۲۲۰۰۰	۱۴۶۵۴۰۰۰	۱۱۳۰۱۰۰۰	۹۰۶۰۰۰۰۰	۷۹۷۵۰۰۰	۶۹۸۹۰۰۰۰
۵۱/۸	۴۱/۳	۳۴/۵	۳۰/۴	۲۹/۴	۲۸/۷	۲۸

* ارقام مربوط به سال ۱۳۶۰ تخمینی می باشند.

منبع: ایران در آینه آمار، مرکز آمار ایران، ۱۳۶۲

مقاله حاضر به دو قسمت اصلی تقسیم می‌شود: در بخش اول شهرنشینی را در دو دوره بطئی و سریع به عنوان بازتاب تحولات اقتصادی و اجتماعی مطالعه خواهیم کرد و اوج و حضيض‌های آن را به تبعیت از اوج و حضيض‌های روند توسعه بررسی می‌کنیم. در بخش دوم ویژگی‌های شهرنشینی سریع و زمینه‌های بروز «مشکلات» شهری را در ارتباط با الگوی توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران مطالعه می‌کنیم. در هر بخش ابتدا اشاره‌ای کلی به الگوی توسعه خواهیم کرد و سپس بازتاب آن را در روند شهرنشینی و رابطه شهر و روستا بررسی خواهیم کرد.

۱- شهرنشینی بطئی: مرحله گذار به سرمایه‌داری ۱۳۴۰-۱۳۰۰

استقرار حکومت دیکتاتوری رضاخان سرفصل دوران جدیدی در تاریخ ایران است. تحولات اقتصادی-اجتماعی معاصر ایران یا دقیقتر شروع تحول شیوه‌های تولید پیش سرمایه‌داری و توسعه مناسبات سرمایه‌داری و شروع گسترش آنچه به «تمدن بورژوازی» معروف است، همه با روی کار آمدن رضاخان در ایران مقارن است. دوران رضاشاه دوره استقرار نهادهای زیربنایی و روبنایی بورژوازی در ایران است و بهمین دلیل مطالعه کلیه تحولات اجتماعی و اقتصادی معاصر ایران که تماماً ناشی از ضرورت‌های توسعه روابط سرمایه‌داری در يك کشور عقب‌مانده و ادغام این کشورها در نظام سرمایه-

داری جهانی است باید از همین دوره آغاز شود.
 رضاخان در دوره‌ای از هرج و مرج داخلی با اتکاء
 به نیروی نظامی به قدرت رسید و خود را شاه ایران
 خواند. دولت رضاشاه با شعار رهایی از هرج و مرج،
 برقراری امنیت و توسعه اقتصادی و با حمایت طبقات
 مسلط جامعه شامل مالکان ارضی و تجار سوداگر نمونه‌ای
 از دولت‌های مرحله گذار به سرمایه‌داری در کشورهای
 توسعه نیافته است. علی‌رغم تثبیت مالکیت ارضی در دوره
 رضاشاه و حتی علی‌رغم تصاحب تعداد زیادی از دهات و
 املاک توسط شخص رضاشاه، خطا خواهد بود این دولت
 را نماینده فئودالیسم یا زمینداری در ایران به حساب
 آوریم، چرا که از يك سو «قدرت سیاسی ملوک الطوائفی
 فئودالیسم توسط رضاشاه درهم کوبیده شد»^۶ و از سوی
 دیگر کلیه نهادهای عرفی و شرعی که رو بنای جامعه را
 در آن زمان تشکیل می‌داد مورد تهاجم قرار گرفت. بدین
 ترتیب اقدامات دولت رضاشاه خصلتی دوگانه داشت: از
 يك سو مالکیت ارضی را در چهارچوب حقوق بورژوازی
 تثبیت و تسجیل می‌کند (که بظاهر شکل تثبیت زمینداری
 بخود می‌گیرد)، و از سوی دیگر با تبدیل زمین به کالایی
 قابل معامله باعث تسهیل توسعه روابط سرمایه‌داری و
 نهایتاً نابودی شیوه‌های تولید ماقبل سرمایه‌داری می‌شود.
 معذالک نه گذار به سرمایه‌داری در ایران يك گذار
 کلاسیک مشابه کشورهای اروپایی بود نه دولت رضاشاه

۶- امپریالیسم و فروپاشی کشاورزی در ایران، ف. ر. دانا،
 مازیار، ص ۵۷.

يك دولت بورژوايى كلاسيك. دولت رضاشاه بر اثر ضعف تاريخى بورژوازي ايران^۷ انجام بسيارى از اقدامات مربوط به گذار به سرمايه‌دارى را خود رأساً بر عهده گرفت. بهمين دليل تحليل اقدامات دولت براى تحليل گذار به سرمايه‌دارى در ايران اهميت بسزائى مى‌يابد. بطور كلى از مهمترين ويژگى‌هاى بسط روابط سرمايه‌دارى در ايران آن است كه اين بسط تحت لواى «مدرنيزاسيون» (تجددگرایی) صورت گرفته است. روند مدرنيزاسيون بطور خلاصه بشرح زير است:

كشورهايى كه از نظر تاريخى ديرتر قدم در راه توسعه سرمايه‌دارى و صنعتى شدن مى‌گذارند (اصطلاحاً كشورهاي توسعه نيافته) همواره بعنوان الگويى حاضر و آماده چشم به سرمايه‌دارى كشورهاي پيشرفته (اروپا، آمريكا، ژاپن) دارند. در چنين جوامعى خواست «متجدد شدن» و پيروي و الگوبردارى از كشورهاي صنعتى پيشرفته شكل مى‌گيرد. اين خواست حاصل مقايسه كشورهاي توسعه نيافته و كشورهاي پيشرفته است. كشورهاي توسعه نيافته در اثر تماس با كشورهاي پيشرفته به دستاوردهاي صنعتى اين كشورها پي مى‌برند و تقليد و الگوبردارى از آنها را در پيش مى‌گيرند. اين شرايط منجر به روند مدرنيزاسيون مى‌گردد چرا كه تقليد از كشورهاي پيشرفته مستلزم پيداى برخى از نهادهاي سرمايه‌دارى و بورژوايى از يك سو و واردات

۷- ر. ك. به «موانع تاريخى رشد سرمايه‌دارى در ايران»، احمد اشرف، انتشارات زمينه.

کالاهای صنعتی (و در مرحله‌ای کالاهای سرمایه‌ای) از کشورهای پیشرفته از سوی دیگر است. در این معنا مدرنیزاسیون یا تجددگرایی پوششی است که از لحاظ اجتماعی و سیاسی مترادف پیدایی برخی نهادهای بورژوازی و گسترش ناقص آنها است و از لحاظ اقتصادی عبارت است از مصرف کالاها پیش از تولید آنها یا مصرف کالاهای صنعتی پیش از صنعتی شدن.^۸ این دومی به معنی «پیشی گرفتن مصرف از تولید» است و در شرایطی رخ می‌دهد که نیروهای مولد جامعه توان تولید کالاهای صنعتی را ندارد ولی مصرف این کالاها بر اثر واردات افزایش می‌یابد و باعث تغییر الگوهای مصرف جامعه می‌شود. روند مدرنیزاسیون در ایران با دولت رضاشاه آغاز می‌گردد و پس از وقفه‌ای که در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۲ در آن رخ می‌دهد با دولتی که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به قدرت می‌رسد ادامه می‌یابد و تا اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ که ابعاد تازه‌ای بخود می‌گیرد همچنان ادامه دارد. در زیر الگوی توسعه اقتصادی/اجتماعی را در هر يك از سه دوره فوق بررسی می‌کنیم.

۱-۱ مدرنیزاسیون، یکپارچگی بازار داخلی، آغاز

تحول شهری

یکپارچگی روزافزون بازار داخلی شرط حیات شیوه تولید سرمایه‌داری است. بدون يك بازار یکپارچه که کالا

۸- ر. ک. به «توسعه و توسعه نیافتگی»، سلسوفورتادو، ترجمه گیتی اعتماد، انتشارات دانشگاه ملی.

در آن آزادانه حرکت کند و مبادله شود تصور بسط تولید سرمایه‌داری نیز محال است. هرچند وجود نیروی کار آزاد برای تولید به شیوه تولید سرمایه‌داری شرط اصلی به حساب می‌آید لیکن این شرط تنها پس از تشکیل بازار داخلی نسبتاً یکپارچه ضرورت خود را از نظر عینی نشان می‌دهد. به عبارت دیگر سرمایه‌داری در مرحله جنینی خود با یکپارچه کردن دائمی بازار داخلی زمینه آزادی نیروی کار را فراهم می‌آورد. لیکن یکپارچه شدن بازار داخلی، از نظر فضایی یا فیزیکی (که در اینجا بیشتر مورد توجه ماست) پیش از هر چیز مستلزم وجود ارتباطات فیزیکی میان بازارهای محلی است. یکپارچه شدن بازارهای محلی، که اغلب منحصر به بازارهای شهری هستند، نیازمند گسترش ارتباطات و راه‌های میان شهری است. واضح است که رشد بازار داخلی نیز خود بعنوان پیش فرض مستلزم یکپارچگی بازار است.

روند مدرنیزاسیون از حیث اقتصادی مستلزم تغییر الگوهای مصرف جامعه است که آن نیز به نوبه خود نیازمند یکپارچگی و بسط بازار داخلی است. لیکن بدلیل فقدان پویای صنعتی و در نتیجه فقدان یک بورژوازی صنعتی در ایران اقدامات مربوط به یکپارچه کردن بازار داخلی و نهایتاً روند مدرنیزاسیون بر عهده دولت قرار گرفت. لذا دولت از یک سو وظیفه یکپارچه کردن بازار داخلی را از طریق گسترش زیر ساخت‌های ارتباطی و اقتصادی بر عهده می‌گیرد و از سوی دیگر در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی پیشقدم شده به ایجاد صنایع

مصرفی اولیه (عمدتاً نساجی و خوراکی و بعضاً ساختمانی) می‌پردازد. برای انجام این وظایف دولت نیازمند بهبود کارایی خود و تحول دستگاه خود است که این امر با مدرنیزاسیون دستگاه دولت و پیدایی دستگاه‌های جدید دولتی (ارتش، وزارتخانه‌ها و ادارات مختلف) صورت گرفت.

برای انجام وظایف فوق حجم سرمایه‌گذاری دولت از ۸٫۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۰۵ به بیش از دو برابر یعنی ۱۶٫۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۱۷ رسید. شمه‌ای از نتایج سرمایه‌گذاری فوق به شرح زیر است:

طول راه‌های کشور در یک دوره پانزده ساله ده برابر شد و از ۲۴۰۰ کیلومتر در سال ۱۳۰۵ به بیش از ۲۴۰۰۰ کیلومتر در سال ۱۳۲۰ رسید و مجموع وسایل نقلیه از ۱۲۰۰ در سال ۱۳۰۰ به ۳۱۰۰۰ در سال ۱۳۲۴ رسید. راه‌آهن دولتی ایران با هزینه ۳۰ میلیون پاوند و از محل مالیات‌های دولتی در این دوره ساخته شد. ارتباطاتی از قبیل پست، تلگراف و تلفن در این دوره بوجود آمد ولی رشد آن در این دوره دامنه‌ای محدود داشت.^۹

در فاصله سال‌های ۱۳۱۱ تا ۱۳۲۰ دولت ۲۰۰

۹- به عنوان مثال زمان حمل بار از بوشهر تا تهران از ۳۰ روز به ۳ روز تقلیل یافت. در سال ۱۳۰۵ ارسال پست با اتومبیل سه بار سریعتر از دلیجان صورت می‌گرفت. از سوی دیگر کرایه حمل بار داخلی از سال ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۵، ۳۰ تا ۴۰ درصد و بین سال‌های ۱۳۰۶ و ۱۳۱۶، ۷۵ تا ۸۰ درصد تنزل کرد. ر. ک. به رشد روابط سرمایه‌داری در ایران، م. سوداگر، ص ۲۷۱.

کارخانه مجموعاً با ۵۰ تا ۶۰ هزار کارگر ایجاد کرد. واردات ماشین‌آلات (که شاخص صنعتی شدن در این دوره است) در سال ۱۳۱۷، ۳۳ درصد کل واردات ایران را تشکیل می‌دهد در حالیکه این رقم در فاصله ۱۳۰۶-۱۲۸۹ تنها ۳ درصد است.^{۱۰} سهم صنایع در تولید ناخالص کشور از ۹٫۸ درصد در سال ۱۳۱۶ به ۱۸٫۴ درصد در سال ۱۳۲۰ رسید.^{۱۱}

به منظور تسهیل سرمایه‌گذاری‌های فوق و نیز در رابطه با تحکیم قدرت دولت مرکزی، دستگاه دولت نیز دستخوش تحول شد. وزارتخانه‌هایی از قبیل «وزارت طرق و شوارع» (۱۳۰۸)، «وزارت تجارت و فوائد عامه»، «وزارت اقتصاد» و «وزارت پیشه و هنر» و نیز نهادهای مالی چون بانک ملی ایران (۱۳۰۶)، «اتاق بازرگانی» (۱۳۰۹) و مانند آن در این دوره ایجاد شدند. همه این دستگاه‌ها در جهت تسهیل دخالت دولت در امور اقتصادی و اجتماعی و پی‌ریزی زیرساخت‌های اداری و مالی برای توسعه سرمایه‌داری بودند.

۲-۱ وقفه در روند مدرنیزاسیون ۱۳۲۲-۱۳۲۰

روند مدرنیزاسیون که با اقدامات دولت رضاشاه آغاز شده بود بنا شروع جنگ جهانی دوم و اشغال ایران (۱۳۲۰) متوقف شد. گسترش سرمایه‌گذاری‌های دولتی

۱۰- ر. ک. به رشد روابط سرمایه‌داری در ایران، م. سوداگر، ص ۲۸۴.

۱۱- ر. ک. به ایران در دو سدهٔ پسین، احسان طبری، ص ۲۱۵.

و روند بسط زیر ساخت‌های اقتصادی و روند واردات و صادرات ایران از این تاریخ دچار وقفه شد. بودجه دولت از ۱۶۸۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۱۷ به ۱۰ میلیارد در سال ۱۳۲۰ تنزل یافت. روند واردات کالاهای سرمایه‌ای که تضمین‌کننده روند صنعتی شدن بود از ۸۲۰ میلیون ریال در سال ۱۳۲۱ به ۱۶۷ میلیون ریال در سال ۱۳۲۲ تنزل یافت و تنها پس از سال ۱۳۲۴ روند صعودی ولی نامنظم خود را از سر گرفت. روند گسترش و مدرنیزاسیون دستگاه دولت با برکناری رضاشاه دچار وقفه شد و با ضعف قدرت دولت مرکزی دوره‌ای از نهضت‌های ملی و قومی از سال‌های ۱۳۲۰ آغاز شد و تا کودتای ۱۳۳۲ ادامه یافت. هر چند در این دوره کوشش‌هایی برای بوجود آوردن يك دستگاه برنامه‌ریزی دولتی و تنظیم برنامه عمرانی هفت ساله اول صورت گرفت ولی این اقدامات بدلیل فقدان بودجه کافی و کاهش صادرات ایران و در نتیجه کمبود ارز خارجی همه معوق ماند.^{۱۲}

بطور کلی فاصله سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۲ را می‌توان بعنوان دوره‌ای از رکود اقتصادی و رونق نهضت‌ها و جنبش‌های اجتماعی و سیاسی بازشناخت. صادرات بخش کشاورزی ایران که با رونق نقدینه کاری در دوره قبل افزایش یافته بود در این دوره دچار رکود می‌شود (مثال: صادرات پنبه از ۲۰ هزار تن در سال ۱۳۱۹ به ۵ هزار تن در سال ۱۳۲۰ و حدود هزارتن در سال ۱۳۲۶ رسید). بخش کشاورزی بطور کلی در ایران دچار کاهش تولید

۱۲- ر. ک. روابط سرمایه‌داری در ایران، م. سوداگر، ص ۴۸.

شد (جدول ۳). صادرات نفتی ایران نیز در اواخر این دوره بر اثر جنبش ملی کردن نفت تا حدی دچار وقفه می‌شود و به‌همین دلیل درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت نیز دچار نوسان می‌شود. بطور کلی در فاصله سال‌های ۱۳۰۴ و ۱۳۲۰ درآمدهای نفت که هنوز به شکل حق امتیاز اخذ می‌شد نقش چندانی در بودجه‌های دولتی نداشت و حداکثر به ده درصد این بودجه می‌رسد. در دوره جنگ جهانی دوم نیز تولید شرکت نفت ایران و انگلیس کاهش یافت و پس از آن نیز روند ملی کردن صنایع نفت باعث شد حتی در مقاطعی تولید و صادرات نفت دچار وقفه کامل شود. این تنها در دوره پس از کودتای ۱۳۳۲ است که نفت رفته رفته نقش تعیین‌کننده را در توسعه اقتصادی ایران ایفا می‌کند.^{۱۳}

۱-۳ کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ادامه روند مدرنیزاسیون ۱۳۴۵-۱۳۳۲

پس از وقفه سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ روند مدرنیزاسیون و بسط روابط سرمایه‌داری و ادغام هرچه بیشتر اقتصاد ایران در نظام سرمایه‌داری جهانی ادامه یافت. در این دوره روند مدرنیزاسیون با اتکاء به درآمد‌های روزافزون نفت و با دخالت بیشتر دولت در برنامه‌ریزی اقتصادی ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت. دولت در دوره پس از کودتا همچنان بعنوان عامل

۱۳- ر. ک. به م. سوداگر، همان‌جا، صفحه ۲۰۶-۲۲۸.

اصلی تحولات اقتصادی و ایجاد زمینه سرمایه‌گذاری برای بخش خصوصی ظاهر می‌شود. بوجود آمدن دستگاهی برای برنامه‌ریزی اقتصادی که ایجاد آن در دوره وقفه با ناکامی مواجه شده بود، در این دوره ابزار مؤثری برای برنامه‌های عمرانی و اقتصادی به شمار می‌آید. از این دوره برنامه‌های عمرانی به اهرم اصلی روند مدرنیزاسیون و توسعه اقتصادی بدل می‌شود. بودجه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری‌ها و اعتبارات دولتی پس از کودتا ابتدا از محل صادرات نفت و وام‌های خارجی و بتدریج منحصرأ از محل صادرات نفت تأمین می‌شد. نفت در این دوره می‌رفت تا به عمده‌ترین محصول صادراتی ایران در تقسیم بین‌المللی کار بدل گردد و منابع ارزی حاصل از صدور آن به تنها منبع مالی تضمین‌کننده روند بسط سرمایه‌داری و مدرنیزاسیون تبدیل شود.

برنامه‌های عمرانی در دوره پس از کودتا با برنامه عمرانی هفت ساله دوم آغاز شد. گسترش زیر ساخت‌های اقتصادی، تحول دستگاه دولت و سرمایه‌گذاری صنعتی در این دوره بنا وسعت و دامنه وسیع‌تری ادامه یافت. در فاصله سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۴۱ بیش از ۴۰ درصد از اعتبارات عمرانی به مصرف راهسازی رسید و ۲۷۰۰ کیلومتر راه شنی و شوسه ساخته شد. تعداد وسایل نقلیه موتوری از ۲۸ هزار در سال ۱۳۲۷ به حدود ۴۷ هزار در سال ۱۳۳۲ و ۱۲۵ هزار در سال ۱۳۴۰ رسید. واردات کالاهای سرمایه‌داری که با شروع جنگ جهانی دوم متوقف شده بود با شدت بیشتری ادامه یافت و از ۱۹۰ میلیون

ریال در سال ۱۳۲۰ به ۲۱۹۰ میلیون ریال در سال ۱۳۳۳ و ۱۵۹۱۲ میلیون ریال در سال ۱۳۴۰ رسید.^{۱۴} در کنار این اقدامات مؤسسات مالی مهمی از قبیل بانک اعتبارات صنعتی (۱۳۳۵) و بانک توسعه صنعتی و معدنی (۱۳۳۸) ایجاد شدند که نقش مهمی در هدایت سرمایه گذاری های صنعتی بر عهده داشتند.

جهت گیری اصلی برنامه های عمرانی دولت در دوره پس از کودتا به سوی گسترش زیر ساخت های صنعتی و اقتصادی و ایجاد زمینه برای سرمایه گذاری های بخش خصوصی داخلی و خارجی بود. از نظر روند صنعتی شدن ایران این دوره را تا آستانه اصلاحات ارضی باید دوره آماده سازی زمینه مرحله دوم صنعتی شدن ایران به حساب آورد. مرحله اول صنعتی شدن ایران از دوره رضاشاه آغاز شد و دامنه ای محدود داشت و به وارد کردن صنایع اولیه از قبیل نساجی و مواد غذایی و صنایع زیر ساختی مانند سیمان و آجر و مصالح ساختمانی محدود می گشت. مرحله دوم صنعتی شدن ایران از دوره اصلاحات ارضی آغاز می گردد و با الگوی «جایگزینی واردات» مشخص می شود. این الگو مستلزم تغییر قبلی الگوهای مصرف حداقل در سطح اقلیتی از جامعه است که این امر در دوره پس از کودتا از طریق سیاست «دروازه های باز» تا حد زیادی انجام شد و زمینه استقرار صنایع جایگزینی واردات را در مرحله پس از اصلاحات ارضی فراهم آورد.

۱۴- م. سوداگر، همان جا، صفحات ۲۸۴، ۲۹۴.

به گفته دولت هدف‌های کلی برنامه هفت ساله دوم (۱۳۴۱-۱۳۳۴) به شرح زیر است: «افزایش تولید، بهبود و تکثیر صادرات، تهیه مایحتاج مردم در داخل کشور و ترقی کشاورزی و صنایع و اکتشاف و بهره‌برداری از معادن و ثروت‌های زیرزمینی، اصلاح و تکمیل وسایل ارتباطی، اصلاح امور بهداشت عمومی، بالا بردن سطح فرهنگ و....» گذشته از ادعاهای بلندپروازانه این برنامه در واقعیت بخش عمده اعتبارات این برنامه که از محل درآمد نفت، وام از «بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه» (BIRD)، و کمک‌های دولت آمریکا تأمین شده بود و به ۷۵ میلیارد ریال بالغ می‌گشت صرف بهبود وضع ارتباطات، مخابرات و آب و برق شد. در حدود ۲۷۰۰ کیلومتر راه آسفالت‌ه و ۲۸۰۰ کیلومتر راه درجه ۲ در سطح استان‌ها ساخته شد. قدرت کشش راه‌آهن از ۴۰۰۰ تن به ۵۰۰۰ تن در روز افزایش یافت. فرودگاه‌های بین‌المللی تهران، آبادان، شیراز، اصفهان، و نیز فرودگاه‌های دیگری ساخته شد. تجهیزات پست و تلگراف و رادیو تقویت شد. ساختمان سه سد بر رودخانه‌های کرج، دز، و سفیدرود به پایان رسید. در تعدادی از شهرها لوله‌کشی آب صورت گرفت و به شهر برق داده شد. هزینه این عملیات به‌تنهایی معرف بیش از ۷۵ میلیارد ریال از پرداخت‌های برنامه دوم عمرانی است. بدین ترتیب تقویت زیر ساخت‌های ضروری جهت گسترش بازار داخلی که در دوره اول مدرنیزاسیون آغاز شده بود در این دوره ادامه یافت که در مجموع زمینه‌های مساعد تولید سرمایه‌داری را تدارک دید.

۲- خصلت‌یابی شهرنشینی بطئی ۱۳۴۰-۱۳۰۰

هدف از اشارات مختصر به الگوی توسعه اقتصادی ایران مطالعه بازتاب فضایی این الگو و تأثیر آن بر شهرنشینی در ایران است. در هر يك از سه مقطع تحولات اقتصادی و اجتماعی در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۴۰، رابطه شهر و روستا به نحو ویژه‌ای از این تحولات تأثیر می‌گیرد. برای مطالعه رابطه شهر و روستا در مقاطع سه‌گانه شهرنشینی بطئی، ابتدا لازم است دو مقوله تئوریک را که در این مطالعه بکار می‌آیند معرفی کنیم. یکی از این مقولات مفهوم مازاد اقتصادی و الگوهای استخراج و تمرکز مازاد روستایی است که چگونگی شهرنشینی در هر دوره را می‌تواند خصلت‌یابی کند و دیگری مفهوم همزیستی (آرتیکولاسیون) شیوه‌های تولید مختلف است که اثر مستقیمی بر چگونگی جابجایی محصول و نیروی کار میان شهر و روستا می‌گذارد.

منظور از مازاد اقتصادی کشاورزی نه محصولی مازاد بر احتیاج روستاییان بلکه مازادی است که از طریق روابط بهره‌کشی از چنگ تولیدکنندگان مستقیم روستا خارج می‌شود و در شهر مبادله و مصرف می‌شود.^{۱۵} چنین رابطه‌ای از دیرباز میان شهر و روستا وجود

۱۵- برای مطالعه بیشتر ر. ک. به مقاله «شهر و مازاد» دیوید هاروی در «مفهوم شهر» انتشارات گروه تحقیق و مطالعات شهری و منطقه‌ای.

داشته است و حیات شهر را همواره منوط به استخراج و تمرکز مستمر این مازاد اقتصادی کشاورزی کرده است. اشکال و الگوهای این استخراج در طول تاریخ متفاوت بوده است، ولی همواره بنیان اقتصادی شهر را تشکیل می‌داده است.^{۱۶} الگوی استخراج مازاد اقتصادی کشاورزی می‌تواند اثر تعیین‌کننده‌ای بر رابطه شهر و روستا بگذارد تا جاییکه در صورت انسجام و تداوم استخراج مازاد کشاورزی توسط شهر از منطقه، شهر و منطقه در توازن با یکدیگر رشد می‌کنند در حالیکه با قطع شبکه منطقه‌ای استخراج مازاد اقتصادی روستایی توسط شهر، الگوی شهرنشینی متفاوتی حاصل می‌شود که شهر در آن گسیخته از منطقه از طریق سایر اشکال مازادی که در خود متمرکز می‌کند رشد می‌کند و توازن شهر و منطقه برهم می‌خورد. در این مطالعه خواهیم دید که تبدیل صادرات نفت به مهمترین منبع تأمین مازاد اقتصادی برای سرمایه‌گذاری چگونه باعث برهم خوردن شبکه محلی و منطقه‌ای استخراج مازاد روستایی و نتیجتاً گسیختگی شبکه شهری موجود می‌گردد. تا آنجا که به مفصل‌بندی و همزیستی شیوه‌های تولید مختلف مربوط می‌شود، اثرات شیوه تولید سرمایه

۱۶- با توسعه سرمایه‌داری اشکال استخراج مازاد اقتصادی روستایی بسیار پیچیده شده و ابعاد جهانی بخود گرفته است. تا جاییکه شهر نیویورک به محل تمرکز فضایی مازاد اقتصاد جهانی بدل می‌گردد و شهرهایی در کشورهای پیشرفته وابسته به مازاد کشاورزی کشورهای توسعه‌نیافته می‌شوند.

داری بر شیوه‌های تولید ماقبل آن تأثیر مستقیمی بر رابطه شهر و روستا دارد. بطور کلی شهر و روستا مکان‌های تحقق دو نوع از مناسبات تولید متفاوت هستند: شهر فضای تحقق مناسبات تولید و روابط اجتماعی سرمایه‌داری (چه در شکل جنینی آن و چه در شکل استقرار یافته و همه‌جانبه آن) است، در حالیکه روستا جایگاه مناسبات کهن تولید و اجتماعی است که تحول آن منوط به تحول مناسبات در شهر می‌باشد. پس تأثیرات متقابل مناسبات جدید تولید و روابط تولیدی کهن مستقیماً رابطه شهر و روستا را دستخوش تحول می‌سازد. این اثرات برحسب شرایط تاریخی، یا متضمن اضمحلال و فروپاشی شیوه‌های تولید ماقبل سرمایه‌داری است و یا به عکس در بردارنده احیای (موقت) این شیوه‌های تولید است. احیای موقت شیوه‌های تولید ماقبل سرمایه‌داری در روستا و خاصه در بخش کشاورزی، باعث کندی جدایی نیروی کار از زمین و در نتیجه پایین بودن میزان مهاجرت به شهرها می‌شود، در حالیکه فروپاشی نظام‌های تولیدی ماقبل سرمایه‌داری اگر همراه با گسترش مناسبات جدید در شهرها باشد، باعث تشدید روندهای مهاجرتی می‌گردد. در این معنا روند شهرنشینی بازتاب فضایی اثرات متقابل شیوه‌های تولید بر یکدیگر است. با توجه به دو مقوله فوق، شهرنشینی بطئی را در ایران می‌توان به سه دوره متمایز تقسیم نمود:

— دوره اول از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ که جمعیت شهرنشین ایران از ۲۸ درصد کل جمعیت تنها به ۲۹٫۴

درصد می‌رسد (نرخ رشد سالانه شهری: ۱٫۶۵ درصد).
- دوره دوم از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ که دوره شروع
مهاجرت‌های داخلی در ایران است و طی آن جمعیت
شهرنشین از ۲۹٫۴ درصد به ۳۰٫۴ درصد می‌رسد
(نرخ رشد سالانه شهری ۲٫۷۲ درصد).

- دوره سوم از کودتای ۱۳۳۲ تا سال ۱۳۴۰ و
اصلاحات ارضی که طی آن جمعیت شهری از ۳۰٫۴ درصد
کل جمعیت به ۳۵ درصد کل جمعیت می‌رسد (نرخ رشد
سالانه شهری: ۴٫۵۷ درصد).

در هر يك از سه دوره فوق رابطه شهر و روستا بر
اثر تحول در الگوی توسعه اقتصادی دچار دگرگونی شده
که بازتاب فضایی آن بصورت کندی شهرنشینی در يك
مقطع و آغاز حرکت‌های مهاجرتی در مقطع دیگر متجلی
می‌شود. حال به تشریح رابطه شهر و روستا در هر يك
از این مقاطع می‌پردازیم.

۱-۲ رابطه شهر و روستا ۱۳۲۰-۱۳۰۰

در آغاز گذار به سرمایه‌داری در ایران یعنی در آغاز
روی کار آمدن رضاشاه جامعه ایران عمدتاً پیش سرمایه-
داری بود. روستاها در این دوره مکان اصلی تولید و
استقرار جمعیت به حساب می‌آمد که ۷۲ درصد از
جمعیت کشور را در خود جای داده بود. شهرها عمدتاً
مراکز تجارت (داخلی و خارجی) و نیز مراکز سیاسی
حکومت بشمار می‌رفتند. در این دوره هنوز ۸۰ درصد از

تولید داخلی در بخش کشاورزی، تولید می‌شد و بهمین دلیل نقش تولیدی شهرها (شامل انواع صنایع دستی و پیشه‌وری) در این دوره چندان مهم نبود. لذا شهرها مکان تحقق تجارت داخلی و در بردارندهٔ نطفه‌های تجارت خارجی بودند، در حالیکه روستاها همچنان متکی به شیوه‌های کهن تولیدی به حیات خود ادامه می‌دادند.

اقدامات و تحولات دورهٔ رضاشاه تقریباً تنها حیات شهری را دستخوش تحول ساخت و زندگی روستا تا حدی زیاد از این تحولات برکنار ماند و تنها بطور غیرمستقیم و تدریجی از این تحولات تأثیر پذیرفت. راه‌های ساخته شده در این دوره تنها مراکز شهری و خاصه شهرهای بزرگ را به یکدیگر مرتبط می‌ساختند و بازارهای کوچک محلی را در جهت یکپارچگی بیشتر بازار شهری داخلی با یکدیگر مربوط می‌ساختند. ادارات مختلف به‌مراه مدرنیزاسیون دستگاه دولت یکی پس از دیگری در شهرهای مهم کشور ظاهر می‌شدند. کارخانجات و صنایع نیز در سطح محدودتری در شهرها مستقر شده چهرهٔ شهر و نیز ساخت اشتغال شهری را دستخوش تحول ساختند. راه‌های بین شهری علاوه بر رونق دادن به مبادلات و تجارت داخلی، باعث تسهیل واردات کالاهای صنعتی شده و نقش تجاری شهرها را در جهت رونق تجارت خارجی برجسته‌تر ساختند. خیابان‌های جدید شهری در تقابلی با بافت‌های قدیم شهر نیز سیمای شهر را تغییر داد، و بدنبال آن افزایش سریع وسایل حمل و نقل و وسایل نقلیهٔ شهری بیش از پیش چهرهٔ سنتی شهرها را دگرگون

می ساخت.

لیکن در این دوره روستاها از این تحولات تقریباً بی‌کنار ماندند. شاید بتوان گفت تنها تأثیر تحولات این دوره بر زندگی روستایی سربازگیری اجباری بود، لیکن از حیث شیوه‌های تولید، روستاها تقریباً دست نخورده ماندند، هرچند که زمینه تضعیف شیوه‌های تولید ماقبل سرمایه‌داری در روستاها از طریق رونق نقدینه‌کاری^{۱۷} و نیز از طریق تحولاتی که در شهر در شرف تکوین بود فراهم می‌آمد.

در این دوره کشاورزی مجزا از زندگی شهری و از طریق شیوه تولید فئودالی به حیات خود ادامه می‌داد. کشاورزی در مجموع در حالت باستانی خود باقی ماند. در این دوره بطور متوسط اضافه محصول کشاورزی تکافوی تأمین معاش شهری را می‌نمود. جمعیت شهری چندان رشد نیافته بود و تولید کشاورزی با همان عقب‌ماندگی خود دایر بود.^{۱۸}

شهر در این دوره بواسطه نقش غالب تجاری خود متمرکزکننده و مبادله‌کننده مازاد کشاورزی روستایی محلی بود. تجارت خارجی در این دوره ابتدا در تداوم این نقش شهر و سپس مستقل از آن رونق پیدا کرد. با گسترش بازار مصرف شهری و خاصه شهرهای بزرگ،

۱۷- کشت محصولات که دارای ارزش نقدی است یعنی قابل مبادله در بازار است و تقاضای زیادی برای آن وجود دارد.
۱۸- ف. ر. دانا. همان‌جا، ص. ۵۶.

شهرها بصورت نقاط تماس با کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و مکان واردات و مبادله کالاهای صنعتی خارجی درآمدند. رشد بازار مصرف شهری یکی از عوامل رشد مازاد کشاورزی در این دوره بود، چرا که تأمین مایحتاج جمعیت شهری خود مستلزم تولید و تمرکز مازاد کشاورزی بود. بنابراین در عین حال که نقش تجارت خارجی در شهر روزافزون بود لیکن استخراج و تمرکز مداوم مازاد اقتصادی روستایی همچنان جزو وظایف شهر در این دوره محسوب می‌گردد. این نقش شهر در روستا بصورت رونق و گسترش نقدینه‌کاری یعنی جایگزین شدن محصولات سنتی و معیشتی توسط محصولات قابل فروش و قابل صدور، بازتاب می‌یابد. بهمین دلیل ساخت محصولات کشاورزی در این دوره به سمت تخصصی شدن در محصولات قابل فروش (صادراتی و مصرف داخلی) گرایش پیدا می‌کند. در این معنا بخش کشاورزی هرچه بیشتر منوط و مشروط به فعالیت‌های تجاری شهری می‌گردد و رونق تجارت در شهرها که بدلیل گسترش زیر ساخت‌های ارتباطی و برقراری امنیت سیاسی در این دوره تشدید شده است باعث وابستگی حیات روستایی به رونق شهری می‌گردد. به عبارت دیگر افزایش تقاضا برای برخی محصولات کشاورزی باعث شد که بخش کشاورزی تا حد زیادی به سمت تخصصی شدن در تولید این نوع محصولات سوق داده شود. افزایش تولید محصولاتی چون برنج، پنبه و توتون در فاصله ۱۳۰۴ و ۱۳۱۸ در این زمینه گویای این گرایش بخش کشاورزی است. لیکن

چنانکه می‌دانیم رونق نقدینه‌کاری لزوماً مستلزم تغییر در مناسبات تولید نیست بلکه بنا حفظ مناسبات کهن تولیدی نیز می‌توان دست به تولید محصولات قابل فروش و صادراتی زد. لذا اولین شکل از آرتیکولاسیون شیوه‌های تولید در این دوره بصورت تحکیم روابط کهن تولیدی در روستا (بهمراه نقدینه‌کاری) و گسترش روابط پولی و مبادلات تجاری و بعضاً تحول در ساخت اشتغال شهری افزایش کار دستمزدی در شهر نمایان می‌گردد. بنابراین شهر در این دوره بصورت مکان تحقق مدرنیزاسیون و روستا بصورت مکان ابقای شیوه‌های کهن تولید ظاهر می‌گردد. آنچه در اینجا مورد توجه ماست شکل فضایی این نحوه آرتیکولاسیون شیوه‌های تولید است. این شکل از آرتیکولاسیون یعنی مدرنیزاسیون شهری و ابقای روابط تولیدی قدیمی در روستا در وهله اول بصورت ثبات نسبی استقرار جمعیت در فضا و بطور اخص در شهر و روستا متجلی می‌شود. ابقای شیوه‌های تولید سنتی در روستا باعث ماندگاری جمعیت و خاصه نیروی کار در روستا می‌شود. از طرف دیگر محدودیت اثرات مدرنیزاسیون در شهر باعث افزایش طبیعی جمعیت شهری شده لیکن جابجایی‌های جمعیتی را ایجاد نمی‌نماید.^{۱۹} بهمین دلیل

۱۹- اثرات اشاعه بهداشت بر افزایش جمعیت روستایی در مراحل بعدی بصورت اضافه جمعیت روستایی و جریان‌های مهاجرتی نمایان می‌گردد، لیکن باید توجه داشت اضافه جمعیت نسبی در روستاها صرفاً حاصل رشد طبیعی جمعیت نیست بلکه این اضافه جمعیت نتیجه تحول در مناسبات تولید در روستاها نیز هست. برای مطالعه بیشتر ر. ک. به مقاله «مهاجرت‌های داخلی در ایران» در همین مجموعه.

جدول ۳ : تولید متوسط سالانه محصولات کشاورزی ۱۳۰۴-۱۳۰۳ (تن)

محصول	۱۳۰۴-۱۳۰۳	۱۳۱۴-۱۳۱۳	۱۳۲۴-۱۳۲۳	۱۳۳۴-۱۳۳۳	۱۳۴۴-۱۳۴۳
گندم	۱۱۲۰	۱۴۰۰	۱۸۷۰	۱۴۰۰	۲۱۵۰
جو	۵۸۰	۶۳۰	۷۹۰	۶۰۰	۸۱۰
برنج	۲۷۰	۴۲۰	۲۹۰	۴۵۰	۴۵۰
پنبه	۲۰	۲۰	۳۸	۲۳	۴۱
توتون	۷	۱۱	۱۵	۱۴	۱۵

منابع: ۱- سوداگری، رشد روابط سرمایه‌داری در ایران - ص ۳۴۰

در سراسر این دوره جمعیت شهرنشین از ۲۸ درصد کل جمعیت تنها به ۲۸٫۷ درصد افزایش می‌یابد یعنی تقریباً در این دوره با شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهر روبرو نیستیم. فقدان شهرنشینی در این دوره چنانکه گفتیم بازتاب شیوه آرتیکولاسیون شیوه‌های تولید در این دوره است. لیکن يك تفاوت عمده میان فقدان شهرنشینی در این دوره و فقدان شهرنشینی در دوره ماقبل تحولات سرمایه‌داری در ایران (قبل از ۱۳۰۰) وجود دارد و آن این است که آرتیکولاسیون شیوه‌های تولید در این دوره از طریق رونق بخشیدن به نقدینه‌کاری باعث وابستگی ساخت کشت روستایی به رونق شهری می‌گردد در حالیکه در دوره ماقبل آن چنین وابستگی مطرح نبود. خواهیم دید این وابستگی در دوره بعد که حیات شهری با رکود مواجه می‌شود چگونه بر استقرار فضایی جمعیت تأثیر می‌گذارد، لیکن در دوران ماقبل تحولات سرمایه‌داری رکود شهری باعث تغییر الگوهای استقرار جمعیت نمی‌گشت. بازتاب فضایی دیگر این نوع آرتیکولاسیون همانا موزونی نسبی شبکه شهری ایران در این دوره است. از آنجا که شهرها در این دوره عمدتاً گرد آورنده و متمرکزکننده مازاد روستایی هستند، لذا در این دوره با شبکه‌ای از شهرها و روستاهایی مواجه می‌شویم که از انسجام و موزونی بیشتری برخوردار است. شهر و منطقه به واسطه غلبه داشتن شبکه استخراج و تمرکز مازاد روستایی در تقابل یا یکدیگر رشد می‌کردند. شهرها در این دوره نمی‌توانستند مستقل از مازاد روستایی منطقه

خود گسترش بیابند و همین امر محدودیت شهرنشینی در این دوره را توجیه می‌کند. به عنوان مثال بزرگترین شهر ایران در سال ۱۳۱۷ (تهران) تنها دو برابر دومین شهر ایران در این سال (مشهد) جمعیت داشت حال آنکه این رقم در سال ۱۳۵۱ به بیش از ۸ برابر می‌رسد. خواهیم دید این ناموزونی در شبکه شهری و پیدایش قطب‌های بزرگ جذب جمعیت حاصل گسیختگی شبکه محلی استخراج و تمرکز مازاد روستایی است و آغاز تحول مستقل شهرها متکی بر مازاد اقتصاد ملی (درآمدهای نفت) است. لذا در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۲۰ بازتاب فضایی غلبه داشتن شبکه محلی استخراج و تمرکز مازاد همانا شبکه‌ای نسبتاً موزون از شهرها و روستاهاست. لیکن در این مورد هم میان این موزونی و موزونی ماقبل تحولات سرمایه‌داری تفاوت عمده‌ای وجود دارد. در این دوره نطفه‌های گسیختگی شبکه محلی استخراج و تمرکز مازاد روستایی با گسترش تجارت خارجی در شهرها بوجود آمد. از سوی دیگر یکپارچگی روزافزون بازار داخلی و عمدتاً بازارهای شهری در این دوره زمینه رشد مصرف و تغییر الگوهای مصرف را فراهم آورد و شرایط غالب شدن مازاد اقتصادی غیرروستایی (درآمدهای نفت) را در دوره بعد آماده می‌سازد.

۲-۲ شهر و روستا ۱۳۳۲-۱۳۲۰

شروع حرکت‌های مهاجرتی و آغاز شهرنشینی معاصر ایران مقارن سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ است. این دوره

چنانکه اشاره کردیم دوره وقفه در روند مدرنیزاسیون و رکود اقتصادی است. از آنجا که روند مدرنیزاسیون عمدتاً روندی شهری بود در این دوره بطور کلی حیات شهری دچار رکود می شود.

گفتیم نقش غالب شهر در دو دهه ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ همانا نقش تجاری آن بود، چه تجارت داخلی و چه تجارت خارجی. این نقش باعث می شد که شهر از یک سو به محل تمرکز مازاد اقتصادی کشاورزی تبدیل شود و از سوی دیگر مکان تحقق تجارت خارجی باشد. بنابراین وقفه در روند مدرنیزاسیون و رکود اقتصادی باعث تضعیف نقش شهر و رکود حیات شهری شد چرا که از یک سو تحول فعالیت ها و ساخت اشتغال شهری در این دوره متوقف شد و از سوی دیگر بر اثر جنگ جهانی تجارت خارجی از رونق افتاد و سرمایه های تجاری به سمت سایر فعالیت های شهری از جمله بورس بازی زمین گرایش پیدا کردند. با کاهش شدید میزان تجارت خارجی و صادرات مواد اولیه کشاورزی از یک سو، و ورود متفقین به ایران و هرج و مرج ناشی از آن از سوی دیگر، رابطه سازمان یافته شهر و روستا از حیث مازاد اقتصادی روستایی و یا نقش شهر در متمرکز کردن این مازاد اقتصادی تضعیف شد. بدین ترتیب شبکه محلی استخراج و تمرکز مازاد اقتصادی که در دوره قبل بر اساس رونق نقدینه کاری شکل گرفته بود در این دوره دچار گسیختگی شد. ارقام مربوط به سطح زیر کشت و صادرات پنبه در این دوره گویای کاهش شدید محصول است که به نوبه

خود وقفه در نقدینه کاری را بنحوی نشان می دهد.
(همچنین رجوع کنید به جدول ۳ که کاهش تولید
محصولات اصلی کشاورزی را در این دوره نشان می دهد).

جدول ۴ - سطح زیرکشت و صادرات پنبه ۱۳۲۶-۱۳۱۴

سال	صادرات (تن)	سطح زیرکشت پنبه در منطقه مرکان و گنبد (هکتار)
۱۳۱۴	۱۶۷۴۴	۵۰۰۰۰
۱۳۱۶	۱۹۷۶۵	۱۷۰۰۰
۱۳۱۹	۱۹۷۳۶	-
۱۳۲۰	۴۷۲۶	-
۱۳۲۲	۵	-
۱۳۲۳	۸	-
۱۳۲۴	۵	-
۱۳۲۵	۱۰۵۷	-
۱۳۲۶	۱۴۵۵	۷۰۰۰

مأخذ: م - سوداگر - رشد روابط سرمایه داری در ایران - ص ۲۵۱

بدین ترتیب تا آنجا که به رابطه شهر و روستا در
این دوره مربوط می شود باید گفت بواسطه رکود تجارت
جهانی و هرج و مرج داخلی نقش تجاری شهر تنزل
می کند که بازتاب آن در رابطه شهر و روستا بصورت
گسیختگی شبکه استخراج مازاد اقتصادی روستایی نمایان
می گردد. این گسیختگی به توبه خود باعث کاهش نقدینه
کاری و نزول سطح فعالیت های کشاورزی می شود (جدول
۳). پس در وهله اول تصویری که از شهر و روستا در

این دوره به دست می‌آوریم رکود حیات و تجارت شهری و رکود فعالیت‌های کشاورزی است.

نزول سطح فعالیت‌های کشاورزی از يك سو و اشاعه هرچند ناقص امکانات بهداشتی (یکی دیگر از وجوه مدرنیزاسیون) از سوی دیگر باعث افزایش مازاد نسبی جمعیت روستایی شد. اشاعه امکانات بهداشتی میزان مرگ و میر در روستاها را کاهش داد و با ثبات بودن میزان زاد و ولد جمعیت روستایی رو به افزایش گذارد. در مقابل این افزایش جمعیت، فعالیت‌های کشاورزی نه تنها گسترش نیافت بلکه دچار انقباض نیز شد. حاصل این هر دو آغاز روندهای مهاجرتی از دهه ۱۳۲۰ در ایران است.

رشد سالانه شهری از ۱۶۵ درصد در دوره قبل به ۲۷۲ درصد می‌رسد. (جدول ۲). لیکن در این دوره نباید تصور کرد بیکاری پنهان در روستا به تمامی به حرکت‌های مهاجرتی بدل می‌شود. جذب تمامی بیکاری پنهان روستایی نیازمند قطب جاذبی است. این قطب همانا شهر است. لیکن در صورت رکود فعالیت‌های شهری میزان مهاجرت و جذب بیکاری پنهان روستایی چندان زیاد نخواهد بود، زیرا حیات شهری در چنین حالتی چشم‌انداز وسیعی را عرضه نمی‌کند که باعث کننده شدن وسیع نیروی کار از کار کشاورزی و مهاجرت به شهر شود. در دوره ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ چنین پدیده‌ای در ایران بروز می‌کند یعنی رکود حیات شهری و تجارت جهانی هرچند باعث افزایش بیکاری در روستا می‌گردد لیکن خود این

رکود عامل بازدارنده‌ای در وسعت یافتن روندهای مهاجرتی در این دوره است. دقیقاً بهمین دلیل در این دوره مهاجرت در مواردی به خارج از کشور صورت می‌گیرد. اهمیت مطالعه این دوره از شهرنشینی معاصر ایران در این امر نهفته است که از این دوره به بعد رابطه نسبتاً متقابل و موزون میان شهر و روستا که قبلاً با استخراج مازاد اقتصادی روستا توسط شهر باعث پیدایی شبکه نسبتاً منسجمی از شهرها و روستاها شده بود برهم می‌خورد. بعداً خواهیم دید گسیختگی رابطه شهر و روستا و اتکاء روزافزون شهر به مازاد اقتصادی غیرکشاورزی که تا به امروز در ایران ادامه پیدا کرده است، از همین دوره آغاز می‌شود. روند در حاشیه قرار گرفتن بخش کشاورزی ایران از این دوره آغاز می‌شود. اگر قبل از این دوره ممکن بود تصور شود بخش کشاورزی می‌تواند به بخش صادراتی ایران در تقسیم کار بین‌المللی تبدیل شود از این دوره به بعد با تثبیت نقش نفت (خاصه پس از کودتای ۱۳۳۲) به عنوان محصول صادراتی ایران دیگر بخش کشاورزی هرگز مجال رونق و تبدیل به بخش صادراتی را پیدا نکرد و بطور روزافزون در حاشیه قرار گرفت. این امر تأثیر مستقیمی بر روند شهرنشینی در ایران از این دوره به بعد می‌گذارد و بطور روزافزونی باعث تشدید گسیختگی شبکه شهری و شبکه تبادلات شهر و روستا می‌شود.

۲-۳ شهر و روستا ۱۳۴۰-۱۳۳۲

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در گسیختگی شبکه استخراج و تمرکز مازاد اقتصادی کشاورزی نقطه عطفی به حساب می‌آید چرا که از این دوره به بعد با تداوم یافتن روند مدرنیزاسیون در مقیاس وسیع‌تر در حقیقت زمینه تبدیل نفت به مهمترین منبع مازاد اقتصادی در سطح ملی و در نتیجه کاهش نقش کشاورزی در تولید داخلی و صادرات فراهم آمد.

جدول ۵ : سهم کشاورزی در تولید داخلی

۱۳۴۰	۱۳۳۸	۱۳۰۵-۱۳۲۹	
۳۰/۵	۳۲	۵۰	سهم کشاورزی در تولید داخلی (درصد)

منبع: م - سوداگر - رشد روابط سرمایه‌داری در ایران

در این دوره علی‌رغم گسترش نسبی فعالیت‌های کشاورزی این دیگر مازاد اقتصاد روستایی نیست که تعیین‌کننده روند شهرنشینی است. از این دوره به بعد شهر با اتکاء به مازاد اقتصادی حاصل از صدور نفت به محور اصلی تحولات جامعه بدل می‌گردد. با گسترش روزافزون تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری‌ها و وام‌های خارجی، شهرها هرچه بیشتر به‌مکان تحقق تجارت جهانی و تمرکز مازاد اقتصادی ملی (درآمدهای حاصل از صادرات نفت) تبدیل شدند و در نتیجه هرچه بیشتر مستقل از مازاد اقتصادی روستایی و نوسانات آن به

حیات خود ادامه دادند.

با تبدیل شهر به محور اصلی حیات اقتصادی جامعه و گسترش زیر ساخت‌های صنعتی و مالی جهت بسط مناسبات سرمایه‌داری، فعالیت‌های جدید و سودآوری در شهرها پدید آمد. زمینه‌های سرمایه‌گذاری متعددتر شد و بتدریج شهر به مرکز اصلی اشتغال نیروی کار دستمزدی بدل شد. با کاهش نقش کشاورزی و رونق حیات شهری روند مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر که از دوره قبل آغاز شده بود با شدت بیشتری ادامه یافت و رشد سالانه شهری از ۲۷۲ درصد در دوره قبل به ۴۵۷ درصد رسید. از سوی دیگر کاهش مقام کشاورزی و فقدان کارآیی نظام سنتی و مناسبات کهن روستایی در این دوره زمینه در حاشیه قرار گرفتن کامل بخش کشاورزی، و در نتیجه تشدید روندهای مهاجرتی را در دوره بعد فراهم می‌آورد.

اگر در دوره قبل (۳۲-۱۳۲۰) رکود شهری باعث گسیختگی رابطه شهر و روستا و نزول فعالیت‌های کشاورزی می‌شد و این امر به مهاجرت از روستا به شهر (و خارج از کشور) دامن می‌زد، در این دوره (۱۳۴۰-۱۳۳۲) رونق شهری از جانب دیگری باعث افزایش مهاجرت می‌شود. یعنی از يك سو مقام کشاورزی در ساخت اقتصادی رو به تنزل می‌رود و این امر باعث افزایش مازاد نسبی جمعیت روستایی و سپس مهاجرت می‌شود و از سوی دیگر رونق شهری امکان جذب نسبی مهاجرین روستایی را فراهم می‌آورد. لذا چنانکه ملاحظه

می‌شود بر خلاف دوره قبلی که به دلیل رکود شهری میزان شهرنشینی و مهاجرت از روستا به شهر چندان زیاد نبود در این دوره میزان مهاجرت بیش از دوره قبلی است.

۲-۴ نتیجه‌گیری

هر يك از سه مرحله شهرنشینی بطئی دارای ویژگی‌هایی است که مقایسه آنها با یکدیگر می‌تواند در خصلت‌یابی شکل شهرنشینی در ایران مفید باشد. دیدیم که فقدان شهرنشینی در دوره ۱۳۲۰-۱۳۰۰ نتیجه تحکیم روابط سنتی تولید در روستا است که خود نتیجه رونق تجارت داخلی و خارجی در شهر و رواج نقدینه‌کاری حاصل از آن بود. وابسته شدن ساخت کشاورزی به محصولات قابل فروش بالطبع قسمتی از نیروهای مولد بخش کشاورزی را متوجه کشت این محصولات می‌ساخت و ساخت کشت معیشتی و سنتی را تغییر می‌داد. بهمین دلیل در دوره بعدی که اشغال ایران آغاز می‌شود بر اثر کاهش شدید تقاضا برای محصولات کشاورزی صادراتی قسمتی از نیروهای مولد کشاورزی و خاصه نیروی کار این بخش که در تولید این محصولات نقش داشتند بلا استفاده می‌شوند. این بلااستفاده شدن بصورت مهاجرت نیروی کار از روستاها به شهرها و حتی خارج از کشور نمایان می‌شود. لیکن رکود حیات شهری در دوره ۳۲-۱۳۲۰ باعث می‌شود که مهاجرت به شهرها نسبتاً محدود باشد. بدین ترتیب دیاگرام روابط علت و معلولی در مراحل اول و دوم به صورت زیر خواهد بود:

مرحله اول
۱۳۲۰-۱۳۰۰

→ رونق شهری

رونق تجارت
→ داخلی و خارجی

رونق
تجکیم موقت
نقدینده کاری
روابط تولید
سستی در روستا
→ فقدان مهاجرت

مرحله دوم
۱۳۲۲-۱۳۲۰

رکود شهری

کسینیتگی را بعله
→ سازمان یافته تسمکز
مازاد کشاورزی

راکد شدن بخشی
از زمین وهای مولد
→ کشاورزی
و اشاعه بهداشت

افزایش مازاد
جمعیت
→ روستایی
مهاجرت

معدالك نکته مهم در بررسی شهرنشینی بطئی آن است که چگونه در مرحله سوم این شهرنشینی یعنی در دوره پس از ۱۳۳۲ رونق شهری و از سرگیری تجارت خارجی و مدرنیزاسیون و توسعه اقتصادی بر خلاف مرحله اول که باعث رونق نقدینه‌کاری و در نتیجه ماندگاری نیروی کار در روستاها شده بود در این مرحله به عکس باعث تشدید فروپاشی روابط تولید سنتی در روستاها و افزایش مهاجرت به شهرها می‌شود. پاسخ این امر در تغییر بنیان اقتصادی شهرنشینی در دوره پس از ۱۳۳۲ نهفته است. در مرحله اول شهرنشینی بطئی (۱۳۲۰-۱۳۰۰) رونق شهری یا به عبارت دیگر رونق تجارت از نظر بنیان اقتصادی وابسته بود به مازاد اقتصادی روستا. بهمین دلیل در واقع پایه رونق شهری در مرحله اول مازاد اقتصادی روستا بود که در انواع اشکال نقدینه کاری بروز می‌کرد و شهر نقش متمرکزکننده این مازاد را ایفا می‌کرد. در حالیکه در مرحله سوم شهرنشینی بطئی بنیان اقتصادی رونق شهری و شهرنشینی دیگر نه مازاد اقتصادی روستایی بلکه مازاد اقتصادی حاصل از درآمد های نفت و وام‌های خارجی پایه شهرنشینی در این دوره را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب رابطه ارگانیک شهر و روستا در مراحل قبلی به دلیل مستقل شدن شهرنشینی از مازاد اقتصادی روستایی دچار گسیختگی می‌شود. الگوی شهرنشینی که از دوره ۱۳۳۲ به بعد در ایران با آن روبرو هستیم شهرنشینی‌ای است که دقیقاً حاصل شکل ادغام اقتصاد ایران به عنوان يك اقتصاد تك

محصولی در تقسیم بین‌المللی کار است. از آنجا که ماده اصلی صادراتی ایران از این به بعد نفت است لذا بخش کشاورزی عملاً در تقسیم بین‌المللی کار دیگر نقشی را در این دوره ایفا نمی‌کند. روند در حاشیه قرار گرفتن کشاورزی که نتیجه ادغام ایران در بازار جهانی به عنوان صادرکننده نفت است در حقیقت از نظر فضایی بصورت در حاشیه قرار گرفتن روستا و نهایتاً گسیختگی شبکه شهر و روستا متجلی می‌شود. همین گسیختگی به شهرها اجازه می‌دهد تا در مراحل بعدی یعنی در دوره شهرنشینی سریع حجم عظیمی از مازاد اقتصادی ملی را در خود متمرکز ساخته امکانات بیشماری را از حیث سرمایه‌گذاری و اشتغال فراهم آورند، بدون اینکه بر مازاد اقتصادی و روستا اتکا کنند. بدین ترتیب فروپاشی روابط سنتی در روستا که از دوره ۱۳۴۰-۱۳۳۲ آغاز و در نهایت به اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ می‌انجامد در واقع بیانگر در حاشیه قرار گرفتن بخش کشاورزی در اقتصاد ایران است که حاصل آن بصورت مهاجرت بخشی از نیروی کار روستاها به شهرها بروز می‌کند. علاوه بر آن زمانی که توجه کنیم روند در حاشیه قرار گرفتن کشاورزی توأم با رونق سرمایه‌گذاری‌های شهری با اتکا به مازاد اقتصادی ملی بوده است بیش از پیش به علل افزایش مهاجرت و شهرنشینی در دوره ۴۵-۱۳۳۲ پی خواهیم برد. بدین ترتیب دیاگرام روابط علت و معلولی در مرحله سوم شهرنشینی بطئی بصورت زیر خواهد بود.

مرحله سوم ← رونق شهری منکی ← بر مازاد اقتصادی ملی
 نزول مقام بخش ← کشاورزی در کل روستا ←

۱۳۳۲-۴ ← تشدید فروپاشی ← افزایش مازاد نسبی ← مهاجرت
 روابط منتهی روستا ← جمعیت روستایی

مشاهده می شود که خصلت های شهرنشینی در هر مقطع از شهرنشینی بطئی بر حسب چگونگی تحولات اقتصادی و اجتماعی در سطح کل جامعه متفاوت است. شهرنشینی در مرحله اول هنوز خصلتی پیش سرمایه داری دارد و روند بسیار کندی را طی می کند. در مرحله دوم شهرنشینی به صورت مرحله ای انتقالی آغاز می شود و در مرحله سوم خصلتی سرمایه دارانه تر پیدا می کند. خصلت های مرحله سوم شهرنشینی (۴۰-۱۳۳۲) شباهت بیشتری به شهرنشینی سریع که از اصلاحات ارضی به بعد با آن روبرو هستیم دارد، با این تفاوت که هنوز «مشکلات» شهری بصورت مسائلی برجسته و روزمره بروز نکرده است. بدین ترتیب بطور خلاصه می توانیم خصلت های شهرنشینی بطئی را بر حسب سه مرحله آن به این شرح جمع بندی کنیم:

شهرنشینی در مرحله اول (۱۳۰۰-۱۳۲۰) خصلتی متفاوت با شهرنشینی دوران بعدی دارد و تنها بصورت نطفه تحولات بعدی قابل ارزیابی است. شهرنشینی در

مرحله دوم (۳۲-۱۳۲۰) بر اثر تحولات دوره قبلی اتفاق می افتد ولی بدلیل رکود حیات شهری از سرعت و وسعت اندکی برخوردار است. شهرنشینی در مرحله سوم (۴۰-۱۳۳۲) از حیث خصلت مشابه شهرنشینی سریع است، و حاصل تحول در الگوهای استخراج و تمرکز مازاد اقتصادی است لیکن از حیث سرعت و وسعت به اندازه ای نیست که باعث بروز همه جانبه «مشکلات» شهری شود. شهرنشینی سریع در حقیقت تداوم مرحله سوم شهرنشینی بطئی است در مقیاس وسیع تر و با آهنگ سریع تر.

۳- شهرنشینی سریع: مرحله بسط سرمایه داری

۱۳۴۰-۵۵

روندهای مهاجرتی که از دهه ۱۳۳۰ در ایران شروع شده بود پس از اصلاحات ارضی ابعاد گسترده ای پیدا کرد. رونق شهری از يك سو و فروپاشی روابط سنتی تولید در روستا به واسطه اصلاحات ارضی دو عامل تعیین کننده روند شهرنشینی در این دوره به حساب می آیند. توسعه شهرها مستقل از مازاد اقتصادی روستایی و با اتکا به درآمدهای حاصل از صادرات نفت باعث جذب جمعیت به مراتب بیشتری از دوره قبلی می گردد. از این دوره به بعد در برنامه های عمرانی دولت که همچنان اهرم توسعه اقتصادی بود، بودجه های عمران شهری و حل مشکل بیکاری به عنوان دو مقوله برجسته

نمایان می‌گردد.

در این قسمت ابتدا خلاصه‌ای از الگوی توسعه اقتصادی در این دوره ارائه می‌دهیم.

۳-۱ اصلاحات ارضی، برنامه‌های عمرانی، شیوه تولید سرمایه‌داری

در حقیقت می‌توان گفت دوره پس از کودتای ۱۳۳۲ تا اصلاحات ارضی دوره‌ای است که اقتصاد ایران طی آن بطور روزافزونی وابسته به درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت می‌گردد به نحوی که ادامه روند مدرنیزاسیون و بودجه‌های عمرانی دولت تقریباً بطور کامل منوط به صدور روزافزون این ماده اولیه می‌شود. در واقع بر اثر اجرای برنامه هفت ساله دوم نه تنها موازنه ارزی کشور بهبود نیافت و رشد صنعتی صورت نگرفت بلکه در تابستان ۱۳۳۹ حجم پول در گردش بیش از دو برابر و اعتبارات بانک‌ها به بخش خصوصی بیش از سه برابر شد. این افزایش بدون افزایش مشابهی در تولیدات داخلی سبب تشدید تورم داخلی شد و افزایش واردات به منظور کاهش تورم نیز نه تنها کارساز نبود بلکه ذخایر ارزی کشور را هم به آخر رسانید.

در حقیقت رکود آخر دهه ۳۰ عبارت بود از بروز تنگناهای توسعه سرمایه‌داری در یک کشور توسعه نیافته. این تنگناها عبارت بودند از کمبود زیرساختهای صنعتی و اقتصادی و محدود شدن روند مدرنیزاسیون به شهرها و دور ماندن روستاها از تحولات سرمایه‌داری.

غلبه بر این موانع ساختی درست مانند خود روند مدرنیزاسیون مستلزم اقدام «از بالا» و توسط دولت بود. برنامه اصلاحات ارضی دهه چهل به منظور غلبه بر این موانع ساختی تدوین شد و هدف آن تداوم بسط سرمایه‌داری و تسهیل روند انباشت سرمایه و مدرنیزاسیون در ایران بود.

هدف اصلاحات ارضی عمدتاً تخصیص هرچه بیشتر امکانات و سرمایه‌ها به بخش صنعت و رواج خرده‌مالکی در روستا و گسترش بازار کالاهای مصرفی به روستاها بود. معذالك برنامه اصلاحات ارضی در برخورد با ساخت تڪ محصولی اقتصاد ایران نتایجی متفاوت از اهداف اولیه آن به بار آورد.

سازمان‌یابی کهن تولیدی در روستا فرو پاشید و در جای آن نظام جدیدی مستقر نشد. تقسیم اراضی به دهقانان صاحب نسق، حجم مازاد نسبی نیروی کار (خوش‌نشینان) روستایی را اضافه کرد و گسترش بازار مصرف و سیستم تعاونی روستایی بر اساس مالکیت زمین، باعث رواج هرچه بیشتر روابط پولی در روستا و وابستگی زارعین به پول شد. بدین ترتیب پول معیاری شد برای سنجش دستمزدهای شهری و درآمد روستایی. هرچند جمعیت روستاها و نیز تولیدات کشاورزی بطور مطلق اندکی افزایش می‌یافت، سهم بخش کشاورزی در کل ساخت اقتصادی به شدت رو به کاهش گذارد. افزایش واردات محصولات کشاورزی در اواخر این دوره نتیجه همین در حاشیه قرار گرفتن بخش کشاورزی بود.

جدول ۷ : سهم بخش‌های اصلی اقتصاد در تولید ناخالص داخلی (%)

۱۳۵۶	۱۳۳۸	
۹	۳۲	کشاورزی
۳۶	۱۰	نفت
۱۹	۱۷	صنایع و معادن
۳۶	۴۱	خدمات

مأخذ: م - سوداگر - رشد روابط سرمایه‌داری در ایران

بدین ترتیب نتیجه اصلاحات ارضی در روستا فروپاشی روابط سنتی تولید و عدم جایگزینی روش‌ها و مناسبات جدید تولید به جای آن بود. لذا می‌توان گفت روندی که از کودتای ۱۳۳۲ در زمینه کاهش نقش کشاورزی و مازاد آن در اقتصاد کشور و جایگزینی آن توسط مازاد اقتصادی حاصل از صادرات نفت آغاز شده، پیوسته در این دوره با اصلاحات ارضی تشدید شد و ابعاد گسترده‌ای بخود گرفت.

در این دوره تحولات اقتصادی با برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم عمرانی همچنان حیات و اقتصاد شهری را دگرگون ساخت با این تفاوت که در این دوره روستاها نیز به دایره تحولات حاصل از بسط سرمایه‌داری کشیده شدند. مطالعه سیر تحول برنامه‌های عمرانی در این دوره اهمیت زیادی در خصلت‌یابی رشد سرمایه‌داری دارد چرا که این برنامه‌ها در واقع بازتاب مسائل و تضادهائی است که بسط شیوه تولید سرمایه‌داری در یک کشور

توسعه نیافته با آن روبروست. از سوی دیگر از آنجا که بسط سرمایه‌داری در ایران همواره با دخالت‌های مستقیم دولت عملی بوده است. لذا سمت‌گیری برنامه‌های دولت در حقیقت گویای تضادهایی است که در هر مرحله از بسط سرمایه‌داری با آن روبرو می‌شویم. به عنوان مثال مسأله ایجاد اشتغال و سایر مسائل مربوط به نیروی کار در برنامه‌های عمرانی اول، دوم و سوم هنوز مسأله عمده‌ای به حساب نمی‌آید در حالیکه جزو محورهای اصلی برنامه‌های چهارم و پنجم عمرانی به شمار می‌آید. بنابراین در اینجا به تشریح اجمالی این برنامه‌ها می‌پردازیم.

بطور کلی برنامه‌های دولت در دوران پس از اصلاحات ارضی شامل سه راستای صنعت، زیر ساخت‌های اقتصادی و اشتغال می‌شود. در زمینه صنعت هدف برنامه سوم عمرانی (۱۳۴۱-۴۶) تشویق بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری‌های صنعتی و سرمایه‌گذاری دولتی در صناعی است که بخش خصوصی تمایلی به آنها نشان نمی‌دهد. به این منظور سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی در مجموع از ۱۸٫۹ میلیارد ریال (سال ۱۳۴۴) یعنی ۳۲٫۳ درصد کل سرمایه‌گذاری‌های ثابت در سال ۱۳۴۰ به ۶۰٫۷ میلیارد ریال یعنی ۵۷ درصد کل سرمایه‌گذاری‌ها در سال ۱۳۴۶ رسید. سرمایه‌گذاری‌های خصوصی تنها از ۳۹٫۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۰ به ۴۵٫۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۶ رسید. زیرساخت‌های اقتصادی یعنی تأمین نیرو، سوخت، ارتباطات و مخابرات حدود ۴۲ درصد کل بودجه دولت در برنامه سوم را بخود

اختصاص داد. در این رابطه وزارت آب و برق در سال ۱۳۴۲ تأسیس شد. گسترش حمل و نقل هوایی و زمینی و توسعه بنادر و راه‌ها، اهداف و هزینه‌های اصلی برنامه سوم عمرانی را تشکیل می‌دهد. در این برنامه تنها ۳ درصد بودجه صرف عمران شهری شد در حالیکه در برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم میزان این اعتبارات افزایش می‌یابد.

در برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۶-۱۳۵۱) دولت خود در ایجاد صنایع سنگین (ذوب آهن اصفهان، ماشین-سازی اراک و تبریز و غیره) پیش قدم شد و سیاست جایگزینی واردات و ایجاد صنایع جایگزینی خاصه در زمینه کالاهای مصرفی ابعاد گسترده‌ای بخود گرفت. لیکن فقدان زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی (برق، راه، وسائل حمل و نقل و غیره) همچنان جزو مشکلات اساسی پروژه‌های صنعتی به حساب می‌آید. حل مشکل بیکاری خاصه در شهرها در این برنامه به یکی از مسائل اصلی دولت بدل می‌شود. به این منظور ایجاد اشتغال از طریق بخش ساختمان از این دوره جزو اهداف دولت در می‌آید. در گزارش برنامه سوم عمرانی آمده است رشته‌های ساختمان و مسکن یکی از رشته‌های مولد شغل است بطوریکه در سال ۱۳۴۶ در حدود نیم میلیون نفر در این رشته کار می‌کردند. از سوی دیگر اشتغال در بخش ساختمان با توجه به منشاء روستایی نیروی کار و عدم مهارت آن بخش مناسبی برای ایجاد اشتغال به حساب می‌آید.

برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۱-۱۳۵۶) با تجدید

نظری که به واسطه افزایش قیمت‌های نفت در بازار جهانی در آن صورت گرفت به تحولات انجام شده در برنامه‌های قبلی ابعادی نجومی داد. بودجه اولیه این برنامه ۱۵۶۰ میلیارد ریال بود که پس از تجدید نظر به ۴۶۹۸ میلیارد ریال افزایش یافت. این برنامه در مجموع سیاست‌های صنعتی قبلی را با ابعاد گسترده‌تری دنبال کرد. مسأله ایجاد اشتغال و خاصه افزایش عرضه نیروی کار ماهر و متخصص از مسائل عمده این برنامه عمرانی به حساب می‌آید.

نتایج کلی اصلاحات ارضی و برنامه‌های عمرانی در دوره مورد بحث تا آنجا که به روند شهرنشینی مربوط می‌شود به شرح زیر است:

۱- در طی نزدیک به سه دهه ترکیب جمعیت در بخش‌های اشتغال دچار تحول اساسی شد. اشتغال نیروی کار در بخش‌های صنعت و خدمات افزایش یافت و نسبت اشتغال در بخش کشاورزی رو به کاهش رفت. اشتغال در بخش کشاورزی در برنامه سوم نسبت به برنامه دوم ۶۱ درصد و در برنامه چهارم نسبت به برنامه سوم ۸۹ درصد کاهش یافت، که معادل آن در بخش‌های صنعت و خدمات افزایش یافت.

۲- دینامیسم اقتصادی از حیث مازاد اقتصادی قابل سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر وابسته به صدور نفت و منابع ارزی حاصل از آن شد. درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت به منبع اصلی سرمایه‌گذاری در امور زیرساختی (از جمله زیرساخت‌های صنعتی) و خدمات بدل شد و

مؤسسات مالی دولتی و اعتبارات دولتی به عمده ترین اهرم سرمایه گذاری و تشویق بخش خصوصی تبدیل شدند. بدین ترتیب نقش مازاد اقتصادی روستایی در توسعه اقتصادی بطور روزافزونی کاهش یافت و استخراج و تمرکز مازاد اقتصادی روستائی در شبکه شهری دچار درهم ریختگی کامل شد و مازاد اقتصادی جهانی (درآمد حاصل از صادرات نفت) غلبه قطعی خود را اعمال کرد.

۳- بخش کشاورزی با رشد کم خود هرچه بیشتر به يك بخش حاشیه ای در کل اقتصاد بدل شد و اولویت توسعه به سایر بخش های اقتصادی داده شد. معذالك بخش کشاورزی بیش از هر زمان دیگر تحت تأثیر مناسبات سرمایه داری قرار گرفت و روابط سنتی ابتدا با رواج مبادلات پولی و سپس با اشاعه کار دستمزدی و در مواردی مکانیزاسیون دچار فروپاشی شد که حاصل آن آزاد شدن نیروی کار از بخش پیش سرمایه داری کشاورزی بود.

۴- دوره پس از اصلاحات ارضی در ایران آغاز مرحله دوم صنعتی شدن ایران با الگوی جایگزینی واردات و تنوع یافتن نسبی ساخت صنعتی ایران است (علی رغم ناموزونی شدید صنعتی). پروژه های صنعتی در این دوره در دو راستا قرار داشت: یکی زیرساخت های صنعتی مانند آب، برق، تلفن و غیره و دیگری جایگزینی کالاهای صنعتی وارداتی. تغییر الگوهای مصرف جامعه که با آغاز روند مدرنیزاسیون شروع شد در این دوره شدت گرفت، و زمینه برای استقرار صنایع موتتاثر و جایگزینی واردات

۴- شهر و روستا ۱۳۵۵-۱۳۶۰

شهرنشینی دوران معاصر ایران از اصلاحات ارضی دههٔ چهل آغاز می‌شود. این شهرنشینی و خصلت‌های مختلف آن حاصل تحولاتی است که بر اثر اصلاحات ارضی از يك سو در روستاها و از سوی دیگر در شهرها پدید آمد. بدین ترتیب مطالعهٔ تحولات اقتصادی و اجتماعی در دو محور شهر و روستا در این دوره برای خصلت‌یابی شهرنشینی سریع ضروری به نظر می‌رسد.

تحولاتی که در روستا به دنبال اصلاحات ارضی صورت گرفت همه به جدایی هرچه بیشتر نیروی کار از فعالیت‌های کشاورزی و روستایی انجامید. تقسیم زمین تنها میان دهقانان صاحب نسق انجام شد و عملاً گروهی از روستاییان که فاقد نسق بودند بدون زمین باقی ماندند. این گروه یا مجبور به کار برای مالکین می‌شدند و یا می‌بایست امرار معاش خود را در شهر جستجو می‌کردند.

از سوی دیگر رواج پول و مبادلات نقدی در روستاها که از مدت‌ها پیش از اصلاحات ارضی شروع شده بود مقایسهٔ دستمزدهای شهری و درآمد روستایی را در نزد زارعین سهل‌تر کرد. بدین ترتیب پول به معیار مشترك سنجش درآمدهای شهری و روستایی بدل شد. زمانی که کلیهٔ مایحتاج مورد نیاز را می‌توان با پول خریداری کرد، بدست آوردن پول حتی برای روستاییان به وسیلهٔ تأمین مایحتاج زندگی بدل می‌گردد. این نیاز به پول خاصه با

توجه به سیاست وام‌های کشاورزی و نحوه پرداخت آنها (نرخ بهره وام‌ها بی‌تناسب با درآمد روستاییان بود و زمان بازپرداخت وام‌ها نیز کم بود) در نزد روستاییان پس از اصلاحات ارضی به مراتب تشدید شد و حتی آنان را وادار به پیش فروش محصولات و در يك کلمه وابسته به اقتصاد پولی ساخت. وابستگی به اقتصاد پولی، ساخت معیشتی روستاها را به شدت دگرگون ساخت و ضربات نهایی را بر مناسبات کهن تولیدی در روستاها وارد آورد.

کاربرد ماشین‌آلات در امر کشاورزی در سطح محدودتری باعث آزاد شدن نیروی کار از فعالیت‌های کشاورزی و رانده شدن از زمین شد. معذالك سه عامل فوق یعنی تحول در ساخت مالکیت ارضی، وابستگی به اقتصاد پولی و مکانیزاسیون کشاورزی به تنهایی برای وسعت گرفتن روندهای مهاجرتی کافی نیست. وقتی این تحولات را همراه با تحولاتی که در حیات شهری در این دوره رخ داد در کنار یکدیگر بررسی کنیم آنگاه به علل روندهای مهاجرتی پی خواهیم برد.

شهرها در این دوره مکان تحقق مازاد اقتصاد ملی هستند. برنامه‌های عمرانی که بودجه آن از محل این مازاد تأمین می‌شد در آغاز صرف بهبود زیرساخت‌های شهری و بین شهری شد و در مرحله بعد صرف سرمایه‌گذاری‌های صنعتی گشت. گسترش زیرساخت‌های ارتباطی باعث رونق شهرها شد و گسترش زیرساخت‌های تأسیساتی و تجهیزات کیفیت زندگی شهری را ارتقاء

داد. رشد بازار مصرف داخلی و تغییر الگوهای مصرف
ایجاد صنایع جایگزینی وازدات را با حمایت دولت و به
توسط بخش خصوصی تشویق کرد که این خود اشتغال
شهری را دستخوش تحول ساخت. این عوامل که همگی
سبب رونق حیات شهری می شد باعث تشدید فعالیت های
بخش ساختمان و افزایش انباشت سرمایه در این بخش
شد. بورس بازی زمین و ساختمان در شهرهای بزرگ
کشور به سودآورترین و پر رونق ترین فعالیت شهری
بدل شد. بدین ترتیب زمانی که عدم مهارت نیروی کار
روستایی را از يك سو و رونق فوق العاده مشاغل ساختمانی
را از سوی دیگر در نظر بگیریم به یکی از عمده ترین علل
مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر پی خواهیم برد.
حتی اگر بخش ساختمان هم قادر به جذب تمامی مهاجرین
روستایی نبود همین اندازه که مازاد اقتصاد قابل ملاحظه ای
در شهرها متمرکز شد این خود شهر را به محل کسب
درآمد از انواع مشاغل حاشیه ای (مشاغل سازمان نیافته
و اتفاقی) بدل ساخت که به نوبه خود می توانست جاذب
مازاد جمعیت روستایی باشد.

بدین ترتیب تأثیرات مقتابل تحولات شهر و روستا
در این دوره به شکل حلقه ای از روابط علت و معلولی
در آمد و باعث تشدید شهرنشینی و مهاجرت های داخلی
در این دوره شد. روابط علت و معلولی شهرنشینی در
این دوره از حیث ماهیت، مشابه دوران پیش از اصلاحات
ارضی است با این تفاوت که ابعاد آن به مراتب گسترده تر
می شود. در این دوره هم رونق شهری از يك سو و کاهش

اهمیت کشاورزی و فروپاشی روابط سنتی در روستا از سوی دیگر به روندهای مهاجرتی دامن می‌زند.

۴-۱ خصلت‌یابی شهرنشینی سریع

بروز آنچه به «مشکلات شهری» معروف است مقارن همین دوره از شهرنشینی است. سرعت گرفتن مهاجرت‌های داخلی و افزایش سریع جمعیت شهرهای بزرگ و متوسط عوارض متعددی را در پی داشت. فوق‌تمرکز شهری در منطقه تهران، پیدایش حاشیه‌نشینان در حومه شهرهای بزرگ، فقدان و کمبود تأسیسات و تجهیزات زیرساختی در شهرها، وخامت روزافزون ارتباطات و ترافیک شهری، کمبود مسکن و بورس بازی زمین برخی از این «مشکلات» هستند که باعث شد بطور روزافزونی اعتبارات عمران شهری در بودجه‌های دولت افزایش یابد و تأمین زیرساخت‌های شهری به صورت یکی از اقلام مهم برنامه‌های عمرانی درآید. علی‌رغم این افزایش بودجه همواره سرعت پاسخگویی به نیازها از سرعت رشد نیازها کمتر بوده است و «مشکلات» شهری تاحدزیادی تشدید شده است. برآستی ریشه این عقب‌ماندگی چیست؟ به عبارت دیگر مکانیسم‌های تحقق شهرنشینی سریع چگونه است که همواره سبب تشدید «مشکلات» شده و پاسخگویی به نیازها را به تعویق می‌اندازد؟ با توجه به تأثیرات متقابل الگوی توسعه اقتصادی و روند شهرنشینی که ذکر شد شاید بتوان پاسخی برای این سؤال یافت. همانطور که اشاره کردیم مهمترین خصلت شهر-

نشینی سریع در ایران از حیث اقتصادی اتکای کامل آن
آن به مازاد اقتصاد ملی یعنی درآمدهای حاصل از صدور
نفت است. بنظر ما این خصلت، تعیین کننده سایر عوارض
و پدیده های شهری در این دوره است.

چنانکه اشاره کردیم شهرنشینی از حیث بنیان
اقتصادی همواره نیازمند نوعی از مازاد اقتصادی است.
همچنین گفتیم شیوه استخراج و تمرکز مازاد اقتصادی
یکی از عوامل اصلی تعیین کننده روند شهرنشینی است.
در حالتیکه شهرنشینی متکی بر مازاد اقتصادی روستایی
است شیوه استخراج آن یعنی روابط تولیدی در بخش
کشاورزی و شیوه تمرکز آن یعنی انتقال محصول بدست
آمده به شهر توسط مالکین تعیین کننده شکل شهرنشینی
خواهد بود. همچنین برحسب اینکه مازاد اقتصادی توسط
بخش خصوصی گردآوری و متمرکز شود یا توسط دولت،
شکل توزیع آن و در نتیجه شکل شهرنشینی حاصل از
تمرکز آن متفاوت خواهد بود. بدین ترتیب اشکال
استخراج و تمرکز مازاد اقتصادی برحسب نوع محصول
مازاد و شکل تمرکز آن منجر به اشکال متفاوتی از
شهرنشینی می گردد. شهرنشینی متکی بر صدور مازاد
اقتصاد کشاورزی توسط بخش خصوصی مسلماً با
شهرنشینی متکی بر صدور نفت توسط دولت متفاوت
است.

در بررسی الگوی توسعه اقتصادی ایران در نیم قرن
اخیر دیدیم اقتصاد ایران چگونه به تدریج از يك اقتصاد
عمدتاً کشاورزی (نقش نفت در آن اندك بود) به يك

اقتصاد تك محصولی صادرکننده نفت درآمد. بدین ترتیب بخش کشاورزی ایران در تقسیم بین‌المللی کار بتدریج به بخشی حاشیه‌ای بدل شد و در نتیجه مازاد اقتصادی حاصل از آن نیز به مازاد اقتصادی حاشیه‌ای تبدیل گشت. این مازاد بطور روزافزونی جای خود را به مازاد اقتصادی حاصل از صدور نفت داد. همراه با این تحول شکل و مکانیسم‌های شهرنشینی نیز تحول پیدا کرد. خصلت‌های شهرنشینی در مرحله غلبه مازاد اقتصاد کشاورزی را قبلاً بررسی کردیم. حال ببینیم مازاد اقتصادی حاصل از صدور نفت چگونه استخراج و سپس متمرکز می‌شد تا از این طریق الگوی شهرنشینی منتج از آن را بهتر درك کنیم.

مازاد اقتصادی حاصل از صدور نفت رابطه مستقیمی با میزان کار انجام شده در تولید آن ندارد. بهمین دلیل بسیاری از اقتصاددانان مازاد اقتصاد نفتی را نوعی از اجاره (رانت) در نظر آورده‌اند که بدلیل مالکیت ارضی يك کشور بر منابع نفت به آن کشور تعلق می‌گیرد. در حقیقت میزان اشتغال و نیروهای مولدی که در بخش صادراتی يك اقتصاد نفتی بکار گرفته می‌شود نسبت به مازاد اقتصادی حاصل از تولید نفت بسیار ناچیز است. به این دلیل با اختصاص اندکی از نیروهای مولد يك اقتصاد نفتی به تولید نفت حجم عظیمی از مازاد اقتصادی حاصل می‌گردد که بخش عمده آن نه حاصل فعالیت تولیدی بلکه حاصل اجاره (رانت) نفتی است. به این ترتیب تا آنجا که به استخراج مازاد اقتصادی نفتی مربوط می‌شود

این استخراج متکی بر اخذ اجاره (رانت) نفتی است و تولید در آن نقش بسیار ناچیزی دارد. از حیث تمرکز مازاد اقتصادی نفتی این مازاد در دست دولت متمرکز می شود، بدون اینکه بخش خصوصی در تمرکز آن نقشی داشته باشد. این مازاد سپس از طریق برنامه های عمرانی و بودجه های دولتی و انواع اعتبارات به بخش های دیگر اقتصاد انتقال می یابد و به سرمایه گذاری های مختلف بدل می گردد.

شکل شهرنشینی حاصل از آن نحوه استخراج و این نحوه تمرکز مازاد اقتصادی چگونه می تواند باشد؟ میزان سرمایه گذاری های شهری در این حالت مستقل از فعالیت های تولیدی سایر بخش های اقتصاد (غیر از نفت) و مستقل از مازاد اقتصاد روستایی تعیین می شود. حجم اشتغال ایجاد شده توسط این سرمایه گذاری ها بالطبع رابطه مستقیمی با حجم نیروی کار آزاد شده از بخش کشاورزی نخواهد داشت، چرا که هر يك از قوانین خاص خود تبعیت می کند. حجم سرمایه گذاری ها بستگی به تقاضای بازار جهانی برای نفت و میزان صادرات این محصول و در نهایت حجم مازاد اقتصادی حاصل از آن دارد. در حالیکه میزان نیروی کار آزاد شده از کشاورزی ناشی از فروپاشی روابط سنتی در روستا و در حاشیه قرار گرفتن بخش کشاورزی است. رابطه متقابل و مکمل میان این دو، چنانکه در کشورهای پیشرفته صنعتی مشاهده می شود وجود ندارد. از طرف دیگر با افزایش سرمایه گذاری های شهری و رونق زندگی شهری این

رونق به نوبه خود عامل توسعه فعالیت‌های مختلف از جمله فعال شدن بخش ساختمان و در نهایت عامل ایجاد اشتغال و جذب جمعیت بیشتر می‌شود. در این حالت رونق شهری رونق بیشتر و رکود روستایی رکود بیشتر را بدنبال دارد. «مشکلاتی» که این رونق شهری بدنبال دارد در واقع «مشکل» پاسخگویی به نیازهای روزافزون جامعه شهری است. لیکن از آنجا که شهرنشینی سریع بر مبنای رشد فعالیت‌های تولید و رشد نیروهای مولد شکل نگرفته است، نیروهای مولد موجود قدرت پاسخگویی مستمر به این نیازها را ندارد و همواره از نیازها عقب‌تر است. به‌همین دلیل می‌توان گفت در این حالت آهنگ شهرنشینی از آهنگ رشد نیروهای مولد تندتر است و همین ناموزونی ریشه تشدید «مشکلات» را فراهم می‌آورد. در این میان نقش بخش خصوصی نیز قابل بررسی است. بر خلاف کشورهای پیشرفته صنعتی که بخش خصوصی در پاسخگویی به نیازهای روزافزون شهری (اعم از زیرساختی و غیرزیرساختی) نقش فعالی داشت، در ایران بدلیل عدم اتکاء شهرنشینی به مازاد اقتصادی تولیدی (اعم از کشاورزی و یا صنعتی) و تمرکز این مازاد در دست دولت رشد بخش خصوصی موکول به اعتبارات و حمایت‌های دولتی بوده و تنها در سرمایه‌گذاری‌های ثانوی از جمله سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان نقش عمده را بر عهده دارد. در کشورهای پیشرفته ابتکار عمل تولیدی و ایجاد اشتغال در دست بخش خصوصی بوده و مشارکت آن در فعالیت‌های عمرانی جزء

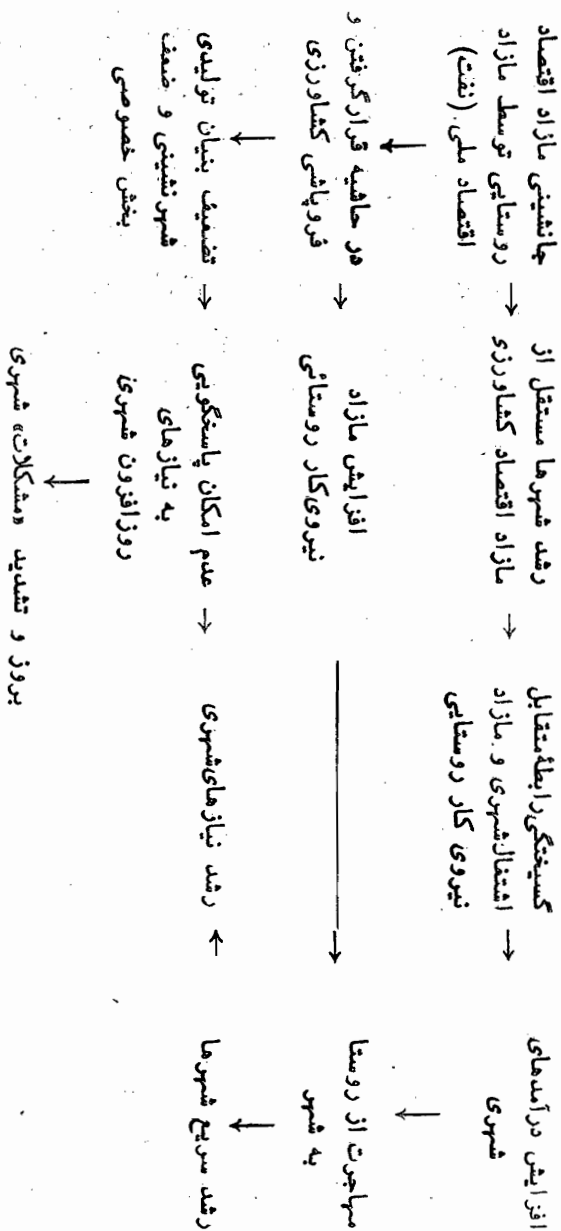
لاینفك سودآوری و توسعه این بخش به حساب می آمده است در حالیکه در ایران مازاد اقتصادی نفتی که به شکل اجاره (رانت) در دست دولت متمرکز می شود تنها در مرحله ثانوی به بخش خصوصی انتقال می یابد. بهمین دلیل سرمایه گذاری در عمران شهری و در نهایت کوشش برای حل «مشکلات» شهری نیز بر دوش دولت قرار می گیرد، و بخش خصوصی تنها در مواردی از اثرات این عمران متمتع می شود، لیکن خود مولد مازاد اقتصادی نیست تا مشارکت فعالی در این عمران داشته باشد. دیاکرام روابط علت و معلولی که منجر به بروز و تشدید «مشکلات» شهری در شهرنشینی سریع می شود بطور خلاصه بصورت نمودار صفحه بعد خواهد بود:

۵- نتیجه گیری

بدین ترتیب شهرنشینی سریع به صورت شهرنشینی «مشکلزا» نمایان می گردد که نه بخش خصوصی می تواند ابتکار عملی را در حل «مشکلات» آن بر عهده گیرد و نه نیروهای مولد از طریق بودجه های عمرانی دولتی می توانند به نیازهای آن پاسخ مستمری بدهند. این شکل از شهرنشینی با آن شکل از استخراج و تمرکز مازاد اقتصادی ملازمه دارد.

توسعه روابط سرمایه داری در بطن يك اقتصاد تك محصولی متکی بر صادرات نفت سبب درحاشیه قرار گرفتن بخش کشاورزی از يك سو و رشد سریع شهرها از سوی

دیاگرام روابط علت و معلولی مشکلات شهری در شهرنشینی سریع



دیگر شد. حاصل این دو روندهای مهاجرتی از روستاها به شهرها بود که در نهایت به شکل «مشکلات» حاصل از آن با توسعه سرمایه‌داری با الگوی فوق ملازمه دارد و ثانیاً «مشکلات» شهری و تشدید آن خود حاصل الگوی توسعه اقتصادی ذکر شده است. بدین ترتیب پاسخگویی مستمر به نیازهای شهرنشینی مستلزم تحول در الگوی توسعه اقتصادی فوق است چه در غیر این صورت همواره شهرنشینی بر رشد نیروهای مولد و نیازها بر توان پاسخگویی به آنها پیشی خواهند گرفت.

اردیبهشت ۱۳۶۲

گیتی اعتماد

مهاجرت در ایران در دهه‌های اخیر (۱۳۳۵-۵۵)

مقدمه

مهاجرت به مفهوم جابجایی جمعیت از روستا به شهر و از شهر به شهر در ایران از اواخر قرن گذشته (شمسی) محسوس و نمایان گردید این مهاجرت به علل گوناگون اقتصادی - اجتماعی صورت می‌گرفت که مهمترین آن افزایش جمعیت کشور از یکسو و تضییع و بسط روابط سرمایه‌داری در شهر و سپس در روستا از سوی دیگر، بوده است. علاوه بر مهاجرت‌های داخلی (که ارقام آن تا زمان اولین سرشماری نفوس و مسکن در ایران در سال ۱۳۳۵ در دست نیست) بیش از یک میلیون کارگر ایرانی از اواخر قرن گذشته به روسیه و سایر کشورها مهاجرت کرده‌اند^۱. با کشف نفت در شیخ‌نشین‌های جنوب، نیز مهاجرت‌هایی باین نقاط صورت گرفت. طبق آمار سال ۱۹۶۷ در سه شیخ‌نشین بحرین، امارات عربی و کویت

۱- رشد روابط سرمایه‌داری در ایران - م. سوداگر.

صد هزار ایرانی به کار مشغول بوده اند.^۲ مهاجرت نیروی کار غیرماهر از ایران به خارج، در آغاز دهه ۱۳۵۰ بدنبال رونق اقتصادی ایران (افزایش درآمد نفت) کاهش یافت اما مهاجرت متخصصین متوقف نشد. بطوریکه در سال ۱۳۵۴ در حدود ۱۵ هزار پزشک ایرانی در خارج از کشور مشغول بکار بودند. (از جمله ۸ هزار نفر در امریکا، ۳۵۰۰ نفر در آلمان^۳). اما آنچه که در این مقاله بررسی می گردد صرفاً مهاجرت های داخلی است که حاصل مستقیم آن تسریع پویش شهرنشینی می باشد.

بطور کلی در ایران، بخصوص قبل از اصلاحات ارضی و تحولات اقتصادی - اجتماعی دو یا سه دهه اخیر مهاجرت های داخلی کند و اندک بوده است. زیرا به علل مشکلات اقتصادی - اجتماعی در شهر و عدم توانایی جامعه شهری برای جذب نیروی کار آزاد شده از روستا، گاه مهاجرین مجبور به بازگشت به زمین و تأمین معاش خود به شیوه معیشتی می گشتند. یا لااقل مهاجرت تنها به شکل فصلی آن صورت می گرفته است. همچنین در نبود تحولات و انگیزه های کافی در روستا مهاجرت روستا به شهر (بخصوص قبل از ۱۳۴۰ یعنی آغاز اصلاحات ارضی و تحولات اخیر) در مقایسه با سیر نسبتاً شدید مهاجرت در دوره های بعد، چندان سریع نبوده است. به عبارت دیگر اگر اقتصاد شهری دارای توان و جاذبه کافی برای جذب مهاجر روستایی بود و شیوه تولید کشاورزی و بطور کلی

۲- همان کتاب.

۳- داده های کمی درباره نیروی کار و اشتغال در ایران.

اقتصاد روستا متحول شده بود، بطور نسبی این مهاجرت می‌بایست بسی سریع‌تر و بیشتر انجام می‌گرفت (هرچند هم اکنون نیز عده‌ای از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان ایرانی بخاطر همین عدم توانایی جامعه شهری و مشکلات ناشی از رشد سریع شهرنشینی در يك دوره کوتاه مهاجرت را بیش از حد می‌دانند). این حکم (کندی مهاجرت) بر این استدلال استوار است که با وجود ثابت بودن نسبی زمینهای زیرکشت، نرخ رشد جمعیت روستا در دو دهه گذشته سالانه بطور متوسط بین يك تا دو درصد بوده است. یعنی بین سالهای ۵۵-۱۳۳۵ (علی‌رغم اصلاحات ارضی) پنج میلیون نفر بر جمعیت دهات افزوده شده است. این فشار جمعیت بر زمین و با فرض فقدان رشد مناسب تکنولوژی و کارآمدی نیروی کار به‌خودی خود می‌بایست زمینه‌های اصلی مهاجرت را بیش از حد انجام شده، فراهم می‌آورد.

طبق محاسبات انجام شده، حتی قبل از اصلاحات ارضی و با توجه به معیارهای رایج (نسبت نفر به واحد سطح زیرکشت) نیمی از جمعیت دهات در مقایسه با سطح زیرکشت اضافی بوده‌اند^۴. لذا پس از اصلاحات ارضی با توجه به کاربرد قسمت‌هایی از سطح زیرکشت بخاطر توسعه شهرها و نیز کاهش سطح زیرکشت در بعضی از مناطق به علل کمبود آب یا مشکلات دیگر، تراکم جمعیت روستایی به نسبت قبل از اصلاحات ارضی حدود دو برابر

۴- طرح آزمایش سرزمین جله ۲.

شده است.^۵ چنانچه بیکاری در فاصله بیست سال (از ۱۳۵۵ به بعد) در روستا ده برابر شده و از حدود ۷۵ هزار در سال ۱۳۳۵ به حدود ۷۶۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ رسید.^۶ گواه دیگر بر اینکه هنوز مهاجرت از روستا به شهر می باید بصورت يك جریان قطعی ادامه یابد، وجود بیش از ۵۰ درصد کل جمعیت کشور در روستاها می باشد (در مقایسه با کشورهای پیشرفته که جمعیت روستایی آنها غالباً کمتر از ده درصد است و نیز در مقایسه با بعضی از کشورهای جهان سوم - نمونه شیلی که کمتر از ۳۰ درصد جمعیت آن در روستا هستند). هرچند بخشی از این جمعیت روستایی حاصل نرخ بالای رشد طبیعی جمعیت است، که بخصوص در دهه ۴۵-۱۳۳۵ در حدود ۳ درصد بوده است.

در این مبحث ابتدا تصویری کلی از ساخت جمعیت ایران در دهه های اخیر (میزان جمعیت، توزیع سنی و جنسی و غیره) مطرح می گردد و سپس بررسی کلی مقدار مهاجرت در این دوره (در زمینه مهاجرت روستا به شهر و شهر به شهر) ارائه می شود. پس از آن علل اصلی و زمینه ساز مهاجرت که در شهر و روستا و نیز قبل و بعد از اصلاحات ارضی هر يك ویژگی خاص خود را دارد، و قشر بندی اجتماعی مهاجرین قبل و بعد از مهاجرت (تا حد امکان و تا آنجا که شواهد گواهی می دهد) بررسی می گردد. در پایان نیز اثرات این جریان مهاجرتی در

۵- همان کتاب.

۶- داده های کمی درباره نیروی کار و اشتغال در ایران.

شهر (نظیر تغییر ساخت جمعیت، ساخت اشتغال، حاشیه- نشینی و غیره) مطالعه می شود.

تصویری کلی از ساخت جمعیت ایران در دو دهه اخیر^۷

با توجه به مساحت ایران (۱۶۴۸۰۰۰ کیلومتر مربع) تراکم نسبی جمعیت ایران در سال ۱۳۳۵ حدود ۱۲ نفر در کیلومتر مربع، در سال ۱۳۴۵، ۱۶ نفر و در سال ۱۳۵۵ حدود ۲۰ نفر در کیلومتر مربع بوده است. این مقدار نسبت به کشورهای همجوار تراکم کمتری را نشان می دهد (عراق ۲۲/۳ نفر در کیلومتر مربع، پاکستان ۱۲۲/۲ نفر، ترکیه ۴۵/۶، مصر ۳۳/۹، سوریه ۳۳/۵، ایران ۱۷/۲. در سال ۱۳۴۹=۱۹۷۰) اما با توجه به سطح زیر کشت در ایران در سال ۱۳۴۵ (۷۰ هزار کیلومتر مربع) تراکم بیولوژیک ایران (نسبت کل جمعیت به سطح زمین های زیر کشت) در آن سال در حدود ۴۶۵ نفر در کیلومتر مربع بوده است که رقم قابل ملاحظه ای است.

جمعیت ایران در طول بیست سال ۱۳۳۵-۵۵ حدود ۱۵ میلیون نفر افزایش یافته است. یعنی از حدود ۱۸ میلیون نفر به حدود ۳۳ میلیون نفر رسیده است. اما این افزایش در همه نقاط بصورت یکنواخت نبوده است بلکه بیشتر جمعیت در شهرهای بزرگ و بخصوص تهران

۷- آمارهای این قسمت عمدتاً از محاسبات دکتر مهدی امانی آورده شده که خود آنها براساس سرشماری سال های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ است. آمارهای سال ۱۳۵۵ مستقیماً از نتایج سرشماری این سال استخراج شده است.

متمرکز شده‌اند و شهرهای کوچک و بخصوص روستاها به نسبت، سهم کمتری داشته‌اند (جدول ۲-۱ و ۱-۱) طبق این جداول از ۱۵ میلیون نفر جمعیت اضافه شده حدود ۳ میلیون آن تنها به جمعیت شهر تهران اضافه شده و ۳/۸ میلیون به جمعیت شهرهای بیش از ۱۰۰ هزار نفر، ۴/۷ میلیون به شهرهای دیگر و ۳/۳ میلیون به جمعیت روستاها اضافه شده است.

میزان تولید که از مهمترین عوامل ازدیاد جمعیت است در ایران و بطور متوسط در سال‌های ۴۵-۱۳۳۵ در حدود ۵۰ در هزار بوده است (در برخی نواحی روستایی حتی به ۶۲ در هزار می‌رسید) اما در دهه ۵۵-۱۳۴۵ تا حدودی کاهش یافته است (حدود ۴۵ در هزار). هرچند این میزان برای سنجش مقدار باروری دقیق نمی‌باشد، لیکن طبق مطالعه‌ای که در تهران انجام شده در مورد زنان همسردار گروه سنی ۲۴-۲۰ سال در طول یکسال ۳۶۰ طفل برای هر هزار نفر محاسبه شده است. براین اساس بطور متوسط هر زن همسردار روستایی و تهرانی در طول دوره ۴۵-۱۵ سالگی بترتیب ۸/۵ و ۶/۵ طفل زنده دنیا می‌آوردند. میزان مرگ و میر نیز که از عوامل مهم تحولات جمعیت می‌باشد، در ایران برای کلیه سنین ۱۵ در هزار بوده است (دهه ۴۵-۱۳۳۵) که در مقایسه با کشورهای صنعتی که از نسبتی معادل ۷ تا ۱۲ در هزار برخوردار می‌باشند، رقم بالایی است. اما بهترین شاخص، میزان مرگ و میر اطفال است که در ایران در دهه ۴۵-۱۳۳۵ در نواحی روستایی و شهری و در کل کشور بترتیب ۱۲۰،

۸۰ و ۱۰۴ در هزار بوده است. این رقم در کشورهای صنعتی بین ۱۱ تا ۲۵ در هزار است. عمر متوسط نیز که بر اساس مرگ و میر اطفال مشخص می شود در کل کشور ۵۵/۹ و برای نواحی روستایی و شهری بترتیب ۵۲/۵ و ۶۰/۱ سال است (دهه ۱۳۴۰). رشد طبیعی جمعیت (که حاصل دو عامل نرخ تولد و میزان مرگ و میر است) در دهه ۴۵-۱۳۳۵ حدود ۳ درصد و در دهه ۵۵-۱۳۴۵ حدود ۲/۷ درصد در سال برآورد شده است که جزء رده های بالای رشد طبیعی جمعیت در جهان است، زیرا در بعضی از کشورهای اروپایی مانند اتریش با نرخ رشدی معادل ۴/۰ درصد در سال رشد جمعیت بطرف صفر میل دارد.

توزیع سنی جمعیت در سال های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ نشان می دهد که نسبت جمعیت کمتر از ۱۵ سال به کل جمعیت بترتیب ۴۲/۲، ۴۶/۳ و ۴۴/۵ درصد بوده است. این حاکی از وجود جمعیتی جوان است که علت آن وجود نرخ باروری نسبتاً بالا و میزان رو بکاهش مرگ و میر اطفال است (به هرم سنی سه مقطع فوق مراجعه شود). از لحاظ توزیع جنسی در سال ۱۳۳۵ در مقابل هر ۱۰۰ زن ۱۰۳ مرد و در سال ۱۳۴۵، ۱۰۷ مرد و در سال ۱۳۵۵، ۱۰۶/۱ مرد وجود داشته است. این نسبت در نقاط شهری بعلاوه مهاجرت مردان بیشتر است (در سال ۱۳۵۵ این نسبت در نقاط شهری ۱۰۹/۶ و در روستا ۱۰۳/۱ مرد بوده است).

در زمینه زناشویی در ایران، به دو جنبه آن که یکی

عمومیت و یکی پیش‌رسی ازدواج است (در مقایسه با سایر کشورها) توجه می‌کنیم. در مورد اول شاخص ازدواج نکرده‌ها در سن ۵۰ سالگی ملاک عمل است، که در ایران این درصد در روستاها و نیز در بین زنان کمتر است. در سال ۱۳۳۵ این شاخص برای مردان ۲/۱ درصد و برای زنان ۱ درصد و در سال ۱۳۴۵ بترتیب ۱/۵ و ۸/۰ درصد و در سال ۱۳۵۵، ۱۰/۵ و ۰ درصد بوده است. از لحاظ پیش‌رسی ازدواج که شاخص آن ازدواج در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله است در سال ۱۳۴۵ برای مردان ۶ و برای زنان ۴۷ درصد و در سال ۱۳۵۵، ۴/۶ و ۳۳/۹ درصد بوده است که در مقایسه با کشوری مانند فرانسه که این نسبت‌ها بترتیب ۵/۰ و ۴ درصد می‌باشد، در حدود ۱۲ برابر بیشتر است.

از لحاظ سواد در سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ از جمعیت ده سال بی‌الا بترتیب ۱۵ و ۳۰ درصد با سواد، در سال ۱۳۵۰ از جمعیت ۷ سال بی‌الا ۳۶/۹ درصد با سواد بوده‌اند. در سال ۱۳۵۵ از این عده ۴۷/۱ درصد را افراد با سواد تشکیل می‌دادند. این درصد در میان مردان و زنان تفاوت زیادی دارد. ۴۷ درصد مردان و ۲۵/۵ درصد زنان در سال ۱۳۵۰ و ۵۸/۶ درصد مردان و ۳۵ درصد زنان در سال ۱۳۵۵ با سواد بوده‌اند. همچنین تفاوت فاحشی نیز بین نقاط شهری و روستایی بچشم می‌خورد. در سال ۱۳۵۵ نسبت با سوادان در شهرها ۶۵/۲ درصد و در روستاها ۲۹/۷ درصد بوده است.

تصویری کلی از مهاجرت در ایران در دو دهه اخیر

همانگونه که اشاره شد مهاجرت در ایران قبل از دو دهه اخیر با آهنگی کندتر و تحت شرایطی نامشابه وجود داشته است. از این رو کار بررسی آماری را از سال ۱۳۰۰ آغاز می‌کنیم.

جمعیت کل ایران در سال ۱۳۰۰ حدود ۹/۵ میلیون نفر برآورد شده که حدود ۸ میلیون آن در روستا بودند و در سال ۱۳۲۰ حدود ۱۳ میلیون جمعیت و ۱۱ میلیون نفر در روستا (۱۶ درصد در شهر ۸۴ درصد در روستا)، که احتساب ۱/۶ درصد رشد طبیعی، مهاجرت را حدود ۶/۰ درصد در سال تخمین زده‌اند یعنی بطور متوسط سالیانه حدود ۳۰ هزار نفر روستایی در فاصله ۲۰-۱۳۰۰ به شهر مهاجرت کرده‌اند.^۸ از خصایص مهاجرت این دوره، نزدیکی جغرافیایی مبدأ به مقصد^۹، عدم آگاهی به زندگی شهری، وجود انگیزه اشتغال و قرار داشتن مهاجرین در سنین کار است. اما شهرها بطور کلی توانایی چندانی برای جذب مهاجرین نداشتند. جمعیت کشور از سال ۱۳۳۰ به حدود ۱۶/۵ میلیون رسید و در سال ۱۳۴۲ به

۸- فروپاشی امپریالیزم. ف. ر. دانا - آمارهای این قسمت غالباً از این کتاب استخراج شده است.

۹- در این دوره تعداد شهرهای بزرگ بسیار انگشت‌شمار بوده است، لذا مهاجرت بندرت بصورت دو مرحله‌ای، یعنی از روستا یا شهری کوچک به شهری متوسط و سپس به شهری بزرگ انجام می‌یافته بلکه غالباً از روستا به شهر مجاور و یا از شهری کوچک به شهری بزرگتر و نزدیکتر صورت می‌گرفته است.

حدود ۲۳ میلیون، (با ۱۳/۵ میلیون یا ۷۵ درصد جمعیت در روستا). با در نظر گرفتن نرخ افزایش طبیعی جمعیت در حدود ۲/۴ درصد در سال در فاصله ۳۰-۱۳۲۰، و ۳ درصد در دوره ۴۲-۱۳۳۰ می توان نرخ مهاجرت را در دهه ۳۰-۱۳۲۰ حدود ۱/۲ درصد (۱۵۰ هزار نفر در سال) و در سال های ۴۲-۱۳۳۰، ۱/۴ درصد یا ۱۹۰ هزار نفر در سال، در نظر گرفت که پس از کسر مهاجرین می بینیم که در سال های ۴۲-۱۳۳۰ سالیانه حدود ۲۰۰ هزار نفر به جمعیت روستا اضافه شده است. با توجه به ثابت بودن نسبی منابع، تکنولوژی و بدنبال افزایش جمعیت، بهره برداری نهایی دهقانان پایین آمده است (جدول ۳).

پس از سال ۱۳۴۲ و شروع اصلاحات ارضی از آنجا که زمین های کافی به همه دهقانان نرسید (در کل سه مرحله حدود ۱/۶۳ میلیون خانوار که تنها نیمی از خانوارهای روستایی ایران بودند مشمول قانون اصلاحات ارضی شدند که بخش وسیعی از آنها هم فاقد زمین کافی بودند). مهاجرت روستاییان به شهر، هرچند نه در سال های بلافاصله پس از اصلاحات ارضی، سرعت گرفت. بطوریکه نرخ مهاجرت در این دوره (۵۴-۱۳۴۲) حدود ۱/۶ درصد بوده است. یعنی سالیانه حدود ۲۷۰ هزار روستایی به شهر مهاجرت می کردند و در عین حال هر سال ۳۰۰ هزار نفر نیز بر جمعیت روستا اضافه شده است (جدول ۲). این تسریع در مهاجرت را از بررسی رشد جمعیت شهرها (و با توجه به آمار سرشماری سه مقطع ۱۳۳۵،

۱۳۴۵ و ۱۳۵۵) نیز می‌توان نشان داد. در دهه ۱۳۳۵-۴۵ جمعیت کشور به‌کمتر از دو برابر رسید، جمعیت روستا ۶۵ درصد افزایش یافت و جمعیت شهرها سه برابر گردید. رشد شهرها در دهه ۴۵-۱۳۳۵ سالیانه ۵ درصد و در دهه ۵۵-۱۳۴۵ معادل $\frac{4}{8}$ درصد بوده است که با توجه به نرخ رشد طبیعی در این دو دهه که بترتیب در حدود $\frac{3}{1}$ و $\frac{2}{7}$ درصد می‌باشد، مهاجرت قابل ملاحظه‌ای را از روستا به شهر نشان می‌دهد (جدول شماره ۲-۲). مقدار مطلق این جابجایی در دهه ۴۵-۱۳۳۵ حدود $\frac{1}{3}$ میلیون نفر (که شامل مهاجرت از روستا به شهر و جمعیت نقاط دارای کمتر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت که در طول دهه مزبور به حد نصاب ۵ هزار نفر رسیده‌اند می‌باشد) و در دهه ۵۵-۱۳۴۵ در حدود ۳ میلیون نفر بوده است. طبق این آمار نرخ مهاجرت از روستا به شهر در دهه اول سالیانه حدود ۲ درصد (که مسلماً در آخر دهه بیشتر صورت گرفته است) و در دهه دوم $\frac{2}{1}$ درصد بوده است. بعبارت دیگر در دهه اول ۴۱ درصد کل شهر-نشینی ناشی از مهاجرت روستا به شهر می‌باشد. در دهه دوم این رقم به ۴۴ درصد بالغ می‌گردد.

جالب است بدانیم که بیشترین میزان مهاجرت از مقدار کل جابجایی (جدول شماره ۲-۲) به تهران صورت گرفته است. تا سال ۱۳۴۳ حدود $\frac{1}{1}$ میلیون نفر و تا سال ۱۳۴۵ حدود $\frac{1}{6}$ میلیون نفر (یا ۳۸ درصد کل مهاجرین) و تا سال ۱۳۵۶ حدود ۵۰ درصد کل مهاجرین کشور جذب تهران شده‌اند. طبق سرشماری ۱۳۳۵ در

حدود ۵۲ درصد جمعیت آبادان، ۴۸ درصد جمعیت تهران، ۴۵ درصد جمعیت مشهد را مهاجرین تشکیل می‌داده‌اند. بطور کلی تهران و استان مرکزی بزرگترین مرکز جذب نیروی انسانی است همانطور که بزرگترین مرکز سرمایه‌گذاری و خدمات دولتی و خصوصی نیز می‌باشد. بطور کلی مهاجرت روستاییان قبل از اصلاحات ارضی با کندی صورت پذیرفته و تحت تأثیر عوامل رکودی^{۱۰} (افزایش

۱۰ بطور کلی عواملی که در کشورهای توسعه نیافته موجب مهاجرت‌های داخلی می‌گردد به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف - عوامل رکودی که معمولاً بصورت افزایش جمعیت روستا در مقابل ثابت ماندن سطح زیرکشت یا حجم تولید بروز می‌کند. در این حالت جمعیت اضافی مجبور به مهاجرت به نقاط پررونق‌تر می‌گردد.

ب - عوامل تغییردهنده، یعنی عواملی که در اثر به‌کارگیری روش‌های تولید سرمایه‌داری در منطقه بوجود می‌آید. مانند تغییر شیوه تولید یا بطور کلی روش‌هایی که هدفش افزایش بازده کار است. که در نتیجه آن تعداد شاغلین پایین می‌آید و موجب مهاجرت نیروی کار اضافی از منطقه مزبور به نقطه دیگر که امکان اشتغال بیشتری وجود دارد می‌گردد. هرچند هر دو دسته از عوامل موجب مهاجرت می‌گردند اما نتایج

حاصل از این مهاجرت در منطقه مبدأ متفاوت است. در مورد عوامل تغییردهنده با مهاجرت نیروی اضافی جمعیت کمتر و تولید (در اثر کاربرد روش‌های پیشرفته‌تر) بیشتر می‌گردد، که نتیجه آن می‌تواند بالاتر رفتن سطح زندگی منطقه باشد. درحالی‌که در مورد عوامل رکودی حتی این امکان وجود ندارد و اغلب در این مناطق عمده مالکین از دهقانان به صورت کارگران کشاورزی بهره‌کشی می‌کنند. در این مناطق گاه نیروی کار اضافی در فصل کار بطور موقت (فصلی) به نقاط دیگر که احتیاج به نیروی کار بیشتری دارد مهاجرت می‌کنند و پس از اتمام کار به منطقه خود که راکدتر است بازمی‌گردند (برای توضیح بیشتر به کتاب اقتصاد سیاسی شهرنشینی مقاله مهاجرت‌های داخلی اثر پل سینجر، ترجمه گروه تحقیق و مطالعات شهری و منطقه‌ای مراجعه شود).

طبیعی جمعیت و ثابت ماندن نسبی عوامل تولید کشاورزی، جدول ۳) بوده است. پس از اصلاحات ارضی با آنکه در حدود ۴۷ درصد روستاییان صاحب زمین نشدند، اما در سال‌های اولیه به علت عدم تغییر چشمگیر در شیوه تولید روستا یا تحول عمده در شهر، مهاجرت در اثر همان عوامل رکودی و همچنان مانند قبل بکندی صورت می‌گرفت. لیکن پس از آن با گسترش روابط سرمایه‌داری در شهرها و سپس در روستاها (مانند بسط گسترش نهادهای جدیدی در روستا، نظیر شرکت‌های تعاونی و بانک‌ها که با دادن وام به دهقانان و نیز در اختیار گذاشتن کالاهای مصرفی جدید نیاز او را به درآمد پولی بیشتر کردند) و سرمایه‌گذاری‌های دولت بخصوص در کارهای عمرانی نظیر ساختمان‌سازی، تأسیسات زیربنایی و غیره تقاضا برای نیروی کار افزایش یافته و شکاف دستمزد و سطح زندگی (جدول ۴) در شهر و روستا بیشتر می‌شود که موجب کنده شدن نیروی کار از روستا می‌گردد.

پس از این بررسی آماری باید به علل و نتایج مهاجرت در ایران بپردازیم. علل عمده مهاجرت‌های داخلی در ایران در هر مقطع زمانی دارای ویژگی‌هایی در منطقه روستایی و شهری می‌باشد، هرچند که زمینه‌های مشابه و مشترکی نیز بهر حال حاکم بوده و هست. برای روشن شدن این بحث همانگونه که قبلاً اشاره شد دو مقطع زمانی مشخص را انتخاب کرده‌ایم. یکی دوره قبل از اصلاحات ارضی که از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۲ (یعنی آغاز اصلاحات ارضی) را در برمی‌گیرد و دیگری دوره بعد از اصلاحات

ارضی (۵۵-۱۳۴۲). کاربرد این دوره‌بندی به این معنا
تست که تنها رویداد مهم پویش اجتماعی - اقتصادی
ایران در دوره معاصر اصلاحات ارضی بوده است، بلکه
هدف انتخاب یک مبدأ زمانی است که در آن یک رشته اقدامات،
رویدادها و دگرگونی‌ها در شهر و روستا پیش آمد. به این
دلیل اصلاحات ارضی را به عنوان نمود مشخص تغییر
روند تحولات برمی‌گزینیم. این مبدأ می‌تواند بعنوان نقطه
عطفی در تاریخ مهاجرت‌های داخلی به حساب آید.

مسلماً آنچه که موجب جابجایی نیروی کار و جمعیت
از منطقه‌ای به منطقه دیگر یا از شهری به شهر دیگر
می‌شود، افزایش مطلق یا امکانات اشتغال در سطح کل
اقتصاد، نمی‌باشد. زیرا اگر این افزایش بطور متوازن در
شهرها و روستاها و نسبت به فعالیت‌های قبلی آنها انجام
یافته بود اصولاً نیازی به جابجایی احساس نمی‌گردید.
رشد ناموزون که در بخش‌های مختلف اقتصادی (بعنوان
مثال در بخش خدمات، در مقایسه با کشاورزی و حتی
صنعت و یا بطور کلی در بخش سرمایه‌داری نسبت به بخش
پیش سرمایه‌داری)، به علت مکانیزم‌های خاص ساخت
اقتصاد سرمایه‌داری پیرامونی (نظیر ایران) از نظر
مکانی نیز بشدت گرایش به عدم تعادل و نیاز به فوق تمرکز
را ایجاد می‌کند. مهمترین دلایل این گونه فوق تمرکز،
نیاز فعالیت‌های اقتصادی در سرمایه‌داری پیرامونی به
زیرساخت‌های گران‌قیمت و وسیع (نظیر شبکه‌های عظیم
تأسیسات آب و برق و حمل و نقل و غیره)، به ایجاد مراکز
تصمیم‌گیری و مدیریت، به وجود متخصصین رده بسیار

بالا (که بنوبه خود از نظر سطح زندگی نیاز به تأسیسات و وسایل رفاهی گوناگون و خاصی دارند) می باشد.

تمرکز و جذب جمعیت به شکل دور و تسلسل است. زیرا ایجاد تأسیسات پیشرفته مستلزم جدی از تمرکز است.^{۱۱} یعنی بطور کلی اینگونه تأسیسات در جایی ایجاد می شود که از نظر مقیاس جمعیتی و تأسیسات و زیرساخت ها به حد نصابی رسیده باشد. در کشورهای توسعه نیافته معمولاً این مکان و این حد جمعیتی^{۱۲} تنها در متروپل ها یعنی بزرگترین شهرها (و اغلب در تنها متروپل کشور که پایتخت می باشد)، قرار دارد. از طرف دیگر ایجاد تأسیسات خاص در یک شهر به نوبه خود موجب جذب جمعیت و نیروی کار بیشتری به آن شهر می گردد. همچنین وجود یک مؤسسه خاص باعث ایجاد مؤسسات وابسته بآن و خدمات جنبی مربوط به آن می شود. بدین ترتیب وجود یک مرکز متمرکز جمعیتی سبب جذب جمعیت باز هم بیشتر به آن مرکز می گردد.

پس از این بررسی کلی به بحث درباره علل مهاجرت در ایران پرداخته و این علل را در روستا و شهر بطور جداگانه در دوره مورد نظر (قبل و بعد از اصلاحات ارضی)

۱۱- این مبحث در اقتصاد به دامنه و آستانه معروف است. برای توضیح بیشتر به کتاب جغرافیای شهری اثر جانسون (انتشارات دانشگاه ملی) فصل پنجم مراجعه شود.

۱۲- این حد نصاب یا حد جمعیت متروپل مسلماً در کشورهای مختلف متفاوت است اما بطور کلی اغلب در حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد کل جمعیت شهرنشین یا در حدود ۱۰ تا ۳۰ درصد جمعیت کل کشور در پایتخت یا تنها متروپل اینگونه کشورها قرار دارند.

بررسی می‌کنیم.

۱- مهاجرت قبل از اصلاحات ارضی

بطور کلی دوره قبل از اصلاحات ارضی را می‌توان به سه دوره کوتاه و نسبتاً متمایز که هر یک در تاریخ معاصر ایران وضع خاص و مهمی داشته‌اند، تقسیم کرد. نخست دوره ۲۰-۱۳۰۰ یعنی دوره حکومت رضاشاه که اصلاحات گوناگونی در جهت گذار به سرمایه‌داری در ایران صورت گرفت. این اصلاحات عمدتاً شهرها را در برمی‌گرفت. لذا ساخت روستایی و بطور کلی رابطه ازگانیک شهر و روستا در این دوره تا حدودی دست نخورده باقی ماند، در این مدت زندگی شهری عمدتاً براساس استخراج مازاد روستایی و در قالب شبکه‌های محلی، شکل می‌گرفت. یعنی هر شهر حدوداً به صورت مرکز یک منطقه روستایی وابسته بخود عمل می‌کرد. مازاد این منطقه روستایی (برای مصرف یا احیاناً توزیع در نقاط دیگر) به شهر مزبور آورده می‌شد و در مقابل خدماتی (اداری، تجاری و غیره) به منطقه روستایی داده می‌شد.^{۱۳} دوم دوره ۳۲-۱۳۲۰ یعنی دوره جنگ جهانی دوم که رکود ناشی از جنگ و عوامل دیگر موجب رکود روستا نیز گردید. دوره سوم پس از کودتای سال ۱۳۳۲ که مجدداً اقداماتی در جهت احیای زندگی شهری و توسعه نهادهای سرمایه‌داری صورت گرفت (۴۲-۱۳۳۲).

۱۳- برای توضیح بیشتر درباره اوضاع اقتصادی - اجتماعی و تحولات ایران در این سه دوره به مقاله شهرنشینی ایران (از فرخ حسامیان) مراجعه شود.

با اینحال و با وجود تمایز این سه دوره از لحاظ رویدادهای تاریخی و تحولات اقتصادی - اجتماعی، از نظر مهاجرت در مقایسه با دوره بعد از اصلاحات ارضی می-توان از آن به عنوان يك دوره کلی سخن گفت و ویژگی آنرا که دست نخوردگی نسبی ساخت روستا و وجود يك مهاجرت بطئی در اثر عوامل رکودی است مطرح کرد (جداول ۳).

الف - مهاجرت روستا به شهر

بطور خلاصه تا قبل از اصلاحات ارضی، نرخ مهاجرت از روستا به شهر پایین بوده است. مهمترین عامل مهاجرت در این دوره عامل رکودی یعنی افزایش نسبت جمعیت به سطح زیرکشت بوده است. بدین ترتیب آزاد شدن بخشی از نیروی کار کشاورزی، تحت تأثیر عامل افزایش طبیعی جمعیت قرار داشت.

افزایش طبیعی جمعیت عمدتاً حاصل پیشرفت بهداشت و درمان در سطح جهان و بهره گیری نسبی ایران از این پیشرفت و به عبارت خلاصه تر ریشه کن شدن اپیدمی های ادواری بود که گاه منطقه ای را از جمعیت تهی می ساخت. همچنین دلایل سیاسی، دولت را وادار می کرد که بخشی از بودجه را صرف حداقلی از امکانات رفاهی از جمله مؤسسات بهداشتی نماید. این مؤسسات بالاجبار در شهر و در مقیاس بسیار کمتری در سطح روستاها مستقر می شدند. از آنجا که بروز اپیدمی ها به علت تماس ها و ارتباطات افزایش یابنده بین شهر و روستا (هرچند نه به مقیاس کنونی) نمی توانست صرفاً در شهرها مهار

گردد، لذا پیش‌گیری می‌باید در سطح کشور (و حتی در سطح منطقه یا در سطح جهان) صورت پذیرد، (نظیر برنامه‌های مبارزه با مالاریا، برنامه‌های واکسیناسیون و غیره). از طرف دیگر پیشرفت و توسعه ارتباطات شهر و روستا (نظیر جاده‌ها، وسایل نقلیه و وسایل ارتباط جمعی و غیره) امکان توزیع مواد غذایی را در مواقع خشکسالی فراهم آورده و از مرگ و میر ناشی از قحطی‌های ادواری (چه در مورد مردم و چه در مورد دام‌ها) تا حدی جلوگیری می‌گردید. به علاوه این ارتباطات امکان استفاده روستاییان از امکانات درمانی و بهداشتی شهری را نیز فراهم می‌ساخت.

رشد جمعیت علاوه بر مسأله بهداشت و درمان، نتیجه بالا رفتن نسبی سطح زندگی (یا پیشرفت نسبی نیروهای مولد) بوده است که حاصل آن به نوبه خود بهبود نسبی سطح تغذیه مردم و بطور کلی بهبود امکانات زیست، (پوشاک، مسکن و غیره) می‌باشد. در نتیجه عوامل فوق رشد جمعیت از $7/0$ درصد در سال (تا سال ۱۳۰۰) به تدریج افزایش یافت در دهه قبل از اصلاحات ارضی به بالاترین حد خود یعنی حدود ۳ درصد رسید.

افزایش نرخ رشد جمعیت موجب افزایش نسبت جمعیت روستاها به سطح زیرکشت گردید (جداول ۳). از طرف دیگر افزایش مطلق جمعیت روستایی همواره (به علت ارزانی نیروی کار) روش‌های عقب مانده (مبتنی بر کارگر) را در بخش کشاورزی یا به عبارت کلی تر کاربرد نیروی انسانی را به جای استفاده از ماشین آلات ترغیب

می‌کرد. این امر موجب قطعه قطعه شدن زمین‌های زیر کشت و در نتیجه کاهش بازده زمین می‌گردید که به شکل دور تسلسل، این کاهش بازده مجدداً درآمد خانوار روستایی را پایین آورده و نیاز او را به ممری تازه، یعنی اشتغال افرادی از خانوار روستایی در شهر، بیشتر می‌کند (جداول ۴). همه عوامل فوق^{۱۴} در این دوره، پدیده مهاجرت روستاییان به شهر را (که البته بخاطر فقدان رونق نسبی زندگی و اقتصاد شهری، بکندی صورت می‌گرفت) توجیه می‌کند.

بعلت بالا بودن تراکم جمعیت در ده خروج روستاییان از واحد تولید کشاورزی به شهر در تولید تأثیر نداشته است و تا زمانی که مصرف فرد بیش از تولید اوست این مهاجرت نه تنها بزیان روستا نبوده بلکه موجب افزایش انباشت و بالا رفتن سطح زندگی در این بخش می‌گردید. اما از طرف دیگر وجود اختلاف (هرچند جزئی) در امکانات اشتغال و زندگی میان شهر و روستا موجب مهاجرتی

۱۴- در اینجا باید یادآور شد که مسلماً در يك دوره ۴۰ ساله نه همه این عوامل بطور یکنواخت بوده و نه نتایج و آثار آنها که در اینجا از آن میان مهاجرت مورد نظر است، یکسان بوده است. بلکه معمولاً این عوامل در اوایل دوره کمتر بوده و گاه اصلاً وجود نداشته است و در اواخر دوره ایجاد یا تشدید شده است. برای نمونه بهبود بهداشت و درمان در اوایل دوره لااقل در روستاها اصلاً وجود نداشته است و بتدریج در شهرها و در اواخر این دوره در بعضی از روستاهای اصلی مناطق آبادتر (آنها در مقیاسی بسیار پایین) بوجود آمده است.

بیش از امکانات [اشتغال] شهر می‌گردید که حاصل آن
بیکاری و در مواردی افت دستمزد (لااقل دستمزد حقیقی)
در شهر بود.

البته نباید فراموش کرد مسأله افزایش جمعیت،
پیدایش صنایع نوپا (نساجی و نفت و غیره) و برنامه‌های
عمرانی شهری (که تقریباً از سال ۱۳۰۰ به بعد مطرح
گردید، مانند ساختن جاده‌ها، خیابان‌ها و ساختمان‌های
دولتی نظیر مدارس، کارخانه‌ها ادارات و ساختمان‌های
بخش خصوصی در اثر رشد شهرها هرچند بمیزان محدود)
که بهر حال امکانات اشتغال را در شهر پدید می‌آورد و در
این دوره (بخصوص اواخر آن) موجب جذب نیروی کار
از روستا به شهر می‌گردید. (جدول ۵)

از طرف دیگر به علت ورود کالاهای خارجی و از
دست رفتن بازار بعضی از کالاهای تولید پیشه‌وران در
ایران (جدول ۶) ایجاد بعضی از صنایع داخلی به شیوه
نوین، تولید پیشه‌وری در شهر و روستا دگرگون گردید.
در نتیجه همانطور که اشاره شد رابطه ارگانیکی که بین
شهر و روستا در رابطه با این شیوه تولید وجود داشت
(همانند تهیه مواد خام در روستا یا تهیه بعضی از ابزار
در شهر) برهم خورد و شبکه محلی استخراج مازاد روستایی
نسبتاً گسسته گردید.^{۱۵}

همچنین پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بسط
ارتباط خارجی ایران (بخصوص با امریکا) دولت سیاست

۱۵- برای توضیح بیشتر درباره شبکه استخراج مازاد محلی و بطور
کلی رابطه شهر و روستا به مقاله شبکه شهری ایران مراجعه شود.

دروازه‌های بازار را اتخاذ کرد. از جمله اقدامات دولت وارد کردن مواد کشاورزی ارزان‌قیمت (مانند گندم و برنج و میوه) از امریکا و سایر کشورها بود که موجب بی‌صرفه شدن فعالیت‌های بخش کشاورزی، بخصوص از سوی واحدها با مالکینی که به کشت مکانیزه مایل بودند و در نتیجه موجب افت بازده این بخش (در رابطه با رشد جمعیت) و کاهش نسبی اشتغال در آن بخش کشاورزی گردید.

بعلاوه قانون انجام خدمت نظام (که از زمان رضاشاه تصویب و اجرا گردید) موجب آشنایی اجباری جوانان روستایی با زندگی شهری و ترغیب آنها به مهاجرت به شهر (خواه بطور دائم یا فصلی) پس از پایان خدمت نظام گشت.

بطور کلی عوامل فوق در این دوره موجب افت سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی و کاهش نسبی و گاه مطلق اشتغال^{۱۶} در این بخش گردید، که حاصل آن مهاجرت روستاییان به شهر بود. همانگونه که قبلاً اشاره شد در آخرین دهه قبل از اصلاحات ارضی یعنی در سال‌های ۴۲-۱۳۳۲ سالیانه ۲۰۰ هزار نفر بر جمعیت روستا

۱۶- بطور کلی در فاصله سال‌های ۵۵-۱۳۳۵ نسبت اشتغال کشاورزی در کل اشتغال از ۵۷٫۵ درصد به ۳۳٫۸ درصد (یا از ۹۵۴ هزار به ۶۷۱ هزار) رسید. این کاهش بیشتر در مورد مزدبگیران بوده است. زیرا از لحاظ تعداد ۳۴۴ هزار شغل از بخش کشاورزی جدا شده است که ۲۸۳ هزار آن مربوط به مزدبگیران این بخش بوده است که در اثر اصلاحات ارضی جای خود را به کارکنان فامیلی داده‌اند.

اضافه می‌گردید (پس از کسر مهاجرین رشد جمعیت روستایی به $1/4$ درصد در سال بالغ می‌شد) در حالیکه منابع تولید (زمین، آب و میزان بذر) تقریباً ثابت بود و تکنولوژی کشاورزی پیشرفت چندانی نکرده و شیوه تولید، مشابه قرن‌های قبل باقی مانده بود. در این دوره میزان بعضی از محصولات کشاورزی نسبت به جمعیت حتی کاهش هم یافت (جداول ۳-۳ و ۳-۴). چنانچه طبق آمارهای رسمی ارزش افزوده کشاورزی در فاصله سال‌های ۱۳۳۸-۴۲ حدود $1/5$ درصد در سال بوده است. (در مقایسه با رشد جمعیت در این سال‌ها که سالیانه در حدود ۳ درصد بوده است).

در نتیجه با توجه به موارد فوق می‌توان به اجمال گفت که در دو دهه ۲۰-۱۳۰۰ از آنجا که ساخت تولید و ساخت جمعیت روستایی تغییر چندانی نکرده، در نتیجه مهاجرت چندانی جز در موارد خشکسالی یا آنچه که مربوط به سرباز گیری بوده دیده نمی‌شد ($6/0$ درصد در سال) در دهه ۳۲-۱۳۲۰ که رکود شهری ناشی از جنگ جهانی موجب رکود روستا گردید مهاجرت کندی از روستا به شهر آغاز شد ($2/1$ درصد در سال) و در دهه آخر قبل از اصلاحات ارضی یعنی دهه ۴۲-۱۳۳۲ (با رونق نسبی زندگی شهری و عمده شدن نسبی مازاد اقتصادی حاصل از درآمد نفت) بخش کشاورزی اهمیت خود را نسبتاً از دست داد و شکاف شهر و روستا بیشتر گردید و در نتیجه مهاجرت روستاییان به شهر نیز افزایش یافت ($4/1\%$ در سال) بهر حال مهاجرت هنوز به وسعت دوره بعد از

اصلاحات ارضی نبوده است.

ب - مهاجرت شهر به شهر^{۱۷} قبل از اصلاحات ارضی

بطور کلی در شهرها و بخصوص شهرهای بزرگت بر خلاف روستاها (که تا جهش اقتصادی سالهای پس از اصلاحات ارضی تغییر چندانی ننموده و حتی در حال حاضر نیز در بعضی زمینه‌ها دست نخورده باقی مانده‌اند) تغییرات و دگرگونی‌ها از اواخر قرن نوزدهم میلادی آغاز و با جهش‌هایی در دوره‌های مختلف (بعد از کودتای ۱۲۹۹، کودتای ۱۳۳۲، اصلاحات دهه ۱۳۴۰ و بخصوص پس از بالا رفتن قیمت نفت در اوایل دهه ۱۳۵۰) ادامه یافت، آنچه در این قسمت تحت عنوان مهاجرت قبل از اصلاحات ارضی آمده بطور کلی تغییراتی است که قبل از شهرنشینی بسیار سریع و بسط یافته اواخر دهه ۱۳۴۰ و اوایل دهه ۱۳۵۰ در شهرهای ایران رخ داده است.

پس از کودتای ۱۲۹۹ و بدنبال تغییر حکومت و شروع مناسبات سرمایه‌داری، در الگوی عملکردی شهر تغییرات و دگرگونی‌هایی پدید آمد و شهرها از حالت نسبتاً یکنواخت و مشابه «عملکردی» قبلی که عمدتاً بصورت مرکز ایالتی حکومت، مرکز ارتباطی، پیشه‌وری و تولید، و بالاخره شهر مذهبی و زیارتی بودند (هرچند گاه همه این عملکردها را با هم داشتند) بیرون آمدند. در واقع

۱۷- در مورد مهاجرت شهر به شهر آمارهای کلی و دقیقی وجود ندارد و آنچه که در اینجا مورد استفاده قرار گرفته، مطالعات نمونه و مشاهدات و بررسی‌های مختلف بوده است.

بر اثر و بدنبال تحولات اقتصادی - اجتماعی جهان در قرن‌های ۱۸ و ۱۹، ایران نیز خواه ناخواه هرچند با تأخیر بسیار و در مقیاس بسیار کوچکتر از این تحولات متأثر گردید. از آنجا که شهرها مراکز ارتباط با خارج و تأثیرپذیری از تحولات به حساب می‌آمدند بتدریج (از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم) تغییر عملکرد داده یا عملکردهای جدیدی یافتند^{۱۸} (تغییر عملکردها مانند تجارت و مبادله که از نظر کمی و کیفی تغییرات وسیعی یافت و عملکردهای جدید نظیر ایجاد سطوح مختلف آموزش رسمی یا مراکز مختلف درمانی).

آنچه که در این تغییر و تحول از نظر مهاجرت حائز اهمیت است (همانگونه که در بحث مربوط به علل تمرکز اشاره شد) نحوه مکان‌یابی و توزیع این عملکردها در سطح کشور یا در شبکه شهری بود. بدین معنا که اغلب عملکردهای جدید دولت ماهیت و نیازهای آنها در شهرهای بزرگتر^{۱۹} متمرکز گردید و رویهمرفته شهرهای کوچکتر در شبکه شهری از این دگرگونی کمتر سهمی مثبت برده و در عوض شهرهای بزرگتر محل تمرکز خدمات متنوع و گوناگون (آموزشی، بهداشتی، اداری و غیره) و نیز

۱۸- برای توضیح بیشتر در مورد عملکردهای شهری به مقاله شبکه شهری مراجعه شود (کسیختگی شبکه شهری در رابطه تغییرات عملکردها).

۱۹- منظور از شهرهای بزرگ، تهران و چهار یا پنج شهر بزرگ بعد از تهران است. از بقیه شهرها بعنوان شهرهای متوسط و کوچک نام می‌بریم.

محل تمرکز صنایع جدید گردید.

مسلماً این تنوع و تمرکز عملکردها با خود اشتغال‌های جدید و امکان جذب نیروی کار را به‌مراه آورد. حاصل این پویش طبیعتاً مهاجرت نیروی کار از شهر به شهر بود. یعنی مردم شهرهای کوچکتر در جستجوی کار به شهرهای بزرگتر مهاجرت می‌کردند. هرچند در این پویش مهاجرت از شهرهای بزرگ به تهران نیز (به علت تمرکز خاص و امکانات اشتغال بیشتر در متروپل و بازده بیشتر سرمایه در این شهر) در سطحی قابل توجه به وقوع پیوسته است. علاوه بر انگیزه اشتغال مسئله مهم دیگری که موجب مهاجرت شهر به شهر بود، انتقال سرمایه بخش خصوصی از شهرهای کوچک و متوسط، که امکان سرمایه‌گذاری و کسب حداکثر سود وجود نداشته به شهرهای بزرگتر و به همراه آن مهاجرت سرمایه‌داران شهرستانی به شهرهای بزرگتر و بخصوص به متروپل بوده است. تمرکز سرمایه دولتی در شهرهای بزرگ نیز به این جریان دامن می‌زد. زیرا سرمایه‌های دولتی نیز بیشتر به نقاط مناسب‌تر (از نظر بازده و وجود زیرساخت‌های قبلی و نیز نیروی کار متخصص و غیره) و مناطقی که ساکنین و نمایندگان آنها در دستگاه دولت ذینفوذ بودند جلب می‌گردید. این نقاط در هر دو مورد شهرهای بزرگتر بودند. تنها در مواردی محدود سرمایه‌های اندکی عمرانی به نقاط دور افتاده و شهرهای کوچک فرستاده می‌شد که این سرمایه نیز عملاً جز بخش اندکی از آن که صرف دستمزد نیروی کار

محلی می‌گردید^{۲۰} مجدداً به شهرهای بزرگتر باز می‌گشت. تمرکز این سرمایه‌ها (دولتی و خصوصی) در شهرهای بزرگتر به نسبت خود موجب ایجاد اشتغال بیشتر و انگیزه مهاجرت می‌گردید. همچنین امکانات رفاهی بهتر مانند خدمات آموزشی، فرهنگی و بهداشتی در شهرهای بزرگ و بخصوص متروپل عامل دیگری در ترغیب مهاجرت شهر به شهر بوده است.

مهاجرت روستا به شهر بعد از اصلاحات ارضی

بطور کلی مهاجرت روستا به شهر در ایران پس از اصلاحات ارضی عمدتاً ناشی از عوامل تغییردهنده^{۲۱} بوده است، یعنی عواملی که موجب دگرگونی ساخت تولید روستایی از یکسو و تشدید شکاف بین دستمزد و در نتیجه بین سطح زندگی در شهر و روستا (جدول ۴) گردید. به عبارت دیگر مهاجرت بیشتر ناشی از توسعه اقتصادی همراه بارشد مناسبات سرمایه‌داری در سطح شهر و روستا بود. کما اینکه اصلاحات ارضی خود به صورت زمینه لازمی در جهت اصلاحات کلی و توسعه اقتصادی یا گذار سریع به سرمایه‌داری تلقی می‌گردید.

در اینجا بررسی مهاجرت روستاییان بعد از اصلاحات ارضی بیشتر از اواخر دهه چهل یعنی چندین

۲۰- در بعضی موارد حتی نیروی کار غیرماهر نیز از نقاط دیگر تأمین می‌گردید که در اینحالت بخشی از این دستمزد نیز برای خانواده کارگر مهاجر (غیربومی) به خارج از منطقه مورد بحث فرستاده می‌شد.

۲۱- به زیرنویس شماره ۱۰ مراجعه شود.

سال پس از شروع و انجام سه مرحله اصلاحات ارضی و پیدایش عوارض آن بر ساخت روستایی صورت می‌گیرد. در هر مرحله از اصلاحات ارضی گروه‌هایی خاص از این قانون متأثر و در نتیجه گروه‌هایی مختلف اقدام به مهاجرت نمودند. در ابتدا لازمست رویداد اصلاحات ارضی در ایران را به اجمال بررسی کنیم:

مهمترین اهداف اصلاحات ارضی در کشورهای توسعه نیافته عبارتند از انتقال سرمایه از بخش کشاورزی به بخش صنعتی (تبدیل مالک به سرمایه‌دار)، آزاد کردن نیروی کار از بخش کشاورزی (و بکارگیری آن در بخش‌های دیگر اقتصاد) تهیه مواد خام برای بخش صنعتی و بالاخره گسترش بازار مصرف در روستا. در ایران هدف اصلی از اصلاحات ارضی (جدا از ملاحظات سیاسی آن از جمله ایجاد پایگاه در میان روستاییان و عمدتاً در میان خرده مالکین)، آزاد کردن نیروی کار از روستا در وهله اول، و پس از آن گسترش بازار مصرفی روستا یا به عبارت دیگر بسط مناسبات سرمایه‌داری در روستا بوده است.

هدف نخستین از سه طریق صورت گرفت (۱) فروش زمین به صاحبان نسق که می‌توانست به آزاد کردن بخش وسیعی از بزرگان و خوش‌نشین‌های بنجامد. (۲) ملی کردن مراتع و جنگل‌ها که به رها شدن دامداران جزء کمک می‌کرد و (۳) وابسته کردن دهقانان به اقتصاد پولی. راه سوم بیشترین اثر را درازهم گسستگی ساخت کشاورزی ایران داشته است. وابسته شدن دهقانان به اقتصاد پولی

نیاز آنان را به پول افزایش می‌دهد که از سه طریق آنرا برآورده می‌کند. الف) اجاره دادن زمین‌های تحت تملك ب) فروش نیروی کار ج) فروش محصول.

اصلاحات ارضی از اواخر سال ۱۳۴۰ (با تصویب قانون مرحله اول در ۱۹ دیماه همین سال) آغاز و در مهرماه سال ۱۳۵۰، از نظر تقسیم اراضی در سه مرحله پایان می‌پذیرد. بر اساس مقررات مرحله اول مالکین می‌باید مازاد بر يك ده شش دانگ را به وزارت کشاورزی بفروشند و این وزارتخانه به اقساط ۱۵ ساله به زارعین صاحب نسق واگذار کند. زارعین در صورت عدم پرداخت سه قسط از اقساط سالیانه از مالکیت زمین خود محروم می‌گشتند (و این خود نشان‌دهنده بی‌ثباتی مالکیت زارعین بوده است) در این مرحله روابط مالك و زارع در املاك اربابی که در دست مالکان سابق بوده تثبیت می‌گردد و در املاکی که مشمول مرحله اول نشده بود مالك می‌توانست با رضایت زارع حق ریشه او را خریداری کند، حدود ۱۵٪ از ۳/۵ میلیون خانوار زارع شامل این مرحله شدند.

در مرحله دوم که از بهمن‌ماه ۱۳۴۱ آغاز شد املاك موقوفه عام با اجاره ۹۹ ساله به زارعان داده شد و نسبت به شش‌دانگ اربابی مقرر گردید تا یکی از شقوق زیر انتخاب گردد ۱) اجاره ملك به زارع به مدت سی ساله، ۲) فروش ملك به زارع با رضایت خود مالك، ۳) تقسیم ملك به نسبت بهره مالکانه و تفکیک سهم مالك و زارع با حقایقه مربوطه، ۴) تشکیل واحد زراعی که سهم مالك و

زارع از طریق قاعده و عوامل پنجگانه^{۲۲} تعیین گردد؛ (۵) در صورت تمایل زارع خرید حق ریشه آنها و ادامه کشاورزی از طریق کشاورزان روزمزد.

نتیجه مرحله دوم رشد اجاره‌داری، قانونی شدن شکل مالکیت و مناسبات قبلی (ارباب و رعیتی) بود. همچنین زارعین باوقوف باین امر که بدون سازمان‌دهی مالک قادر به امر کشت نیستند پس از فروش زمین مجدداً به استخدام مالک در آمده و به شیوه سهم‌بری یا نصفه‌کاری به کار مشغول شدند.

طبق آمارهای موجود در شهریورماه ۱۳۴۶ در ۲۰۳ هزار مورد مالکان املاک خود را اجاره دادند، در ۲۳۸ هزار مورد املاک خود را فروختند، در ۱۷ هزار مورد املاک خود را تقسیم کردند و ۳۳ هزار مورد واحد زراعی تشکیل داده و بالاخره حدود ۶۲۸۸ مورد نیز حقوق رعایا توسط مالکین خریداری شد.

مرحله سوم با تصویب قانون تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی در سال ۱۳۴۶، از آذرماه ۱۳۴۷ آغاز شد. این شرکت‌ها بنابر ضوابطی از زارعان و خرده‌مالکان تشکیل می‌شد. در این مرحله مقرر گردید که در کلیه املاک اجاره‌ای ۳۰ ساله یکی از دو شق زیر عملی گردد: (۱) فروش ملک به زارع؛ (۲) تقسیم ملک به نسبت بهره مالکانه و تفکیک سهم مالک و زارع از یکدیگر. نتایج مرحله سوم تبدیل شکل اجاره‌سی ساله به ۹۰ ساله،

۲۲- عوامل پنجگانه عبارتند از آب، خاک، کار، گاو و بذر که هر یک از این عوامل معمولاً سهمی مساوی از محصول می‌برند.

پیدایش شرکت‌های سهامی زراعی، دخالت مستقیم دولت از طریق سازمان‌های مربوطه و پیدایش واحدهای کشت و صنعت بود.

بطور خلاصه دو نتیجه اصلی اصلاحات ارضی که خود از عوارض بسط مناسبات سرمایه‌داری در روستا بود، و در پیویش مهاجرت روستاییان به شهر بسیار مؤثر بوده‌اند، عبارتند از: اول) آزاد شدن یا کنده شدن نیروی کار از زمین به علت عدم واگذاری زمین به خوش‌نشین‌ها و برزگران، و عدم تکافوی زمین برای دهقانان فقیر و میانه. کما اینکه در کل سه مرحله اصلاحات ارضی کمتر از نیمی از دهقانان صاحب زمین شدند. در بسیاری از موارد خانوار برای تأمین معاش خود به فروش زمین و مهاجرت همه خانوار یا حفظ زمین و مهاجرت يك یا چند تن از اعضای خود اقدام می‌کرد. دوم) رواج مبادله نقدی در بین روستاییان و بطور کلی نیاز آنها به پول است که از يك سو بوسیله رایج شدن کشاورز مزدبگیر بجای کشاورز سهم‌بر و رواج اجاره‌داری در عوض نسق‌داری؛ و از سوی دیگر رواج و بسط بازار مصرف و الگوی جدید مصرف (از طریق ارتباط بیشتر روستا یا شهر و نیز توسعه وسایل ارتباط جمعی) در روستا پدید آمد. بسیاری از مواد مورد نیاز روستایی می‌بایست به دو دلیل عمده بوسیله پرداخت پول تهیه گردد: نخست بخاطر از بین رفتن الگوی کشاورزی معیشتی (که همه وسایل دهقانان، هرچند بسیار مختصر و ابتدایی در اقتصاد بسته ده و توسط خانوار روستایی تهیه می‌گردید) و دوم بدلیل

جایگزینی کشاورز مزدبگیر بجای کشاورز سهم‌بر که در اینحالت می‌بایست برای رفع مایحتاج خود از پول استفاده کند؛ و بالاخره سوم، بخاطر رایج شدن مواد جدیدی که تهیه آن در روستا امکان‌پذیر نبود.

همچنین رشد باغداری، واحدهای کشت و صنعت و دامداری و غیره که در رابطه با نیاز روزافزون بازار مصرف شهری به مواد کشاورزی مطرح گردید به نوبه خود موجب اشاعه روابط پولی در روستا گشت.

آنچه که تاکنون در مورد مهاجرت روستاییان به شهر گفته شد مجموعه عواملی بودند که از طریق سیاست‌های دولت و در واقع از پایگاه شهری اعمال می‌گردید لیکن اینها در روستا اتفاق می‌افتاد و موجب دگرگونی ساخت روستا و کشاورزی و در نتیجه مهاجرت روستاییان به شهر می‌شد. اما در شهر نیز در این دوره عوامل مؤثری پدید آمدند که باعث ترغیب مهاجرت روستاییان به شهر گردید. مهمترین عامل، ایجاد امکانات اشتغال (بخصوص در دونوبت پس از اصلاحات ارضی و بعد از بالا رفتن قیمت نفت) بود. اختلاف زیاد سطح زندگی در شهر و روستا (از نظر سطح دستمزد شهری و در مقایسه مزد کارگر غیرماهر در شهر که در دهه پنجاه به بیش از صد تومان در روز رسید، با مزد کارگر کشاورزی یا درآمد دهقان خوش‌نشین و بخصوص با توجه بآنکه کار کشاورزی برای کارگر مزدبگیر معمولاً فصلی است) و گسترش امکانات رفاهی، بخصوص امکانات اولیه بنظر مراکز بهداشتی و آموزشی و نیز وسایل تفریح و غیره و بطور

کلی آنچه که زرق و برق زندگی شهری نامیده می‌شود، این موج مهاجرتی را تشدید می‌کرد. هرچند سیاست‌های دولت پس از اصلاحات ارضی در مورد روستا نظیر ایجاد سپاه‌دانش، بهداشت و غیره و در آخر ایجاد شرکت‌های روستایی که تمرکز تسهیلاتی در یکی از روستاهای اصلی و بزرگتر يك منطقه بود، امکاناتی در روستا در زمینه حوائج اولیه بهداشت و آموزش بوجود آورد، اما هرگز نتوانست شکاف بین شهر و روستا را از بین برده و یا حتی (با سرعتی که شهر توسعه می‌یافت) از آن بکاهد. مضافاً آگاهی و ارتباطی که از این طریق بین شهر و روستا بوجود می‌آمد انگیزه‌ای جدید برای مهاجرت می‌گشت.

مهاجرت شهر به شهر بعد از اصلاحات ارضی

پس از اصلاحات ارضی و بدنبال بالا رفتن قیمت نفت یعنی اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه در شهرها دگرگونی‌های سریع و وسیعی روی داد که حاصل بسط و گسترش مناسبات سرمایه‌داری ناشی از بالا رفتن قیمت نفت و مشارکت و ادغام بیشتر ایران در بازار جهانی بود. در این دوره محور اصلی فعالیت‌های اقتصادی و انباشت سرمایه، به شهرها (به خصوص شهرهای بزرگتر) منتقل گردید و با شروع دوره صنعتی شدن جایگزین واردات که مقر آن در شهرهای بزرگتر بود برنامه‌های عمرانی دولت برای ایجاد زیرساخت‌ها و بدنبال آن فعالیت‌های بخش خصوصی در زمینه تولید و توزیع در

شهرهای بزرگ آغاز گردید.

حاصل فعالیت‌های فوق تمرکز بیشتر سرمایه و فعالیت‌های اقتصادی در شهرهای بزرگتر و بخصوص متروپل بود که موجب تمرکز و دگرگونی ساخت اشتغال، پیدایش و بسط سریع بعضی از حوزه‌های اشتغال گردید (مانند ساختمان‌سازی، خدمات جنبی، صنایع و امور تجاری و مالی، خدمات آموزشی در اثر آموزش رایگان، افزایش جمعیت و آگاهی مردم و خدمات بهداشتی بدنبال آگاهی بیشتر مردم و بالا رفتن سطح زندگی). در نتیجه، موج جدیدی از مهاجرت شهر به شهر یعنی از شهرهای کوچکتر و متوسط که در توزیع درآمد، سرمایه و اشتغال سهم کمتری داشتند، به شهرهای بزرگتر و بخصوص به متروپل آغاز گردید.

بعبارت دیگر پیشرفت مناسبات سرمایه‌داری و انباشت سرمایه همه عوامل تمرکز را تشدید کرد. تنها مقایسه رقم جمعیت متروپل تهران بادومین شهر (اصفهان) در سه مقطع ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ بسیار گویاست و خود گواه این گرایش به فوق تمرکز است حاصل این تمرکز تشدید جابجایی نیروی کار از شهرهای کوچک و متوسط به شهرهای بزرگتر و متروپل بوده است. در سال ۱۳۳۵ جمعیت اصفهان حدود ۲۹۰ هزار و جمعیت تهران در حدود ۱/۵ میلیون یعنی ۵ برابر اصفهان بوده است. ارقام، برای سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ به ترتیب ۴۵۰ هزار (اصفهان) ۲/۷ میلیون (تهران) یعنی ۵/۵ برابر و ۶۷۰ هزار (اصفهان)، و ۴/۵ میلیون (تهران) یعنی

ج - مکانیزم مهاجرت ها و قشر بندی مهاجرین

لازمست مکانیزم های مهاجرت و قشر بندی مهاجرین نیز بطور مختصر مورد توجه قرار گیرد. همانگونه که آمار موجود نشان میدهد حدود ۵۴ درصد کل مهاجرین در دهه ۳۵-۴۵ مهاجرت بین شهری بوده است.^{۲۳} اما بنظر نمی رسد که این جابجایی بطور ساده و مستقیم صورت گرفته باشد. اولاً باید در مورد این مفهوم (مهاجرت شهر به شهر) و این رقم دقت بیشتری کرد. بخشی از این مهاجرت در واقع همان مهاجرت روستا به شهر است که پس از مدتی و بدنبال مهاجرت به يك شهر كوچك یا متوسط بعلت كمبود امکانات اشتغال و غیره به مهاجرت به شهر بزرگتر تبدیل می گردد.^{۲۴} در این مرحله مهاجرین در ردیف مهاجرین شهر به شهر محسوب می گردند. از طرف دیگر دلیلی وجود ندارد که همان کسانی که در بخش تولید سنتی شهرهای كوچك و متوسط بیکار می شوند به مراکز بزرگ مهاجرت کنند، بلکه بخشی از این جابجایی بصورت پله ای صورت می گیرد. یعنی همان کسانی که در بخش تولید سنتی (پیشه وری) بیکار می شوند گاه به بخش دیگر (به عنوان مثال کارخانه ای که در همان بخش شهر

۲۳- آزمایش سرزمین.

۲۴- شهر کرمانشاه در دهه ۴۵-۱۳۳۵ رشد جهشی داشت. هرچند امکانات اشتغال در آن چندان نبود. و این رشد صرفاً به علت مهاجرت مرحله اول روستاییان منطقه به آن شهر بود.

بوجود آمده است) انتقال می‌یابند (نمونه کاشان) و سپس افرادی از بخش‌های پررونق‌تر آن شهر بدنبال انباشت سرمایه برای به‌گردش درآوردن این سرمایه به‌مراکز بزرگتر می‌روند و یا بدنبال یافتن تخصص در حرفه‌ای پررونق به‌مراکز بزرگتر که باین تخصص نیاز بیشتری وجود داشته و درآمد بیشتری می‌توانند بدست آورند، نقل‌مکان می‌کنند.^{۲۵} نمونه دیگر مهاجرت پله‌ای و مرحله‌ای جابجایی کارمندان دولت است بخصوص به‌علت جابجایی خانوادگی این قشر و بعد وسیع آنها، یا به‌عبارت دیگر رشد سریع دستگاه اداری دولتی در دو دهه اخیر، حائز اهمیت می‌باشد، اغلب کارمندان شهرهای متوسط و بزرگ پس از اندک سابقه و ارتقاء مقام به‌مرکز (تهران یا مراکز بزرگ دیگر) منتقل می‌شوند و جای آنها را کارمندان شهرستان‌های کوچک می‌گیرند.^{۲۶}

مورد دیگر مهاجرت و جابجایی مرحله‌ای مربوط به دانشجویان و دانش‌آموزان است یا مهاجرت بخاطر آموزش عالی، به‌رحال باید توجه داشت که دانشجویان را نمی‌توان جزء نیروی کار محسوب کرد. اما آنها نیروی کار بالقوه می‌باشند. در این مورد نیز جابجایی پله‌ای بوضوح بچشم می‌خورد. محصلین مراکز اصلی و شهرهای بزرگ که طبیعتاً از آموزش بهتری در دوران دبیرستان

۲۵- نمونه کارآموزان جوشکاری در یکی از کارخانجات تبریز که پس از دوره آموزش و مدت کوتاهی کار به تهران مهاجرت می‌کردند.

۲۶- نمونه شیراز که بسیاری از کارمندان مثلاً آموزش و پرورش را کازرونی‌ها، قسائی‌ها، آباده‌ای‌ها و لاری‌ها و غیره تشکیل می‌دادند.

برخوردار بوده، در هنگام انتخاب دانشگاه، دانشگاه‌های
 تهران را (در هنگام کنکور سراسری) برمی‌گزیدند. در
 نتیجه با برخورداری از آموزش عالی بهتر این بار نیز
 شانس کاریابی در تهران یا شهرهای بزرگ را بیشتر
 بدست می‌آوردند. در نهایت دانشگاه‌های شهرستان‌ها و
 بدنبال آن امکانات اشتغال در شهرستان‌های کوچکتر
 برای دانشجویان شهرستانی یا دانش‌آموزان شهرهای
 کوچک و متوسط باقی می‌ماند. گاه این انتخاب (دانشگاه
 شهرستان‌ها) برای دانش‌آموزان شهرهای کوچکتر به
 علت عدم امکانات مالی (ارزانتر بودن مخارج زندگی در
 شهرهای کوچکتر و یا داشتن اقوام در آنجا) انجام می‌گرفت.
 در مورد قشر بندی مهاجرین باید گفت وسیع‌ترین قشر
 مهاجرین روستایی را در وهله اول روستاییان بدون
 زمین، عمدتاً متشکل از کارگران کشاورزی تشکیل می‌دهند،
 زیرا مزدبگیر بوده دستمزد خود را بادستمزد کارگر شهری
 مقایسه می‌کنند و با نظام جدید تولید (سرمایه‌داری) و روابط
 پولی آشنایی پیدا می‌کنند و در نتیجه بینش وسیع‌تر و
 انگیزه بیشتری برای مهاجرت دارند. پس از آنها،
 برزگران (کسانی که دارای نسق نبوده اما درازای دستمزد
 جنسی باثبات نسبی طبق یک قرارداد شفاهی سنتی کار
 می‌کردند) و سپس خوش‌نشینان (کسانی که نسق نداشته،
 برزگر هم نیستند و بهر نوع کار غیردائم مانند فعلگی
 و وجین و غیره می‌پردازند) قرار دارند. در انتها مهاجرین
 از میان دهقانان کم زمین تشکیل می‌شوند. مهاجرین
 روستایی کم زمین و بدون زمین معمولاً جذب کارهای

یدی بدون مهارت (که عمده ترین آن کارهای ساختمانی است) می شوند. بخش دیگر اشتغال این گروه در کارهای استخراجی و معادن و صنایع (به صورت کارگر ساده بدون مهارت) می باشد.

دهقانان متوسط و خرده مالک کمتر انگیزه و گرایش به مهاجرت داشته و بیشتر فرزندان خود را برای تحصیل به شهرهای کوچک نزدیک و گاه برای تحصیلات بیشتر به شهرهای دورتر می فرستادند. این عده معمولاً علاقه دارند با کسب مدرک پس از فراغت از تحصیل وارد خدمات دولتی و اداری شوند. همچنین خرده مالکینی که به علت عدم تکافوی زمینشان به شهر مهاجرت کرده و اندک دست مایه ای داشتند، در شهر به کسب و کار جزئی می پرداختند. روستاییان جوانی نیز که برای خدمت نظام به شهر فرستاده می شدند گاه در همانجا اقامت گزیده و در خرده خدمات به کار مشغول می گشتند. مهاجرین روستایی فصلی غالباً به تنهایی مهاجرت می کنند اما در سایر موارد مهاجرت بصورت خانوادگی صورت می گیرد.

مهاجرین شهری (جدا از آن عده از روستاییان که در مرحله دوم مهاجرت خود، بخشی از این عده محسوب می شوند) از نظر قشر بندی اجتماعی غالباً با مهاجرین روستایی تفاوت دارند. در بسیاری موارد افراد تحصیل کرده قشر متوسط که امکانات شغلی مناسبی در شهرهای کوچک خود نمی یابند به شهرهای بزرگتر نقل مکان می کنند (به خصوص که غالب آنها در همان شهرهای بزرگ تحصیلات خود را طی کرده اند) در میان این عده بسیاری

از کارمندان دولت قرارداد دارند که تمایل شدیدشان اینست که پس از گذراندن چند سالی در شهرستان‌ها که گاه در بدو استخدام مجبور به اقامت در آنجا هستند خود را به تهران یا شهرهای بزرگ دیگر منتقل کنند. قشر دیگر مهاجرین بین شهری را سرمایه‌داران شهرستانی تشکیل می‌دهند که برای بکار انداختن سرمایه خود به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کردند. اینان در شهرهای بزرگ کارفرمایان کوچک و متوسط را تشکیل می‌دهند.

اثرات و نتایج مهاجرت در ایران

برخلاف سرمایه‌داری‌های کلاسیک که در آنها پویش صنعتی شدن در شهر توانایی جذب مهاجرین روستایی را تا حدودی داشته و سرمایه‌داری شدن و صنعتی شدن کشاورزی به عنوان جزئی از پویش سرمایه‌داری صورت می‌گرفته است، در کشورهای توسعه نیافته (سرمایه‌داری پیرامونی) بسط نامکفی اقتصاد شهری و ماهیت پویش صنعتی شدن (صنعت جایگزینی واردات) و نوع این صنعت (بیشتر مبتنی بر سرمایه تا مبتنی بر کارگر) باعث می‌شود که مهاجرت با ایجاد مسایلی حاد در شهرها همراه باشد.

یکی از بارزترین نمودهای مهاجرت (بخصوص مهاجرت از روستا به شهر) در ایران مانند بسیاری از کشورهای توسعه نیافته (هرچند نه بشدت برخی از آنها نظیر کشورهای امریکای لاتین) نمود فضایی و فیزیکی این جریان مهاجرتی بوده که بصورت حاشیه‌نشینی یا

زاغه‌نشینی ظاهر گردیده است. حاشیه‌نشینی در واقع حاصل اشتغال حاشیه‌ای مهاجرین است که بموجب آن هرگز دستمزد آنها تکافوی يك زندگی حداقل در درون شهر را به آنها نمی‌دهد.

اثر مهم دیگر مهاجرت دگرگونی ساخت اشتغال و ساخت اقتصاد می‌باشد. بدین ترتیب که وجود نیروی ذخیره کار بدون مهارت در ساخت اقتصادی موجب استفاده از روش‌های عقب‌مانده کارپر و رشد بخش‌هایی از فعالیت اقتصادی که مبتنی بر این شیوه کار بوده، گردیده است. مهمترین و بارزترین فعالیت در این زمینه در کشورهای نظیر ایران در بخش ساختمان می‌باشد. وجود انبوه نیروی کار ذخیره در این رشته (بخصوص در غیاب سندیکاها و کارگری) در مواردی موجب پایین آمدن سطح دستمزدها، خاصه دستمزد حقیقی خواهد شد. همچنین خیل مهاجرین موجب پیدایش بیکاری پنهان، اشتغال کاذب و بیکاری می‌گردد. ولی باید توجه داشت که در اکثر موارد این بیکاری حاصل مهاجرت نبوده بلکه انتقال بیکاری روستایی به شهر است. بطور کلی ساخت اشتغال در ایران شامل خیل کثیری از بیکاران و نیز از شاغلین بدون مهارت و کم‌مهارت است.

نمود دیگر مهاجرت (روستا به شهر) تغییر ساخت جمعیتی شهرهاست برای مثال به علت بالا بودن الگوی باروری زنان روستایی در ایران غالباً الگوی باروری جمعیت شهر را دگرگون می‌کند. بهر حال با مرور زمان زندگی شهری بر الگوهای روستایی اثر می‌گذارد اما تا

آنجا که روند مهاجرتی با سرعت و تداوم صورت می پذیرد. این تغییر الگوی باروری جمعیت شهری همچنان ادامه خواهد یافت. از طرف دیگر ورود مردان جوان بدون خانواده (در رابطه با اشتغال و تحصیل) ساخت جنسی و نیز ساخت سنی جمعیت را تغییر می دهد.

بالاخره در کل حاصل مهاجرت، پویش نسبتاً سریع شهرنشینی و بعبارت دیگر شتاب سریع شهرنشینی در مدت زمانی کوتاه (در دهه ۵۵-۱۳۳۵) در ایران بوده است که موجب رشد فزاینده شهرهای بزرگ و بخصوص متروپل گردیده است.

بطور کلی از آنجا که پویش شهرنشینی ایران در چند دهه اخیر در ساخت اقتصادی - اجتماعی این کشور دارای اهمیت حیاتی بوده است باید از لحاظ ماهیت، نتایج و آثار آن بطور وسیع و جداگانه بررسی گردد.

جدول ۲-۱

تعداد و نرخ مهاجرت از روستا به شهر در سالهای ۱۳۵۴-۱۳۰۰

سال	نرخ رشد طبیعی (درصد)	نرخ مهاجرت از روستا (درصد)	تعداد مهاجرین سالانه از روستا (هزار نفر)	افزایش سالانه جمعیت روستایی
۱۳۰۰-۲۰	۱/۶	۰/۶	۳۰	-
۱۳۲۱-۳۰	۲/۴	۱/۲	۱۵۰	-
۱۳۳۱-۴۲	۳	۱/۴	۱۹۰	۲۰۰
۱۳۴۳-۵۴	۲/۷	۱/۶	۲۷۰	۳۰۰

جدول ۲-۲

مقدار افزایش شهرنشینی در اثر مهاجرت روستا به شهر در سالهای ۱۳۲۵-۵۵

سال	مقدار مطلق جابجایی (میلیون نفر)	نرخ رشد شهری (درصد)	رشد طبیعی جمعیت (سالانه درصد)	میزان افزایش شهرنشینی در اثر مهاجرت روستاییان (درصد)
۱۳۳۵-۴۵	۱/۳	۵	۳/۱	۴/۱
۱۳۴۵-۵۵	۳	۴/۲	۲/۲	۴/۴

جدول ۱-۳

تغییرات سطح زیر کشت و جمعیت روستایی در سالهای مختلف

۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۹	۱۳۳۵
۱۷/۸ (میلیون نفر)	۱۵/۹	-	۱۳
۵/۵ (میلیون نفر)	۵/۱	-	۴/۲
۹۱۹۰ (میلیون هکتار)	۶۴۹۷	۶۸۰۳	-

کل جمعیت روستا
جمعیت فعال
سطح زیر کشت
محصولات سالانه

جدول ۲-۳

تعداد خانوارهای بهره‌بردار و سطح زیر کشت در سالهای مختلف

۱۳۵۴	۱۳۵۰	۱۳۴۹
۲۵۰۰	۲۳۱۱	۱۸۷۷
۲۷۳۰	۲۵۲۵	۲۳۸۵
۱۵۷۰۹	۱۶۱۵۴	۱۱۳۶۵
۰/۶۲	۰/۶۹	۰/۶۰۴
۰/۵۷	۰/۶۳	۰/۴۷

سال

تعداد خانوار بهره‌بردار
(هزار خانوار)

کل خانوار روستایی

سطح زیر کشت

(هزار هکتار)

متوسط زمین هر خانوار

(بهره‌بردار با زمین)

متوسط زمین برای

هر خانوار روستایی (کل)

جدول ۳-

اهت تولید سرانه در مورد بعضی از محصولات عمده کشاورزی ۱۳۳۵-۱۳۳۵

محصول / سال	۱۳۳۵	۱۳۳۶	۱۳۳۷	۱۳۳۸	۱۳۳۹
گندم (مزارقین)	—	۲۹۲۴	۴۳۸۰	۳۸۶۱	۴۵۴۱
سرانه (کیلوگرم)	—	۱۳۵	۱۷۰	۱۴۲	۱۵۴
کل جمعیت	—	۲۱/۶	۲۵/۷	۲۷/۱	۲۹/۵
بزرگ (مزارقین)	—	۷۰۹	—	۱۱۷۲	۹۳۷
سرانه (کیلوگرم)	—	۳۱	—	۴۳	۲۹

تولید محصولات مهم کشاورزی در سالهای مختلف (مزارقین) و سرانه آن (کیلوگرم) در هر سال

سال	گندم	جو	برنج	پنبه	چغندر	حیوانات	کل جمعیت
۱۳۴۰	۲۸۲۹	۸۰۲	۶۰۰	۳۷۶	۸۱۰	۸۷	۲۱/۹
	۱۳۱	۳۶	۲۷	۱۷	۳۱	۳/۹	۲۵/۷
۱۳۴۵	۴۳۸۱	۱۰۸۰	۱۱۸۲	۳۷۱	۲۸۸۲	۱۳۹	۲۹/۵
	۱۷۰	۴۲	۹۵	۱۴	۸۸	۵	۲۲/۵
۱۳۵۰	۳۷۰۰	۹۰۰	۱۰۵۰	۴۵۹	۳۹۹۰	۱۹۶	
	۱۲۵	۳۰	۳۵	۱۵/۵	۱۳۵	۶	
۱۳۵۵	۶۰۹۲	۱۵۲۱	۱۵۲۱	۵۱۲	۵۲۵۰	۲۲۴	
	۱۷۹	۴۴	۴۶	۱۵	۱۵۶	۶/۵	
۱۳۵۶	۲۸۸۶	—	۸۲۶	—	—	—	
	۸۵	—	۲۹	—	—	—	

جدول ۲-۴

اختلاف متوسط هزینه خانوار شهری و روستایی (۳۰ روز-ریال) در سالهای مختلف

جمع	هزینه غیرخوراکی	هزینه خوراکی	جمع	هزینه غیرخوراکی	هزینه خوراکی
۱۹۵۵۷	۱۱۸۹۲	۷۱۶۵	۸۴۰۰	۴۴۴۲	۳۹۵۸
۱۱۰۴۴	۴۹۷۱	۶۰۷۳	۳۹۸۶	۱۵۹۵	۲۳۹۱
۱/۷۷	۲/۳	۱/۲۶	۲/۱	۲/۷	۱/۶۵
					نسبت هزینه شهر به روستا

جدول ۳-۴

شاخص مزد کارکنان ساختمانی ساده (غیرماهی)

سال	۱۳۵۸	۱۳۴۰	۱۳۴۲	۱۳۴۴	۱۳۴۶	۱۳۴۸	۱۳۵۰	۱۳۵۲	۱۳۵۴	۱۳۵۶
شاخص مرزهای آسمی	۱۰۰	۱۰۱/۷	۱۰۱/۹	۱۰۸/۸	۱۱۹/۴	۱۲۶/۸	۱۲۷/۹	۲۴۳/۵	۴۸۶/۱	۸۷۶/۷
شاخص مرزهای واقعی	۱۰۰	۹۲/۸	۹۰/۲	۹۳/۰	۱۰۰/۴	۱۱۳/۳	۱۳۲/۹	۱۵۴/۰	۲۴۲/۲	۳۳۴/۱

• منبع - کتاب آگاه (مسائل ارضی و دهقانی) ص ۱۲۳.

جدول ۵-۱

سرمایه گذاری بخش خصوصی در ساختمان در مناطق شهری در سال های مختلف (میلیون ریال)

درصد	شهرهای کوچک		درصد	شهرهای بزرگ		تهران	کل مناطق شهری	
	مقدار	درصد		مقدار	درصد	مقدار	مقدار	درصد
۲۲/۱	۹۸۵۳	۲۴/۳	۱۰۵۷۸	۵۳/۱	۲۳۱۶۲	۱۰۰	۴۳۵۹۳	۱۳۵۱
۲۶/۱	۶۱۴۹۴	۲۸	۶۹۹۵۳	۴۵/۴	۱۱۳۴۷۶	۱۰۰	۲۴۹۹۲۳	۱۳۵۵

سالنامه ۱۳۵۶

جدول ۵-۲

سرمایه گذاری بخش دولتی در مناطق شهری در سال ۱۳۵۵ (میلیون ریال)

مقدار	درصد	کل کشور	استان مرکزی	اصفهان	خراسان	آذربایجان شرقی	سیستان	زلیجان	سمنان
۱۰۴۸	۱۰۰	۹۵۰	۳۲۱	۴۰۱	۷۱۲	۱۸۰	۱۰۸	۱/۸	۴۵
۱۰۰	۱۵/۷	۵/۳	۶/۶	۱۱/۸	۳				

سالنامه ۱۳۵۶

جدول ۱-۶
کاهش اشتغال پیشموری سنتی در سالهای ۱۳۴۵-۵۵

تغییرات	۱۳۴۵	۱۳۴۵
— ۴۸۰۰	۱۲۷۰۰	۱۷۵۰۰
— ۱۰۸۰۰	۷۰۲۰۰	۸۱۵۰۰
— ۱۳۹۰۰	۳۲۰۰	۱۷۱۰۰
		خیاطخانه
		تجاری
		خانوائی

بهر ننگ - ایران ص ۱۹۹

جدول ۲-۶
افزایش اشتغال در بخش پیشموری خانوار (عمدتا تعمیرات وسایل چوبی و سبیل و غیره)

تعداد	۱۳۴۵	۱۳۴۵	تعداد	۱۳۴۵
٪ کل نیروی کار	۱۰۰۱۸۱۷	٪ کل نیروی کار	۵۳۶۳۱۸	٪ کل نیروی کار
۱۱/۵	۸	۶/۲	۴۵۰۷۷۷	۱۳۴۵

بهر ننگ - ایران ص ۱۷۶

شبکه شهرهای ایران

مقدمه

مطالعه شبکه شهری^۱ ایران در بررسی پویش شهر-نشینی معاصر حائز اهمیتی اساسی است، زیرا روشنگر بسیاری از مسائل، از جمله علل و چگونگی جابجایی نیروی کار و سرمایه در بین شهرها و تمرکز شدید در يك منطقه و رکود و تخلیه جمعیت در منطقه دیگری از کشور است. بطور کلی منظور از شبکه شهری در يك منطقه یا يك کشور از نظر اقتصادی عبارتست از ارتباط متقابل مراکز شهری و نظام مبادله و داد و ستدی که بین شهرها در رابطه با عملکردهای تخصصی آنها (عملکردهای پایه ای^۲) بوجود می آید. به عنوان مثال يك شهر كوچك یا

۱- برای توضیح بیشتر درباره شبکه شهری به مقاله اقتصاد شهری در کتاب اقتصاد سیاسی شهرنشینی اثر پل سینجر، ترجمه مهدی کاظمی بیدهندی - فرخ حسامیان، گروه تحقیق و مطالعات شهری و منطقه ای - نشر ایران مراجعه شود.

۲- عملکردهای پایه ای آن قسمت از فعالیت هایی است که حاصل آنها از شهر صادر شده یا در اختیار مردم شهرها و مناطق دیگر قرار



متوسط مواد اولیه (مازاد اقتصادی) از روستاهای اطراف خود جمع‌آوری می‌کند. احياناً قسمتی را مصرف (در صورتی که ماده اولیه خوراکی باشد و یا مورد نیاز کارخانه‌های آن شهر قرار گیرد) و بقیه را به شهر بزرگتر یا اصلی صادر می‌کند. در مقابل، کالاهای ساخته شده و خدمات تخصصی آموزشی، بهداشتی و اداری را از شهر اصلی می‌گیرد. این شهر کوچک یا متوسط خود بخشی از خدمات آموزشی و بهداشتی شهرهای کوچکتر و روستاهای اطراف خود را تأمین می‌کند. ارتباط دیگری که در شبکه شهری برقرار است، جابجایی نیروی کار می‌باشد (که خود حاصل رشد جمعیت و تغییرات عملکرد شهری و دگرگونی ساخت اشتغال در منطقه است). این جابجایی معمولاً از روستاها و شهرهای کوچک و متوسط به متروپل یا شهر اصلی می‌باشد. در مقابل (در مقیاس بسیار کوچکتر) افراد متخصص از مرکز اصلی به شهرهای کوچک و متوسط و احياناً به روستاهای مربوطه فرستاده می‌شوند. در کشورهای توسعه نیافته (نظیر ایران) معمولاً نقش میانی شهرهای کوچک و متوسط (بین منطقه روستایی و شهرهای بزرگ) کم‌اهمیت‌تر شده و در مقابل شهرهای اصلی و بزرگ، اهمیت و رشد بیشتر می‌یابند. علت این امر همان علل ایجاد تمرکز در این کشورها می‌باشد که

← می‌گیرد. در نتیجه درآمد را به شهر می‌آورد در مقابل عملکردهای غیرپایه‌ای که حاصل آن در خدمت مردم خود شهر است (برای توضیح بیشتر به کتاب جغرافیای شهری - فصل چهارم - اثر جانسون ترجمه گیتی اعتماد انتشارات دانشگاه ملی ایران مراجعه شود).

عمدتاً ناشی از کمبود زیرساخت‌ها، تمرکز سرمایه و سایر امکانات و بطور کلی عوامل متعدد اقتصادی - اجتماعی حاصل از رشد روابط سرمایه‌داری - پیرامونی است.

حاصل‌پویش - فوق یعنی از میان رفتن نقش میانی شهرهای كوچك و متوسط در کشورهای جهان سوم - پیدایش نوعی شبکه شهری است که به آن شبکه زنجیره‌ای گویند (شکل شماره ۱-۱) یعنی هر شهر كوچك یا متوسط و حتی درموردی هر روستا مستقیماً و به صورت زنجیره‌ای با متروپل اصلی در ارتباطند در حالیکه در کشورهای صنعتی پیشرفته این شبکه غالباً بصورت همگون و کم‌کشانی است (شکل شماره ۲-۱) یعنی بخاطر وجود عملکردها و فعالیت‌های سلسله‌مراتبی در شهرهای مختلف و نیز یکنواختی و همگونی نسبی امکانات اقتصادی - اجتماعی و فضایی، معمولاً رابطه بین شهرهای مختلف از نظر فضایی و نیز از لحاظ اقتصادی - اجتماعی بصورت کم‌کشانی است. به این نحو که روستاهای اطراف يك شهر كوچك با این شهر در ارتباط متقابل‌اند و این شهر كوچك و شهرهایی نظیر آن با يك شهر متوسط در ارتباط متقابل قرار دارد و در نهایت، شهرهای متوسط با شهرهای بزرگ یا متروپل منطقه در ارتباط متقابل هستند در نتیجه و بطور نسبی هیچ شهری ارجحیت فوق‌العاده‌ای در کل شبکه دارا نمی‌باشد، هر چند پایتخت‌ها نیز در این گونه شبکه‌ها، به علت وجود مراکز تصمیم‌گیری و عوامل اقتصادی - اجتماعی دیگر از موقعیت خاصی برخوردارند اما این موقعیت خاص قابل مقایسه با امتیازات و تفاوت -

های متروپل جهان سوم با سایر شهرهای شبکه شهری این نوع کشورها نمی باشد.

در ایران نظیر بسیاری از کشورهای جهان سوم در دوره پیش سرمایه داری شبکه شهری همگون بود، یعنی هر منطقه شهر اصلی خود را دارا بود. این شهر اصلی مازاد اقتصادی منطقه را استخراج و در مقابل، خدمات لازم (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی) را برای منطقه مربوطه تأمین می کرد، در کل شبکه شهری تمرکز چندانی از لحاظ سرمایه، امکانات اشتغال و غیره وجود نداشت، جابجایی مهمی از لحاظ نیروی کار یا سرمایه به چشم نمی خورد. اما پس از دگرگونی های اقتصادی - اجتماعی چند دهه اخیر یعنی بسط سرمایه داری در ایران (که ریشه های آن به اواخر قرن نوزدهم می رسد و در چند دهه اخیر تحولات در این زمینه به اوج خود رسید) و نیز عمده شدن مازاد اقتصادی حاصل از صادرات نفت که نتیجه آن تمرکز سرمایه، زیرساخت ها و امکانات اشتغال در پایتخت بود، شبکه شهری بکلی دگرگون گردید و روابط ارگانیک آن گسیخته شد. بدین ترتیب که اولاً با بسط سرمایه داری در ایران تحولات زیادی در عملکردهای موجود شهرها بوجود آمد. بسیاری از عملکردهای قبلی بکلی از بین رفت یا اهمیت خود را از دست داده عملکردهای جدیدی بوجود آمد یا عملکردهای قبلی تغییر شکل داده، وسیعاً گسترش یافتند. اما این تغییرات عملکردی بطور یکنواخت در همه شهرها یا مراکز منطقه ای صورت نگرفت. بنابر ماهیت خاص این عملکردهای نظام سرمایه داری و نیز شکل ویژه

آنها در کشورهایایی نظیر ایران و همجواری‌شان با عملکردهای پیش سرمایه‌داری، بعضی از شهرها بیشتر و بعضی کمتر جاذب آنها گردیدند. در نتیجه این دگرگونی عملکردی، ارتباطات متقابل در شبکه شهری در بسیاری از مناطق دچار دگرگونی و گسیختگی شد.

ثانیاً با عمده شدن درآمد حاصل از صدور نفت که از آن پس درآمد اصلی دولت را تشکیل می‌داد و توزیع بخشی از این درآمد در شهرها و مناطق مختلف از طریق بودجه‌های عمرانی، استخراج و بهره‌برداری از مازادهای اقتصادی محلی (که عمدتاً مربوط به بخش روستایی بود) اهمیت خود را از دست داد. در نتیجه ارتباطاتی که در این زمینه در شبکه شهری وجود داشت بتدریج گسیخته گردید.

ثالثاً با توجه به ماهیت خاص نظام سرمایه‌داری پیرامونی در کشوری نظیر کشور ما، یعنی بعثت رشد سریع فعالیت‌های اقتصادی و نیاز آنها به زیرساخت‌های گران‌قیمت و وسیع (شبکه‌های وسیع آب و برق و ارتباطات و غیره) و به‌مراکز تصمیم‌گیری و مدیریت و وجود متخصصین، این فعالیت‌ها از نظر مکانی بشدت گرایش به تمرکز دارند. حاصل این تمرکز شدید، تحول و تمرکز امکانات اشتغال در متروپل‌ها و بطور کلی دگرگونی ساخت اشتغال است. در نتیجه با جابجایی وسیع نیروی کار و سرمایه که بشکل دور و تسلسل ادامه دارد، ساخت جمعیتی و فضایی شبکه شهری نیز دگرگون و گسیخته گردیده است.

حال با توجه به فرض‌های فوق در مورد شبکه شهری

در کشورهای جهان سوم بطور کلی و کشور ایران بطور
اختصاص، در این مقاله شبکه شهری ایران را در دوره پیش
سرمایه‌داری (قبل از تحولات چند دهه اخیر) و در دوره
معاصر (با تأکید بر خصوصیات شبکه شهری در دو دهه
۵۵-۱۳۳۵) بررسی می‌کنیم، تا علل تغییرات و دگرگونی-
های حاصل از تحولات چند دهه اخیر، بخصوص عوامل
متعدد اقتصادی - اجتماعی حاصل از رشد روابط
سرمایه‌داری را که بنحوی در گسیختگی شبکه شهری
ایران مؤثر بوده است، تا حد امکان بشناسیم.

شبکه شهری پیش‌سرمایه‌داری

بطور کلی پیدایش يك شبکه شهری و چگونگی
شکل‌گیری الگوی فضایی آن در يك منطقه یا يك کشور که
در طول تاریخ صورت می‌گیرد در رابطه با شرایط متعدد
اقتصادی - اجتماعی، اقلیمی و جغرافیایی است. در ایران
نیز پیدایی شبکه شهری تابع این قاعده کلی بوده است.
شبکه شهری ایران تا چند دهه قبل، از همگونی نسبی
برخوردار بوده است، یعنی بدون وجود يك کلان شهر یا
متروپل اصلی که همه فعالیت‌ها را بخود جذب کند و بر
روی شبکه تأثیر خاصی بگذارد، ارتباط ارگانیکی بین
شهرهای کوچک و بزرگ هر منطقه از يك سو و شهرها و
مراکز روستایی آنها از سوی دیگر برقرار بوده است.
بعبارت دیگر هر منطقه شهر اصلی خود را دارا بود که
عملکردهای مربوطه را انجام می‌داد و از طریق این مراکز
منطقه‌ای بود که هر منطقه با پایتخت در تماس قرار

می گرفت (اگر اصلاً تماسی وجود می داشت، و یا پایتخت از قدرت و تمرکز برخوردار بود). (شکل شماره ۱ آخر کتاب) تقریباً تا چند دهه قبل (تا دهه ۱۳۰۰) علی رغم همگون بودن نسبی عملکرد شهری، در شهرهای ایران در رابطه با مقیاس شهر، موقعیت اقلیمی - جغرافیائی و بخصوص استراتژیک آن، عملکردهای شهر از لحاظ مقیاس، تنوع و کیفیت تغییر می کرد. این عملکرد از فعالیت محدودی (تولیدی - تجارتي و غيره) در حد اهالی يك شهر كوچك و چند روستای اطراف آن، تا فعالیت های وسیعی در حد كل كشور و گاه در حد بین المللی تفاوت داشت.

هرچند كه شهرها غالباً عملكردهای گوناگون را چنان توأماً انجام می دادند كه تفكيك آنها از يكديگر مشكل و گاه غير منطقی بنظر می رسد و اغلب این عملكردها و فعالیت ها لازم و ملزوم يكديگر بوده اند (مانند مبادله و ارتباطات)، اما بخاطر روشن شدن ماهیت آنها می توان مهمترین عملكردهای شهرهای ایران را در گذشته بگونه ذیل خلاصه كرد:

۱- مركز خدمات یا مبادلات منطقه: وجود چنین

مركزی بمعنای انجام فعالیت های خرده فروشی، عمده فروشی در سطح شهر و منطقه نفوذ^۲ آن، تامین قسمتی از

۲- منظور از منطقه نفوذ يك مركز شهری منطقه ای است (خواه در اطراف و متصل به آن شهر و خواه در منطقه ای دیگر و جدا از آن) كه با آن شهر در ارتباط متقابل (یا يك جانبه) اقتصادی - اجتماعی باشد. برای توضیح بیشتر به كتاب جغرافیای شهری - جانسون - فصل پنجم مراجعه شود.

نیازهای روستاییان از لحاظ بعضی از مواد پوشاکی و
احیاناً غذایی و نیز ابزار تولید، جذب و توزیع مازاد
اقتصادی روستا می باشد. مسلماً مهمترین عملکرد يك
مرکز خدماتی عبارت بود از مبادله و تجارت تولیدات
شهر (یا احیاناً شهرهای دیگر)، جذب و توزیع مازاد
روستایی (خواه از طریق مبادله با تولیدات و خدمات
شهری خواه از طریق سلف خری و اخذ مالیات که بیشتر
در عملکرد يك شهر حکومتی بود). در این مورد در شهرهای
بزرگی که بر سر راه شاهراه ها و رگ های اصلی رفت و
آمد و تجارت قرار داشتند، علاوه بر مبادله در سطح
منطقه نفوذ بلافاصله خود (یعنی منطقه ای که در اطراف
يك شهر قرار دارد)، عملکرد تجارت با مناطق دور دست
و کشورهای دیگر نیز اهمیت می یافت. در این زمینه تبریز
نمونه بارزی است که گاه دامنه عملکرد تجارت خارجی آن
از پایتخت نیز پیشی می گرفت.

۲- **مراکز ارتباطات:** این مراکز عبارت بودند از
منزلگاه های میان راهی که نیازهای مسافرین را از لحاظ
وسایل حمل و نقل، محل اقامت و غیره تأمین می کردند.
همچنین شهرهای بزرگی که مبدأ و مقصد ارتباط يك یا
چند منطقه با یکدیگر بودند. در اغلب موارد بعثت
موقعیت مناسب این مراکز عملکرد ارتباطات با تجارت و
مبادله و توزیع همراه می گردید.

۳- **مراکز حکومتی - نظامی:** یعنی شهرهایی که مقر
دستگاه های حکومتی (خواه حکومت مرکزی یا حکومت
ایالتی) بوده و نقش عمده آنها جمع آوری مالیات (مازاد

اقتصادی) شهرها و دهات اطراف خود و حفظ نظم در منطقه مربوط بآنها بوده است. بخاطر تمرکز مازاد اقتصادی در این مراکز و بازار بالقوه‌ای که در رابطه با وجود دستگاه حکومتی و وابستگان آن در اینگونه شهرها وجود داشت عملکردهای دیگری نظیر تجارت، تولید و غیره را بسهولت جذب می‌کردند.

۴- مراکز تولیدات پیشه‌وری: این مراکز در زمینه تأمین نیازهای روزمره مردم شهر و منطقه نفوذ خود کالاهای مختلفی را تولید می‌کردند. همچنین در بعضی موارد برحسب موقعیت و امکانات خاص خود (از لحاظ مواد اولیه و مهارت‌های لازم) کالاهای تخصصی ویژه‌ای را می‌ساختند مانند شال کرمان، ترمه یزد، قاشی کاشان و غیره.

۵- شهرهای معدود مذهبی و زیارتی: شهرهایی که بعزت وجود يك یا چند زیارتگاه، هر ساله عده‌ای از اطراف شهر و نقاط دور و نزدیک بانجا می‌رفتند. در این شهرها علاوه بر مدارس و سازمان‌های مذهبی مربوطه که عملکردهای خاص خود را انجام می‌دادند، عملکردهای مختلف خدماتی در رابطه با تأمین نیازهای مسافرین و زیارت‌کنندگان انجام می‌گرفت.

شهرها گاه يك عملکرد و یا غالباً مجموعه‌ای از این عملکردها را در خود جمع داشتند. همانگونه که اشاره شد مسلماً هر يك از عملکردها یا مجموعه آنها در رابطه با ساکنین خود شهر و منطقه نفوذ آنها قرار داشت. به عنوان مثال تولیدات پیشه‌وری ضمن تأمین نیازهای اهالی

شهر در صورت توسعه و تخصصی شدن، منطقه نفوذ خود را نیز زیر پوشش قرار می‌داد و حتی ممکن بود در مواردی تولیدات خود را بخارج از منطقه یا کشور نیز صادر کند (نمونه اصفهان، کرمان، کاشان).

بطور خلاصه در شبکه شهری پیش‌سرمایه‌داری ایران مناطق از نظر کلی (روابط عملکردی بین شهرها و روستا در زمینه خدمات و تولید) کم و بیش مشابه بودند. هرچند از نظر جغرافیائی (اقلیمی و موقعیت مکانی) هر يك ویژگی‌های خاص خود را داشتند. بنابراین هیچ منطقه‌ای از لحاظ گوناگون بر دیگر مناطق امتیاز فوق‌العاده‌ای نداشت. جز پایتخت، که موارد خاصی بنابر موقعیت شهر و قدرت دستگاه حاکمه اهمیت بیشتری می‌یافت. زیرا با تغییر مداوم محل پایتخت (با تعویض هر سلسله حکومتی) امکان رشد بیش از حد يك پایتخت خاص از میان می‌رفت. در نتیجه این یکنواختی جابجایی چندانی از لحاظ نیروی کار یا جمعیت بطور کلی و نیز جابجایی سرمایه که حاصل آن تمرکز مجدد جمعیت و سرمایه باشد، در کل شبکه دیده نمی‌شد.

شبکه شهری ایران در حال حاضر

شبکه شهری ایران در دهه‌های اخیر بدنبال دگرگونی شرایط اقتصادی - اجتماعی ایران با آهنگ و شتابی کم و بیش برابر (و گاه با تأخیر) تغییر کرده است و بخصوص تغییرات دو سه دهه اخیر (۵۵-۱۳۳۵) بعضی از ویژگی‌های این الگو را تشدید کرده است (نظیر

پیدایش کلان شهر، گسیختگی شبکه و...) بطور کلی خصوصیات فضایی - جمعیتی شبکه شهری ایران را می توان بگونه ذیل خلاصه کرد (شکل شماره ۲):

۱- در کل شبکه شهری ایران مسأله کلان شهری و تمرکز متروپل بوضوح بچشم می خورد، بنحوی که وجود متروپل تهران از نظر فضایی - جمعیتی، عملکردی و غیره همه شبکه را تحت تأثیر خود قرار داده است و در شبکه هیچگونه رقابتی در این زمینه نسبت به تهران دیده نمی شود. این امر در دو دهه گذشته همواره تشدید شده است، چنانچه تهران با حدود ۵ میلیون نفر جمعیت در ۱۳۵۵ تقریباً ۷ برابر دومین شهر ایران (اصفهان) و ۱۰ درصد کل جمعیت کشور و $\frac{1}{3}$ جمعیت شهری، جمعیت داشته است.

۲- بطور کلی در نقاطی که يك شهر بسیار بزرگ بوجود آمده است (مانند اصفهان، مشهد و تبریز) که خود حاصل شرایط تاریخی (اقتصادی - اجتماعی) و عوامل جغرافیایی بوده است، شهر بزرگ دیگری بچشم نمی خورد و این کلان شهر همه فعالیت ها و رشد عمده منطقه را در زمینه های مختلف بخود اختصاص داده است. به عنوان مثال در حالیکه جمعیت اصفهان در سال ۱۳۵۵ حدود ۶۷۵ هزار نفر بوده جمعیت دومین شهر این استان همایونشهر به ۶۵ هزار نفر می رسید که در واقع بخاطر نزدیکی و مجاورت همایونشهر به اصفهان، این جمعیت را باید جزئی از جمعیت اصفهان محسوب نمود. و دومین شهر استان، قمشه، که در فاصله حدود ۸۰

کیلومتری اصفهان است تنها ۴۶ هزار نفر جمعیت داشته است. در استان خراسان در حالیکه جمعیت مشهد در سال ۱۳۵۵ حدود ۶۷۰ هزار نفر بوده است، جمعیت دومین شهر این منطقه، نیشابور تنها به ۵۹ هزار نفر می‌رسید. هرچند رشد شهرهای بزرگ منطقه‌ای در مقایسه با تهران چندان زیاد نیست بنحویکه تا سال ۱۳۵۵ هیچ‌یک از شهرهای بزرگ بعد از تهران جمعیتش به یک میلیون نرسید. زیرا تهران بعنوان یک متروپل بخشی از ارتباط متقابل شهرهای متوسط و کوچک را با شهرهای بزرگ منطقه آنها، بخود جذب کرده است. به‌عنوان مثال رابطه اصفهان و یزد و یا اصفهان و کاشان که عملکردهای مربوط بآن پیشتر جذب تهران شده است. می‌توان افزود که تصمیمات سیاسی نیز در این امر مؤثر بوده است. مانند جدا کردن یزد از اصفهان و تبدیل آن به یک فرمانداری کل و سپس به یک استان مستقل که خود برحسب از بین رفتن ارتباط اداری و بدنبال آن محو بعضی از ارتباطات دیگر بین اصفهان و یزد گردید.

۳- در قسمت شمال‌خواه بدلائل تاریخی (دور بودن از مسیر اصلی جاده ابریشم) و اقلیمی (توزیع متعادل جمعیت و منابع طبیعی)، و خواه بدلیل نزدیک بودن به متروپل (در دهه‌های اخیر) و در نتیجه در دسترس بودن تهران با همه امکاناتش برای مردم این منطقه (برخلاف نقطه‌ای مانند مشهد که به‌رحال نقش یک مرکز منطقه دور از دسترس تهران را بخوبی ایفا می‌کند) ما با شهر بسیار بزرگی روبرو نیستیم.

۴- همچنین در جنوب شرقی بخاطر مسائل جغرافیایی (تراکم کم جمعیت که معادل $3/6$ تا $5/6$ نفر در کیلومتر مربع سال ۱۳۵۵ است در مقایسه با تراکم متوسط کشور که $20/4$ نفر در کیلومتر مربع می باشد. و بعلت شرایط نامساعد طبیعی) و توسعه نیافتگی منطقه که موجب عدم جذب جمعیت مهاجر از نقاط دیگر و برون کوچی زیاد می باشد، فاقد شهر بسیار بزرگ است (کرمان بزرگترین شهر این منطقه است که در سال ۱۳۵۵، ۱۴۰ هزار نفر جمعیت داشته است. در مقایسه با اصفهان با حدود ۶۷۵ هزار نفر در همان سال) این موضوع شامل شهرهای منطقه سواحل جنوبی نیز می گردد. چنانچه بندرعباس در سال ۱۳۵۵ دارای ۸۹ هزار نفر جمعیت بوده است. نباید فراموش کرد که در اوایل دهه ۱۳۵۰ توسعه و رشد بندرعباس و بعضی از شهرهای دیگر این منطقه بعلت ایجاد تأسیسات بندری در رابطه با واردات مورد نیاز متروپل و کشور یا در رابطه با تأسیسات نظامی، رو به افزایش نهاد. جمعیت بندرعباس از حدود ۳۵ هزار نفر در سال ۱۳۴۵ به حدود ۸۹ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ رسید که رشد سالیانه ای معادل $9/9$ درصد را نشان می دهد در حالیکه متوسط این رشد برای مناطق شهری در کشور در حدود $4/8$ درصد است (دهه ۵۵-۱۳۴۵).

۵- در کل شبکه شهرهای ایران اگر محور تهران - اصفهان - شیراز را در نظر بگیریم، می توان به دو منطقه شرقی و غربی رسید که تفاوت هایی نسبت به هم دارا می باشند. بعنوان مثال در منطقه شرقی جز مشهد شهر

بسیار بزرگت دیگری نمی بینیم. شبکه شهری این منطقه نیز بیشتر بصورت زنجیره ای در دو محور تهران - مشهد و تهران - یزد - کرمان شکل می گیرد، هرچند همانگونه که اشاره شد مشهد بعنوان يك مرکز منطقه نقش خود را ایفاء می کند. کویر بزرگ مرکزی و نیز بیابان های جنوب شرقی، این منطقه را خالی از جمعیت و بخصوص جمعیت شهری بزرگ و متوسط نموده است البته در این قسمت منطقه ساحل شرقی دریای مازندران نیز مستثنی است. در قسمت غربی بعکس توزیع متعادل تری از جمعیت و نیز جزء شبکه های شهری، بخصوص در اطراف اصفهان، باختران (کرمانشاه)، اهواز و تبریز مشاهده می کنیم که تا حدودی حالت کهمکشانی دارند و اعضاء هر جزء شبکه نسبتاً با مرکز جزء شبکه در ارتباط متقابل است. هرچند از تسلط تهران و ارتباط با تهران در این مورد نیز نمی توان چشم پوشید (شکل شماره ۴ آخر کتاب).

با توجه به وضع موجود شبکه شهری معاصر از لحاظ فضایی - جمعیتی و ارتباطات متقابل بین شهری و بین مناطق و مقایسه با شبکه شهری دوران پیش سرمایه داری ایران می توان در آن گسیختگی چشمگیری از لحاظ اندازه شهرها (دیگرام های ۱-۵، ۲-۵، ۳-۵، جداول ۳-۵ و ۵-۵، در آخر کتاب)، ارتباطات متقابل و غیره دید که حاصل تحولاتی در زمینه عملکردهای شهری، استخراج ملزاد اقتصادی محلی، و بالاخره دگرگونی ساخت اشتغال است:

الف - گسیختگی شبکه شهری در رابطه با تغییرات و تحول عملکردهای شهری - در چند دهه اخیر دگرگونی های

وسیمی در عملکردهای شهری بوجود آمد که حاصل توسعه روابط سرمایه‌داری و بدنبال آن گسترش شهر تهران و در نتیجه تغییر الگوی فضایی - جمعیتی شبکه شهری ایران بودند. این تغییرات را می‌توان بگونه ذیل برشمرد:

۱- تغییرات در خدمات و مبادلات منطقه‌ای - با پیدایش خدمات جدید (مانند آموزش سازمان‌یافته در سطوح مختلف، بهداشت و درمان...) و با تغییر و تحول عملکردهای خدمات قبلی (مانند تولید و فروش ابزار جدید بخاطر تغییر نوع آنها - مثلاً تراکتور بجای خیش گاوآهن)، این‌گونه خدمات بخاطر ماهیت آنها (نیاز به زیرساخت‌ها و امکانات جدید و نیروی انسانی متخصص) بیشتر به شهرهای بزرگتر و بخصوص تهران محول گردید. شهرهای متوسط و کوچک و حتی در مواردی بعضی از شهرهای بزرگ بخشی از عملکردهای خود را بعنوان مرکز خدماتی منطقه از دست دادند. هرچند در مواردی بعضی از آنها عملکردهای جدیدی در این زمینه یافتند، مانند آموزش عالی با تأسیس دانشگاه‌ها در مراکز استان‌ها و احیاناً مدارس عالی در بعضی از شهرهای متوسط و یا بخش بهداشت و درمان با ایجاد بیمارستان‌های بزرگ و کوچک در بعضی از شهرها.

۲- تغییرات در زمینه ارتباطات - تغییر الگوی ارتباطات و کاربرد تکنولوژی پیشرفته‌تر و در نتیجه ایجاد سرعت بیشتر موجب تغییر مکان و مدت توقف‌های بین‌راهی گردید. در نتیجه تعدادی از شهرهای منزلگاهی (بخصوص شهرهای کوچکتر مانند ساوه، قمشه، آباده) این عملکردها

را جزئاً یا کلاً از دست دادند. اما از طرف دیگر با ترویج مسافرت‌های داخلی به منظور گذراندن تعطیلات در بعضی از شهرها که بدلایلی امکان جذب توریست‌های داخلی یا خارجی را داشتند (مانند سواحل خزر، اصفهان و شیراز...) عملکرد توریستی شهرها رشد بسیار کرد. طبیعی است که رشد توریسم موجب بسط بعضی از عملکردهای دیگر این شهرها گردید. بعنوان مثال در شهرهای توریستی اغلب صنایع دستی نیز تا حدودی رونق یافت. همچنین با رشد واردات، شهرهای بندری (بخصوص بعضی از شهرهای کنارهٔ خلیج فارس) سریعاً رشد یافتند.

۳- تغییر عملکرد حکومتی شهرها - این عملکرد با پیدایش تمرکزاداری - سیاسی در پایتخت و تثبیت حکومت مرکزی تغییر کرد. بجای آن عملکردهای وسیع اداری در رابطه با حکومت مرکزی، بصورت يك شبکهٔ سلسله مراتبی (مراکز استان، شهرستان، بخش و دهستان) بسط یافت و در مواردی برای شهرهای كوچك و متوسط بصورت تنها مایهٔ حیات و عملکرد اصلی درآمد، همچنین از این پس بسیاری از عملکردها که قبلاً توسط خانواده‌ها یا بطور کلی بوسیلهٔ مردم صورت می‌گرفت (مانند آموزش و درمان، بخش‌هایی از تولید و توزیع) به بخش دولتی واگذار گردید که حاصل آن پیدایش دستگاه‌های عریض و طویل اداری مربوط به این گونه عملکردها بود.

۴- تغییر عملکرد تولیدی - درمورد تولیدات، تغییرات عمده‌تر بودند. بطور کلی همراه با صنعتی شدن بسیاری

از تولیدات قبلی (نساجی، ابزار تولید و مواد غذایی و غیره) و تولید کالاهای جدید (صنایع اتومبیل، کولر و یخچال و غیره) بسیاری از شهرهای کوچک، متوسط و حتی بعضی از شهرهای بزرگ تولیدات سنتی خود را از دست دادند یا عملکردهایشان در این زمینه تا حد زیادی کاهش یافت.

همراه با اضمحلال هر عملکرد تولیدی سنتی بسیاری از فعالیت‌های ضمیمه آن از قبیل تولید ابزار مربوط بآن، توزیع و مبادله و واسطه‌گری از بین رفت. بطور کلی با آنکه بعضی از شهرها عملکردهای جدیدی پیدا کردند و یا حتی در مواردی معدود عملکردهای قبلی باقی مانده یا احياناً رونق یافتند (مانند مورد قالی بافی)، در مجموع عملکردهای تولیدی بدایلی که قبلاً هم اشاره شد (نیاز به زیرساخت‌ها، نزدیکی به بازار و غیره) بیشتر جذب تهران و چند شهر بزرگ دیگر گردید و در نتیجه بطور روز-افزونی شکاف و تفاوت کمی و کیفی بین شهرها در همه زمینه‌ها و فعالیت‌ها بیشتر گردید. حاصل این امر پیدایش گسیختگی در شبکه شهری بود.

۵- تغییر در عملکرد شهرهای زیارتی - بطور کلی با ترویج جهانگردی داخلی و افزایش جمعیت، عملکرد شهرهای زیارتی نیز بسط و توسعه یافت.

عامل مهم دیگری که در تغییر و تحول عملکردها مؤثر بوده است چگونگی ساخت جمعیت و نیروی کار می باشد، یعنی درپوش کلی تغییر نظام اقتصادی پیش سرمایه‌داری، مسلماً عملکردهای جدید یا فعالیت‌های جدید

اقتصادی از ساخت جمعیت و ساخت نیروی کار متأثر می‌گردید. بعنوان مثال وجود جمعیت جوان (که در اغلب کشورهای جهان سوم در حدود ۵۰ درصد جمعیت زیر ۱۵ سال می‌باشند) در بسط و گسترش عملکردهای آموزشی مؤثر است. همچنین وجود انبوه ذخیره نیروی کار غیرماهر در نحوه انتخاب تکنولوژی‌های مبتنی بر نیروی کار یا بطور کلی در شیوه تولید صنعتی عاملی مهم و تعیین‌کننده است.

همچنین بعد جمعیت در تعیین الگوی توسعه بطور کلی، که خود تعیین‌کننده عملکردها و فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی است، بسیار مؤثر می‌باشد. برای مثال معمولا در چند دهه اخیر الگوی صنایع جایگزین واردات در کشورهایی بکار گرفته شد، که بازار داخلی (علاوه بر قوه خرید طبقه متوسط) از بعد مناسبی برخوردار باشد. عبارت دیگر جمعیت قابل ملاحظه‌ای در کشور وجود داشته باشد.

با توجه به موارد فوق یعنی تغییرات و دگرگونی‌های عملکرد شهرها، می‌توان عملکردهای اصلی شهرها را در حال حاضر بگونه زیر برشمرد که در رابطه با نوع شهرها (از نظر مقیاس و عملکرد و غیره)، حوزه و دامنه و کیفیت و تنوع این عملکردها بسیار متغیر و مختلف است.

۱- حوزه خدمات: این حوزه عمده‌ترین و وسیع‌ترین حوزه فعالیت شهری در ایران است و در چند دهه اخیر از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده است. بخش‌های اصلی آن عبارتند از:

۱- تجارت و مبادله (از حد خرده‌فروشی شهر و منطقه نفوذ آن تا عمده‌فروشی شهر و منطقه نفوذ و نیز در مورد بعضی از شهرهای بزرگ و بخصوص پایتخت در حد تجارت بین‌المللی) (جدول ۱-۶).

۲- آموزش (از دوره‌های ماقبل دبستان تا آموزش عالی) (جدول ۲-۶).

۳- بهداشت و درمان (از طب پیشگیری و درمانگاه‌های کمک‌های اولیه تا بیمارستان‌های بزرگ و تخصصی در شهرهای بزرگ) (جدول ۳-۶).

۴- امور اداری (کلیه اداراتی که به دولت مربوط می‌گردد. از شهرداری‌ها و ادارات کوچک تا وزارتخانه‌ها و مؤسسات بزرگ) (جدول ۴-۶).

۵- امور مالی و بیمه (بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و غیره).

۶- امور فرهنگی، تفریحی، توریستی و غیره (شامل کلیه مؤسسات فرهنگی نظیر کتابخانه‌ها و انجمن‌ها و غیره، سینما، تئاتر رستوران، هتل و غیره) (جدول ۶-۶).

۷- شرکت‌ها و دفاتر خدمات فنی (مانند مهندسی مشاور در زمینه‌های مختلف راه و ساختمان و تأسیسات مربوطه مؤسسات انتشارات و غیره).

بخش خدمات چند دهه اخیر رشد بسیار داشته و بخصوص گرایش به تمرکز شدیدی در پایتخت و احیاناً چند شهر بزرگ دیگر داشته است که خود از عوامل مهم گسیختگی شبکه شهری بوده است.

۲- حوزه تولید - هر چند این بخش به تنوع و وسعت

بخش خدمات نمی باشد اما بنوبه خود از تنوع و گوناگونی در زمینه مقیاس و کیفیت برخوردار است که می توان آنرا به سه جزء عمده تقسیم کرد.

۱- کارگاه های کوچک تولیدی که بیشتر مربوط به بخش مستقل می باشد (خواه در زمینه صنعت و پیشه وری یا تولید مصالح ساختمان) که معمولاً در همه شهرها با هر مقیاسی پراکنده اند (جدول ۷-۱).

۲- کارخانه های مدرن کوچک یا بزرگ که بیشتر در شهرهای اصلی و بزرگ بخصوص تهران و حوزه متروپل آن متمرکز شده اند (جدول ۷-۲).

۳- بخش ساختمان که عمدتاً توسط بخش مستقل و کارگاه های کوچک تولید می گردد، قسمتی هم توسط دولت یا شرکت های بزرگ و مدرن ساخته می شود (جدول ۷-۳).
تمرکز صنایع بزرگ در چند دهه اخیر در تهران از عوامل مهم گسترش مجدد متروپل تهران بوده است (هر چند که استقرار آنها در تهران یا بعضی از شهرهای بزرگ بعلاوه وجود زیرساخت ها و جمعیت در این نقاط بوده است)، و بخصوص با جذب خدمات مربوط بآنها (تعمیرگاه ها، مؤسسات بازاریابی و فروش و غیره) این تمرکز و رشد تشدید شده است.

با توجه به مطالب فوق می بینیم که با بسط سرمایه داری در ایران در عملکردهای شهری دگرگونی هایی بوقوع پیوست، بدین ترتیب که بخشی از عملکردها بطور کلی از بین رفتند و بعضی از آنها تغییر شکل داده و بالاخره عملکردهای جدیدی جایگزین عملکردهای قبلی

شدند. اما مسأله مهم آنستکه این دگرگونی و تغییرات در کل شبکه شهری بطور یکنواخت صورت نگرفت بلکه به علت نیاز عملکردهای جدید به زیرساختهای لازم صرفاً مکانهای خاصی (که بیشتر شهرهای بزرگ و بخصوص متروپل بوده) جاذب عملکردهای جدید گردیدند. در نتیجه شهرهای کوچک و متوسط (و گاه شهرهای بزرگ) عملکردهای خود را از دست داده بدون آنکه عملکرد جدیدی بدست آورند. از اینرو ارتباط ارگانیک منطقه با اینگونه شهرها گسیخته گردید و ارتباط جدیدی بین مناطق مختلف و متروپل تهران از یکسو احیاناً و شهرهای بزرگ دیگر از سوی دیگر برقرار شد. که حاصل آن گسیختگی در شبکههای شهری محلی (جزء شبکهها) و درکل گسیختگی در شبکه شهری ایران بود.

ب - گسیختگی شبکه شهری در رابطه با گسیختگی شبکه محلی استخراج و تمرکز مازاد اقتصادی بر اثر عمده شدن صادرات نفت - همانگونه که گفته شد در دوره پیش سرمایه داری شبکه شهری ایران بطور نسبی همگون بوده و هر منطقه، شهر اصلی خود را دارا بوده است. این شهر اصلی معمولاً از استخراج مازاد اقتصادی منطقه تغذیه شده و در مقابل خدمات مربوطه را به منطقه ارائه می داده است. درکل شبکه شهری نیز متروپل یا کلان شهر بنیابر مهمی که همه شبکه را تحت تأثیر قرار دهد دیده نمی شد.

اما با عمده شدن صادرات نفت (جدول ۴-۷) در حالیکه بیش از هشتاد درصد درآمد کل مملکت را تشکیل

می‌داد شبکه استخراج مازاد محلی اهمیت خود را از دست داد. زیرا از این پس این درآمد نفت بود که از طریق بودجه‌های عمرانی یا حقوق کارمندان و بودجه ادارات بخش عمده و گاه کل اقتصاد يك شهر اصلی و مرکز منطقه را تأمین می‌کرد.

علاوه بر عمده شدن مازاد نفت که باعث کم‌اهمیت شدن مازاد محلی گردید، نحوه استخراج مازاد محلی نیز در بعضی زمینه‌ها دگرگون شد. زیرا در چند دهه اخیر دولت مرکزی خود مستقیماً مازاد بعضی از محصولات کشاورزی را (بخصوص گندم که عمده‌ترین محصول کشاورزی بوده و محصولات دیگر نظیر چغندر قند) خود رأساً خریداری و توزیع می‌کرد.

مسئله پی‌آمدهای اقتصادی و اجتماعی عمده شدن درآمد حاصل از صدور نفت^۲ و کم‌اهمیت شدن مازاد اقتصادی محلی از عمده این مقاله خارج است اما آنچه که از نظر فضایی و گسیختگی شبکه شهری در این رابطه بوجود آمد حائز اهمیت فراوانی است:

بدین ترتیب که بدنبال تغییرات فوق، ارتباط ارگانیک شهر اصلی منطقه با منطقه نفوذ خود (بخصوص روستاها) در این زمینه دچار دگرگونی و گسیختگی گردید و بسیاری از شهرهایی که عملکرد اصلی آن‌ها استخراج این مازاد (محلی) بود، علت وجودی خود را از دست دادند. در نتیجه هم‌اینگونه شهرها هرچه بیشتر، از نظر درآمد اقتصادی و

۲- برای توضیح بیشتر در این زمینه به مقاله شهرنشینی در ایران - فرخ حسامیان - مراجعه شود.

حتی مایحتاج اولیه به متروپل یا پایتخت وابسته شدند. زیرا در بسیاری از موارد اولیه يك منطقه مستقیماً جذب پایتخت گردیده و سپس با تغییراتی و گاه بدون تغییر به شهرهای آن منطقه بازگردانیده می‌شد. از طرف دیگر با وابسته شدن هرچه بیشتر بخش کشاورزی به واردات وابستگی مناطق به پایتخت باز هم بیشتر شد، زیرا اینگونه مواد [اولیه کشاورزی] عمدتاً از طریق پایتخت وارد و توزیع می‌گردید. در این حالت ارتباط يك منطقه بیش از آنکه با شهر اصلی یا شهرهای مهم آن منطقه باشد، با پایتخت (تهران) برقرار گردیده و دائماً رو به افزایش نهاد.

ج - گسیختگی شبکه شهری در رابطه با تغییرات و تحولات ساخت اشتغال - با تغییر عملکرد، طبیعتاً ساخت اشتغال شهری نیز تغییر می‌یابد. این تغییرات ساخت اشتغال شهری را بطور عمده می‌توان در دو حوزه بررسی کرد:

۱- اضمحلال یا کاهش نسبی امکانات شغلی در بخش‌هایی از فعالیت شهری. برای نمونه در بخشی از پیشه‌وری یا تولید سنتی مانند بخش تولید ابزار و وسایل بافندگی، ریسندگی و غیره (جدول ۱-۱-۷).

۲- بسط و ایجاد امکانات شغلی جدید یا موجود و به عبارت دیگر تمرکز اشتغال در مراکز اصلی (و بخصوص در متروپل) در اثر انباشت سرمایه و تمرکز خدمات و جمعیت در آن مراکز.

این کاهش و افزایش هم بطور مطلق و هم بطور نسبی

و در رابطه با رشد جمعیت، تغییر شکل و یا رشد مصرف (که خود حاصل رشد جمعیت یا بالا رفتن سطح زندگی بوده) صورت گرفته است. به عبارت دیگر منظور از کاهش نسبی هر بخش از اشتغال، کاهش نسبت اشتغال در آن بخش به کل جمعیت است به عنوان مثال اگر در مقابل هر هزار نفر جمعیت قبلاً سه آهنگر وجود داشته و اکنون دو آهنگر وجود دارد، در کل بخاطر افزایش جمعیت، تعداد آهنگران نه تنها کاهش نیافته بلکه افزایش نیز یافته و یا تغییر نکرده است. این کاهش را کاهش نسبی گوئیم. اما اگر بطور مطلق در يك حوزه فعالیت نسبت به گذشته اشتغال کاهش یافته است (مثلاً تعداد مسگران از ۵۰۰ نفر در ده سال گذشته در يك شهر به ۲۰۰ نفر در حال حاضر رسیده است) این کاهش را کاهش مطلق گوئیم. علت کاهش مطلق مثلاً در این قسمت (مسگری‌ها) جایگزینی وسایل پلاستیکی و چینی و غیره بود که موجب انقباض و در مواردی اضمحلال آن گردید. در رابطه با افزایش اشتغال می‌توان به بخش آموزشی یا بهداشت اشاره کرد که با رشد جمعیت اشتغال در این بخش نیز بسط یافت. در بعضی از بخش‌ها نیز که قبلاً وجود نداشته‌اند (به عنوان نمونه قسمت‌هایی از صنایع مصرفی مانند اتومبیل و وسایل منزل) اشتغال بطور مطلق افزایش پیدا کرده است. با توجه به مراتب فوق امکانات اشتغال عمدتاً در حوزه‌های زیر بوده است.

۱- بخش خدمات

۱- حوزه تجارت و توزیع: با تغییر الگوی مصرف و ترویج کالاهای مصرفی جدید و نیز با رشد شهرها (همانطور که گفته شد وابسته به عوامل متعدد می باشد) سیستم توزیع و مبادله تغییرات و دگرگونی های زیادی یافته است و در بعضی موارد سریعاً رشد کرده است (نظیر نحوه جدید بسته بندی و عرضه کالا، ایجاد فروشگاه های زنجیره ای بزرگ و کوچک، نمایندگی ها و نیز بخش های تبلیغات و بیمه، امور مالی و بانکداری و غیره) که موجب پیدایش اشتغال نسبتاً وسیعی در این بخش گردید چنانکه اشتغال در این بخش (تجارت و بانکداری) در ظرف بیست سال (۵۵-۱۳۳۵) ۴ برابر گردید. (جدول ۱-۶)

۲- بخش آموزشی، بهداشتی، اداری - با دگرگونی سیستم آموزشی و بسط نسبتاً سریع آن بخصوص بدنبال رشد جمعیت شهری و نیز ایجاد سیستم آموزش رایگان در دوره های دبستان و راهنمایی، در این حوزه نیز اشتغال بسرعت بسط یافت (جدول ۲-۶). بنحوی که تقاضای کار عموماً بیش از عرضه کار در این حوزه بود (بخصوص در سطوح آموزش عالی) یا حداقل نیاز به نیروی کار همواره وجود داشت. بخصوص در مناطق عقب مانده تر و دور از مرکز. به همین ترتیب (و البته بعلاوه امکانات محدودتر در این حوزه) و در مقیاسی کمتر، اشتغال و بخصوص تقاضای نیروی کار در حوزه بهداشت و درمان

افزایش سریع یافت (حدود ۷۰ درصد در فاصله دهه ۵۵-۱۳۳۵) (جدول ۳-۶).

در بخش اداری (دولتی) با بالاترین نرخ رشد و حتی تورم روبرو بوده ایم به طوریکه در سال ۱۳۳۵ از کل مزدبگیران ۱۷٪ مربوط به بخش دولتی بوده در ۱۳۵۵ این نسبت به ۳۶٪ رسید. بدنبال بالا رفتن درآمد نفت که در دست دولت متمرکز بود و بطور کلی بدنبال مداخله دولت در بسیاری از امور تولید و توزیع و نیز پیدایش بخش های کاملاً جدیدی در این حوزه (مانند اداره تلویزیون و منضّمات آن) اشتغال در این بخش سریعاً رشد و بسط یافت (جدول ۴-۶). صرف نظر از بخش سیاسی و ارتش و سازمانهای امنیتی که رشد آنها، بدنبال بالا رفتن درآمد نفت و بنا به ماهیت رژیم حاکم و در رابطه با سرمایه داری جهانی، شکل سرطانی بخود گرفته بود. بطور کلی در سال ۱۳۵۵ در کل ۱/۲ میلیون نفر کارمند و ارتشی وجود داشته که در ظرف بیست سال ۵ برابر شده است.

۳- حمل و نقل و ارتباطات: رشد حمل و نقل و ارتباطات همواره هم علت و هم معلول تمرکز و رشد شهرها بوده است. در دو دهه اخیر هم در زمینه داخل شهری و هم بین شهری و منطقه ای شبکه حمل و نقل و ارتباطات سریعاً رشد یافته است و اشتغال وسیعی چه بطور مستقیم (رانندگی، دفاتر مسافربری و غیره) و چه بطور غیرمستقیم (نمایندگی های تجاری کالاهایی در این زمینه، کارگاه های تعمیرات و فروشگاه های وسایل یدکی

و غیره) بوجود آمده است.

رشد حمل و نقل هم بدنبال رشد سریع جمعیت شهری و وسعت شهرها و نیاز به ارتباط بین شهرها و در داخل شهرها صورت گرفت و هم بدنبال ترویج امکانات جدید در الگوهای مصرف و حمل و نقل (استفاده از اتومبیل و هواپیما و غیره) این امکان و سهولت ارتباطات و حمل و نقل به نوبه خود به تعمیم جابجایی سریع و وسیع جمعیت و رشد شهرها کمک فراوان نمود و در سال ۱۳۵۵ حدود ۴۰۰ هزار نفر در این بخش (حمل و نقل) مشغول بکار بودند. و در فاصله ۵۵-۱۳۳۵ حدود صد هزار شغل جدید به این بخش اضافه شده است.

۴- حوزه صنایع تفریحات و توریسم - با بالا رفتن نسبی سطح درآمد، بخصوص در شهرها، و نیز ترویج و تبلیغ استفاده از اوقات فراغت (بطور روزمره یا ایام طولانی تعطیلات) حوزه تفریحات (سینماها، رستورانها، باشگاهها و فعالیت‌های مربوط به آنها مانند تهیه فیلم و غیره.) و حوزه توریسم (هتل‌داری و منضمات آن، آژانس‌های مسافرتی و غیره) بسرعت رشد یافت و در نتیجه اشتغال در این بخش نسبتاً جدید بسط زیادی یافت.

۲- بخش تولید

با پیدایش حوزه‌های جدید مصرف (اتومبیل، یخچال، کولر و سایر وسایل خانگی و غیره) و ایجاد صنایع جایگزین واردات، اشتغال صنعتی جدیدی بوجود آمده هرچند نسبت به بخش خدمات و نسبت به

نیروی کار آزاد شده از روستا یا بخش تولید سنتی میزان اشتغال در حوزه تولید محدودتر بوده، اما قابل توجه است. بخش کشاورزی صنایع کارخانه‌ای در فاصله ۵۵-۱۳۳۵ بخصوص در دهه ۵۵-۱۳۴۵ از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار گردید بطوریکه در چهار رشته عمده این صنایع (تصفیه فلزات، مکانیک، نفت و پتروشیمی) اشتغال از حدود ۳۰۸ هزار نفر در ۱۳۴۵ به حدود ۴۵۰ هزار شاغل در ۱۳۵۵ رسید. و تنها در صنایع فلزی و مکانیک در طول یک دهه (۵۵-۱۳۴۵) اشتغال ۲/۴ برابر گردید و به ۳۵۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ رسید. که بنا به ماهیت آنها عمدتاً در شهرهای بزرگ یا شهرهای اقماری اینگونه شهرها هستند.

حوزه صنایع جدید و کارخانه‌ای در مواردی موجب بسط اشتغال در حوزه صنایع کارگاهی و مستقل گردیده است. مانند بخش تعمیرات (با حدود ۹۸ هزار شاغل در سال ۱۳۵۵)، تولید بخشی از ابزار و وسایل یدکی و غیره. اینگونه اشتغال که بنحوی اشتغال پیشه‌وری است، اما نه پیشه‌وری سنتی و روستایی، در دو دهه رشد زیادی داشته است بطوریکه از ۳۵۰ هزار نفر شاغل در سال ۱۳۳۵ به بیش از یک میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ رسیده است.

در مواردی محدود رشد بخش‌هایی از صنایع دستی (مانند قالی بافی) نیز صورت گرفته که در مورد قالی افزایش آن هم در رابطه با تجارت خارجی و هم در رابطه با بالا رفتن سطح زندگی اقشار متوسط بوده است (۲۹۶)

هزار شغل اضافی در فاصله سال‌های ۵۵-۱۳۴۵ که معادل ۶۹ درصد است که در سال ۱۳۵۵ تعداد این کارکنان صنعت فرش را به ۵۶۰ هزار نفر می‌رساند).

یکی دیگر از عمده‌ترین قسمت اشتغال و امکانات شغلی در دو دهه مورد نظر بخش تولید ساختمان بوده است که در سال ۱۳۵۵ بیش از $1/2$ میلیون نفر را در برمی‌گرفته است، در مقایسه با ۳۳۳ هزار نفر در سال ۱۳۳۵ (اعم از بخش دولتی و غیردولتی، کارفرما، کارگر و غیره) که این رقم غیر از شاغلین بخش تولید مصالح ساختمانی است که خود رقمی بیش از صد هزار نفر را در برمی‌گیرد و اشتغال در آن در فاصله سال‌های ۵۵-۱۳۴۵ دو برابر گردید. بطور کلی در دو دهه ۵۵-۱۳۳۵ حدود ۱۱۰ هزار شغل در بخش ساختمان اضافه شده است. بطور کلی مزدبگیران رشته‌های استخراجی، تولید کارخانه‌ای ساختمان‌سازی، حمل و نقل در سال ۱۳۵۵ به عمده‌ترین گروه حرفه‌ای بدل شده و با افزایش حدود ۱ میلیون و ۳۵۰ هزار نفر در ظرف بیست سال (از ۱۸٪ کل شاغلین در ۱۳۳۵ به ۳۸٪ در ۱۳۵۵ رسیدند) تعداد آنها به حدود $2/5$ میلیون نفر رسید. همچنین کل اشتغال در این چهار رشته (استخراجی، تبدیلی، ساختمان و حمل و نقل) به حدود ۳ میلیون و ۳۵۰ هزار نفر رسید. اضمحلال یا کاهش اشتغال در حوزه‌های زیر می‌باشد:

۱- پیشه‌وری یا تولید سنتی - در بخش‌هایی از پیشه‌وری و تولیدات سنتی (عمدتاً قسمت‌هایی که در آن تکنولوژی جدید وارد گردید مانند نساجی و غیره، و

کالا‌های مصرفی که تغییر جنس و ماهیت دادند مانند مسگری که جای خود را به ظروف پلاستیک و چینی آلات داد) فعالیت‌ها تغییر شکل داده و محدود شدند و در نتیجه حجم اشتغال بطور نسبی و گاه بطور مطلق کاهش یافته است (جدول ۱-۷).

۲- در بخش خدمات مربوط به بخش‌های پیشه‌وری فوق مانند بخش کالا‌های فوق هرچند، در بخش پیشه‌وری سنتی و خدمات مربوط بآن معمولاً چنان در هم ادغام شده‌اند که تفکیک آن بنظر دشوار می‌آید، مانند بخش خرده‌فروشی یا عمده‌فروشی و تولید که غالباً توأم بوده‌اند.

۳- بخش‌هایی از خدمات که بعلت تغییر الگوی مصرف و الگوی زندگی قشرهای خاصی از مردم اهمیت خود را از دست داد، به‌عنوان مثال گرمابه‌های عمومی که با ساختن حمام‌های خانگی اهمیت خود را از دست دادند. یا مستخدمین خانگی که با محدود شدن بعد خانوار و نیز جایگزینی وسایل مدرن خانگی (ماشین رختشویی، ظرفشویی و جاروبرقی و غیره) اشتغال در این حوزه نیز بطور نسبی محدود گردید. هرچند در یک دوره کوتاه [اواخر دوره مزبور] با افزایش خارجیان مقیم ایران و نیز افزایش سطح درآمد قشر خاصی از طبقه متوسط و بالا، این‌گونه اشتغال نیز تا حدودی افزایش یافت.

با توجه به موارد فوق می‌بینیم که بطور مسلم در طول دو دهه مورد نظر (۵۵-۱۳۳۵) حجم اشتغال افزایش فراوان یافته است. اما در توزیع اشتغال، هم در زمینه مکانی و هم در زمینه بخش‌های فعالیت بهیچوجه حالت

متعادل و یکنواختی وجود نداشته است. در نتیجه، این ناموزونی رشد اشتغال موجب جابجایی نیروی کار از بخشی به بخش دیگر فعالیت‌های اقتصادی و همچنین، از مکانی به مکان دیگر گردیده است.

به عنوان مثال اشتغال در بخش خدمات و ساختمان بسرعت رشد کرده است و در مقابل در کشاورزی بطور نسبی بیشترین کاهش را داشته است (که بحث درباره آن به عنوان یک بخش اشتغال روستایی در این مقاله نمی‌گنجد).^۵ همچنین در بخش‌هایی از پیشه‌وری، همانگونه که اشاره شد، اشتغال بطور مطلق کاهش یافته است که حاصل این افزایش و کاهش، جابجایی نیروی کار از بخش کشاورزی و پیشه‌وری (بخصوص از مناطق عقب مانده‌تر) به دو بخش ساختمان و خدمات و احیاناً بخش صنعت بوده است. از آنجا که این دو بخش (خدمات و ساختمان در نقاط پرجمعیت‌تر متمرکز گردیده است، در نتیجه موجب جابجایی جمعیت^۶ و بخصوص نیروی کار از روستا به شهر از یکسو و از مراکز کوچک و متوسط شهری به مراکز بزرگتر، از سوی دیگر، گشته است. که خود مجدداً موجب تمرکز بیشتر جمعیت، خدمات و غیره می‌گردد و این روال بصورت دور و تسلسل ادامه دارد.

۵- برای توضیح بیشتر به مقاله مهاجرت در ایران (از همین نگارنده) بخش مهاجرت روستا به شهر مراجعه شود.

۶- برای توضیح بیشتر در مورد نحوه و ماهیت جابجایی جمعیت و نیروی کار بخصوص مهاجرت بین‌شهری یا مهاجرت در شبکه شهری به مقاله «مهاجرت در ایران» بخش مهاجرت شهر به شهر مراجعه شود.

نتیجه همه این جابجایی‌ها (که همانگونه که اشاره شد خود حاصل عوامل مختلف اقتصادی - اجتماعی است) تمرکز بیش از حد جمعیت در وهله اول در تهران و منطقه متروپل وابسته به آن (به عنوان نمونه کرج با رشد ۱۲ درصد در فاصله سال‌های ۴۵-۱۳۳۵) و در درجه دوم در چند شهر اصلی می‌باشد. هرچند شکاف متروپل تهران و بقیه شهرها (حتی با چند شهر اصلی) روز بروز بیشتر می‌گردد. نمودارهای ضمیمه (۱-۵) در مورد سلسله مراتب شهری ایران در سه مقطع ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ این مسأله را بوضوح نشان می‌دهد. این تمرکز جمعیت خود نمودار تمرکز همه عملکردها (خدمات و صنعت) و تمرکز امکانات اشتغال و بخصوص تمرکز قدرت‌های سیاسی و اداری در متروپل بوده است. که در نهایت موجب تسلط کامل (اقتصادی - اجتماعی) تهران بر کل شبکه شهری ایران و پیدایش يك شبکه شهری زنجیره‌ای گردیده است. یعنی وابستگی شدید هر شهر بزرگ و کوچک و حتی کم و بیش روستاها (لااقل در زمینه مهاجرت و یافتن شغل، و حتی در مواردی تأمین مایحتاج اولیه مانند گندم و برنج و گوشت و سوخت) به متروپل تهران و در نتیجه گسیختگی ارتباطات ارگانیک درون مناطق یا بین شهرها و روستاهای هر منطقه.

جلول ۵-۴

جمعیت شهرهای ایران و درصد رشد آنها در دهه ۱۳۲۵-۵۵

۱۳۵۵				۱۳۴۵				۱۳۳۵			
درصد	تعداد	جمعیت	درصد	تعداد	جمعیت	درصد	جمعیت شهری	تعداد شهرها	جمعیت	تعداد	گروه شهرها
۰/۱	۵	۱۷	۰/۵	۱۵	۴۸	۰/۸	۱۳	۱۳	۴۷	۱۳	کمتر از ۵۰۰۰ نفر
۷/۱	۱۶۳	۱۱۳۴	۸/۲	۱۱۹	۸۰۰	۱۰/۴	۹۰	۹۰	۶۲۵	۹۰	۵۰۰۰-۹۹۹۹
۱۰/۳	۱۰۸	۱۶۲۲	۱۱/۳	۷۲	۱۱۴۰	۱۴/۶	۵۶	۵۶	۸۷۷	۵۶	۱۰۰۰۰-۲۴۹۹۹
۱۰/۴	۴۷	۱۶۲۸	۱۱/۱	۳۰	۱۰۸۱	۱۷/۸	۲۲	۲۲	۷۶۵	۲۲	۲۵۰۰۰-۴۹۹۹۹
۹/۷	۲۱	۱۵۲۴	۱۰/۹	۱۵	۱۰۶۸	۱۰/۱	۹	۹	۶۳۳	۹	۵۰۰۰۰-۹۹۹۹۹
۱۲/۹	۴	۲۰۳۱	۹/۱۱	۷	۱۱۱۱	۱۶/۶	۶	۶	۹۹۴	۶	۱۰۰۰۰۰-۲۴۹۹۹۹
۸/۵	۴	۳۲۳۱	۸/۲	۵	۱۷۸۰	۹/۱	۲	۲	۵۵۵	۲	۲۵۰۰۰۰-۴۹۹۹۹۹
۱۲/۳	۳	۱۹۴۱	-	-	-	-	-	-	-	-	۵۰۰۰۰۰-۹۹۹۹۹۹
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰۰۰۰۰۰-۱۴۹۹۹۹۹
۲۸/۶	۱	۴۴۳	۲۷/۸	۱	۲۷۲۰	۲۵/۱	۱	۱	۱۵۱۲	۱	۱۵۰۰۰۰۰+
		۱۵۸۱۶		۹۷۶۸				۱۹۹	۶۰۰۸		جمع (هزار)

سالنامه‌های آماری کشور

جدول ۱-۶

رشد بخش تجارت و بانكدارى در طول دو دهه ۱۳۲۵-۵۵

درصد رشد	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	تعداد كاركنان خصوصى
در طول دوره				تعداد كاركنان دولتى
۱۵۲	۱۹۶۸۷۸	۱۷۵۲۰۰	۶۲۴۰۰	جمع
۵۴	۶۳۲۷۸	۲۸۶۰۰	۱۱۶۰۰	
۳۵۰	۲۶۰۱۵۶	۱۵۳۸۰۰	۷۴۰۰۰	

جدول ۲-۶

رشد بخش خدمات در طول دو دهه ۱۳۲۵-۵۵

درصد رشد	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	تعداد كاركنان خصوصى
در طول دوره				تعداد كاركنان دولتى
۶۸	۲۲۴۵۶۵	۳۱۱۹۰۰	۳۲۹۸۰۰	جمع
۴۸۴	۱۲۰۰۶۱۲	۴۷۳۹۰۰	۲۴۷۸۰۰	
۲۴۷	۱۴۲۵۱۷۷	۷۸۵۸۰۰	۵۷۷۶۰۰	

جدول ۱-۶

تعداد افراد باسواد در کل کشور

باسوادان کشور (هزار نفر)

درصد باسوادان	درصد باسوادان	درصد	تعداد	کل جمعیت کشور (هزار نفر)	کل جمعیت کشور (۷ سال پیاپی)	۱۳۴۵	۱۳۵۰
روستایی	شهری						
۱۵/۱	۵۰/۴	۳۹/۴	۵/۵۳		۱۸/۸		
۲۰/۴	۵۰/۶	۳۹/۹			۲۲/۳		

جدول ۲-۶

تعداد دبستان‌های کشور و چند استان نمونه (هزار)

ایلام	بلوچستان	استان اصفهان	استان مرکزی	کل کشور	سال
۱۵۱	۳۶۹	۸۹۴	۲۹۰۱	۱۵۷۰۰	۱۳۴۸
۳۳۰	۵۰۵	۹۵۱	۳۰۸۸	۲۳۸۰۰	۱۳۵۵

جدول ۳-۶

تعداد دانش‌آموزان در کل کشور و چند استان نمونه (هزار نفر)

ایلام	بلوچستان	استان اصفهان	استان مرکزی	کل کشور	سال
نسبت به جمعیت	نسبت به جمعیت	نسبت به جمعیت	نسبت به جمعیت	نسبت به جمعیت	تعداد
۴/۴	۷/۷	۳۸	۱۹۴	۸۶۰	۳۵۷۵
۹/۴	۱۰/۷	۷۱	۲۵۴	۹۳۹	۴۰۷۸
					۱۳۴۸
					۱۳۵۵

جدول ۱-۲-۶

تعداد تغذیه‌های بیمارستان در شهرهای مختلف در سال ۱۳۵۵

ایلام	اصفهان	تهران	کل کشور
تخت برای هزار نفر	تخت برای هزار نفر	تخت برای هزار نفر	تخت برای هزار نفر
۶۰	۱۳۰	۳۰۰۸	۲۱۵۴۲
۰/۲۵	۱/۵	۳	۱/۲
			۴۱۵۸۶

سالانه آماری کشور.

جدول ۱-۴-۶

رشد تعداد کارکنان بخش دولتی در طول دو دهه ۱۳۳۵-۵۵

درصد رشد در طول دو دهه	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵
+ ۱۰/۳	۳۱۱۶۶	۳۴۰۰	۳۵۰۰۰
+ ۵۳/۵	۷۲۳۱۳	۶۸۰۰	۱۳۵۰۰
+ ۲۰۰/۴	۱۴۰۹۳۲	۵۴۸۰۰	۶۸۶۰۰
- ۰/۴۹	۱۳۳۴۹	۲۵۰۰	۲۷۲۰۰
+ ۲۰/۶	۵۱۲۴	۳۸۵۰۰	۲۵۰۰
+ ۲۱۳/۸	۱۱۰۸۰۰	۵۰۲۰۰	۴۲۰۰۰
+ ۵۴۵/۵	۱۳۲۷۸	۲۸۶۰۰	۱۱۶۰۰
+ ۴۸۴/۵	۱۲۰۰۶۱۲	۴۷۳۹۰۰	۲۴۷۸۰۰
۲۷۴/۹	۶۸۲۳	۳۹۰۰	۲۵۰۰
۳۸۴/۸	۱۷۴۴۵۸	۱۶۲۶۰۰	۴۵۰۸۰۰

کشاورزی
استخراجی
تبدیلی
ساختن
برق و آب
حمل و نقل و مخابرات
تجارت و بانک
خدمات
فعالیت‌های غیر مشخص
جمع
بهرنگ.

جدول ۵-۶

رشد وسایل حمل و نقل در سالهای مختلف

۱۳۵۵	۱۳۵۱		
۶۳۰۳	۴۴۸۲	دولتی	وسایل نقلیه کل کشور
۱۸۲۹۸۲	۷۸۸۹۴	شخصی	تهران
۱۰۳۹۳۴	۵۶۹۴۶		سایر شهرستانها
۷۹۰۴۸	۲۱۹۴۸		سالنامه ۱۳۵۶

جدول ۱-۶-۶

رشد توریسم در سالهای مختلف (هزار نفر)

۱۳۵۵	۱۳۵۱	۱۳۴۸		
۷۶۳	۲۷۷		داخلی	ورود مسافر به مهرآباد
۵۸۷	۲۵۰	۲۴۱	خارجی	
۷۶۱	۲۷۱		داخلی	خروج مسافر از مهرآباد
۶۰۸	۲۵۳		خارجی	
				سالنامه ۱۳۵۵-۵۸

جدول ۲-۶-۶

درآمد ارزی توریسم در سالهای مختلف

تغییرات	درآمد ارزی (هزار دلار)	شخصی	
۱۰۰	۳۶۷۲۵		۱۳۴۸
۱۲۱	۴۹۲۲۲		۱۳۵۰
۴۰۳	۱۴۸۱۰۸		۱۳۵۵
			سالنامه ۱۳۵۸

جدول ۷-۲

تعداد مزدگیران در بخش صنعتی (استخراجی-تبدیلی) در سالهای مختلف

۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵		
۱۹۹۷۷	۱۸۲۰۰	۱۰۲۰۰	خصوصی	استخراجی
۷۲۳۱۳	۶۸۰۰	۱۳۵۰۰	دولتی	
۹۲۲۹۰	۲۵۰۰۰	۲۳۷۰۰	جمع	
۷۵۲۶۰۲	۷۳۲۹۰۰	۴۵۵۹۰۰	خصوصی	تبدیلی
۱۴۰۹۳۲	۵۴۸۰۰	۶۸۶۰۰	دولتی	
۸۹۳۵۳۴	۷۸۷۷۰۰	۵۲۴۵۰۰	جمع	

جدول ۷-۳

تعداد مزدگیران در بخش ساختمان در سالهای مختلف

۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵		
۱۰۰۷۱۷۵	۴۵۴۹۰۰	۲۸۴۴۰۰	خصوصی	ساختمان
۱۳۳۴۹	۲۵۰۰	۲۷۲۰۰	دولتی	
۱۰۲۰۵۲۴	۴۵۷۴۰۰	۳۰۷۶۰۰	جمع	

جدول ۷-۱

تعداد اشتغال پیشه‌وری در سالهای مختلف

۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵	
۱۰۰۱۸۱۷	۵۳۶۳۱۸	۳۵۰۷۷۷	

پویش شهرنشینی در کاشان*

مقدمه

هدف از بررسی پویش شهرنشینی در شهرکاشان، نشان دادن چگونگی تأثیرات پویش‌های اجتماعی بر سازمان‌یابی فضا، در يك دوره تاریخی معین است. در این دوره شهرکاشان از حالت نسبتاً ایستای شهرنشینی وارد يك دوره «شهرنشینی سریع» می‌شود. رشد کالبدی (فیزیکی) شهر در این دوره که حدوداً ۳۰ سال پیشتر نیست، معادل رشد کالبدی شهر در يك دوره ۱۳۰۰ ساله است. به عبارت دیگر رشد کالبدی شهرکاشان، از صدر اسلام تا حدود سال‌های ۱۳۴۰، معادل رشد شهر از این تاریخ تا به امروز است.

عوامل عمده شهرنشینی کاشان عبارتند از: مرکزیت

* این مطالعه، شهر کاشان را تا قبل از انقلاب اسلامی ایران، موردبررسی قرار داده است. بعد از انقلاب، رشد شهر سرعت بیشتری پیدا کرده و بافت جدید شهر که خارج از باروی قدیمی شکل گرفته چندین برابر بافت داخل بارو شده است.

اداری - سیاسی، صنعتی شدن و تجارت. در این بررسی، این عوامل به همراه موقعیت تاریخی-جغرافیایی شهر مورد شناسایی قرار خواهند گرفت.

شهرکاشان تا پیش از رشد معاصرش، محصور در باروی شهر، و باروی شهر محصور در اراضی مزروعی بود. از طریق دروازه‌های موجود در بارو، شهر با جهان خارج، ارتباط برقرار می‌کرد. اراضی مزروعی برای تأمین قسمتی از مایحتاج شهر کشت می‌شد. در داخل بارو، شهر با چهره معماری سنتی - بادگیرها، قوس‌ها و گنبدها، کوچه‌های نسبتاً تنگ و کج و معوج - مشخص می‌شدند. مصالح خانه‌ها از خشت و احياناً آجر بود و دهنه‌های سقف‌ها بوسیله خیر قوس‌ها و پوشش‌های گنبدی پوشانیده می‌شد. در اوایل دهه اول قرن چهاردهم شمسی، در اثب تقویت راه ارتباطی بین کاشان و مراکز پراهمیت‌تر کشور، مانند تهران و اصفهان، باروی شهر از سمت شمال شرقی فرومی‌ریزد. همزمان با فروپاشی بارو، اولین وقایع اقتصادی سیاسی نوین روی می‌دهد. به عنوان مثال در شهرکاشان در سال ۱۳۰۴ اداره ثبت احوال تأسیس می‌شود. بانک ملی در سال ۱۳۱۳ در این شهر شعبه دایر می‌کند. در سال ۱۳۱۳ کارخانه‌ای به نام کارخانه ریسندگی و بافندگی با خرید اراضی مزروعی چسبیده به بارو، اولین تولید کارخانه‌ای را با حدود ۲۰۰ نفر کارگر به راه می‌اندازد. در حدود سال‌های ۱۳۳۰ خیابان‌های سراسری در داخل بافت قدیم شهر احداث می‌شود. ارتباط

شهرکاشان با شهرها و روستاهای اطرافش^۲ تقویت می‌شود. به تدریج در منطقه، شبکه شهری به مرکزیت کاشان ایجاد می‌شود. شهر نیز در اطراف جاده‌های جدید ارتباطی و بیرون از بافت قدیمی، توسعه می‌یابد. در حال حاضر بافت جدید کاملاً بافت قدیم را دربرگرفته است. بافت جدید شهر، از خیابان‌های نسبتاً عریض و ساختمان‌های با اسکلت فلزی و بتن‌آرمه شکل گرفته است. چهره بافت جدید در داخل بافت قدیم شهر نیز نفوذ کرده است، البته تنها در اطراف خیابان‌های تازه احداث شده، به فاصله حدودی ده متر، ساختمان‌های نوساز احداث شده است. لیکن پس از ده متر ساختمان‌های قدیمی، همچنان پا برجا مانده‌اند. آن چنانکه همزیستی دو بافت قدیم و جدید، کالبد معاصر شهرکاشان را تشکیل داده است.

بافت قدیم، کالبد خاص يك نظام اجتماعی قدیمی است. نظامی که دوران‌های اوج و حضيض خود را طی کرده است (به خلاصه تاریخی رجوع شود) و به تمامی در ساختمان‌ها و فضای شهر خود را متجلی کرده است.^۳ اما بافت جدید هنوز، در مراحل آغازین شکل‌گیری است. لذا نبایستی وضعیت موجود این بافت را تمام شده و یا ثابت فرض کرد. چه رشد و تکوین سیمای نوین شهر ادامه خواهد یافت و در مقایسه با وضع موجود، پویای

۲- فین - نیامر - قمصر - آران و بیدگل - نوش‌آباد - ابوزیدآباد.

۳- اگر درباره کیفیت معماری و شهرسازی بافت قدیم، بحثی به میان نمی‌آید، به علت اهمیت این بحث است که بایستی در جای خود بیان شود. لذا بحث درباره خلوص، یکدستی، زیبایی و صمیمیت فضاهای بافت قدیم را بهتر است به مقاله‌ای دیگر واگذار کرد.

متنوع تری نیز در شهر رخ خواهد داد. اما اگر پویش های آتی شهرنشینی از پویش های فعلی تأثیر پذیرد، شناخت این پویش ها، امکان دخالت آگاهانه در پویش های آتی شهرنشینی را بیشتر ممکن می سازد. در نتیجه ما قادر خواهیم بود که از بروز موانع و تنگناهای پیچیده ناشی از رشد شهرنشینی تا حدودی جلوگیری نماییم و آنچه را که اصطلاحاً «رشد قابل هدایت» نامیده می شود، محقق سازیم.

* * *

بسیاری از اطلاعات مربوط به تاریخ معاصر شهر از طریق مصاحبه در محل به دست آمده است. بدین وسیله از آقایان جواد عطارها، رضا آل یاسین، محمد مهندس، عباس احدیت، مصطفی فیضی و مسعود عطارها که اطلاعات ذیقیمتی را در اختیار اینجانب گذاشتند تشکر می شود.

* * *

دوره ها و عوامل شهرنشینی

برای بررسی عوامل شهرنشینی، عملکردهای عمده شهر در گذشته و حال مورد شناسایی قرار گرفته اند. تغییرات عملکردی شهر از دهه اول قرن چهاردهم شمسی آغاز شده و به تدریج از حدود سال های ۱۳۳۰ به بعد در چهره شهر نمایان شده است. رشد سریع شهرنشینی از سال ۱۳۴۰ به بعد آغاز می شود. لذا از نقطه نظر آهنگ شهرنشینی می توان شهرنشینی کاشان را به دو دوره قبل و بعد از

۱۳۴۰ تقسیم نمود و در هر دوره عملکردهای شهری را ارزیابی نمود.

دوره اول: که اصطلاحاً آن را دوره «شهرنشینی آهسته» می‌نامیم. بافت قدیم شهر به تدریج در این دوره (از صدر اسلام تا اوایل قرن چهارده شمسی) شکل گرفته است. پیدایش و تکوین برخی از زمینه‌هایی که به شهرنشینی سریع منجر شد مربوط به این دوره است.

دوره دوم: که اصطلاحاً آن را دوره «شهرنشینی سریع» می‌نامیم. در این دوره بافت قدیم دچار تحول و تخریب شده است. تحولات اقتصادی - سیاسی منجر به تحولات اجتماعی و شهرنشینی سریع می‌شود و بافت جدید شهری رشد شتابان خود را آغاز می‌کند.

در دوره اول شهرنشینی، کاشان حاکم‌نشین منطقه اطراف شهر است و قدرت نظامی و تدافعی دارد؛ در ارتباط با مراکز و راه‌های مهم تجاری داخلی و خارجی (جاده ابریشم، کرمانشاه، همدان، هندوستان، تاشکند، بلخ و غیره) است؛ بازار شهر مرکزیت تجاری دارد و فعال است، تولیدات شهر عموماً مصنوعات و منسوجات دستی است؛ کشاورزی رونق چندانی ندارد؛ شهر از محلات متعددی تشکیل می‌شود. (به ویژگی‌های کالبدی دوران اول شهرنشینی مراجعه شود). در این دوره بارو، بازار، مسجد جامع و قلعه دفاعی در شهر ساخته می‌شود. در دوره دوم شهرنشینی، مفهوم حاکم‌نشینی از بین رفته است. چرا که حکومت مرکزی توانسته تا اندازه‌ای، امنیت و اذیت‌زدن سراسر ایران تسامین کند. در این دوران

کاشان مرکز اداری منطقه (شهرستان کاشان) است. تجارت عمدتاً بر تجارت قالی متکی است. صنایع بسومی از بین رفته و بجای آن صنایع کارخانه‌ای رواج یافته است. مفهوم محله نیز در شهر با احداث خیابانهای سراسری و دیگر گونیهای اجتماعی از میان رفته است. در این دوره نهادهای شهری جدید مانند شهرداری و انجمن شهر کنترل دخالت‌های شهری را بر عهده گرفته‌اند. دخالت‌هایی نیز در کالبد شهر مانند احداث خیابان‌های جدید و آسفالت مسیرهای قدیمی، صورت گرفته است.

در دوره دوم شهرنشینی در کاشان، پدیده‌های اجتماعی - فضایی جدیدی متولد شده که تا پیش از این تاریخ هرگز در فضای شهر وجود نداشته و یا بسیار نادر بوده است. در این دوره در شهر کاشان امکان یافتن شغل با درآمدی بیشتر از درآمد حاصل از صنایع دستی و کشاورزی بوجود آمده، بخش خصوصی در تغییر و تحولات شهری نقش ایفا می‌کند. زمین و ساختمان ارزش مبادلاتی یافته‌اند در حالیکه تا پیش از این، زمین و ساختمان عموماً ارزش مصرفی داشته‌اند. امکان تفکیک اراضی زراعی بوجود آمده؛ قیمت اراضی بر خیابان‌ها و راه‌های عبوری به شدت ترقی کرده؛ اجاره‌نشینی رواج یافته؛ و برای ساختن خانه و مرمت ساختمان‌های قدیمی، کسب اجازه از شهرداری لازم است.

در این دوره رشد شهرنشینی باعث می‌شود که توسعه کالبدی شهر بصورت کالای مصرفی صورت گیرد و نیروهای اجتماعی مانند بخش خصوصی و بخش دولتی در

تولید، توزیع و مصرف شهر مشارکت داشته باشند. رشد شهر نیز توجه سرمایه‌ها را به سمت خود می‌کشاند. خلاصه آنکه رشد شهرنشینی و توسعه کالبدی شهر در دوره دوم، با تخصیص منافع به گروه‌های ذی‌مدخل در امر توسعه شهر همراه است و چنین وضعیتی در دوره اول شهرنشینی، آنهم به این شدت، هرگز وجود نداشته است. دوره دوم شهرنشینی اگرچه موجب تحولاتی نو و تازه است، لیکن این تحولات مشروط به ساخت قدیمی شهر، امکانات و محدودیت‌های عملکردی دوره اول شهرنشینی بوده است. بر این اساس در قسمت بعدی به شناخت نقش شهر در دوره اول شهرنشینی می‌پردازیم.

دوره اول شهرنشینی

خلاصه تاریخی^۱

از قرن پنجم هجری به بعد، اهمیت شهرکاشان رو به فزونی می‌گیرد. با پایتخت شدن اصفهان، کاشان بصورت نوعی «پادگان» میان ری و اصفهان عمل می‌کند. این امر که امنیت کافی را نیز برای شهر تأمین می‌کند، به رونق تجارت می‌انجامد. از این دوره، صنایع دستی مانند

۱- جهت اطلاعات تاریخی به کتاب‌های تازیخ اجتماعی کاشان، کاشان در جنبش مشروطه نوشته حسن نراقی، تازیخ کاشان، نوشته سهیل کاشانی مراجعه شود.

سفالگری و کاشی‌سازی در شهر رو به رشد و کمال می‌گذارد. مسجد جامع نیز در این قرن ساخته می‌شود. اوج شهرنشینی در دوره اول، در کاشان، مربوط به عهد صفوی است. از قرن دهم هجری به بعد کلیه مشاهدات سیاحان خارجی و نوشته‌های تاریخی دال بر زیبایی و رونق شهرنشینی کاشان است. در این تاریخ عمده مردم به صنایع دستی نساجی اشتغال دارند.

افول شهرنشینی در دوره اول، با انقراض سلسله صفویه همراه است. در دوران قاجاریه، شهرنشینی از شهرهای مرکزی و جنوبی به شهرهای شمالی انتقال می‌یابد. در اوایل قرن سیزدهم هجری کارگاه‌های نساجی با ورود پارچه‌های انگلیسی از رونق می‌افتد. تولیدات کشاورزی نیز در قدیم بخاطر همجواری شهر با کویر نمک، هجوم بادهای شنی، و مشکلات تهیه آب، همواره محدود بوده است. ضعف امکانات اقلیمی و طبیعی، باعث رواج خرده مالکی و اهمیت تجارت و صنایع دستی، باعث شده تا تولیدات کشاورزی همواره کمتر از تقاضای شهر باشد و محصولات غذایی و تولیدات کشاورزی از خارج شهر وارد شود.^۲ در این دوره کاشان با نزول شهرنشینی مواجه است. «شمار خلقش به سی هزار نفر می‌رسد، خانه‌ها اکثراً مخروبه است و بناها را کمتر تعمیر می‌کنند».^۳ در این دوره بیکاری پنهان حاصل از ضعف کشاورزی

۲- سهیل کاشانی - تاریخ کاشان صفحات ۲۲۹ تا ۲۳۵.

۳- وزارت مسکن و شهرسازی مطالعات تاریخی طرح جامع کاشان -

از یکطرف و بیکاری آشکار حاصل از ورود منسوج خارجی از طرف دیگر، به رواج و رونق صنعت قالی بافی دستی انجامید. این ضعف از نقطه نظر روش های بافندگی تا اندازه ای با روش پارچه بافی سنتی (شعر بافی و مخمل - بافی و غیره) شباهت دارد. به همین جهت کارگران بیکار شده در اثر ورود پارچه های خارجی، بسرعت راه و روش قالی بافی را آموختند. قالی بافی ابتدا در شهرکاشان رواج یافت و بعد به روستاهای اطراف سرایت کرد. بافتن قالی نیازمند فضایی جدا از منازل مسکونی نیست، لذا منازل کارگران و زارعین بیکار شهر و روستا به محل های قالی - بافی تبدیل شد.

شهرنشینی و مهاجرت در دوره اول

جمعیت شهرکاشان تا سال ۱۳۱۱ در حدود ۴۰۰۰۰ نفر^۴ بود. در این سال در اطراف کاشان ۶۸ قریه وجود داشته که جمعیت آنها در حدود ۵۶۰۰۰ نفر بوده، مهمترین آنها فین، آران و بیدگل هر یک با ۶۰۰۰ نفر جمعیت می باشد.

۴ - مسعود گیهان - جغرافیای مفصل ایران - جلد دوم - سیاسی - مطبعه مجلس - تهران ۱۳۱۱ - صفحات ۴۰۱ تا ۴۰۵ - نویسنده در این کتاب جمعیت شهرها را بطور تخمینی، محاسبه کرده است. در ادامه بحث درباره شهر کاشان چنین می نویسد: «پس از ورود پارچه های فرنگی کارگاههای مخمل و زری بکلی رو به انحطاط رفته و بجای آن قالی بافی دائر شده و قالیچه های آن از حیث نظافت و خوبی بافت، مهمترین قالیهای ایران بشمار می رود».

اولین آمارگیری از شهرکاشان در سال ۱۳۱۷^{هـ} انجام می شود. در این سال جمعیت شهر به ۴۶۶۹۰ نفر می رسد. در دومین آمارگیری که در سال ۱۳۳۵ انجام می شود، جمعیت شهر به ۴۵۹۵۵ نفر می رسد.

جدول شماره ۱

مقایسه جمعیت شهر کاشان در دو سرشماری در دوره اول شهرنشینی

نام شهر کاشان	۱۳۱۷	۱۳۳۵	قدر مطلق کاهش	نرخ رشد متوسط سالانه
	۴۶۶۹۰	۴۵۹۵۵	۷۳۵	۰/۰۹

ملاحظه می شود که در عرض ۱۸ سال، نه تنها بر جمعیت شهر اضافه نشده است بلکه شهرکاشان رشد منفی داشته و مهاجر فرست بوده است. اگر نرخ رشد طبیعی جمعیت شهر را در این فاصله سالانه $2/42$ درصد در نظر بگیریم^۷ جمعیت شهر در سال ۱۳۳۵ در حدود ۷۰۰۰۰ نفر می شود حال آنکه جمعیت شهر حتی در سال ۱۳۴۵ نیز به این رقم نمی رسد.

نتیجه آنکه کاشان در فاصله سال های ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۵ شهری مهاجر فرست بوده و تنها در اواخر دوره اول شهرنشینی یعنی در حدود سال های ۱۳۴۰، نرخ رشد جمعیت

۵- ناصر پاکدامن - آمار نامه اقتصاد ایران در آغاز جنگ جهانی دوم - جلد اول - انتشارات دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران - صفحه ۱-۱۲.

۶- سرشماری عمومی نفوس و مسکن - شهرستان کاشان - سال ۱۳۳۵.

۷- وارتکس نهاپتیان و حبیب خزانه - میزان های حیاتی ایران، مرگ و میر، باروری، رشد جمعیت و جدول عمر. تهران دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی - ۱۳۵۶.

شهر تقریباً برابر نرخ رشد طبیعی جمعیت می‌شود.

ساخت اشتغال شهر در دوره اول شهرنشینی

بر اساس آمارگیری سال ۱۳۱۷،^۸ بیشترین میزان اشتغال، در بخش «صنعتگر-ماشین و غیره» است. بخش کشاورزی نیز میزان قابل توجهی از جمعیت را در خود نگاهداشته است. در این آمار، اعضای خانوار هرگروه جزء جمعیت همان گروه به حساب آمده است. لذا از میزان دقیق نفرات شاغل در هرگروه، اطلاعی در دست نیست. به همین علت، ساختمان شغلی شهر، در این سال بر اساس توزیع کل جمعیت ارائه شده است.

جدول شماره ۲

جمعیت و طرز ترکیب آن در سال ۱۳۱۷

درصد	جمعیت محل	ترکیب جمعیت
۳/۵	۱۶۵۰	مستخدمین دولت
۰/۷	۳۵۰	دارندگان مشاغل آزاد
۱/۷	۸۰۰	تجار عمده‌فروشی
۱۰/۵	۴۹۰۰	کسبه و دکانداران
۲۵/۷	۱۲۰۰۰	برزرگان (کشاورزان)
۵۵/۹	۲۶۱۰۰	صنعتگران ماشین و غیره
۱/۵	۶۹۰	دارندگان مشاغل متفرقه
۰/۵	۲۰۰	بیکاران
۱۰۰	۴۶۶۹۰	جمع

در آمارگیری سال ۱۳۳۵،^۹ اگرچه نوع گروه‌بندی ساختمان شغلی تغییر کرده، اما فقط تعداد شاغلین ذکر

۸- آمارنامه اقتصاد ایران در آغاز جنگ جهانی دوم - جلد اول -

صفحه ۱۲.

۹- سرشماری عمومی نفوس و مسکن - شهرستان کاشان - ۱۳۳۵.

شده است. آنچه که از مقایسه ساخت اشتغال این دو مقطع آمارگیری بدست می‌آید، نشان دهنده دوگرایش عمده است، اول افزایش شاغلین در بخش صنایع و دوم کاهش شاغلین در بخش کشاورزی.

جدول شماره ۳

جمعیت شاغل شهر کاشان به تفکیک نوع مشاغل - ۱۳۳۵

نوع مشاغل	تعداد	درصد
مشاغل حرفه‌ای-فنی	۵۱۰	۲/۶
امور اداری و منشی‌گری	۷۱۶	۳/۶
فروش و مشاغل مربوطه	۱۶۹۳	۸/۵
زراعت و کشاورزی	۱۳۹۷	۷
استخراج معدن	۱۲۲	۰/۶
حمل و نقل	۲۸۰	۱/۴
حرفه‌های صنعتی و عملیات تولیدی	۱۳۶۱۴	۶۸/۴
خدمات	۱۴۵۹	۷/۳
اظهاری نشده	۱۰۱	۰/۶
جمع	۱۹۸۹۳	۱۰۰

با وجود آنکه جمعیت این دو مقطع آمارگیری تقریباً معادل یکدیگر است، لیکن در عرض ۱۸ سال (از ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۵)، علاوه بر دو گرایش مذکور، مشاغل تنوع بیشتری یافته‌اند.

کالبد شهر در دوره اول شهرنشینی

بافت قدیمی محصور در باروی شهر به دورهای مختلف تاریخی تعلق دارد^{۱۰} در نقشه شماره ۱ بافت قدیمی و دوران‌های تاریخی شهر نشان داده شده است (رجوع

۱۰- وزارت مسکن و شهرسازی - مطالعات تاریخی طرح جامع کاشان - ۱۳۵۲.

شود به آخر کتاب)...

باروی شهر تا اوایل قرن چهاردهم دوام آورده و هنوز نیز بقایای آن در داخل برخی از منازل اهالی شهر موجود است.

راه‌های ارتباطی در شکل‌گیری شهر در دوره اول شهرنشینی، نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. در هر دوره که یکی از راه‌ها تقویت می‌شده، شهر نیز در اطراف آن راه توسعه می‌یافته است. بر همین اساس ملاحظه می‌شود که در دوره اول شهرنشینی، شهر در محور شمال شرقی - جنوب غربی توسعه یافته و این محور دقیقاً منطبق بر محور راه‌هایی است که کاشان در مسیر آن‌ها واقع شده بود.^{۱۱} در نقشه شماره ۲ وضعیت راه‌های ارتباطی قدیم شهر کاشان نشان داده شده است.

بازار فعلی شهر نیز در محل تقاطع راه‌های قدیم شکل گرفته است. بازار یکی از مهمترین فضاهاى عمومى شهر بوده است و در دوره اول شهرنشینی کلیه فعالیت‌های تجاری و بخش عمده فعالیت‌های تولیدی را در خود جای داده بود.

در این دوره بافت قدیم شهر که محصور در میان بارو بود، بوسیله بازار، به دو ناحیه اعیان‌نشین و فقیرنشین قسمت می‌شده است. قدیم‌ترین محلات و اعیانی‌ترین

۱۱- توسعه معاصر شهر در درجه اول بر محور شمال-جنوبی (تهران-نطنز) و در درجه دوم بر محور شرقی-غربی (بیدگل-فین) انجام شده است، یعنی دقیقاً منطبق بر محور راه‌هایی که در حال حاضر کاشان در مسیر آنها قرار دارد.

خانه‌های سنتی، در جنوب شهر (محله سلطان میراحمد) قرار دارند. مساکن طبقات متوسط و پیشه‌وران در بخش‌های مرکزی، در پیرامون بازار که در عین حال محل تجمع تأسیسات شهری نیز هست، واقع شده و بالاخره محله فقیرنشین شهر در حاشیه جنوب، جنوب شرقی و شمال شرقی و قسمت‌هایی از کناره غربی قرار داشته است.

این تقسیمات در دوره دوم شهرنشینی کاشان نیز ادامه یافته به نحوی که جنوب و غرب کاشان در رابطه با باغ‌فین و آب فراوان و باغ‌ها و مناظر مصفا، قسمت اعیان‌نشین شهر را تشکیل می‌دهد در حالیکه در قسمت شرقی، بخاطر نزدیکی باکویر، گروه‌های اجتماعی با درآمد کم مسکن دارند. در این شهرنشینی، تقسیمات داخل شهر بر اساس واحد محله صورت می‌گرفت. عبارت دیگر در داخل تقسیمات فوق (اعیان‌نشین و فقیرنشین) واحدهای فضایی دیگری وجود داشت که معمولاً ساکنین آن از نقطه نظر «فرهنگی» یکدست بودند. وابستگی‌های مذهبی، قومی، خویشاوندی، حرفه‌ای و از این قبیل ساکنین يك محله را گرد هم می‌آورد. محله را می‌توان به عنوان يك واحد شهری که در عین استقلال به کل شهر نیز وابسته است در نظر گرفت. واحد محله از چندین عنصر عمده شهری تشکیل شده است: راه یا مسیر اصلی، بازارچه، گذر، مرکز محله که مجتمعی است از مسجد، آب‌انبار، حمام، سیپک،^{۱۲} تکیه و

۱۲- سیپک مکانی است که برای استفاده از آب مجاری قنوات در زیرزمین تعبیه می‌شده و با سطح کوچه‌ها به وسیله پله (معمولاً ۷۰ تا ۱۲۰ پله) ارتباط داشته، سیپک همانند يك حوضخانه عمومی مورد استفاده اهالی محله قرار می‌گرفته است.

احتمالاً يك امامزاده، و كوچه‌های باريك كه به خانه‌ها منتهی می‌شود و اكثرأ بن بست هستند.

راه‌های ارتباطی داخل شهر بر اساس واحد محله سازمان می‌یافتند. برخلاف راه‌های امروزی كه در سطح شهر ارتباط برقرار می‌كنند، راه‌های ارتباطی قدیمی داخل شهر از سلسله مراتب مخصوص بخود برخوردار بودند: راه‌های عمده كه به دروازه‌های شهر^{۱۳} منتهی می‌شدند و چندین راه اصلی محلات به آنها وارد می‌شد، راه‌های ارتباطی بین محلات، بازارچه‌ها و گذرهای داخل محلات و كوچه‌های بن بست. تأسیسات شهری نیز بر اساس نوع خدمتی كه ارائه می‌دهند بر سر یکی از انواع راه‌های فوق‌الذكر واقع می‌شدند.

تعداد بناهای عمومی (تأسیسات شهری) در اواسط قرن سیزدهم شمسی بقرار زیر بوده است.^{۱۴}

جدول شماره ۴

نوع و تعداد تأسیسات شهری در قرن سیزدهم هجری

نوع بنا	تعداد	نوع بنا	تعداد
حمام	۵۰	كاروانسرا	۷۰
سبك	۴۰	آب‌انبار	۱۲۰
مسجد	۱۵۰	هیئت‌گذاری	۱۳۰
تكيه	۶۰	زورخانه	۱۵
مدرسه قدیم	۲		

در این دوره، آب مصرفی شهر عموماً از طریق قنوات تأمین می‌شده است.^{۱۵} ساکنین شهر برای رهایی از سرما و

۱۳- سپیل کاشانی - تاریخ کاشان - صفحه ۱۲۲.

۱۴- سپیل کاشانی - همان منبع - صفحه ۴۲۰ تا ۴۲۷.

۱۵- سپیل کاشانی - همان منبع - صفحه ۱۲۲.

گرما، در داخل خانه در اطراف حیاط مرکزی جابجا می‌شده‌اند، یا به زیرزمین‌ها پناه می‌بردند و بادگیرها نیز بادهای مطلوب و خنک را بدرون می‌کشیدند و هوای مانده را خارج می‌کردند.

شهرنشینی در دوره دوم (۱۳۴۰-۱۳۵۵)

خلاصه

شهرنشینی در دوره دوم به تدریج سرعت می‌گیرد. تا سال ۱۳۴۵ شتاب چندانی ندارد. در فاصله سال‌های ۵۵-۱۳۴۵ آهنگ شهرنشینی از نرخ رشد طبیعی جمعیت فاصله می‌گیرد. در این فاصله جمعیت شهر تقریباً يك برابر و نیم می‌شود. عواملی که در شهرنشینی دوره دوم نقش داشته عبارتند از: تغییرات نقش سیاسی شهر، تحولات اقتصادی (تحولات مربوط به تجارت و صنایع بومی) و پیدایش حوزه و شبکه شهری.

کلیه این عوامل باعث افزایش مهاجرت به شهر کاشان شده از طرف دیگر میزان مهاجرت فرستی شهر نیز کاستی گرفته است.

برقراری امنیت سراسری در سطح کشور، عملکرد حاکم-نشینی منطقه را از کاشان سلب می‌کند. کاشان در دوره دوم شهرنشینی، مرکز اداری - خدماتی شهرستان است. از طریق ارتباطات اداری، مجدداً رابطه کاشان با روستاهای اطراف تحکیم می‌شود. در داخل شهر نیز توسعه ادارات، هم بخشی از نیروی کار را جذب می‌کند، هم مهاجرت‌ها را به شهر تشویق می‌کند و هم بخشی از مصرف اراضی

شهری را به خود اختصاص می‌دهد. بر این اساس کاشان در این دوره، شهری خدماتی نیز محسوب می‌شود. چه علاوه بر مرکزیت اداری، شهرکاشان عهده‌دار ارائه خدمات بهداشتی و آموزشی در سطح منطقه نیز هست. در دوره دوم شهرنشینی کاشان، اوضاع اقتصادی شهر نیز دگرگون می‌شود. کارگاه‌های پارچه‌بافی که در زمره صنایع بومی شهر محسوب می‌شدند در اثر ورود منسوجات خارجی در نیمه اول قرن سیزدهم شمسی، رو به اضمحلال می‌گذارند. در این میان، قالی‌بافی بعنوان «صنعت جایگزین» در شهر رونق می‌گیرد. در دهه اول قرن چهاردهم هجری شمسی صنایع کارخانه‌ای در شهر دایر می‌شود و به تدریج توسعه می‌یابند. بانك‌ها نیز در کاشان شعبه دایر می‌کنند و صراف‌ها را از میدان بدر می‌برند. بانك‌ها نقش مؤثری در جهت دادن سرمایه‌ها در شهر به عهده دارند.

در حال حاضر سرمایه در دو مجرای اصلی حرکت می‌کند: صنعت و قالی‌بافی. سرمایه صنعتی که سرمایه‌ایست متمرکز، نقش سرمایه مسلط را دارد. سرمایه تجاری که متکی بر تولیدات قالی است، اگرچه از نقطه نظر حجم رقم بالایی را تشکیل می‌دهد، لیکن به صورت تقریباً پراکنده در جریان است. این تمرکز و پراکندگی سرمایه‌های صنعتی و تجاری، در سازمان‌یابی فضای کاشان منعکس شده است.

باعبورجاده‌های اصلی تهران - قم - اصفهان و تهران - قم - یزد از شهرکاشان، روستاهای واقع در اطراف

مسیر نیز ارتباطات قوی تری را با شهرکاشان برقرار کرده اند. از طرف دیگر رشد شهر، به افزایش جمعیت شهرها و روستاهای اطرافش انجامیده است. به عبارت دیگر از یکطرف کاشان در شبکه شهری کشور قرار گرفته و از طرف دیگر، به مرکزیت کاشان يك ناحیه شهری در منطقه ایجاد شده است. بسیاری از کسانی که در شهرکار می کنند، ساکن شهرها و روستاهای اطراف هستند. بسیاری نیز در صورت امکان در شهر اقامت گزیده اند. در حال حاضر بیش از نیمی از جمعیت شهرستان کاشان در ناحیه شهری کاشان مستقر شده اند.

نقش اداری - خدماتی شهر

در تقسیمات کشوری، در دوره دوم شهرنشینی، برای منطقه کاشان مرز (شهرستان) تعیین می شود. در دوره اول شهرنشینی، با توجه به اهمیت شهرهای اصفهان و قم، کاشان جزو یکی از این دو ولایت بوده است. در سال ۱۳۱۱ کاشان جزو تقسیمات ۲۷ گانه و در سال ۱۳۱۷ جزو تقسیمات ده گانه کشور بوده است. در دوره دوم، مرز اداری - سیاسی کاشان محدودتر می شود و قسمت های جنوبی شامل نطنز و اردستان از آن جدا می شود. در رابطه با تقسیمات استانی در کشور در سال ۱۳۵۵ کاشان جزو استان مرکزی بوده است. محدوده جغرافیایی - تاریخی شهر، در تعیین محدوده

۱۶- جغرافیای سیاسی ایران - صفحه ۱۳۶ و ۴۰۱.

۱۷- آمارنامه اقتصاد ایران - صفحه ۲.

۱۸- از سال ۱۳۵۵ به بعد کاشان جزء استان اصفهان شده است.

اداری - سیاسی تأثیر داشته است، به نحوی که محدوده کاشان، از قدیم الایام تاکنون تقریباً به همین وضعیت فعلی (شهرستان) باقی مانده است.^{۱۹} شهرستان کاشان منطقه ایست که از طرف شمال به شهرستان قم، از طرف مشرق به کویر، از طرف جنوب به شهرستان نطنز و از طرف غرب به کوه های کرکس محدود است.

شهرکاشان در دوره دوم شهرنشینی به مرکز اداری - خدماتی شهرستان تبدیل می شود. در این دوره کلیه فعالیت های بهداشتی - درمانی، آموزشی، ورزشی، اداری، فرهنگی و تجاری منطقه در شهرکاشان متمرکز می شود. بعنوان مثال تا سال ۱۳۵۵ تمامی تخت های بیمارستانی، ۸۰ درصد بیمارستان ها، تمامی تأسیسات ورزشی، و تنها دانشکده شهرستان در شهرکاشان متمرکز بوده است. با توجه به نقش جدید شهر در دوره دوم شهرنشینی، ارتباط روستاهای منطقه با شهر، جهت بهره وری از تأسیسات فوق، بیشتر و پیچیده تر می شود.

در اواخر دوره اول شهرنشینی چندین اداره به سبک جدید در شهر دایر می شود. اولین آنها اداره ثبت احوال است که در سال ۱۳۰۴ درکاشان تأسیس می شود. پس از آن به ترتیب ادارات ثبت اسناد، محاضر ازدواج و طلاق، دادگاه صلح بدایت، دخانیات، و شهرداری در زمره اولین ادارات هستند که تأسیس آنها تا سال ۱۳۳۰ به طول می انجامد.

پس از این ادارات، با تأسیس هر وزارتخانه، اداره

۱۹ - تاریخ کاشان - نقشه حدود کاشان - صفحه ۳۱.

مربوط به آن در شهر تأسیس می‌شود. احداث این ادارات و تأسیسات جدید شهری مانند بیمارستان‌ها، و مدارس حرفه‌ای به دوره دوم شهرنشینی مربوط است.

تعداد مشاغل دولتی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ به دو برابر افزایش یافته است. در سال ۱۳۵۵ در حدود ۳۰ درصد از شاغلین، در بخش دولتی، خدمات اجتماعی، حمل و نقل و خرده‌فروشی فعالیت می‌کرده‌اند (به ساخت اشتغال در دوره دوم شهرنشینی مراجعه شود) در این دوره فعالیت‌های اجتماعی و خدماتی شهری (مانند ازدواج و طلاق و تأمین آب و برق و غیره) با تأسیس ادارات مذکور، تحت کنترل اداری دولت درآمد.

بسیاری از فعالیت‌های مربوط به زمین و ساختمان نیز تحت نظارت و کنترل اداره ثبت اسناد، شهرداری و انجمن شهر درآمد. از سال ۱۳۵۲ به بعد توسعه کالبدی شهر برعهده «طرح جامع» قرارگرفت و برای توسعه شهر محدوده خاصی در نظرگرفته شد، این محدوده با توجه به محاسبات جمعیتی تعیین شد.^{۲۰}

اکثر ادارات در جوارخیابان‌های تازه احداث شده مستقر شده‌اند. برای ادارات ساختمان‌های تازه ساخته شده، لیکن برخی از ادارات نیز در ساختمان‌های قدیمی مستقر شده‌اند. تقاضای جا برای ادارات، در زمره اولین تقاضا-های استفاده از ساختمان‌های شهر محسوب می‌شود. با

۲۰- براساس پیش‌بینی طرح جامع، جمعیت شهر در سال ۱۳۵۵ بایستی به ۷۴۴۷۴ نفر می‌رسید. در سال ۱۳۵۵ جمعیت شهر کاشان براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۸۴۸۶۳ نفر بوده است.

رشد مشاغل اداری، اجاره‌نشینی نیز در شهر رواج یافته است. عمده‌ترین مشتریان اجاره‌ساختمان‌ها، کارمندان و ادارات دولتی هستند. در سال ۱۳۵۵، میزان ساختمان‌های اجاره‌ای در حدود ۱۱ درصد کل ساختمان‌های موجود در شهر بوده است.

ساخت اشتغال در دوره دوم شهرنشینی

در مقایسه با ساخت اشتغال دوره اول، در دوره دوم، بخش صنایع همچنان اهمیت خود را حفظ کرده است، از شاغلین بخش کشاورزی نسبت به دوره قبلی، همچنان کاسته شده است، بخش ساختمان بوجود آمده و در حال رشد است، شاغلین بخش خدمات شامل کارکنان دولت، خدمات اجتماعی، حمل و نقل، فروش و غیره نیز افزایش یافته است.

جدول شماره ۵

میزان اشتغال در بخش‌های اقتصادی در شهر کاشان (درصد)

بخش‌های اقتصادی	سال ۱۳۴۵	سال ۱۳۵۵
	درصد	درصد
بخش صنایع	۶۶	۵۷
خدمات	۲۴	۳۰
ساختمان	۵	۸
کشاورزی	۵	۵

اگرچه در صد جمعیت شاغل در بخش صنایع (اعم از کارخانه‌ای، پیشه‌وری و خانگی) در سال ۱۳۵۵ کاهش یافته است، لیکن قدر مطلق آن نشانگر افزایش شاغلین در بخش صنایع است. جمعیت شاغل در بخش صنایع در سال

۱۳۴۵ از ۱۶۰۱۰ نفر به ۱۷۲۳۱ نفر در سال ۱۳۵۵ افزایش یافته است.

مشاغل صنعتی در روستاهای شهرستان نیز مقام اصلی را بخود اختصاص داده‌اند. در سال ۱۳۵۵ درصد شاغلین در بخش‌های کشاورزی و صنعت در مناطق روستایی شهرستان کاشان به ترتیب ۳۲ و ۵۵ درصد بوده است. بخش خصوصی در کاشان به مراتب فعال‌تر از بخش دولتی است. به غیر از این دو بخش، بخش مستقل نیز در شهر، بسیار فعال است.

جدول شماره ۶

درصد مزدبگیران در بخش‌های مختلف

سال	بخش خصوصی	بخش مستقل	بخش دولتی
۱۳۴۵	۶۳	۲۲	۶
۱۳۵۵	۴۸	۳۰	۱۲

در بیش از نیمی از خانوارهای ساکن در شهر، حداقل يك نفر شاغل وجود دارد. در يك چهارم از خانوارها نیز سه نفر شاغل وجود دارد. ۲۲

جدول شماره ۷

تعداد شاغلین در يك خانوار در سال ۱۳۵۵ (درصد)

تعداد شاغلین در يك خانواده	درصد
شاغل ندارد	۸/۶
يك نفر شاغل دارد	۵۶
دو نفر شاغل دارد	۲۴
سه نفر شاغل دارد و یا بیشتر	۱۱/۴

۲۱- سرشماری عمومی و نفوس و مسکن - شهرستان کاشان - ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵.

۲۲- سرشماری عمومی نفوس و مسکن - شهرستان کاشان ۱۳۵۵ صفحه ۱۶۴.

خانه‌دارها در آمارگیری جزء جمعیت غیرفعال محسوب می‌شوند. درکاشان بخش عمدهٔ قالی‌ها به‌توسط خانه‌دارها بافته می‌شود. جمعیت خانه‌دار در سال ۱۳۵۵ به نسبت سال ۱۳۴۵، حدوداً دو برابر شده است. علت این امر را می‌توان در گرایش به تکیه بافی جستجو کرد (به قالی‌بافی رجوع شود). یعنی در حالی که رشد جمعیت فعال در این دوره ۱۲ درصد بوده، رشد جمعیت غیرفعال بیش از ۵۰ درصد بوده است. علت این امر را می‌توان در گرایش به تکیه بافی قالی (به قالی‌بافی رجوع شود) و افزایش محصولین دانست.

در آمار موجود، تعداد شاغلینی که درکاشان کار می‌کنند و در روستاها و شهرهای اطراف اقامت دارند، مشخص نشده است. لیکن مسلم است که توان شهر در عرصهٔ شغل به مراتب بیش از ارقام موجود در آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن است. بعنوان مثال تنها ۵۰٪ از کارگران کارخانهٔ ۲۵۰۰ نفری حریر و مخمل از روستاها و شهرهای نزدیک شهر (نوش‌آباد آران و بیدگل) می‌آیند.

قالی‌بافی

رشد قالی‌بافی در شهر و سپس در روستاهای کاشان از نیمهٔ دوم قرن سیزدهم شمسی به بعد، دو علت عمده دارد. اول کاهش نقش کشاورزی در معیشت ساکنان شهر و روستاهای اطراف (به ساخت اشتغال در دوره‌های اول و دوم شهرنشینی مراجعه شود)، و دوم اضمحلال صنایع

بومی، عمده تا صنایع کارگاهی مربوط به پارچه بافی (اعم از مخمل بافی، زری بافی، شعر بافی و غیره) در اثر ورود منسوجات خارجی^{۲۳}، بخشی از نیروی کار آزاد شده از شهر و روستاها، مهاجرت کردند (به شهرنشینی دوره اول مراجعه شود) و آنان که ماندند همواره در پی فرصت دیگری بودند تا خود را از این وضعیت برهانند. قالی بافی بعنوان يك مفر، در این رابطه رونق پیدا کرد. رشد قالی- بافی توانست نیروی کار را در شهر و روستاهای اطراف تا اندازه ای، نگاه دارد.

تولید قالی در مقیاس بزرگ، برای بازارهای خارجی و داخلی، از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری شمسی آغاز می شوند. در دوران های گذشته نیز خاصه در عصر صفویه، قالی بافی رواج داشته، لیکن عموماً ارزش مصرفی داشته و در مقیاس محدود تولید می شده است. مصرف کنندگان قالی در آن دوره بیشتر حکام، عمال دیوانی و اқشار مرفه شهری بودند.

در جنگ جهانی اول تولیدات قالی دچار رکود می شود. در پایان جنگ مجدداً وضع بازار خارجی رونق می گیرد. در جنگ دوم جهانی، تولید فرش با اتکاء بر بازار داخلی از دام رکود می رهد. در سال ۱۳۴۵ تعداد دارهای قالی موجود در شهرکاشان ۲۵۰۰ عدد برآورد شده است.^{۲۴} در سال ۱۳۵۳ تعداد دارها به ۵۷۷۰ عدد افزایش می یابد.^{۲۵}

۲۳- مسعود کیهان - جغرافیای سیاسی - صفحه ۴۰۲.

۲۴- فیروز توفیق - باقر پرهام - قالی بافی در کاشان.

۲۵- وزارت مسکن و شهرسازی - طرح جامع کاشان - ۱۳۵۲.

به عبارت دیگر در عرض هشت سال، افزایش قالی بافی بیش از ۱۰۰ درصد است.

سرمایه به کار انداخته شده در تولید قالی از يك وضیعت «ذو حیاتی» برخوردار است. نیروی انسانی ارزان قیمت را از اقشار پایین شهر، بیکاران، زنان خانه دار و زارعین روستاها تأمین می کند و کالای تولید شده را با قیمت گزاف در بازار به فروش می رساند. تولید قالی دستی در دوره اول شهرنشینی از طریق کارفرماهای بزرگ سازماندهی می شده است. هم بخش خصوصی و هم بخش دولتی، در تولید و توزیع قالی، در منطقه کاشان نقش دارند. نماینده بخش دولتی شرکت سهامی فرش است. این شرکت عواملی در سراسر منطقه دارد و مرکز آن در شهرکاشان است. بخش خصوصی شامل کارفرمایان محلی جزء (تا حدود ده دار قالی) و کارفرمایان محلی عمده (تا حدود ۵۰۰ دار قالی) تولید قالی را در خانه ها تحت نظارت دارند.

در دوره دوم شهرنشینی، گرایش به ترك بافی بسیار زیاد شده است. بافندگان مستقیم به تدریج توانسته اند دار و مواد و مصالح قالی را تهیه کنند و خود صاحب قالی بافته شده به توسط خود باشند. از ۵۷۷۰ دار قالی موجود در شهرکاشان در سال ۱۳۵۳، ۲۸۰۱ واحد آنها به ترك بافان متعلق بوده است. در سال ۱۳۵۵ در حدود ۸۵ درصد از بافندگان روستاهای کاشان نیز ترك باف بوده اند. از طرف دیگر، برخی از ترك بافان توانسته اند دو یا سه دار قالی در اختیار بگیرند. لذا تعداد کارفرمایان جزء نیز

در حال افزایش است.

بخاطر رواج قالی بافی، تعدادی از کارخانه‌های شهر کاشان، تولید مواد و مصالح آنرا به عهده گرفته، پشم و پنبه را به نخ و خامه رنگ شده تبدیل می‌کنند. با ایجاد کارخانه‌های تولید نخ قالی، بسیاری از کارگاه‌هایی که قبلاً عهده‌دار این تولید بودند، مانند حلاجی‌ها، ریسندگی‌ها، رنگ‌رزی‌ها، ورتابیه‌ها و... از بین رفتند در طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ حدود ۳۵۹۱ واحد صنعتی کوچک از بین رفتند. در سال ۱۳۵۲ در حدود ۱۷۳۸ کارگاه خالی در شهر وجود داشته است.^{۲۶}

البته هنوز برخی از فعالیت‌های مربوط به قالی بافی (مانند داربندی، دستگاه‌بندی، نقشه‌کشی و غیره)، صنعتی نشده و کارگاه‌های آن‌ها برجا مانده است. نقشی که شهرکاشان در تولید و توزیع قالی بر عهده دارد ناشی از تأثیر سه عامل عمده است:

۱- کارفرمایان قالی که اکثراً از اهالی کاشان و از تجار شهر هستند.

۲- وابستگی اقتصادی بافندگان و تولیدکنندگان خرده‌پا، به بازار کاشان که از طریق معاملات وعده‌ای و تأمین مواد اولیه قالی بافی، انحصار صنعت فرش را در این منطقه در دست دارند.

۳- وجود شبکه راه‌های منطقه‌ای.^{۲۷}

کلیه قالی‌های تولید شده در شهر و روستاها، در بازار

۲۶- وزارت مسکن و شهرسازی - طرح جامع کاشان - ۱۳۵۲.

۲۷- وزارت مسکن و شهرسازی - طرح جامع کاشان - ۱۳۵۲.

کاشان و پاساژها به فروش می‌رسد. تجار تهرانی و شهرهای دیگر یا مستقیماً به بازار مراجعه می‌کنند، یا از طریق واسطه‌ها قالی می‌خرند. قالی یا در بازار شهرهای ایران و یا در بازارهای خارجی به فروش می‌رسد. رکود و رونق فروش قالی، مستقیماً بر رونق و رکود کلیه معاملات در بازار شهر تأثیر دارد.

تولید قالی در منطقه کاشان عموماً در خانه بافندگان انجام می‌شود. از طرفی به علت رواج تک‌بافی، ضرورت داشتن خانه - چهاردیواری - میزان مالکیت خانه را در شهر بالا برده است. در سال ۱۳۵۲ میزان مالکیت عرصه و اعیانی در شهر ۸۴ درصد بوده است.

تولید قالی در منطقه کاشان نمونه تولیدیست که در آن از نیروی انسانی غیرماهر و ماهر شهر و روستا گرفته تا تکنولوژی کارگاهی (پیشه‌وری) و کارخانه‌ای در جوار یکدیگر استفاده می‌شود.

صنایع کارخانه‌ای

کاشان در زمره اولین شهرهای ایران است که صنایع کارخانه‌ای را در خود جای می‌دهد. در سال ۱۳۱۳ شمسی کارخانه ریسندگی کاشان به توسط چند نفر از تجار کاشانی پایه‌گذاری شد. سرمایه اولیه این کارخانه که از طریق سهام جمع‌آوری شد، ۵۰۰۰۰۰ تومان بود. رشد صنایع کارخانه‌ای نساجی با احداث این کارخانه آغاز شد. از سال ۱۳۱۳ به بعد به تدریج کارخانه‌های دیگری مانند حریر و مخمل در سال ۱۳۳۸، کارخانه تار و پود در

سال ۱۳۴۴، کارخانه کاموابافی و صنایع كرك در سال ۱۳۴۵، کارخانه پشم صبا در سال ۱۳۴۸ و کارخانه قالی راوند^{۲۸} در سال ۱۳۵۰ در شهر دایر شدند. با احداث این کارخانه‌ها، حدوداً ده هزار نفر به کار گرفته شدند.

اکثر کارگران کارخانه‌های کاشان، از محل و منطقه اطراف شهر تأمین شده‌اند. برای کارگرانی که در شهرها و روستاهای اطراف زندگی می‌کنند، سرویس رفت و آمد وجود دارد. شبکه شهری کاشان دسترسی به این شهر را، از تمامی نقاط منطقه، بسیار آسان کرده است. البته سرویس‌هایی متعلق به بخش خصوصی نیز جدا از سرویس‌های کارخانه‌ها، برای رفت و آمد کارگران بوجود آمده است. طبق اظهارات مسئولین کارخانه‌های حریر و مخمل و صنایع كرك، به ترتیب در حدود ۵۰ و ۴۰ درصد از کارگران شاغل در این کارخانه‌ها در شهرها و روستاهای اطراف زندگی می‌کنند.^{۲۹}

رشد صنایع در شهر علل متعددی دارد. در مجموع می‌توان گفت که هزینه سرانه صنعتی، جهت راه‌اندازی کارخانه‌ها در شهر بالنسبه پایین است. علت این امر را بایستی در امکاناتی که شهر و شهرنشینی کاشان در اختیار صنایع کارخانه‌ای می‌گذارد جستجو کرد. در زیر، به اختصار به این علل اشاره می‌شود:

۲۸- این کارخانه در جاده راوند-کاشان، در شمال و بیرون شهر قرار دارد.

۲۹- کارخانه حریر و مخمل ۲۵۰۰ و کارخانه کاموا صنایع كرك ۱۱۰ نفر کارگر دارد.

— وجود سرمایه‌های قابل ملاحظه انباشت شده در بخش تجارت و امکان انتقال آن به بخش صنایع.

— تأمین نیروی انسانی ماهر، از طریق به‌کارگیری کارگران ماهر بیکار شده در صنایع دستی نساجی.

— تأمین نیروی انسانی کافی از طریق شهرها و روستاهای اطراف شهر.

— پایین بودن هزینه‌های باز تولید کارگران، بخاطر اسکان نیمی از کارگران در روستاهای اطراف شهر^{۳۰}.

— ارزانی اراضی شهر: این اراضی عموماً در دوره اول شهرنشینی که تقاضا برای آنها کم بود، مزروعی بودند و چون خارج از باروی شهر قرار داشتند بسیار ارزان قیمت بودند.

— وجود آب در این اراضی بخاطر قنواتی که به هر يك از آنان تعلق داشت^{۳۱}.

اکثر این کارخانه‌ها در اواخر دوره اول و اوایل دوره دوم شهرنشینی احداث شدند. با احداث این کارخانه‌ها تقاضای نیروی کار در شهر افزایش می‌یابد، این امر به

۳۰— وجود مازاد نیروی کار در روستاهای اطراف شهر از یکطرف و پایین بودن هزینه بازتولید این کارگران از طرف دیگر، کارفرمایان را قادر می‌سازد تا دستمزد کارگران شهری را نیز پایین نگاه دارند. همین امر باعث رواج چند شغلی بین کارگران شده است. در نیمی از خانواده کارگران چند نفر شاغل لازم است تا بتوانند، هزینه بازتولید خانواده را تأمین کنند. نتیجه این امر آنست که ارتباط شهر و روستاهای اطراف از طریق تأمین بخشی از هزینه خانوار در روستا همچنان پابرجا باقی مانده است.

۳۱— در مراحل توسعه کارخانه‌ها، آب قنوات تکافو نکرد و صاحبان صنایع اقدام به حفر چاه‌های عمیق کردند.

ماندگاری نیروی کار داخل شهر و مهاجرت نیروی کار اطراف به شهر، منجر می شود. در دوران احداث کارخانه ها، بخاطر پایین بودن آهنگ شهرنشینی، تقاضا برای زمین و ساختمان نیز پایین است لذا انباشت سرمایه در صنایع ساختمانی سودآور نیست. محل اکثر کارخانه ها در مزارع اطراف شهر است. اراضی واقع در محور فین - کاشان - راوند، اراضی مورد نظر کارخانه ها بودند. امکانات دسترسی و تأمین آب و ارزانی اراضی باعث شد تا صنایع در شمال غربی شهر استقرار یابند. محور ارتباطی در شرق شهر نیز به کارگاه های تولید مصالح ساختمانی اختصاص دارد. در طی دوران احداث کارخانه ها، به تدریج فضاهای بیرون باروی شهر اشغال می شوند، اما کارگاه های پیشه وری داخل بارو به تدریج خالی و ویران می شوند.

پیدایش و نقش بانك‌ها

در دوره اول شهرنشینی، تعدادی صرافی در شهر کاشان به فعالیت مشغول بودند، این صرافی ها عمدتاً در حول و حوش بازار جای داشتند، با گسترش بانك‌ها در منطقه، به تدریج از تعداد صرافی ها کاسته شد و فعالیت های مربوط به جمع آوری و توزیع و تخصص سرمایه به دست بانك‌ها افتاد.

قدیمی ترین بانك منطقه، بانك ملی است که در سال ۱۳۱۳ تأسیس شده و بعد از آن به ترتیب بانك های تهران، صادرات، سپه و بانك بین المللی ایران و ژاپن تأسیس شدند. سایر بانك هایی که فعالیت کمتری دارند

عبارتند از: بانک تعاون کشاورزی، بانک رهنی، و بانک رفاه کارگران.

تا سال ۱۳۵۵ در منطقه کاشان در حدود ۵۰ بانک با شعبات متعدد فعالیت می کرده اند که بیشتر آنها در شهر کاشان استقرار داشته اند. بعضی از بانک ها مانند صادرات و ملی در شهرهای دیگر شهرستان کاشان دارای شعبه می باشند. به غیر از بانک ملی که از آزادی و استقلال نسبی برخوردارست، سایر بانک ها از طریق تماس و کسب اجازه از مرکز به اعطای وام مبادرت می ورزند. میزان سپرده ها در بانک ها دائماً در حال افزایش است، بعنوان نمونه بعد از انقلاب اسلامی ایران، در سال ۱۳۵۸، میزان سپرده ها در بانک ملی ۶۰ درصد افزایش یافته است. بیشترین میزان اعتبار به صنایع داده می شود. کلیه کارخانجات، از طریق اعتبارات و وام، خود را گسترش داده اند. پس از صنایع، بیشترین میزان اعتبار و وام برای تجارت قالی است. کمترین میزان اعتبار برای ساختمان و کشاورزی است.

در جدول زیر نام بانک های عمده، سال تأسیس و تعداد آنها به تفکیک مناطق شهری و روستایی نوشته شده است.

۳۲- برای اطلاع بیشتر از وضعیت قالی بافی، صنایع، بانک ها رجوع شود به - دانشگاه ملی - دانشکده برنامه ریزی شهری - برنامه ریزی منطقه ای کاشان - فرشته بدر - فرنگیس صفائی - محمدرضا حائری - ۱۳۵۹.

جدول شماره ۸

تعداد بانک‌های واقع در منطقه کاشان به تفکیک مناطق شهری و روستایی

نام بانک	سال تأسیس	مجموع	شهری	روستایی
ملی	۱۳۱۳	۱۶	۸	۸
تهران	۱۳۳۶	۲	۲	-
صادرات	۱۳۳۰	۲۰	۱۳	۷
سپه	۱۳۳۹	۴	۴	-
ایران و ژاپن	۱۳۴۷	۲	۲	-

شهرنشینی و مهاجرت در دوره دوم

از سال ۱۳۴۵ روند مهاجرت به شهر سرعت می‌گیرد. تا پیش از این تاریخ، میزان مهاجرفرستی شهر بیش از مهاجرپذیری آن بوده است. جمعیت شهر از ۵۸۴۲۸ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۸۴۸۶۳ نفر در سال ۱۳۵۵ افزایش می‌یابد.^{۳۳} در این دهسال معادل ۲۶۴۳۵ نفر به جمعیت شهر اضافه شده است. به عبارت دیگر رشد متوسط سالانه جمعیت در حدود ۲۶۰۰ نفر بوده است.

جدول شماره ۹

جمعیت شهر کاشان در مقاطع آمارگیری و نرخ رشد آن (درصد)

نام شهر	۱۳۴۵	۱۳۵۵	نرخ رشد سالانه	نرخ رشد سالانه
			۱۳۴۵-۴۵	۱۳۴۵-۵۵
			درصد	درصد
کاشان	۴۵۹۵۰	۵۸۴۲۸	۲/۷	۴/۲۳

همچنانکه در جدول فوق ملحوظ است، در سال‌های ۴۵-۱۳۳۵، میزان مهاجرفرستی شهر کاستی گرفته است،

۳۳- سرشماری عمومی نفوس و مسکن - شهرستان کاشان - ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵.

چرا که نرخ رشد طبیعی جمعیت در مناطق شهری در این فاصله معادل $2/42$ درصد بوده است.^{۳۴} اما در دهه بعدی، کاشان شهری مهاجرپذیر است.

در فاصله سال‌های ۵۵-۱۳۴۵، نرخ مهاجرت به کاشان سالانه بطور متوسط در حدود $1/8$ درصد بوده و هر سال معادل ۱۰۰۰ نفر از طریق مهاجرت و ۱۶۰۰ از طریق زاد و ولد به جمعیت شهر اضافه شده است. مهاجرت‌ها عموماً از شهرها و روستاهای منطقه به شهر کاشان صورت گرفته است.

رشد جمعیت روستایی در سال‌های ۵۵-۱۳۴۵ بسیار اندک است. لیکن در همین سال‌ها رشد مناطق شهری شهرستان، معادل $4/6$ درصد در سال بوده است.

جدول شماره ۱۰

رشد جمعیت مناطق شهری، روستایی و شهرستان کاشان (درصد)

رشد متوسط سالانه	۱۳۵۵	۱۳۴۵	
۱۳۴۵-۵۵			
۲/۹۷	۲۰۶۷۲۹	۱۵۴۱۲۶	شهرستان
۴/۶۰	۱۲۸۱۷۲	۸۱۷۳۳	مناطق شهری
۰/۸۲	۷۸۵۵۷	۷۲۳۹۸	مناطق روستایی

اگر نرخ رشد طبیعی جمعیت مناطق شهری و روستایی را در فاصله سال‌های ۵۵-۱۳۴۵ به ترتیب $2/42$ و $3/5$ درصد فرض کنیم، جمعیت مناطق شهری و روستایی در اثر زاد و ولد ۱۰۳۸۱۱ و ۱۰۲۱۱۷ نفر می‌شده است.

۳۴- وارثکس نه‌پتیان و حبیب خزان - میزان‌های حیاتی ایران، مرگ‌ومیر، باروری، رشد جمعیت، جدول عمر. تهران - دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، ۱۳۵۶.

با توجه به ارقام فوق و ارقام سال ۱۳۵۵ مهاجرت از روستاها معادل ۲۳۵۶۰ نفر و مهاجرت به شهرهای شهرستان معادل ۲۴۳۶۱ نفر می‌شود. حاصل آنکه در حدود ۹۷ درصد از مهاجرت به شهرها، از روستاهای شهرستان صورت گرفته است. این رقم از طریق میزان متولدین در شهر نیز تأیید می‌شود. در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ به ترتیب ۹۸/۵ و ۹۷ درصد از جمعیت شهر در شهرستان کاشان متولد شده بودند.

توان شهر در پذیرش و جذب نیروی کار و مهاجران در رابطه با توسعه صنایع کارخانه‌ای و رشد خدمات در شهر، افزایش یافته، در نتیجه تقویت راه‌های ارتباطی و شبکه شهری منطقه، امکانات رفت و آمد به شهر آسان شده است. در سال ۱۳۵۵ تمامی شهرها و روستاهای شهرستان کاشان از طریق جاده‌های آسفالت و شوسه با شهر ارتباط داشته‌اند.

مهاجران عموماً درکنار راه‌های ارتباطی متصل به شهر، بر روی اراضی مزروعی خارج از بارو مستقر شده‌اند. ساکنین جنوب و جنوب شرقی شهر عمدتاً از ابوزیدآباد و روستاهای اطراف آن، ساکنان شرقی از آران و بیدگل و روستاهای کویری، ساکنان شمال شرقی از نوش‌آباد و ساکنان شمال غرب شهر از ناحیه کوهستانی به شهر آمده‌اند. در نقشه شماره ۸ محل اسکان مهاجرین در شهرکاشان با توجه به محورهای ارتباطی، نشان داده شده است.

پیدایش شبکه و ناحیه شهری

شهرکاشان در فاصله ۲۵۸ کیلومتری جنوب تهران، در حاشیه غربی کویر مرکزی ایران قرار دارد. این شهر در شبکه اصلی ارتباطی کشور قرار گرفته و پایتخت را به شهرهای مهمی چون اصفهان، یزد و کرمان متصل می‌کند. راه آهن تهران - یزد - کرمان نیز از این شهر عبور می‌نماید، در شرق شهرکاشان، ایستگاه راه آهن قرار گرفته است. در نقشه شماره ۳ موقعیت شهرکاشان در شبکه ارتباطی راه‌های اصلی کشور نشان داده شده است. پرتحرک‌ترین محور ارتباطی شهر، محور شمال و جنوب است که شهرهای قم، کاشان، نطنز، اردستان، نائین، یزد و اصفهان در این محور بنا یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. توسعه کالبدی شهر نیز بیشتر در این محورا اتفاق افتاده است. محورهای ارتباطی شرقی - غربی و جنوب غربی، دامنه ارتباطی محدودتری داشته و میزان رفت و آمدها نیز کمتر است. این محور از سمت شرق به کویر و از سمت غرب به کوه محدود است.

در شرق شهر در فاصله حدودی بیست کیلومتر جاده‌های ارتباطی آران و بیدگل و نوش‌آباد وجود دارد که بسیاری از روستاهای کویری را در ارتباط با شهر قرار می‌دهند. در غرب در فواصل بسیار نزدیک (حدود ۱۰ کیلومتر) باغ‌فین و روستای لتهر قرار دارد.

محور جنوب غربی نیز، کاشان را به قم متصل می‌سازد. از طریق محورهای غرب و جنوب غربی بسیاری

از روستاهای واقع در ناحیه کوهستانی با کاشان ارتباط برقرار می‌کنند.

توسعه کالبدی شهر بیشتر در محور شمال و جنوب اتفاق افتاده است. این محور، مکان استقرار صنایع سنگین و نیمه‌سنگین نیز هست. محور غرب اگرچه مطلوب‌ترین امکانات را برای سکونت دارد، معهدا، تعدادی از صنایع سنگین نساجی مانند کارخانه حریر و مخمل (با ۲۵۰۰ نفرکارگر) در این مکان استقرار یافته است. کارگاه‌های مربوط به تولید مصالح ساختمانی در محور شرقی شهر قرار دارند.

شهرکاشان امروزه دريك كمكشان شهری و روستاهای پرجمعیت واقع شده است. بسیاری از روستاهای اطراف شهر مانند نوش‌آباد به شهر تبدیل شده‌اند.

رشد شهرها و روستاهای اطراف شهر همچنان ادامه دارد. هر يك از شهرها و روستاهای فوق، به نوبه خود، با روستاهای منطقه ارتباط دارند. در حال حاضر کلیه نقاط و آبادی‌های واقع در شهرستان کاشان، راه ارتباطی با کاشان داشته و حداکثر در مدت يك ساعت، با وسایل نقلیه موتوری، به کاشان می‌رسند. در نقشه شماره ۴ راههای اصلی و آبادی‌های پرجمعیت شهرستان کاشان نشان داده شده است.

تمامی شهرها و روستاهای واقع در منطقه کاشان، تا اواخر دوره اول شهرنشینی، مهاجرفرست بوده‌اند، با پیدایش امکانات تولیدی و شغلی و رونق بازار شهر کاشان، توان شهر در جذب و حفظ مهاجرین افزایش

یافت. بدین ترتیب در منطقه، قطبی جاذب بوجود آمد. مهاجرین شهر و روستاهای اطراف که می توانستند در کاشان کار پیدا کنند و در محل تولد خود مسکن داشته باشند، در آبادی های اطراف ماندند و جمعیت آنها نیز افزایش یافت و بسیاری از مهاجرین نیز توانستند، در شهرکاشان مسکن تهیه کنند. با تبدیل شهرکاشان به عنوان قطب جاذب در منطقه، ناحیه شهری کاشان به مرکزیت شهرکاشان و چندین آبادی پیرجمعیت اطراف شهر بوجود آمد. در این میان شهرکاشان جاذب ترین شهر منطقه است. در سال ۱۳۵۵ معادل ۶۴۳۹ نفر بر جمعیت شهری شهرستان کاشان اضافه شد، سهم شهرکاشان از افزایش جمعیت شهری ۶۶ درصد و سه شهر دیگر ۳۴ درصد بود.

جدول شماره ۱۱

جمعیت آبادی های بیش از ۲۰۰۰ نفر واقع در اطراف شهر کاشان
۱۳۴۵-۵۵

نام آبادی	فاصله تا کاشان به کیلومتر	۱۳۴۵	۱۳۵۵
آران و بیدگل	۱۰	۲۳۲۶۵	۳۲۰۳۲
نوش آباد	۱۱	۴۵۰۰	۶۱۹۲
ابوزیدآباد	۳۸	۲۰۹۰	۳۰۳۱
راوند	۱۱	۲۸۵۰	۴۷۹۲
نیاسر	۳۰	۲۰۸۳	۲۵۹۱
قمصر	۳۰	۳۱۰۳	۳۵۵۱
لنجر	۵	۲۰۶۴	۲۹۶۵
فین	۷	۳۰۰۴	۳۹۹۶

۲۵- اطلس راه های ایران - مؤسسه گیتاشناسی - چاپ اول -

۱۳۶۰.

منطقه کاشان را از نقطه نظر تمرکز و پراکندگی آبادی‌ها بر حسب نواحی اقلیمی می‌توان به سه ناحیه تقسیم نمود: کویری، جلگه‌ای و کوهستانی. ناحیه جلگه‌ای بر تقسیم‌بندی قدیمی اضافه شده است. در تقسیم‌بندی قدیمی، منطقه کاشان به دو ناحیه گرمسیر و سردسیر تقسیم شده بود. تمرکز آبادی‌ها و جمعیت در سردسیر بیش از گرمسیر بوده است.^{۳۶} در نقشه شماره ۵ تقسیم‌بندی اقلیمی شهرستان کاشان نشان داده شده است.

در ناحیه کویری زمین‌های وسیع و مسطح به مقدار زیاد وجود دارد. لیکن مشکلات تهیه آب شیرین، کمی نزولات جوی، شوری زمین، هجوم بادهای شنی، کشاورزی و استقرار جمعیت را در این ناحیه با اشکال مواجه کرده است. ساکنین این ناحیه به تدریج مهاجرت کرده، یا در شهرهای واقع در ناحیه شهری کاشان مستقر شده، یا به خارج از منطقه (عمدتاً قم، تهران، و اصفهان) رفته‌اند. در ناحیه جلگه‌ای، امکانات کشاورزی از نقطه نظر زمین‌های وسیع و قابل کشت و تهیه آب شیرین، بیشتر است. به علاوه راه مهم ارتباطی تهران - قم - کاشان - نطنز از این ناحیه می‌گذرد. این امر هم به رونق شهر -

۳۶- «قراء گرمسیر ۱۵ و مزارع آن ۱۶۷ باب و قراء سردسیر ۲۶ و مزارع آن ۱۶۶ باب بوده است.» مهیل کاشانی، تاریخ کاشان صفحه ۱۳۳.

«آمار سکنه کوهستان که شامل بخش‌های نطنز و میمه نیز می‌باشد تا آغاز دوره پهلوی ۱۴۰ هزار نفر و آمار روستائینان جلگه (گرمسیر) هشتاد هزار بوده است.» جواد عطار، بازسازی کشاورزی کاشان - اردیبهشت ۱۳۵۸ - صفحه ۲.

نشینی در این ناحیه منجر شده و هم در چند نقطه به ایجاد کشاورزی مکانیزه کمک کرده است. ناحیه شهری منطقه کاشان نیز در این ناحیه جلگه‌ای بوجود آمده است.

در ناحیه کوهستانی، تعداد آبادی‌ها و جمعیت بیش از نواحی دیگر بوده، لیکن در حال حاضر بخشی از جمعیت روستایی در تنها شهر ناحیه (جوشقان) مستقر شده، بخشی به حوزه شهری کاشان آمده و برخی نیز به خارج از منطقه مهاجرت کرده‌اند. در این ناحیه امکانات آبی، بیش از دو ناحیه دیگر وجود دارد، لیکن به سبب کوچک بودن وسعت زمین‌های قابل کشت و سنگلاخی بودن آن، کشاورزی رونق چندانی ندارد. ساکنین این ناحیه عموماً از طریق باغداری، گلاب‌گیری و قالی‌بافی روزگار می‌گذرانند.

در حال حاضر تمرکز جمعیت در ناحیه جلگه‌ای و عمدتاً در ناحیه شهری بیش از نواحی دیگر است. وجود شهر کاشان و شبکه ارتباطی کهکشانی شهرها و روستاها، به افزایش جمعیت در ناحیه شهری منجر شده است. باز توزیع جمعیت در دوره دوم شهرنشینی به سود ناحیه شهری تمام شده است و نواحی کویری و کوهستانی جمعیت خود را از دست داده‌اند. در سال ۱۳۵۵ در حدود ۶۰ درصد از جمعیت شهرستان کاشان در سه شهر اصلی واقع در ناحیه شهری (کاشان، آران، بیدگل و نوش‌آباد) سکونت داشته‌اند. در نقشه شماره ۶ باز توزیع جمعیت در شهرستان کاشان در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ به تفکیک نواحی مختلف نشان داده شده است.

جلول شماره ۱۲

توزیع جمعیت شهرستان کاشان بر حسب نواحی اقلیمی و شهری (درصد)

شهری	جلگه ای	کوهستانی	کویری	سال/نواحی
۵۳	۹	۲۸	۱۰	۱۳۴۵
۶۰	۷	۲۵	۸	۱۳۵۵

«تولید اراضی» شهری

رشد کالبدی شهرکاشان به همراه رشد شهرنشینی در دوره دوم، سرعت گرفت. این رشد در بیرون از باروی شهر، بر روی اراضی مزروعی چسبیده به شهر صورت گرفت. از حدود سالهای ۱۳۱۰ شمسی به بعد، باروی شهر به تدریج بوسیله جاده‌هایی که وارد کاشان می‌شدند، درهم شکسته شد. از آنجا که بافت داخل بارو تقریباً پر بود، شهر در خارج و اطراف بافت قدیم رشد پیدا کرد.

خیابان و کارخانه، اولین نمایندگان نظم فضایی نوین بودند. در سال‌های ۱۳۱۴-۱۵ قسمتی از جاده کاشان - فین آسفالت شد. در سال ۱۳۱۶ جاده تهران - قم - کاشان آسفالت شد. احداث و رشد کارخانه‌ها نیز از سال ۱۳۱۰ به بعد آغاز شد. به تدریج در اطراف شهر، ساختمان‌ها و خیابان‌های تازه ساخته شد و اراضی مزروعی بیشتر مورد استفاده فضاهای تازه شهر قرار گرفت. در نقشه شماره ۷ موقعیت بافت قدیم شهر و اراضی مزروعی نشان داده شده است.

اراضی مزروعی تا اوایل قرن چهاردهم شمسی، کشت می‌شدند و محصولاتشان در شهر عرضه می‌شد. محصولات

اراضی مزروعی اطراف شهر، عبارت بودند از: خربزه، طالبی، هندوانه، خیار، نخود، باقلا، جو، گندم، و باغات میوه (انجیر و انگور). البته این محصولات جوابگوی مصرف شهر نبوده و شهرکاشان از قدیم واردکننده محصولات کشاورزی بوده است.^{۳۷}

با احداث خیابان‌ها، بر قیمت زمین‌های کشاورزی افزوده شد. تفکیک و دخول اراضی به حوزه اراضی شهری از سال ۱۳۱۳ به بعد آغاز شد و در سال ۱۳۴۰ شدت گرفت^{۳۸}. اولین تفکیک در شهر برای ساختن اداره پست و تلگراف انجام شد. تقاضای ساختمان‌های اداری و صنعتی و احداث خیابان‌ها نیز منجر به تفکیک اراضی اطراف شهر شد. به علت وجود جاده تهران - قم - کاشان، اراضی مزروعی واقع در شمال، شمال شرقی، شمال غربی، شرق و جنوب شرقی زودتر و بیشتر از اراضی جنوب و غرب و جنوب غربی مورد مصرف زمین‌های شهر قرار گرفتند.

در جدول بعدی سال و دلائل اولیه دخول اراضی مزروعی به حوزه اراضی شهری نشان داده شده است. به طور خلاصه، علل رشد سریع‌تر شهر از طرف شمال و شرق به قرار زیر است:

در مزارع شمالی، میزان اراضی وقفی و خالصه بسیار کم است، حتی در برخی از مزارع مالکیت وقفی و خالصه ندارد، به علاوه میزان مالکیت مشاع نیز بسیار

۳۷- سهیل کاشانی، تاریخ کاشان - صفحه ۲۲۹ تا ۲۳۵.

۳۸- آقای مهندس - کارشناس اداره ثبت شهر کاشان.

جدول شماره ۱۳

نام، تاریخ و اولین دلایل دخول اراضی مزروعی به حوزه اراضی شهری

نام مزرعه	موقعیت نسبت به شهر	سال دخول	اولین دلایل دخول
۱- چهارباغ	شمال شرقی	۱۳۱۳	کارخانه ریسندگی، جاده تهران-قم-کاشان
۲- مهذب آباد	جنوب غربی	۱۳۱۶	خیابان
۳- صالح آباد	شمال	۱۳۱۷	جاده آران، کارخانه ریسندگی شماره ۲، پمپ بنزین
۴- یحیی آباد	شرق	۱۳۱۸	خیابان و ایستگاه راه آهن
۵- جمال آباد	شمال غرب	۱۳۱۸	خیابان
۶- دشت حکیم	غرب	۱۳۲۹	کارخانه حریر و مخمل، بیمه سازی و چاه عمیق
۷- صفی آباد	جنوب		ساختمان ژاندارمری، نطنز
۸- لتحر	جنوب غربی	۱۴۴۰	خیابان و جاده قمصر

پایین است. اگر هم از اراضی شمال شهر استفاده نشده به علت یکی از شقوق مالکیت فوق بوده است. در اراضی جنوب و جنوب غربی میزان مالکیت های وقفی، خالصه و مشاع بیشتر است.

در مزارع شمالی، زودتر جاده، خیابان و کارخانه احداث شد. میزان مهاجرت به شهر از جاده های آران و بیدگل، نوش آباد و راوند بیشتر از جاده های جنوبی و غربی (نطنز، قمصر و فین) است. رشد قیمت زمین نیز در اراضی شمال شهر، به مراتب بیش از اراضی جنوب و جنوب غربی است.

مقاضیان زمین های جدید شهری اکثراً روستاییان شهرستان کاشان هستند. این مهاجرین در رابطه با

جاده‌های ارتباطی با شهرکاشان، به شهر آمده و در جوالی آنها اسکان یافته‌اند. به نقشه شماره ۸ مراجعه شود.

کالبد شهر در دوره دوم شهرنشینی

بافت جدید شهرکاشان امروزه از عناصر، تأسیسات، ساختمان‌ها و ساخت متفاوتی نسبت به گذشته، شکل گرفته است. عناصر برجسته شهری این دوره، خیابان‌ها، کارخانجات و ادارات و تأسیسات خدماتی نوین شهر هستند. این بافت خارج از باروی قدیم و بر روی اراضی مزروعی چسبیده به بارو ساخته شده است. مساحت بافت جدید در يك دوره پانزده ساله تقریباً بامساحت بافت قدیم برابر می‌شود.^{۳۹}

تفاوت بافت فضایی در شهرکاشان، امروزه از وجوه بارز کالبد معاصر این شهر است. امکان مقایسه عینی این دو بافت، راه بررسی چگونگی استقرار نظام نوین اجتماعی و انعکاس این نظام را در فضا، هموار می‌کند. اگرچه در حال حاضر نظام نوین اجتماعی، در دل هر دو بافت قدیم و جدید جریان دارد، آنچه مشهود است، همزیستی دو نظام فضایی کاملاً متفاوت است، آنهم یکی میرا و فانی و دیگری باقی و افزون شونده. نظام نوین با تغییر عملکردهای گذشته شهر و جایگزین کردن عملکردهای تازه بدنبال کسب نظام فضایی مخصوص به خود است. در نقشه شماره ۹ راه‌های بافت قدیم و جدید شهرکاشان نشان داده شده.

۳۹- در سال ۱۳۶۲ بزرگی مساحت بافت جدید به بیش از دو برابر مساحت بافت قدیم رسید.

است.

عناصر برجسته شهری دوره اول شهرنشینی به غیر از بازار جملگی یا تغییر عملکرد داده و یا از بین رفته‌اند. از بارو و دروازه‌ها تقریباً چیزی باقی نمانده، و تنها در لابلای خانه‌ها و کوچه‌های شهر قسمت‌هایی از آنها به چشم می‌خورد. بسیاری از ساختمان‌ها و تأسیسات شهری دوران اول مانند سیپک‌ها، آب‌انبارها، کارگاه‌ها و حتی خانه‌ها، اگرچه پوسته بیرونی خود را حفظ کرده، لیکن یا به صورت مغروبه در آمده‌اند، یا خالی از فعالیت هستند، یا عملکردهای جدید بدانها اضافه شده و یا به کلی عملکردهایشان تغییر کرده است. در سال ۱۳۵۳ از کل اراضی شهری ۸/۲ درصد مغروبه بوده و ۱۸۳۷ کارگاه خالی در شهر وجود داشته است.

مرغوبیت زمین‌های نواحی بازار، باعث گرایش شدید استقرار بانک‌ها، ادارات، تجارتخانه‌ها و مغازه‌ها در این ناحیه شده است و تمرکز پیشین در این دوره تشدید شده است. در سال ۱۳۵۳ تنها در خیابانی که به میدان ورودی بازار منتهی می‌شد، ۱۳ بانک وجود داشت. غرب شهر از مزایای وجود باغات، آب فراوان و دوری از بادهای کویری، همچنان محفوظ مانده است. گروه‌های اجتماعی با درآمد بالا در این قسمت شهر زندگی می‌کنند.

ساخت معاصر شهر از واحد فضایی مشخصی مانند محله، پیروی نمی‌کند. فضای شهر در دوره دوم شهرنشینی در رابطه با قیمت زمین و انواع مالکیت اراضی سازمان‌یافته است. البته قیمت اراضی نیز به نوعی در رابطه با

همجواری با بازار، باغات و راه‌های داخل و خارج شهر
تمیین می‌شود. در این دوره بخش خصوصی سرمایه‌گذار
اصلی در توسعه شهر است. در سال ۱۳۵۳ در حدود ۹۰
درصد املاک و ساختمان‌های شهر متعلق به بخش خصوصی
بوده است.^{۴۰}

خیابان‌های جدید شهر، بافت قدیم و جدید را به
یکدیگر متصل کرده‌اند. در داخل بافت قدیم تنها در بر
خیابان‌ها، شهر چهره عوض کرده است. تولید و ارائه
خدمات عمومی امروزه در سالن‌های اجتماعات، ادارات،
بانک‌ها، مدارس و کارخانه‌ها انجام می‌شود. و کلیه
تأسیسات فوق‌الذکر در کنار خیابان‌ها و عموماً در شمال
شهر استقرار یافته‌اند.

مصالح ساختمان‌های جدید عموماً از تیر آهن و آجر
است. استفاده از بتن مسلح نیز رواج یافته است. میزان
استفاده از خشت در ساختمان‌ها از سال ۱۳۳۵ به بعد
کاهش یافته است. این میزان از ۸۸ درصد در سال ۱۳۳۵
به ۶۶ درصد در سال ۱۳۴۵ رسید. در سال ۱۳۴۵ میزان
استفاده از اسکلت فلزی و آجر در ساختمان‌های شهر
کاشان ۵ درصد بوده. این رقم در سال ۱۳۵۵ به ۲۷ درصد
رسید.^{۴۱} مصالح ساختمانی در این دوره به صورت کالا
در آمده‌اند و برخی از آنها مانند آجر، گچ و آهک در خود
شهر تولید می‌شود.

متقاضیان اراضی و ساختمان‌های شهری در دوره

۴۰- وزارت مسکن و شهرسازی طرح جامع کاشان - ۱۳۵۲.

۴۱- سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵.

دوم شهرنشینی، اکثراً روستاییان اطراف شهر و روستاییان شهرستان کاشان هستند، که با پیدا کردن مشاغلی بالنسبه پایدار و یا درآمدی بالنسبه کافی در شهر ماندگار شده‌اند. به غیر از روستاییان، کارمندان دولت را نیز می‌توان در زمره متقاضیان اراضی و ساختمان‌های جدید شهر جای داد.

خانه‌هایی که به مهاجران روستایی تعلق دارد، از کیفیت متوسط نیز پایین‌تر است. شهرسازی این قسمت‌ها نیز بر اساس نقشه قبلی نبوده و در حال حاضر اجرای طرح‌های جامع را با مشکلاتی مواجه کرده است.

در خاتمه این قسمت به چند ویژگی مربوط به این دوره شهرنشینی اشاره می‌شود. این ویژگی‌ها عبارتند از: همزیستی سازمان‌های تولیدی سنتی و مدرن، پیشی گرفتن آهنگ شهرنشینی از آهنگ رشد مشاغل، افزایش تراکم نفر در اطاق در خارج از بافت قدیمی و رشد سریع‌تر خانه‌سازی به نسبت رشد تأسیسات زیر بنایی شهر.

همزیستی سازمان‌های تولیدی سنتی و مدرن در شهر

در تولید قالی در حال حاضر، سطوح مختلفی از فنون، روابط دستمزدی، شیوه‌های توزیعی و فضا‌های تولیدی وجود دارد. امروزه برخلاف گذشته، در تولید قالی دستی، سازمان‌های تولیدی مدرن - کارخانه‌ها - نیز مشارکت دارند. بر این اساس بخشی از فعالیت‌های مربوط به تولید قالی در کارخانه‌ها (عموماً خارج از بافت قدیم)، بخشی در کارگاه‌های پیشه‌وری (عموماً در داخل

بافت قدیمی) و بخشی در خانه‌های مسکونی انجام می‌شود. تجارت در این میان صنایع مدرن کارخانه‌ای را با صنایع پیشه‌وری و بافندگان خانگی پیوند می‌دهد.

گروه‌های اجتماعی درگیر در تولید قالی عبارتند از، تبار عمده (واردات مواد اولیه و صادرات قالی)، صاحبان صنایع، تبار خرد، واسطه‌ها، صاحبان کارگاه‌های پیشه‌وری کارگران کارخانه‌ها، کارگران کارگاه‌ها و بافندگان.

در تولید قالی دو نوع از سازمان‌یابی نیروی کار وجود دارد. مشاغل سازمان‌یافته^{۴۲} (متخصصان و کارگران کارخانه‌ها) و مشاغل غیرسازمان‌یافته (کارگران کارگاه‌های پیشه‌وری و بافندگان خانگی).

در تولید قالی، پشم و پنبه از خارج از شهر وارد می‌شود، در شهر به نخ و خامه تبدیل می‌شود و بعد در شهرها و روستاهای اطراف توزیع می‌شود. تبار واردکننده پشم و پنبه هستند، صاحبان صنایع کارخانه‌ای آن را به نخ و خامه رنگ شده تبدیل می‌کنند، پیشه‌وران مقدمات قالی مانند داربندی و چله‌کشی را به‌عهده دارند، بافندگان شهری و روستایی این مصالح را به قالی تبدیل می‌کنند. تبار و کارفرمایان عمده، قالی را در بازار داخلی و خارجی عرضه می‌کنند. در حال حاضر با افزایش

۴۲- منظور از مشاغل سازمان‌یافته، مشاغلی است که از ثبات نسبی (حداقل یکسال)، دستمزد مشخص، ساعت کار مشخص (معمولاً ۸ ساعت در روز)، اضافه‌کاری مشخص، و بهره‌وری از حقوق بیمه و بهداشت و اولاد و مسکن و غیره... برخوردار است.

تکبافی، بافندگان روستایی به شهر می‌آیند تا از بازار شهر مواد اولیه تهیه کنند و برخی از متخصصین سنتی به روستاها می‌روند تا مراحل مقدماتی بافتن را آماده کنند، نمایندگان تجار به روستاها می‌روند تا قالی بخرند و بافندگان روستایی قالی خود را به شهر می‌آورند تا بفروشند. در این دوره با وابسته شدن روستا به شهر، بی‌آنکه تحولی در معیشت روستا پدید آید، مناسبات شهر و روستا مجدداً تحکیم می‌شود.

در نمودار آخر کتاب، روابط سازمان‌های تولیدی مربوط به توزیع و تولید قالی نشان داده شده است.

مقایسه رشد مشاغل و رشد شهرنشینی

جمعیت شاغل شهرکاشان از ۲۲۲۹۲ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۲۵۵۰۱ نفر در سال ۱۳۵۵ رسید. به عبارت دیگر در این فاصله سالانه در حدود ۳۲۰ نفر بر تعداد شاغلین اضافه شده است. اما رشد جمعیت شهر در این فاصله سالانه در حدود ۲۶۰۰ نفر بوده است (به شهر-نشینی و مهاجرت در دوره دوم مراجعه شود). اگر ۳۴ درصد افزایش جمعیت سالانه را بعنوان جمعیت فعال در نظر بگیریم،^{۴۳} در این صورت، در هر سال بطور متوسط ۸۵۰ نفر بر جمعیت فعال شهر اضافه شده است، درحالی‌که در این فاصله سالانه حدوداً ۳۲۰ نفر بر تعداد شاغلین

۴۳- اگر نصف مجموع کل جمعیت و جمعیت فعال سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ را به عنوان جمعیت و جمعیت فعال سال میانه (۱۳۵۰) در نظر بگیریم، جمعیت فعال در سال میانه معادل ۳۴ درصد کل جمعیت می‌شود.

اضافه شده است. در این صورت بایستی در هر سال ۵۳۰ نفر بر بیکاران شهر اضافه شود و در سال ۱۳۵۵ تعداد آنها به ۵۳۰۰ نفر برسد. حال آنکه در سال ۱۳۵۵ جمعیت بیکار شهرکاشان ۴۹۶ نفر بوده است. بعلاوه در فاصله سال‌های ۵۵-۱۳۴۵ سالانه در حدود ۱۰۰۰ نفر به شهر مهاجرت کرده‌اند. از طرفی رشد جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی در مقایسه با جمعیت فعال قابل توجه است.

جدول شماره ۱۴

جمعیت فعال و غیرفعال و شاغل شهر کاشان ۵۵-۱۳۴۵ ۲۴

سال	فعال	غیرفعال	شاغل
۱۳۴۵	۲۲۸۳۴	۱۷۲۳۵	۲۲۲۹۲
۱۳۵۵	۲۵۹۹۷	۳۴۹۴۳	۲۵۵۰۱

جمعیت غیرفعال شهر از ۱۷۲۳۵ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۳۴۹۴۳ نفر در سال ۱۳۵۵ می‌رسد. یعنی به‌طور متوسط سالانه ۱۷۷۰ نفر بر جمعیت غیرفعال اضافه شده است، یعنی میزان افزایش جمعیت غیرفعال^{۴۵} حدوداً دو برابر جمعیت فعال است. در حدود ۵۰ درصد از این جمعیت به زنان خانه‌دار و بقیه به محصلین تعلق دارد.

از بررسی فوق چنین نتیجه می‌شود که در فاصله سال‌های ۵۵-۱۳۴۵ آهنگ شهرنشینی حدوداً دو برابر و نیم از آهنگ افزایش مشاغل سریع‌تر است. لذا به‌غیر از

۴۴- سرشماری عمومی نفوس و مسکن - ۱۳۴۵-۱۳۵۵.

۴۵- غیرفعال از نظر اقتصادی: کلیه اعضای دهساله و بیشتر خانوارها که در هفت شبانه‌روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری شاغل یا در جستجوی کار و یا بیکار فصلی نبوده‌اند به عنوان جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی قلمداد گردیده‌اند.

مشاغل ذکر شده در آمار رسمی، مشاغلی در شهر وجود دارد که نیروی کار جذب آن می‌شود. این مشاغل عموماً در رابطه با صنعت قالی‌بافی است که مکان آن در خانه بافنده است و مشاغل شهری غیررسمی (سازمان نیافته) که آمار فعلی موجود نیست.

توسعه کالبدی، تراکم، تأسیسات زیربنایی و مسکن

در سال ۱۳۴۵ در حدود ۲۰ درصد از جمعیت شهر که اکثراً از روستاهای اطراف به شهر مهاجرت کرده بودند، در اراضی اطراف بارو و بیرون بافت قدیم اسکان یافتند. با وجود آنکه در این سال بخش عمده ساکنین در داخل بافت قدیم زندگی می‌کردند و تراکم نفر در هکتار در بافت قدیم بیش از بافت جدید بود، معیناً تراکم نفر در اتاق در بافت جدید بیش از بافت قدیم بود. از این نقطه نظر کاشان دقیقاً مغایر هر شهر مورد مطالعه در دنیای غرب می‌باشد.^{۴۶}

در سال ۱۳۵۵ در مقایسه با سال ۱۳۴۵ بر تعداد واحدهای مسکونی ۵۴۰۱ واحد اضافه می‌شود. به عبارت دیگر در هر سال به طور متوسط حدود ۵۴۰ واحد مسکونی در شهر ساخته شده است. در همین فاصله سالانه به طور متوسط در حدود ۵۲۰ خانوار بر تعداد خانوارهای شهر اضافه شده است. ملاحظه می‌شود که علیرغم رشد سریع جمعیت شهر، مسکن بعنوان یک مسئله در سطح شهر

46— V.F. Costello, *Urbanization in the Middle East*, Cambridge University press 1977. pp. 90-94

مطرح نبوده، اینکه این شهرنشینی چه کیفیتی از مسکن را می‌تواند برای شهروندان‌ش بوجود بیاورد، بایستی در جای دیگر بررسی شود. تنها در زیر به دو نکته از کیفیت اسکان اشاره می‌شود. در سال ۱۳۵۵، ۲۰ درصد از خانوارها در يك اتاق، ۳۰ درصد در دو اتاق، ۲۷ درصد در سه اتاق، ۱۵ درصد در چهار اتاق و ۸ درصد بقیه در خانه‌هایی با بیش از پنج اتاق سکونت داشتند.

در سال ۱۳۵۲ سطح کل اراضی شهر در حدود ۶/۵ میلیون متر مربع بوده است. در این سال ۶۷ درصد اراضی شهری به واحدهای مسکونی تعلق داشته. ۴۷ در همین سال عمر حدود نیمی از ساختمان‌ها کمتر از دهسال بوده است. در نتیجه مساحت زیر بنای واحدهای مسکونی دهسال و کمتر، معادل دو میلیون متر مربع بوده است.

در همین سال تنها در حدود ۵ درصد کل مساحت اراضی شهر به خیابانها و ۳ درصد به کوچه‌ها تعلق داشته. از آنجا که خیابان‌های ساخته شده در دهسال گذشته حدوداً نیمی از کل خیابان‌ها را تشکیل می‌دهد، رقم مربوط به خیابان‌های ساخته شده، حتی اگر جاده کمربندی را که بعد از سال ۱۳۵۲ ساخته شده در نظر بگیریم، معادل ۲۰۰۰۰۰ متر مربع می‌شود.

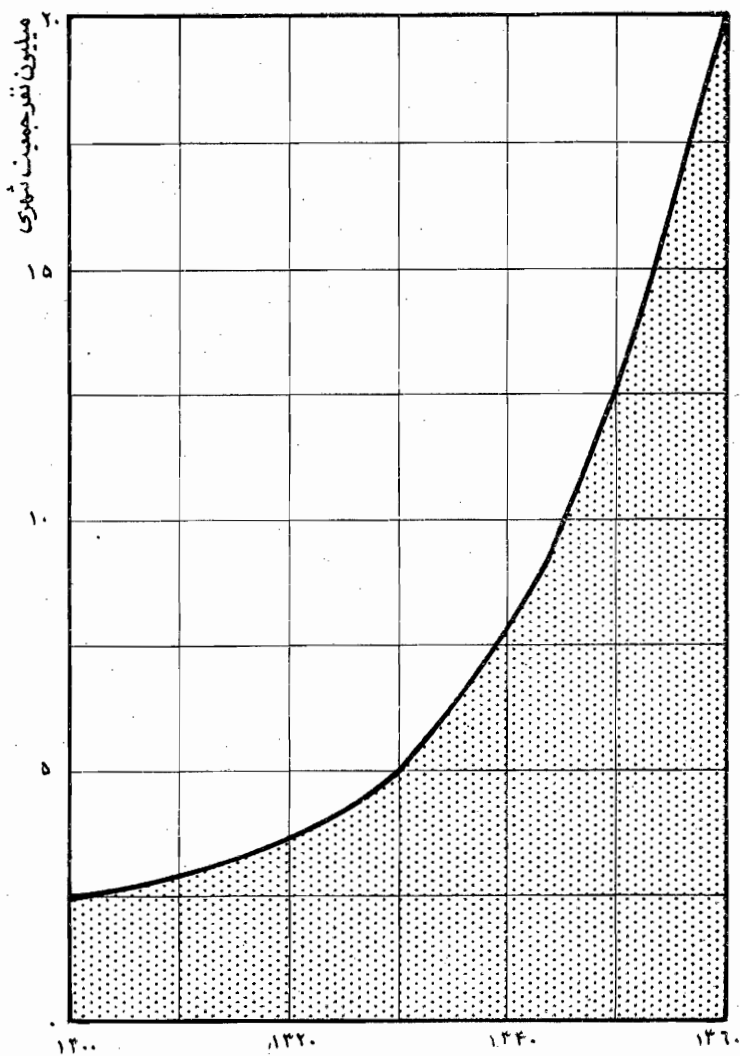
یعنی در عرض دهسال حدود دو میلیون متر مربع واحد مسکونی (بدون در نظر گرفتن زیربنای سایر بناهای اداری، تجاری، آموزشی، بهداشتی و غیره) در

مقابل دویست هزار متر مربع خیابان ساخته شده است.
در حالیکه این نسبت بطور متوسط چیزی بیش از ۲۵
در صد سطح واحدهای مسکونی باید باشد.

اسفند ۱۳۶۲

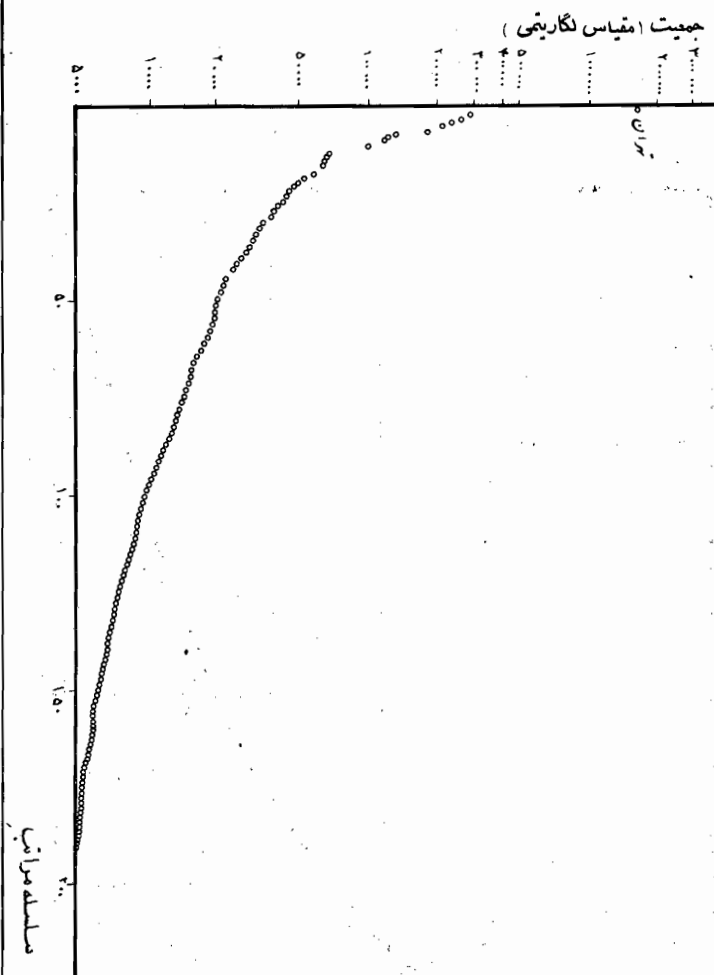
نمودارها، نقشه‌ها و تصاویر

رشد شهرنشینی در ایران ۱۳۰۰ - ۱۳۶۰

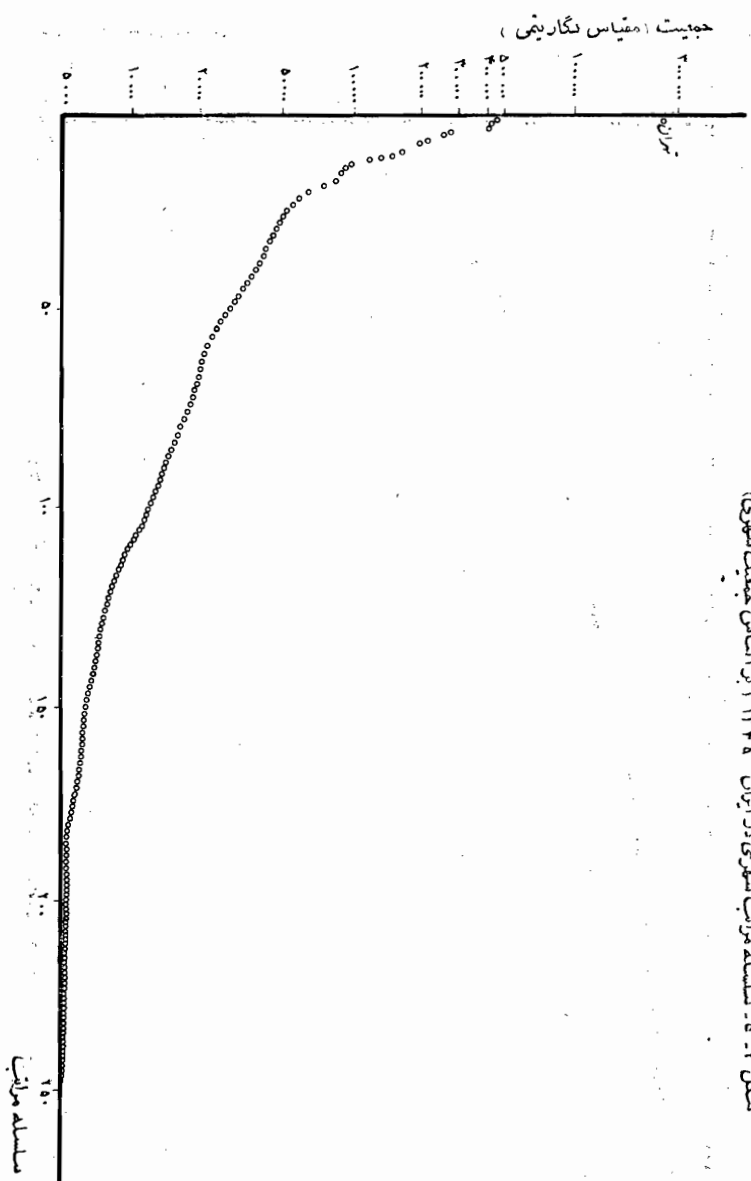


سال

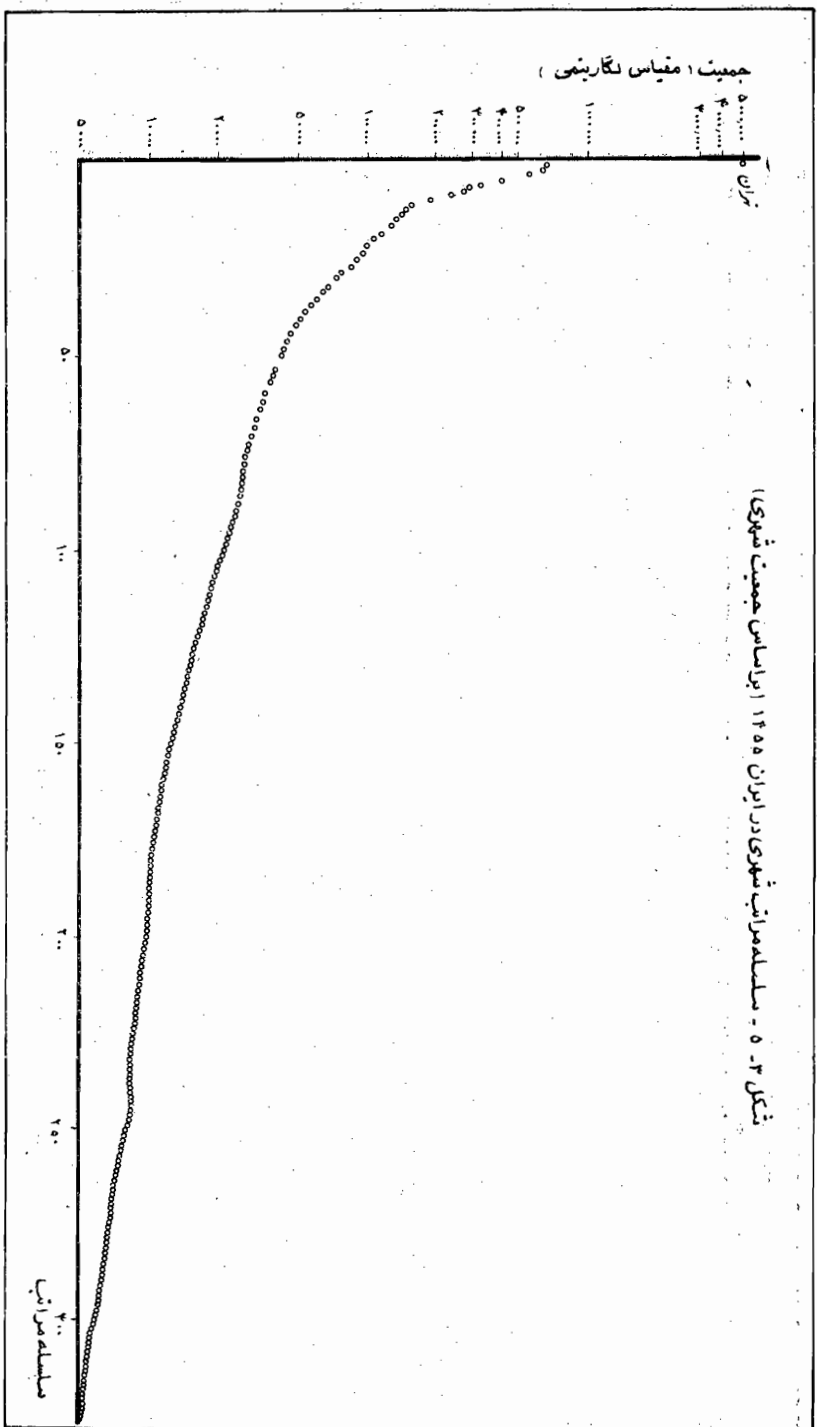
شکل ۱-۵ - سلسله مراتب شهری در ایران ۱۳۵۵ (براساس جمعیت شهری)



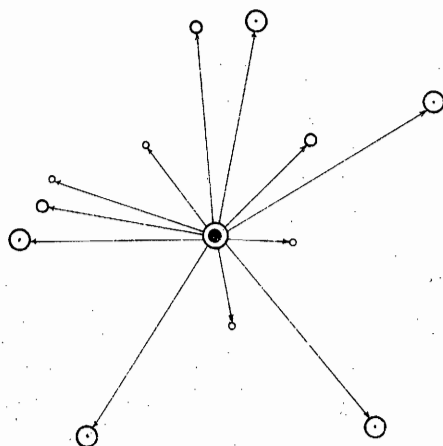
شکل ۲-۵-۵- سلسله مراتب شهری در ایران ۱۳۴۵ بر اساس جمعیت شهری



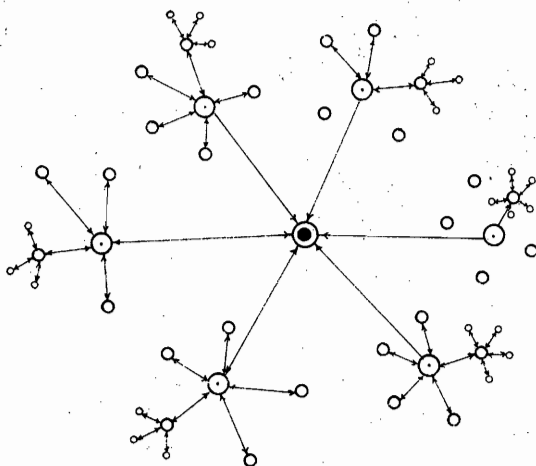
شکل ۳-۵ - مسله مرآتیب شهری در ایران ۱۴۵۵ ابراماس جمعیت شهری



شکل شماره ۱: شبکه شهری زنجیره‌ای (خطی)

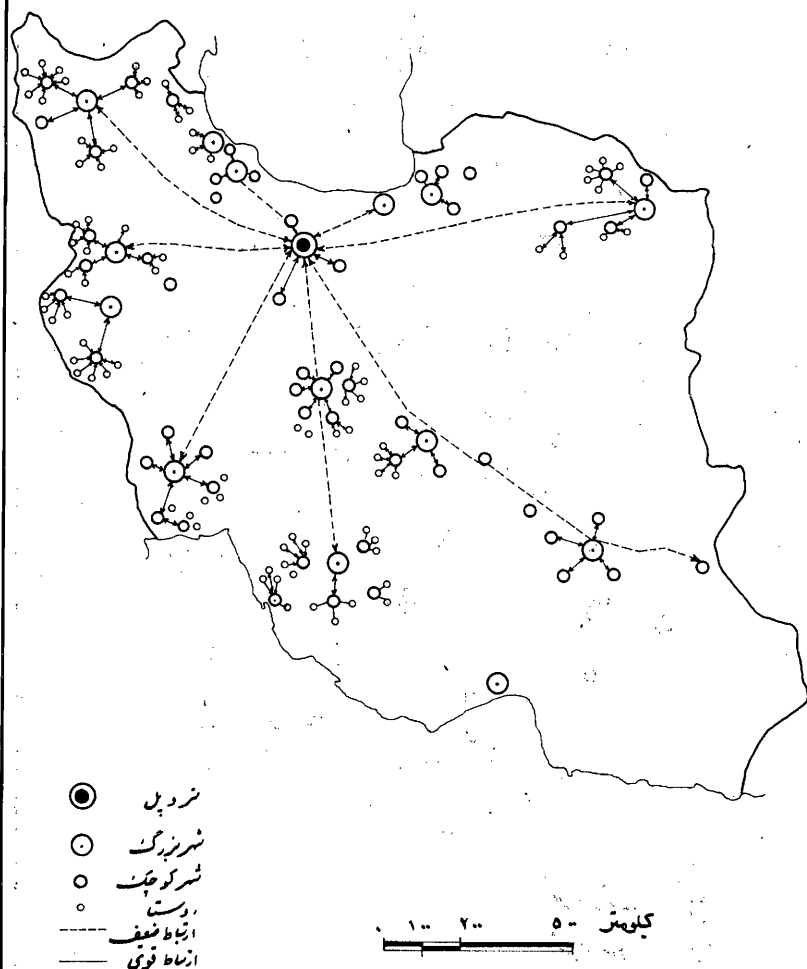


شکل شماره ۲: شبکه شهری کهکشان

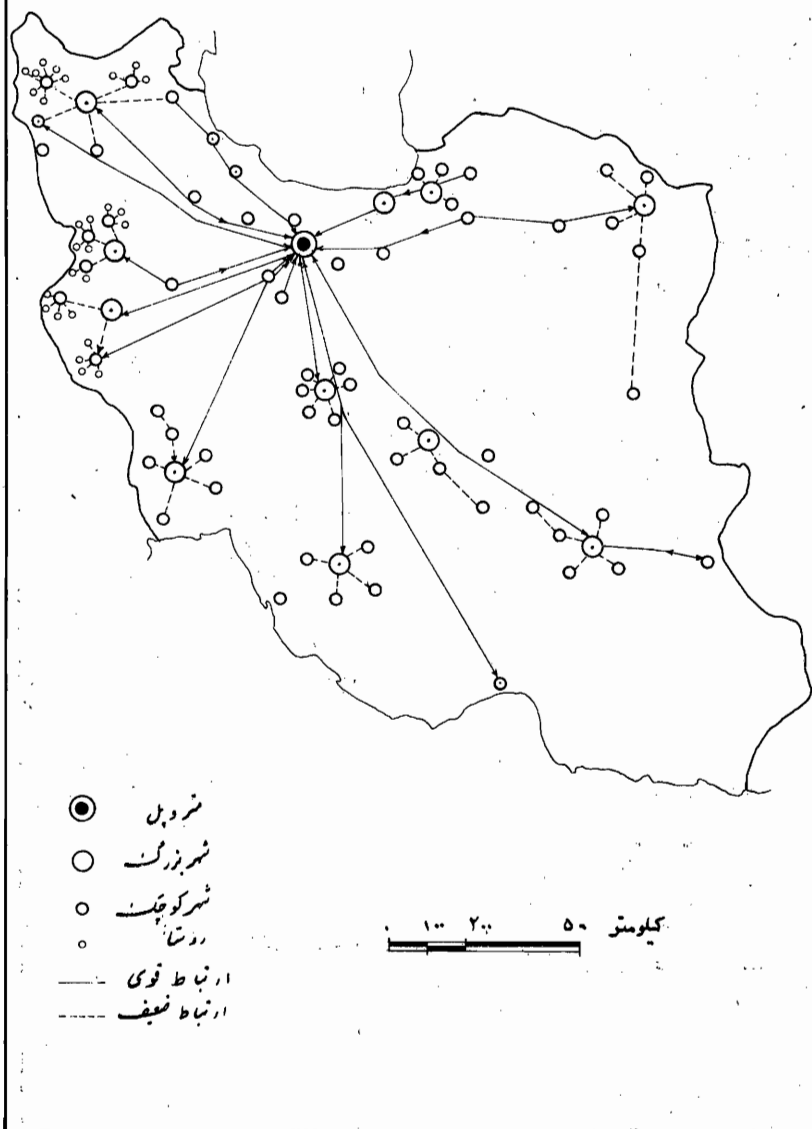


- شهر بزرگ
 شهر متوسط
 شهر کوچک
 روستا
 ارتباط

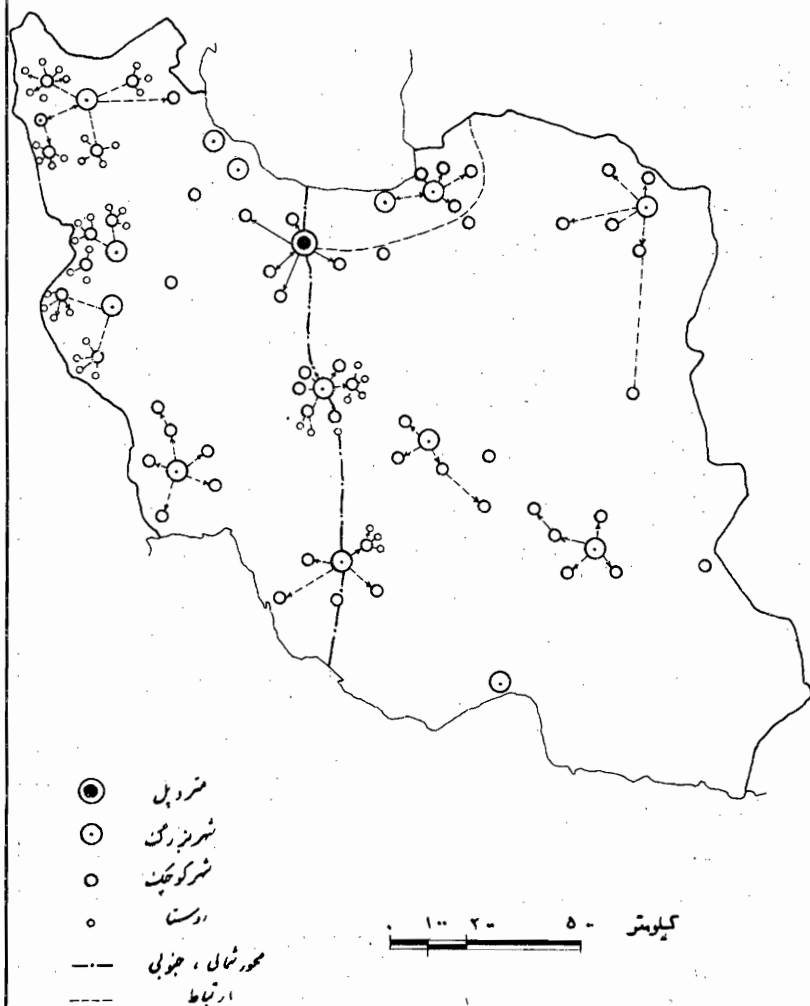
شکل شماره ۱۲: نمودار شبکه شهری در ایران در دهه ۱۴۰۰



شکل شماره ۱. شبکه شهری ایران سال ۱۳۵۵



شکل شماره ۴ - شبکه شهری ایران در دهه ۱۳۵۰



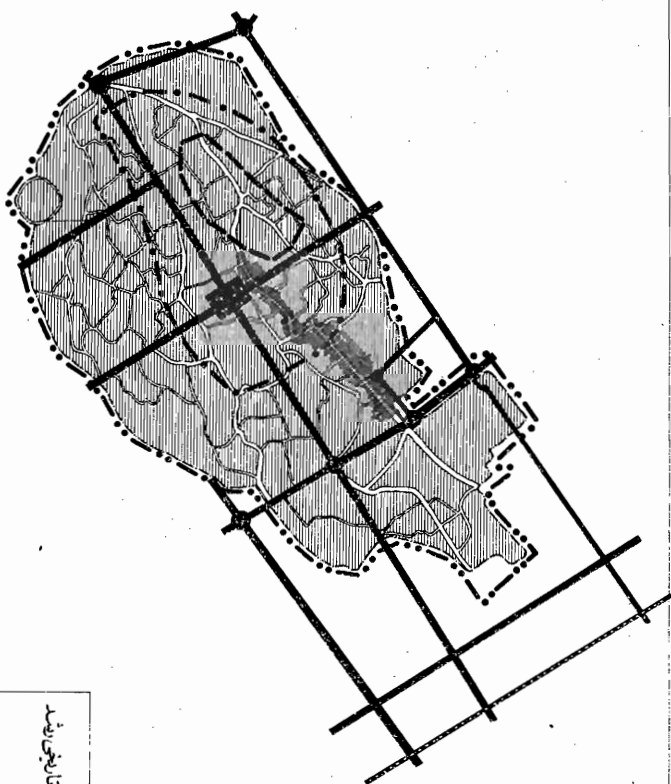


یافت قدیم

محدوده مربوط به حدار اسلام

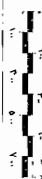
محدوده مربوط به منطقه باغچه

محدوده مربوط به منطقه های صنعتی و کشاورزی



نقشه شهران ۱
یافت قدیمی درون‌های تاریخی شهر
شهرستان

نقشه

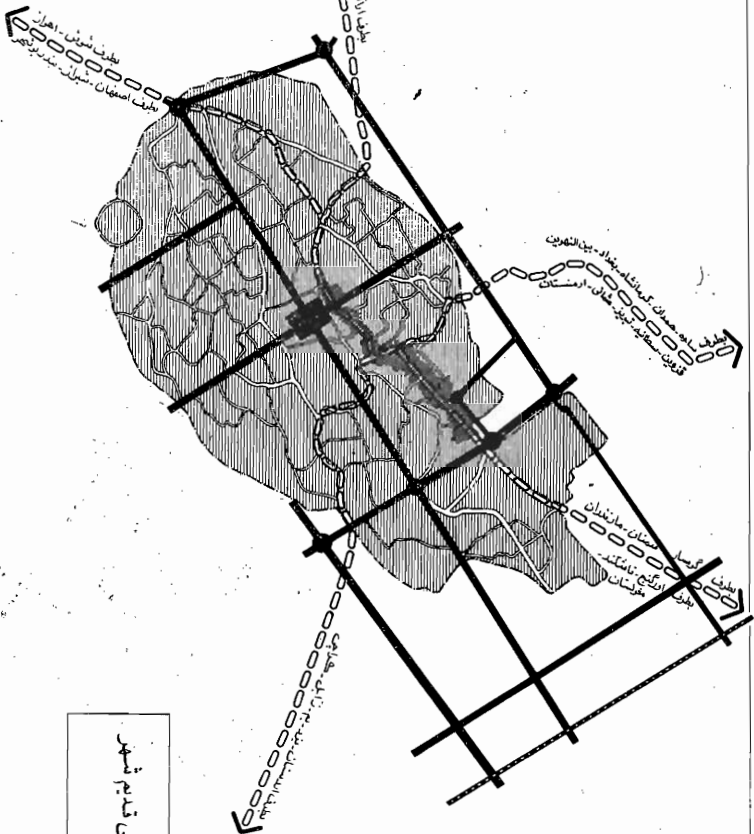




بافت قدیم شهر کاشان

بافت بازان

مسیر راه‌های قدیمی خیابان ازبک‌ها



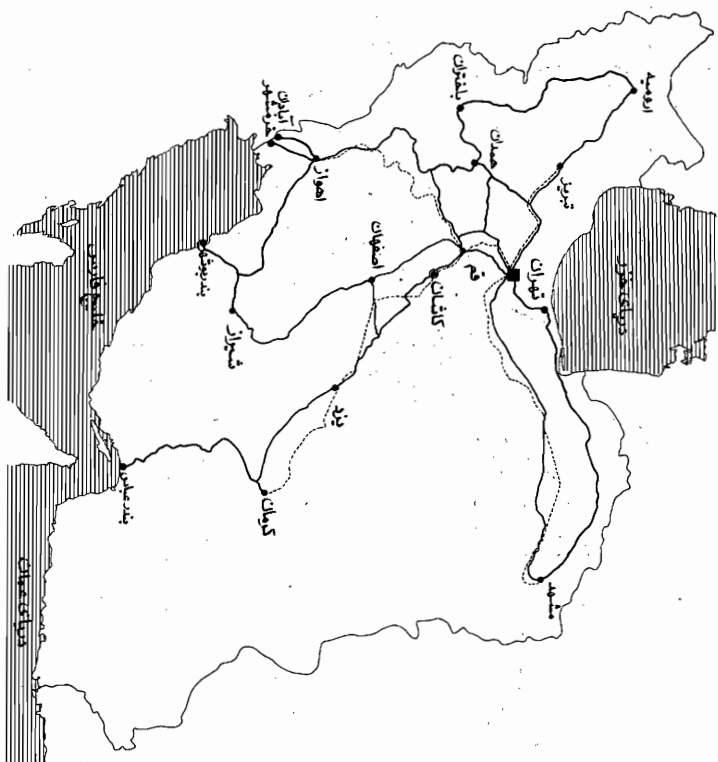
مسير راه های ارتباطی قدیم شهر
کاشان



کیلومتر 0 10 20 30 40 50 60 70 80 90 100



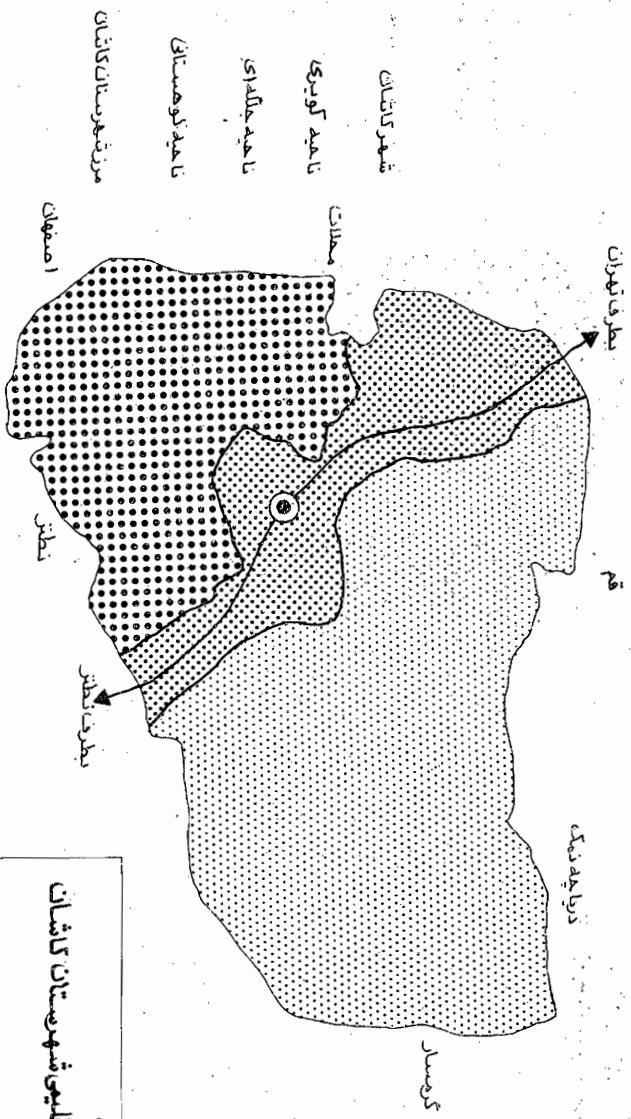
شماره راه‌های اصلی
شماره راه آهن



موقعیت شهرستان کاشان در نقشه ایران
کل کشور



کیلومتر ۰ ۵ ۱۰ ۱۵ ۲۰



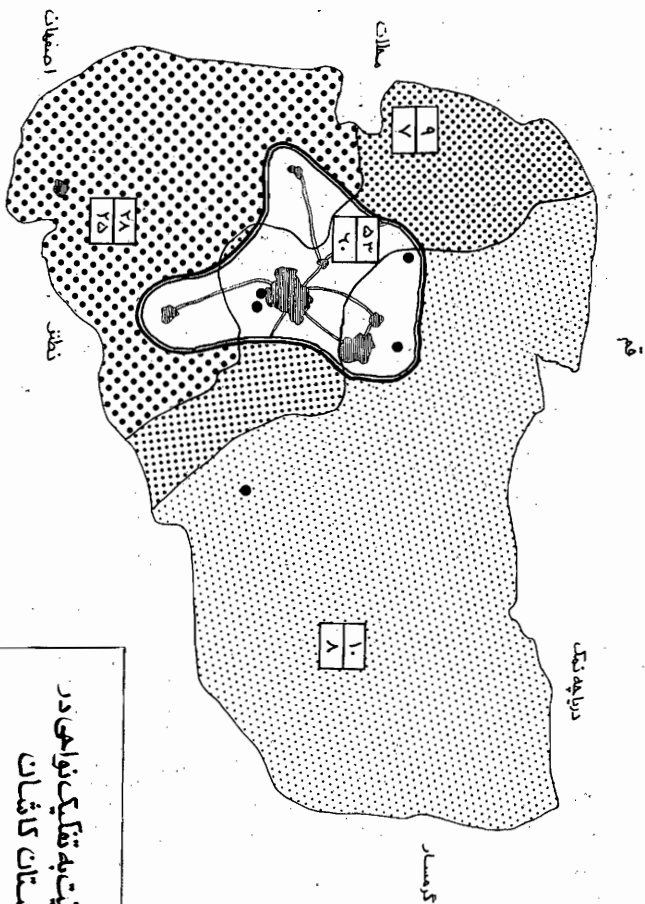
نقشه شماره ۵
تقسیم‌بندی اقلیمی شهرستان کاشان



محدوده کوهپایه
محدوده جلگه‌ای
محدوده کوهستانی
محدوده ناخیزشده‌ی
درصد جمعیت در سال ۱۳۴۵
درصد جمعیت در سال ۱۳۵۵



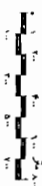
کیلومتر
۰ ۵ ۱۰ ۱۵ ۲۰



نقشه شماره ۲
توزیع جمعیت به تفکیک نواحی در
شهرستان کاشان



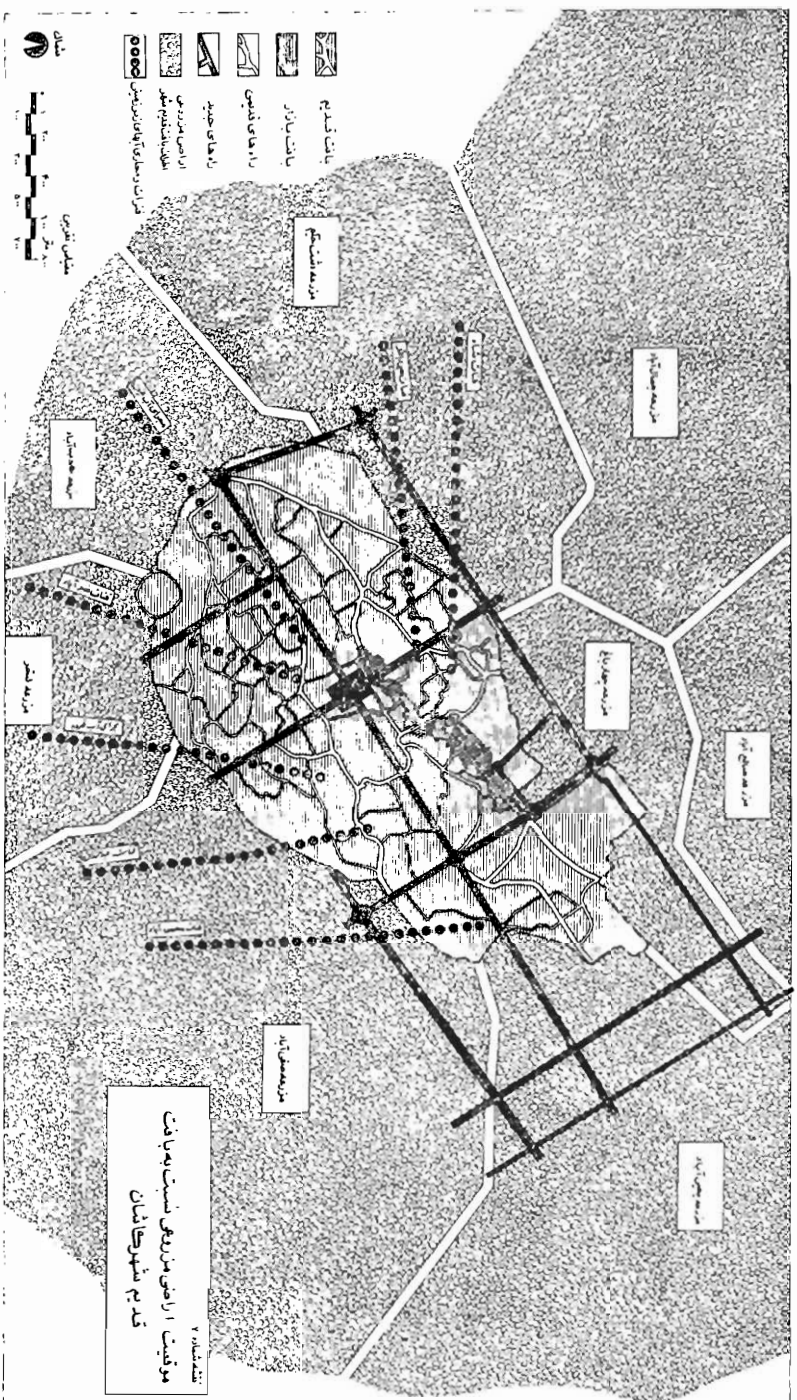
شمال



مقیاس شمسی



پایتخت قدیم
پایتخت بازاری
راه های قدیمی
راه های جدید
اراضی مورد حق
مناطق باستانی شهر
مناطق و محله های باستانی شهر

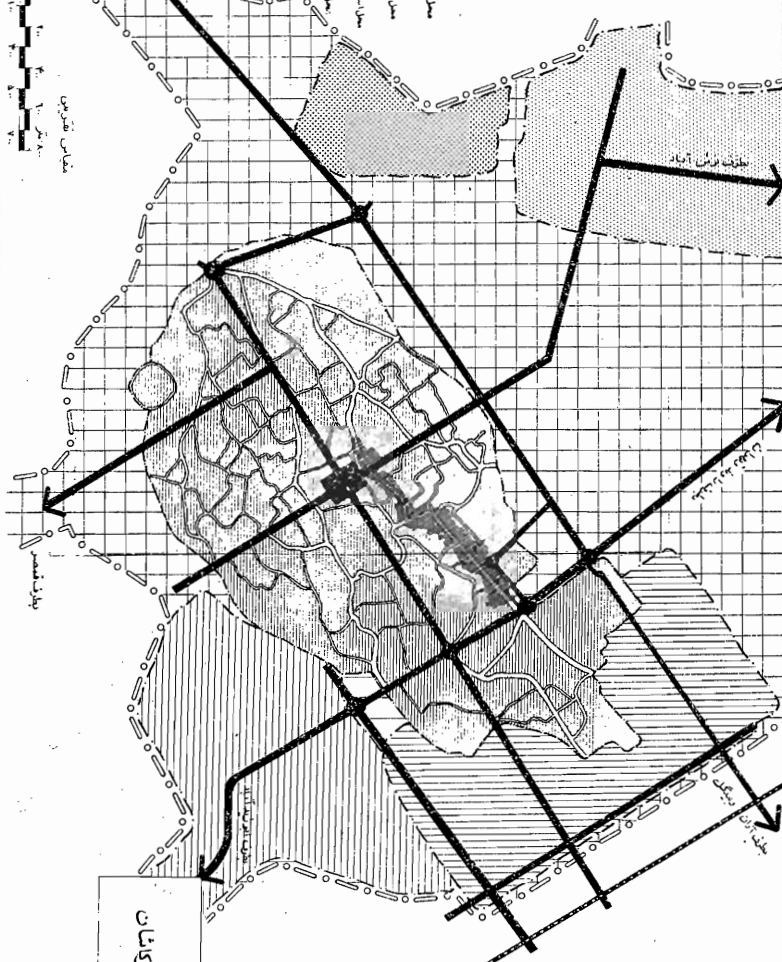


نقشه شماره ۲
موقعیت اراضی مورد حق نسبت به بافت
قدیم شهر کاشان

طريق نوبل و
دارستانها و موشان

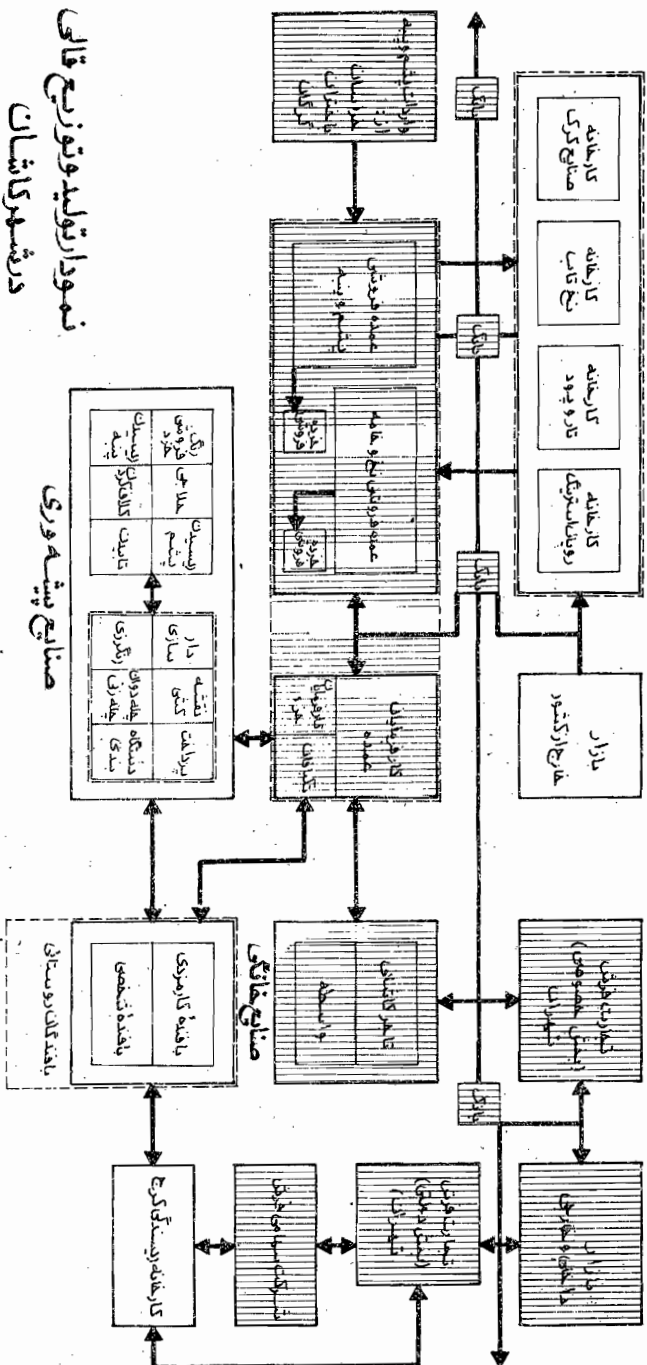


- محل اسكان بايگي ها
- محل اسكان ايريه آيا ارمها
- محل اسكان نوبل كيا و رها
- محل اسكان هاجمين
- آلان و پيدگل
- پات كامي نهر
- جداره
- جداره و پيدگل
- نهر باستان و رها



نقشه شماره ۸
محل اسكان هاجمين و رها و موشان

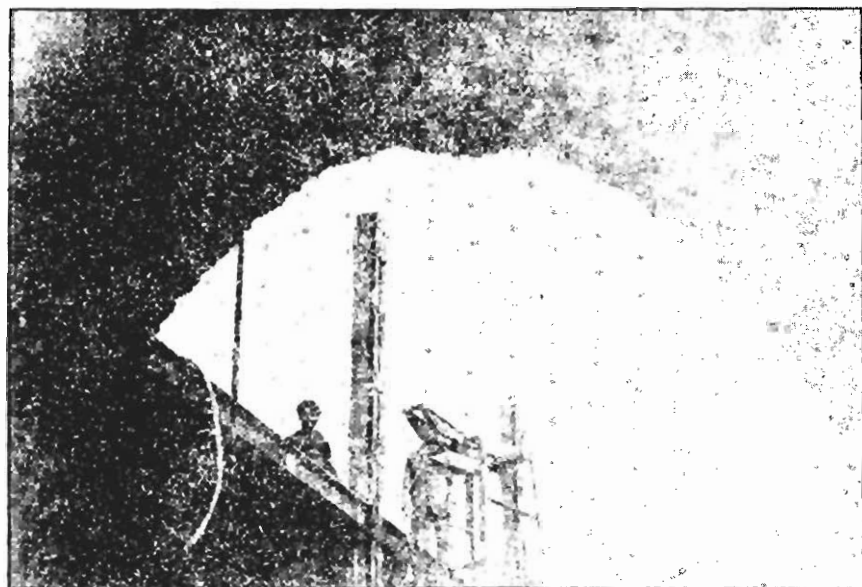
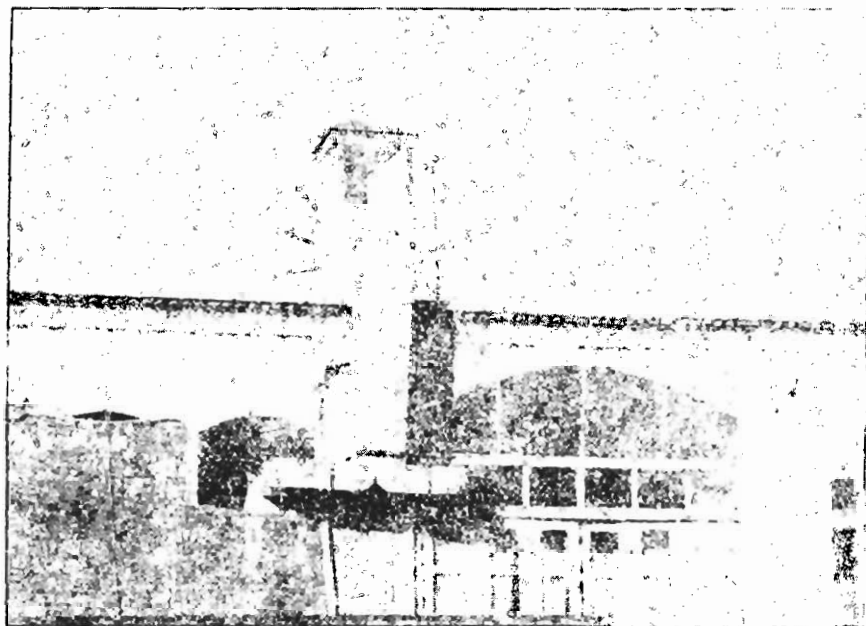
منابع کارخانه ای



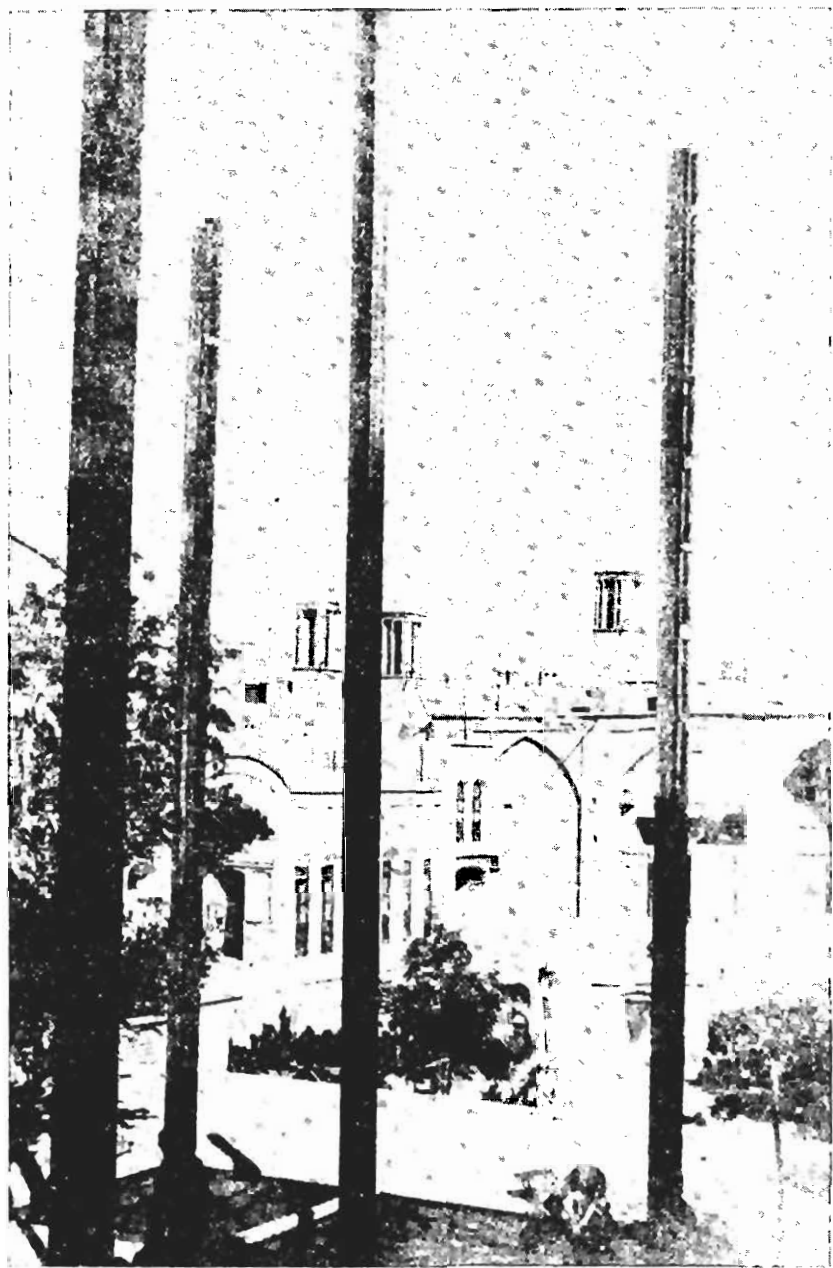
نمودار تولید و توزیع قالی
در شهر کاشان

صنایع پیشہ وری

باغند گالف روستائی



۱- جایگزینی فنون، مصالح و کالاهای جدید ساختمانی

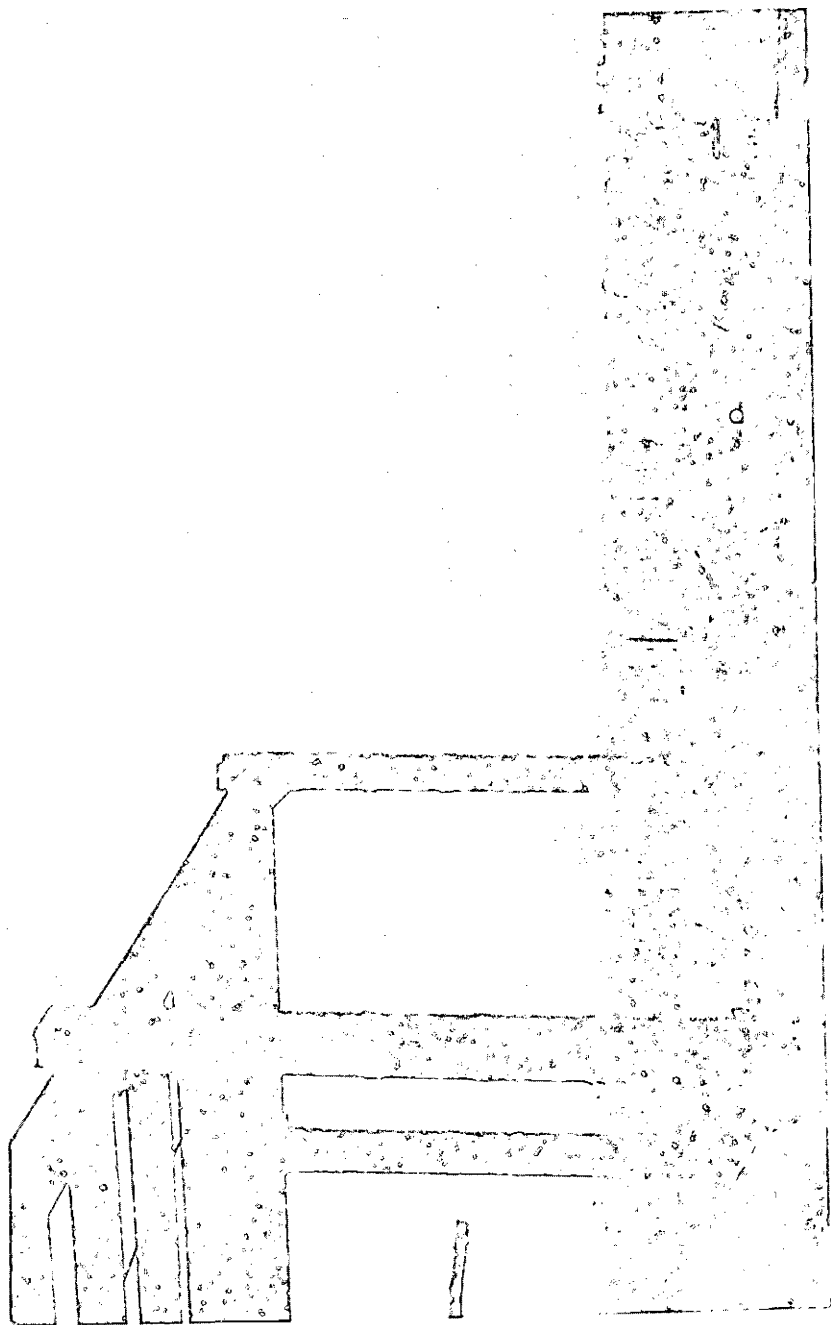


۲- جایگزینی بافت جدید





۴- تفکیک باغات و مزارع خارج شهر



۶- توسعه شیر در حریم قنات خشک شده

